۴۶۴۸

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب مکارم الاخلاق

مؤلف ابونصر الحسن بن علی الفضل الطوسی

موضوع

شماره ثبت ۵۶۶۸

شماره ثبت کتاب ۸۲۳۰

۶۱۸۲۹

خطی فهرست شده

۵۶۶۸

اسکن شد ۱۳۸۷/۹/۳

بازدید شد ۱۳۸۲

۴۴۳۸

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب مکارم الاخلاق

مؤلف ابونصر الحسن بن علی الفضل الطوسی

موضوع

شماره قفسه ۵۶۶۸

شماره ثبت کتاب ۱۲۳۰

۵۱۸۲۹

خطی، فهرست شده

۵۶۶۸

۰٤

۱۳۸۷/۹/۳۰

اسکن شد

بازدید شد

۱۳۸۲

بازرسی شد
۳۷ - ۳۶
مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۴
کتابخانه

کتابخانه مجلس شورای ملی

مکارم الاخلاق

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و ثنا قیومی را که عقول ذریات آدم از کنه ذات او قاصر است
و شکر و سپاس آن قیومی را که آثار قدرت او در تکوین مکونات
ظاهر است حکیمی که ابنای آدم را بخلعت کرامت و لقد کرمنا بنی آدم مشرف
گردانید و توفیق معرفت ربوبیت و وحدانیت خود رفیق طایفه گرد
که مستعدان آن حال و طالبان بودند و جهة تکمیل انواع انسان انبیا
و رسل فرستاد و سرور ایشان در رسالت و خاتم ایشان در نبوت
حضرت سید و حبیب رب العالمین محمد مصطفی صلی الله علیه و آله الطیبین
الطاهرین از میان برگزیده و معجزات قاهره و دلالات باهره کرامت
فرمود و صحن گیتی بوجود او که مقصود آفرینش بود و تشریف لولاک
در شان او در است و بر بالای او چست می آمد منور گردانید و بنور علم

(58)
ن

و نور حلم او که و انک لعلی خلق عظیم آفاق را موشح ساخت تا بدان
سبب ظاهر و باطن عالمیان بخصال حمیده و اخلاق پسندیده و نور
ایمان پا[illegible] از ضلالت و شرک و غرور شیطان و ظلمت جهل
نفسانی برهانید صلی الله علیه و اله الطیبین الطاهرین صلوة دائمة باقیة متصل
الی یوم الدین اما بعد چنین گوید مؤلف این کتاب الشیخ العالم المتقی
المحقق فخر الحاج والحرمین ابو نصر الحسن ابن علی الفضل الطبرسی رحمه الله که
بدرستی که حق سبحانه و تعالی اقتدا بحضرت مصطفی صلی الله علیه و آله
کلید رضای خود ساخت لقوله تعالی لقد کان لکم فی رسول الله اسوة
حسنة و موجب محبت خود گردانید لقوله قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی
یحببکم الله باعث شد این کلام عظیم بر آنکه جمع سازم کتابی در محاسن آداب
و مکارم اخلاق آنحضرت علیه السلام چنانکه فرمود بعثت لاتمم مکارم
الاخلاق یعنی فرستاده شدم جهة آنکه اخلاق نیکو را با تمام رسانم
چون معرفت هر چیز مقدم است بر عمل الخیر و چون دیدم در کلام امیر المؤمنین
علیه السلام والتحیة والاکرام در کتاب نهج البلاغه خطبه مشتمل و محتوی بر
حقیقت روش انبیا علیهم السلام و مبنی بر کمال توجه بحضرت پروردگار
در حال خوف و رجا و حضرت پیغمبر ما را علیه السلام بکمال آن سیرت

را باقتدا او پی روی او ترغیب نمود و ارشاد فرمود و ترجمهٔ خطبهٔ حضرت
امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام که در نهج البلاغه مذکور است
اینست که پیغمبر که دنیا در چشم او عظیم و بزرگ نمود و در دلش جای گرفت دنیا
را از خدا دوست تر داشت و از خدا برید و بدنیا پیوست و در اقتدای
پیغمبر علیه السلام کافی بود ترا و دلیل روشن بر ذم دنیا و عیب او و بسیاری
قبایح او جهت آنکه خدای تعالی اسباب دنیا از او گرفت و بکنار داشت
و بجهت دیگران تمام ساخت و میسر گردانید دوم اگر خواهی پیروی
موسی علیه السلام کنی وقتی که گفت رب انی لما انزلت الی من خیر
فقیر والله که درخواست نان میکرد که در آن محل شاد دل کند از جهة
آنکه گیاه میخورد و از غایت لاغری سبزی گیاه از درون شکمش بیرون
مینمود و اگر خواهی اقتدا به سیوم داود پیغمبر است علیه السلام که صاحب
آواز خوش و قاری اهل جنت است او از برگ خرما بدست خود زنبیلها
می بافت و با همنشینان خود میگفت که کدامین از شما این را از برای من
می فروشید و نان جوی از بهای آن میخرید و اگر میخواهی بچهارم که عیسی بن مریم است
اقتدا کنی در پستی که او خشت زیر سر مینهاد و جامهای درشت می پوشید
و نان خورشش گرسنگی بود و چراغش ماهتاب و پناهش در زمستان آفتاب

و میوه و ریحان او آنچه از زمین می رست از برای حیوانات و او را زنی
نبود که مفتون او شود و فرزند نداشت که بجهة آن محزون گردد و مالی
نه که بدان روی کند و طمعی نه که بسبب آن خوار و ذلیل گردد و مرکب
پایش بود و خدمتکار دستش پس اقتدا کن به پیغمبر خود که پاکتر و
پاکیزه تر است محمد مصطفی صلی الله علیه و آله که نیکوست اقتدا به پیغمبر خود
که او از دنیا اندکی خورد و نگاه بدنیا نمیکرد و از همه کس از دنیا پهلو تهی
تر و شکم خالی تر بود و دنیا بر او عرض کردند از قبول آن ابا نمود و دانست
که الله تعالی دوست ندارد پس او نیز دنیا دشمن داشت و هرچه خداوند
تعالی حقیر و کوچک داشت او نیز حقیر و کوچک دانست و بتحقیق که
رسول صلی الله علیه و آله می نشست بر روی زمین نشستن بندگان
و غلامان و نعلین خود را بدست خود درفش میزد و میدوخت و جامهٔ
خود را بدست خود پینه میکرد و بر دراز گوش بی پالان سوار میشد
دیگری را در عقب خود سوار میکرد و اگر پردهٔ در خانه دیدی که نقشی
داشتی بحرم خود گفتی که از برابر چشم من دور گردان که هرگاه
نظر من بر آن می افتد زخارف و آرایش دنیا بخاطرم میرسد پس بدل از
دنیا اعراض کردی و از نفس خود یاد دنیا محو ساختی و دوست داشتی که از نظر مبارکش

دور شود همچنانکه از دل پاکش دور بودی تا از آن زینت قبول
نفرماید و اعتقاد و قرار و امید اقامت در و نکند پس دنیا از خاطر بیرون
کرد و از دل خود پوشانید و از مقابل چشم دور ساخت و همچنین اگر کسی
هرچه را دوست ندارد و هرگز نخواهد که آنرا ببیند و یاد او نخواهد که پیش
او کنند و یقین که در افعال پیغمبر صلی الله علیه و آله چیزها ظاهر است که
دلالت بر عیوب دنیا و بد بهای او کند مثل آنکه آنحضرت در دنیا گرسنگی
کشید او و خواص او و از و بگوشه داشتند زخارف و زینتهای دنیا
باوجود قرب او و علو منزلتش نزد الله تبارک و تعالی پس نظر کند
نظر کننده عاقل که از کرامت و عزت پیغمبر بود نزد الله تعالی که او را
دنیا نبود یا از اهانت و ذلت بود اگر کسی گوید که از جهة اهانت و ذلت
بود دروغ گو باشد بخدای تعالی و اگر گوید که جهت تکریم و تعظیم او بود
پس یقین داند که غیر او را اهانت کرد که دنیا داد و دور گردانید بجای آورد
دنیا را از نزدیکان خود باید که اقتدا کنند به پیغمبر خود و پی روی او
و به اثر او در آید و اگر نه از هلاک ایمن نگردد پس بدرستی که الله
تعالی پیغمبر ما را صلی الله علیه و آله نشانه قیامت و بشارت دهنده
بهشت و بیم کننده از عقوبت گردانید بیرون رفت از دنیا شکم تهی بآخرت

رسید هرگز خشتی بر روی خشتی ننهاد تا بعالم آخرت پیوست و دعوت
حق را اجابت فرمود چه بزرگست نعمت خدای تعالی بر ما و نزد ما این که
انعام و احسان بما فرموده بود و بجود مبارک خود که او پیشوا شده ما
تابع او شدیم و او رهبر ماست و ما در عقب او می رویم و بخدا سوگند که چندان
پینه کردم این جامه را که شرم میدارم از دوزنده اش و گوینده بمن گفت
که دور نمیکنی این جامه را از خود گفتم دور رو از من که هرکه شبگیر کند صباح
که بمنزل رسد ستایش رفتن خود کند و این خطبه کافیست در مقصود
بطریق اجمال و من بعد ازین بتفصیل چاپ مکارم اخلاق نبوی صلی الله
علیه و آله کنیم در جمیع حالات و تصرفات و سفر و حضر و نشستن و بر
خاستن و خوردن و آشامیدن آنحضرت و هرچه دیگر از ائمه معصومین
وارد شده از اخلاق و احوال نسبت باکابر مردم مذکور خواهد شد
و از خداوند تعالی توفیق میخواهم در اتمام این کتاب که آسان گردیدن
هر کار دشوار بر او آسان است و بر دوازده باب ترتیب داده شده
باب اول در خلق حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله و خلق او و سایر
احوال او در پنج فصل یاد کرده میشود **فصل اول** در خلقت مبارک او و خلق
شریف و سیرت منیف او **فصل دوم** در بعضی از احوال و اخلاق او از کتاب

شرف النبی فصل سیوم در اخلاق او در خوردن فصل چهارم در اطوار او
در آشامیدن فصل پنجم در ذکر مجملی از احوال آن حضرت باب دوم در
آداب پاکی و خوشبویی و سرمه کشیدن و روغن مالیدن و مسواک
کردن مشتمل بر سه فصل فصل اول در پاکی و خوشبویی و مانند اینها
فصل دوم در سرمه کشیدن و روغن مالیدن فصل سیوم در مسواک کردن
باب سیوم در آداب حمام رفتن و آنچه بدان متعلق است و این در شش
فصل مذکورست فصل اول در کیفیت دخول حمام فصل دوم در ستر عورت
فصل سیوم در مالیدن کیسه و روغن زیت و سبوس فصل چهارم در تراشیدن
سر و موی باقی اعضا فصل پنجم در سر شستن باخطمی و برگ کنار فصل
ششم در نوره نهادن باب چهارم در آداب ناخن چیدن و بروت
گرفتن و موی شانه کردن و در آیینه دیدن و حجامت کردن و این مشتمل است
بر چهار فصل فصل اول در ناخن چیدن فصل دوم در بروت گرفتن
و اصلاح تدویر محاسن کردن و در آیینه نگاه کردن فصل سیوم
در موی سر شانه کردن و آنچه بدان متعلق است فصل چهارم در حجامت کردن
باب پنجم در موی رنگ کردن و زینت و انگشتری و آنچه بدان متعلقست
و این در شش فصل مذکورست فصل اول در رنگ کردن محاسن

و ترغیب کردن بران فصل دوم در رنگ کردن محاسن بسیاهی
فصل سیوم در رنگ کردن بحنا و غیر آن و دست و عورات رنگ کردن
فصل چهارم در کراهیت خضاب جنب و حایض را و پوشیدن فصل
پنجم در انگشتری و آنچه بدان متعلق است فصل ششم در آرایش
زنان و زیور با انگشتری و حلی و عیار و غیر اینها باب ششم در آداب لباس
پوشیدن و ترتیب مقام و مسکن رعایت کردن و آنچه بدان متعلقست
و این بر ده فصل مذکورست فصل اول در لباسهای خوب پوشیدن
و کیفیت آن فصل دوم در جامه ته کردن و پاک نگاه داشتن فصل سیوم
در پوشیدن انواع ملبوسات و الوان آن فصل چهارم در ذکر خز پوشیدن
و حله و غیر آن فصل پنجم در بد اختر و خودبینی از جامه و ملبوس و تواضع
و افتادگی فصل ششم در کراهت لباس شهرت و نکته چند در آن
فصل هفتم در دستار و طاقیه فصل هشتم در پوشیدن مسح و موزه و نعلین
فصل نهم در مسکن و ماوی و آنچه جایزست از آن و آنچه بدان متعلقست
فصل دهم در جامه خواب و فراش و غیر آن باب هفتم در آداب خوردن
و آشامیدن و آنچه بدانها متعلق است و این بر سیزده فصل مذکورست
فصل اول در فضیلت طعام دادن و نیکویی کردن و روزه سنت گرفتن

فصل دوم در آداب دست شستن فصل دوم در آداب خوردن وانچه
متعلق است بآن فصل سیوم در آداب آشامیدن وانچه متعلق است
بآن فصل چهارم در آداب خلال کردن فصل پنجم در فضیلت نان
بر سایر ماکولات فصل ششم در منافع آبها فصل هفتم در منافع گوشتها وانچه
متعلق است بآن فصل هشتم در شیرینیها فصل نهم در ذکر میوها فصل دهم
در ذکر سبزیها فصل یازدهم در یاد کردن حبوبات فصل دوازدهم در خوردنیهای
غیر مکرر باب هشتم در باب کدخدایی کردن وآنچه بدان متعلق است
واین در ده فصل مذکورست فصل اول در رغبت نکاح و برکت زنان
بعضی و شومی بعضی از ایشان فصل دوم در اصناف زنان و اخلاق ایشان
فصل سیوم در نکاح که بهمه و مناسب شخصی باید که باشد و نکتهٔ چند در نکاح
فصل چهارم در آداب عروسی و مباشرت کردن وغیر اینها فصل پنجم
در حق شوهر بر زن و حق زن بر شوهر وانچه متعلق است بآن فصل ششم
در ذکر فرزندان وانچه متعلق است بآن فصل هفتم در ذکر عقیقه کردن
وطعام دادن جهة مولود فصل هشتم در ذکر سنت کردن فرزند وانچه
متعلق است بآن فصل نهم در منهیات متعلق زنان فصل دهم در نکتهٔ
چند در باب نکاح باب نهم در آداب سفر وانچه بدان متعلق است واین

در هشت فصل یاد کرده میشود فصل اول در سفر کردن و وقتهای
نیک و بد دانستن فصل دوم در افتتاح سفر بصدقه دادن و خیر کردن
وغیر آن فصل سیوم در وقت بیرون آمدن از خانه وانچه در آن
عمل مستحبست فصل چهارم در مکارم اخلاق در سفر فصل پنجم در حفظ
اسباب واموال واستخاره کردن وطلب حاجات از حضرت خداوندی
فصل ششم در آداب راه رفتن وکراهت تنها بودن در سفر و دعاهای
چند دیگر فصل هفتم در خدمت و محافظت چهارپایان و حق ایشان
بر صاحب فصل هشتم در نکتهای نادره که در سفر واقع است باب دهم
در آداب ادعیه خواندن وآنچه بدان متعلق است واین در پنج فصل
مذکورست فصل اول در فضیلت دعا خواندن و کیفیت آن فصل دوم
در دعاهای شبانروزی از ادعیه گزیده فصل سیوم در ذکر درود بر حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله واستغفار و گریه فصل چهارم در نمازها که جهة حصول
مهمات گذارند فصل پنجم در دعاهای چند نادره باب یازدهم در آداب مرض
ومعالجه کردن وانچه بدانها متعلق است واین در پنج فصل مذکورست فصل
اول در آداب بیمار و پرسش کننده و علاج آن فصل دوم در شفا
خواستن از قرآن مجید از برای سایر امراض فصل سیوم در شفا طلب

کردن بصدقه و دعا و نماز از برای بیماری امراض **فصل چهارم** در فسونها
از برای بیماری امراض **فصل پنجم** در حرزها و دعاهای لایق بدین کتاب
باب دوازدهم در نکتهای نادرهٔ این کتاب و آن در هفت فصل یاد کرده
می شود **فصل اول** در حقوق که بر آدمی لازم است منقولست از کلام
حضرت امام زین العابدین علیه السلام **فصل دوم** در ذکر بعضی از کلام
حضرت نبوی صلی الله علیه و آله در یاد کردن مناهی **فصل سیم** در وصایایی
که حضرت پیغمبر با امیر المؤمنین علیه السلام فرموده **فصل چهارم** در مواعظ
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به عبد الله مسعود فرموده **فصل پنجم**
در وصایایی که حضرت پیغمبر با ابو ذر غفاری کرده **فصل ششم** در اختیارات
روزهای ماه که از امام جعفر صادق مرویست **فصل هفتم** در ختم کتاب
بخطبهٔ از کلام امیر المؤمنین علی علیه السلام **باب اول** در خلق حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و خلق او و سایر احوال او و این در پنج فصلست
فصل اول در خَلق و خُلق پیغمبر صلی الله علیه و آله و سیرت آنحضرت
با همنشینان بروایت امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم
السلام والتحیة والاکرام وصلی الله علی محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین
وسلم تسلیما کثیرا منقولست از کتاب محمد بن ابراهیم طالقانی از ثقات

که از امام حسین علیه السلام مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و آله
وسلم روی مبارک حضرتش میدرخشید همچون ماه شب چهارده
و قد مبارکش نه کوتاه بود و نه دراز موی مبارک او تا بناگوش
بود گشاده پیشانی و گشاده ابرو و رگی بود در میان پیشانی
مشهور برگ هاشمی هرگاه که غضب فرمودی آن رگ ظاهر و پیدا نمودی
بلند بینی بود و رخسار مبارکش لطیف و هموار گشاده دندان و
معتدل دهان گردن مبارکش چون گردن آهو در نیکویی و خوش
آیندگی چون نقرهٔ خام سفید و لطیف حلق هموار و سپادی الاجز
اشکم و سینه یکسان بود نه زیر و نه بالا سینهٔ مبارکش پهن
و هر دو کتفش از یکدیگر دورتر بودند از آخر گلوی مبارکش تا ناف
خطی از موی باریک و هموار کشیده بود و زیاده از آن بر ناف و بر پستان
و سینه و شکم موی نبود و بر دوش و ساعدش فی الجمله موی بود
و ساعدان مبارکش دراز کف دست گشاده پشت پای جسته
بود چون براه رفتی بآهستگی و نرمی باوجود آنکه در غایت جستی قدم
کشیدی برفتی هرگاه که روی باز پس کردی تمام بدن مبارکش
باز گردیدی دایم چشم بزیر داشتی و نظر مبارکش بزمین بیشتر

که بر آسمان بودی اغلب نگاه کردن او بگوشه چشم بودی با هر که
ملاقات کردی ابتدا بسلام کردی دایم دل حزین و متفکر بودی و
آسایش نجستی و نداشتی دایم خاموش بودی و تا ضروری نشدی
سخن نگفتی و چون تکلم کردی آنچه ماحصل سخن بودی در عبارت فصیح اندک
بیان کردی که بر همان مفصل سخن بودی و تعظیم نعمة آلهی کردی اگرچه
اندک بودی نعمتی را مذمت نفرمودی و هرچه از آن چشیدی نیکو و بد
ظاهر نکردی و مدح و ذمش نگفتی و بواسطه امر دنیوی در قهر نشدی
و اگر ناحقی دیدی در غضب نیاسودی تا انتقام آن نستدی و خاطر
ور روی هیچکس در آن ندیدی و از جهة هوای نفس دلش قهر نکردی و یاری
از کس نخواستی و چون بدست اشارت کردی بتمام دست اشارت
فرمودی و چون تعجب فرمودی دست گردانیدی و در وقت سخن گفتن
بدست اشارت فرمودی و کف دست راست بر انگشتان دست چپ زدی
و چون قهر کردی روی بطرف دیگر کردی و چون شاد شدی چشم
مبارکش بزیر انداختی بیشتر خنده اش تبسم بودی و چون دندان مبارک
نمودی گویی در مکنون بودی و از امام حسین علیه السلام مرویست که فرمود
از پدر خود امیر المؤمنین علی علیه الصلوة والسلام شنیدم که چون پیغمبر

صلی

صلی الله علیه و آله بخانه خود آمدی اوقات خود سه بخش کردی
یکی از برای عبادت حق سبحانه و تعالی و یکی دیگر بمباشرت اهل
خانه و یکی بخش دیگر جهة احوال خود و این بخش که از خود بودی
میان مردم قسمت کردی جهة مهم سازی و تفقد احوال فقرا و هر کس
را بقدر و رتبت آنکس در علم و دین حرمت داشتی و سخن گفتی و مهم
سازی کردی و نصیحت و موعظه فرمودی امر کردی که هر کس در
مجلس حاضر است بغایبان مجلس برساند و فرمود که هر کس که نتواند
که عرض حاجت خود نزد من کند شما که حاضرید حاجتش نزد من
آرید و فرمودی که هر کس حاجتی از حاجتمندی نزد پادشاه رساند
که صاحب حاجت را استطاعت عرض حاجت خود نباشد روز قیامت
خدای تعالی پایهای او را ثابت و قایم دارد و هر که بخدمت آنحضرت
رفتی چون از خدمتش بیرون آمدی دانش و معرفت او را حاصل
بودی ببرکت صحبت او و فرمود که از پدر پرسیدم که حضرت چون
از خانه بیرون رفتی چه کردی فرمود که زبان مبارک خاموش داشتی
مگر در آنچه ضرورت شدی که تکلم کردی و اصحاب را باهم بالفت و یاری
ترغیب فرمودی و از نفرت و جدایی دور داشتی اکابر هر قوم را

حرمت داشتی و ریاست و سروری آن قوم بدو تفویض فرمودی
و از مردم بر حذر فرمودی و احتراز نمودی و بر روی همه کس خندان
بودی دایم تفحص اصحاب خود کردی و احوال و اطوار مردم از مردم
پرسیدی آنچه نیک و پسندیده بودی تحسین کردی و تقویت فرمودی
و آنچه بد بودی از ان ترهیب و منع نمودی و از احوال مردم نیز غافل
نبودی از جادهٔ اعتدال و نهج استقامت عدول نکردی و آنچه
محض حق بودی آن کردی بی زیاده و نقصان و آنکسانی که دایم
گرد او بودندی اخیار و برگزیدگان قوم بودندی و بهترین مردم
نزد او کسانی بودند که معاش ایشان بمدارا و مواسا بودی و دیگر
فرموده حضرت امام حسین علیه السلام که پرسیدم از پدر که نشستن
آن حضرت در مجلس با مردمان چون بودی فرمود نشستی و بر
نخواستی الا آنکه ذکر حق سبحانه و تعالی کردی و چون بمجلس
در آمدی هر جا که محل دیدی نشستی و از بالا و شیب تفاوت ننهادی
و یاران و امت چنین امر کردی و با همنشینان اختلاط و موانست حال
کردی که آنکس گمان بردی که حضرت را از وی دوستتر کسی نیست و هر که
در صحبت او نشستی یا در خدمت او جهت مهمی ایستادی آنحضرت

توقف فرمودی که آنکس خود بر خواستی یا روان شدی الا آنکه آنحضرت
از انجا رفتی و هر کس که حاجتی نزد او بردی اگر توانستی سعی کردی
و حاجتش بر آوردی و اگر معذور بودی چندان لطف و خاطر جویی
فرمودی که آنکس راضی و تسلی شدی و در کنف خلق کریم او همه کس
را جای بودی و با مردم در مهربانی چون پدر بودی و هیچکس را بر
کسی تفضیل و زیادتی ننهادی و همه کس را در راه حق مساوی و یکسان
داشتی و دانستی و مجلس او محتوی بحلم و حیا و صبر و سخا و امانت بودی
و آواز در مجلس او بلند نشدی و کس را زهره بلند کردن نبودی و کس
فحش و دشنام نیارستی گفت و کس را سهو اللسانی ببرکت صحبت
مبارکش واقع نشدی و همه با هم در صحبت او عدیل و برابر بودندی و
بجهت راستی و تواضع سخن گفتندی و پیران را حرمت داشتندی و جوانان را
رحم کردندی و غریبان را نگاه داشتندی و حاجتمندان را ایثار کردندی و حاجتش
را بر آوردندی و دیگر حضرت امام حسین علیه السلام فرمود که پرسیدم
از پدر خود روش حضرت با همنشینان و سیرت او چون بود گفت
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بروی بشاشت کردی
و خلق خوش نمودی و آهستگی و نرمی ظاهر کردی و نبودی ترش

روی و درشت خوی نبودی و فحش گوی و غیبت کننده و هیچ
کننده و از آنچه نخواستی تغافل فرمودی و کس را از خود محروم و
نومید نگذاشتی سه چیز نسبت بخود نداشت و سه چیز نسبت بمردم نداشت
اما آن سه چیز که نسبت بخود نداشت خودبینی نفرمودی و سخن بسیار نگفتی
و غیر مقصود نفرمودی و آن سه که از مردم ترک نمودی یکی کس
را مذمت نکردی دوم سرزنش کس نفرمودی سیوم عیب نجستی
و سخن نگفتی مگر در آنچه ثواب در آن داشتی و چون سخن گفتی همه حاضران
سر در پیش مانده بودندی مستمع و هیچکس را زهره گفتار نماندی و چون
خاموش کردی حاضران متکلم شدندی و هیچکس در سخن نزاع نکردی
و یارای آن نداشتی و هر که سخن گفتی همه مستمع بودندی که چه میگوید
و چیزی که همنشینان در آن خنده کردندی حضرت نیز خنده نمودی بموافقت
ایشان و از آنچه تعجب داشتندی او نیز تعجب فرمودی و اگر غریبی
در مجلس گفتی یا چیزی درخواستی آنحضرت تحمل فرمودی و حاجتش بر
آوردی و امر کردی اصحاب را که اگر حاجتمندی ببینید در بر آوردن
حاجتش سعی نمایید و جهد بجای آرید و از هیچ کس هیچ چیز قبول
نکردی تا بمکافات او بدو فایده نرسانیدی و سخن کس را در میان

نبریدی و چندان گوش کردی بسخن که صاحب خود سخن تمام کردی دیگر و
فرمود که از پدر خود پرسیدم که سکوت حضرت چگونه بودی فرمود که
سکوت و خاموش بودن آنحضرت مبنی بر چهار چیز بود بر حلم و بر حذر
و بر تقدیر و بر تفکر و تمکین و لنگر او را تغیری و نقصانی عارض نگشتی
پس هیچ چیز او را بغضب نیاوردی و از هیچ چیز رو نگردانیدی و اما
حذر در چهار صورت نمودی اول در امور خیر و نیکی ظاهر کردن تا
امت اقتدا بدو کنند و از بطالت و ترک عبادت دور باشند دیگر
در ترک قبایح و بدیها امر فرمودن تا از شر و نقصان محفوظ و مصون
مانند دیگر در اجتهاد و تدبیر در چیزها که صلاح کار امت در آن بودی
در استیفای مهمات و قیام بامور که خیر دنیوی و ثواب اخروی
امت در آن بودی و نیز تقدیر فرمودی یعنی تسویه نظر در میان مردم
و استماع کلام ایشان و همچنین تفکر در امور باقی اخروی و فانی دنیوی
نمودی **فصل دوم** در ذکر بعضی از احوال و اخلاق آنحضرت که از کتاب
شرف النبی و غیر آن منقولست ابتدای این کلام در صفت تواضع آنحضرت
و حیای او مرویست که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله عیادت
بیماران فرمودی و همراهی و پیروی کردی و ترحم کردی و هر که او را

خواندی همراه او شدی اگرچه غلامی بودی و بر دراز گوش سوار شدی
و در روز غزای خیبر و در غزای قریظه و نضیر بر دراز گوش سوار بودی
که پالان و افسار آن دراز گوش از لیف خرما بود و دوست نداشتی
که کسی از جهت وی قیام کند و نزد صحابه کسی از رسول دوستر نبودی
و چون پیغمبر را صلی الله علیه و آله دیدندی قیام نکردندی و هر کس
وی را دوستر داشتی قیام نکردی که قیام موجب کراهت خاطر مبارک
آنحضرت شدی و نیز مرویست که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
بر زمین نشستی و بر روی زمین طعام تناول فرمودی و گوسفند را
خود دوشیدی و نیز مرویست که حضرت بر جمعی از عورات سلام کردی
چون گذشتندی و بر کودکان نیز سلام کردی و هم مرویست که شخصی بخدمت
آنحضرت آمد و چون سخن کرد لرزه بر اندام آن شخص افتاد رسول صلی الله
علیه و آله از روی رحمت و مهربانی فرمود که باک مدار و خوش باش که
من پادشاهی نیستم بلکه فرزند عورتی هستم که گوشت قدید خوردی و
روایت کنند از ابی ذر که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله در میان
ما و باقی اصحاب چنان نشستی که اگر غریبی آمدی ندانستی که پیغمبر کدامست
درخواست کردیم که محلی از جهت آنحضرت معین سازیم که ممتاز و پیدا باشد

صفه ساختیم که آنجا نشستی تا اگر غریبی آمدی دانستی و چون بخانه رفتی
جامه خود پینه کردی و نعلین پاره خود دوختی و با اهل خود آن کردی
که مردم میکنند بهترین صفتها نزد او خیاطی بودی و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام مرویست در کتاب شرف النبوه که زنی بد زبان
روزی نزد حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم آمد و آنحضرت
طعام تناول میفرمود آن زن گفت ای محمد خوردنت بخوردن غلامان
ماند و نشستت بنشستن غلامان فرمود وای بر تو بی عقل از من بنده
بنده تر نیست و غلامی غلام تر زن گفت از آن طعام که می خوری لقمه
بمن ده لقمه برداشت که بدو دهد زن گفت آن لقمه میخواهم که در دهان داری
حضرت آن از دهان بیرون آورد و بدو داد و گویند آن زن تا زنده
بود زبان ببدی و فحش نگشود و کسی از وی بدی نشنود تا از دنیا رفت
و از انس روایت کنند که گفت از همه بویهای خوش خوشتر و نیکو
تر از بوی حضرت صلی الله علیه و آله نشنیدم و گویند هرگز داب آنحضرت
نبود که بر کار کسی و خدمت خادمی تعرض کند و گوید این کار بد کردی
و آن نبایستی کردن و اگر کسی دست مبارک او بدست گرفتی او دست
نکشیدی و اگر کسی پیش او نشستی تا آن کس برنخاستی و مرویست

آنحضرت برنخاستی

که روزی آن حضرت صلی الله علیه وآله در راهی میگذشت اعرابی بوی
رسید و ردای مبارک او کشید بضربی که نشانه ازدار کردن مبارک
آنحضرت ظاهر شد و سرخ گشت و گفت یا محمد امر فرمای که از مال خدا
که نزد تو هست بمن چیزی دهند آنحضرت روی بوی کرد و تبسم فرمود
که چیزی بوی دادند و ابو سعید خدری روایت کند که حضرت رسالت
صلی الله علیه وآله حیای داشت که هر کس که از وی چیزی طلبیدی فی بحقیقت
و قبول کردی و هم از وی منقولست که پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم
حیای او بیشتر بود از دختر بکر که در پس پرده باشد و چون چیزی را
مکروه داشتی اثر کراهیت در روی و وجه آن حضرت ظاهر شدی و ابن
مسعود روایت کند که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله میفرمود
که باید که هیچکس از شما دیگری را در پیش من غیبت نکند و بد نگوید که چنان
دوست دارم که نزد شما آیم سلیم القلب باشم و خاطرم با همه صاف باشد
و از حضرت امیر المومنین علی علیه السلام روایتست که رسول صلی الله
علیه وآله از همه کس دست گشاده تر بود و جوانمرد تر و با خلق در معاشرت
گرامی تر بود و عزیز تر و با هر که اختلاط کردی آنکس او را از همه کس دوست
داشتی و عبد الله عباس رضی الله عنه روایت میکند که رسول صلی الله

علیه وآله فرمود که معلم من و مودب من خداوند تعالی بود و من مودب
و معلم علی ابن ابی طالب شدم و امر فرمود خداوند تعالی مرا به نیکو کاری
و سخاوت و نهی فرمود از بخل و بد خلقی و زیان کاری و هیچ خصلتی نزد خداوند
تعالی بدتر از بخیلی و بد خلقی نیست و این دو خصلت زشت عمل نیک را
چنان بر زیان میدهد و ضایع میکند که عسل کلکل ضایع کند و هم از امیر المومنین
علی علیه السلام مرویست که فرمود که وقتی که اوصاف و خصایل
آنحضرت میشمرد میگفت که رسول صلی الله علیه وآله بود کریم تر و سخاوتر
مردمان بکف بود و گشاده دلتر از همه مردم بخلق نیک و راست گوتر بود
از همه کس در گفت و گوی حق گذارتر بود از مردمان و در ادای ذمت
و نرم تر در اختلاط بود از همه کس و گرامی تر بود در معاشرت و هر که
بر وی ناگاه رسیدی هیبتی و دهشتی بر وی کار کردی و چون با او بسخن
آمدی الفتی و موانستی یافتی که از دل و جان غلام وی گشتی و فرمود که مردم
همچون آن حضرت نه پیش از وی و نه بعد از وی و از ابن عباس مرویست
که بعد از فتح مکه در میان مردم قدر بنی بود مسلمانان با او اختلاط نمی کردند
و از این معنی روزی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله آمد و گفت آنحضرت
فرمود که عرض کن گفت دختری دارم بغایت زیبا و محبوب بنکاح حضرت

رسول باشد آنحضرت قبول فرمود دیگر گفت میخواهم پسرم معاویه که
کاتب مجلس باشد قبول فرمود دیگر گفت که میخواهم که همچنانکه در زمان سابق
با مسلمانان جنگ می کردم درین زمان با کافران محاربه کنم همه قبول فرمود
و ابوسفیان اگر این درخواستها نکردی آنحضرت این همه کارها نکردی
چون خلق و کرم آنحضرت اینچنین بود که هرگز سؤال هیچ سایل رد نمی کرد
بواسطه آن قبول فرمود در بیان شجاعت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله مرویست
از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که در روز بدر ما همه پناه بحضرت
رسول میبردیم و او از ما همه بجنگ و دشمن کفار نزدیکتر بود و هیچکس از وی نزدیکتر
تر نبود و هم آنحضرت فرمود که شبی در مدینه غوغایی بر آمد و همه مردم روی
بآن حضرت آوردند و آشوبی در میان مردم پیدا شد ما هم بران طرف
دویدیم حضرت رسول صلی الله علیه و آله را دیدیم بر اسب ابی طلحه انصاری
سوار و شمشیر برهنه در دست روی باز پس کرده میگفت هیچ مکروهی
نیست ساکن و آسوده باشید و مردم را دل میداد وی آمد در بیان علامت
رضا و غضب آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت کنند که چون آنحضرت خشنود
شدی روی مبارکش چون ماه شب چهارده بر افروختی و چون قهر کردی
رنگ مبارکش متغیر شدی و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که چون

رسول صلی الله علیه و آله چیزی را دوست داشتی گفتی الحمد لله الذی
بنعمته تتم الصالحات در بیان مهربانی آنحضرت صلی الله علیه و آله در حق امت
مرویست که از اصحاب رسول اگر کسی سه روز بخدمت وی نمی آمد
تفقد حال او فرمودی و پرسیدی اگر بسفر بودی دعاش کردی و اگر
حاضر بودی بزیارتش رفتی و اگر بیمار بودی بعیادتش رفتی و جابر
بن عبدالله انصاری رضی الله عنه گفته که حضرت رسالت صلی الله علیه
و آله بیست و یک غزا کرد و در همه همراه بودم مگر در دو غزا یکبار در غزایی
میرفتم در شب شترم مانده بود و من حیران و سرگردان شده بودم
که حضرت در عقب کاروان می آمد آواز من شنید پرسید که چه کسی
گفتم منم جابر فدای تو باد پدر و مادر من فرمود چه حال داری گفتم شترم
مانده فرود آمد و پای مبارک بر پای من نهاد و شترم را مهار گرفت
و بر انگیخت و باز خوابانید و مرا گفت سوار شو چون سوار شدم باز شترم
برخیزانید و من روان شدم و شتر من سبقت کرد بر شتر دیگران و دران
شب بیست و پنج نوبت جهت من استغفار کرد و آمرزش طلبید و از من
پرسید که پدرت را دیگر فرزندان مانده گفتم هفت دختر مانده یا رسول
الله گفت قرض گذاشت گفتم بلی فرمود چون بمدینه رویم از قرض خلاص

درخواست کن تا با تو مدارا کنند و چون وقت خرما بریدن باشد
نزد من آی دیگر پرسید که زن خواسته یا نه گفتم بلی یا رسول الله گفت
از کجا گفتم فلان بیوه که در مدینه بود گفت چرا دختر کوچک نخواستی که
با او بازی کنی و او با تو بازی کند گفتم خواهرانم کوچک بودند خواستم
که عاقله باشد که ضبط احوال ایشان نماید فرمود خوب کردی و رشد
نمودی فرمود شتر را چند خریدی گفتم پنج اشرفی فرمود ما پنج اشرفی قبول
کردیم چون بمدینه باز آمدیم شتر را نزد حضرت بردم فرمود به بلال که
پنج اشرفی بوی ده که بقرض دهد بلال همچنان کرد و من شتر و اشرفی را
بقرض خواهان دادم و از من پرسید که با قرض خواهان قطع و فصل کردی
گفتم نه یا رسول الله گفت پس موقوف کن تا وقت خرما بریدن رسید بحکم
آنحضرت رفتم پیش نخلستان خرما آمدیم و دعا کرد بجهة ما و خرما بدیم مرقوم
که بود ادا کردیم و از برای ما ماند آنچه نصیب هر ساله ما بود و زیاده ترحضرت
فرمود کیل و وزن مکنید برداشتیم بی کیل و وزنی مدید از ان میخوردیم
مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم هرگاه که چیزی می
پرسید یا سخنی میگفت تکرار می فرمود تا سه نوبت تا سائل به فهمد و تعظیم
و چون کسی گفتی یا رسول الله گفتی لبیک و روایت کند زید بن ثابت که

ما چون در خدمت رسول می نشستیم اگر از آخرت یاد و دنیا یا خوردن
و آشامیدن سخن میگفتیم او نیز با ما دران سخن همراهی میکرد و از ان میگفت
و ابو حمیسا گوید که بیعت کردم با نبی علیه السلام پیش از زمان بعثت و
وعده کردم در مقامی و از خاطرم رفت و شبانروزی بران گذشت
پس روز سیوم بمقام موعود آمدم حضرت را دیدم گفت ای جوان فراموش
کردی و من سه روزست که اینجام جریر بن عبدالله روایت کند
که یکروز با حضرت نبی بخانه وی آمدم با یاران خانه پر مردم شد جریر در بیرون
نشست که مردم انبوه بودند حضرت عباء مبارک خود را هم پیچید و نزد جریر
انداخت و فرمود که بر بالای این عبا بنشین جریر بر داشت و بوسید و
بر روی نهاد و بر سر مالید و نزد آن حضرت آورد منقولست از سلمان
فارسی که روزی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم رفتم و آنحضرت
تکیه بر بالش کرده بود چون مرا دید بالش پیش من انداخت و گفت ای سلمان هر مسلمان
که نزد برادر مسلمان رود و او بالش از روی تعظیم و اکرام بدو دهد خداوند
تعالی او را بیامرزد **در بیان** مزاح و تبسم مرویست که رسول صلی الله علیه
و آله فرمود بدرستی که من مزاح میکنم و اما نمیگویم غیر حق شخصی پرسید از
ابن عباس رضی الله عنه که حضرت مزاح میکرد گفت بلی مزاح میکرد

وامام حسین علیه السلام فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و اله
وقتی که غضب کردی روی گردانیدی و چون شاد گشتی چشم مبارک
برهم نهادی و بیشتر خنده او تبسم بودی و در تبسم دندان مبارکش نمودی
چون در مکنون و نیز مرویست که چون حضرت نبی سخن فرمودی در
میان سخن تبسم فرمودی و مرویست از یونس شیبانی که گفت حضرت
امام جعفر علیه السلام از من سوال کرد که چگونه است مزاح و بازی بعضی با بعضی
گفتم کم واقع می شود فرمود چنین مکنید بازی و مزاح از حسن خلق است و بدرستی
که برادر مسلمان را ببازی شاد می توان کرد و حضرت رسول صلی الله علیه
و اله مزاح میکرد گاهی که میخواست که شخصی شادمان شود گریه آنحضرت مرویست
که چون ابراهیم پسر حضرت جان میداد حضرت گریه میکرد و میگفت چشم
اشک میریزد و دل محزون و اندوهگین میشود ولیکن من نمیگویم غیر آنچه
رضای حق باشد و بالجمله تو ابراهیم اندوهگین و غمگینیم و مرویست که زید
بن حارثه بغزا شهید شد حضرت رسول صلی الله علیه و اله بخانه وی رفت
بتعزیت دختر زید را چون چشم بر حضرت افتاد بنیاد گریه کرد حضرت نیز گریه
میکرد بعضی از اصحاب که همراه بودند گفتند یا رسول الله این چه گریه بود
فرمود این شوق دوست است بدوست در بیان رفتار آنحضرت مرویست از امیر

المومنین علیه السلام که فرمود راه رفتن آنحضرت اینچنان هموار خوش
آینده بود که گویی نهالی از نسیم صبا متحرک بود یا آبی که بر وی سبزه
روان بود هرگز مثل آن رفتار ندیدم و نیز مرویست که چون حضرت
صلی الله علیه و اله براه رفتی اصحاب در پیش رفتندی و عقب را جهة
ملایکه گذاشتندی چون حضرت براه رفتی چنان رفتی که ظاهر نشدی که از
رفتن عاجز است یا در رفتن کسل دارد و چون نشستی با اصحاب حلقه
زدی و اگر سوار بودی چون با کسی همراه بودی او را در عقب خود سوار
کردی و اگر آن شخص ابا کردی فرمودی پس تو برو پیشتر و در جایی
که میخواهی انتظار مرا دریاب و در مدینه روزی شخصی حضرت را بمهمانی برد و طعامی
مهیا کرده بود از جهة رسول و پنج تن از اصحاب وی چون حضرت متوجه
شد که بدانجا رود در راه یکی را دید که همراه شد و یاران شش تن شدند
چون بدر خانه رسیدند حضرت فرمود ششمین را که اینجا زمانی توقف کن
که ترا نطلبیده اند تا ما از صاحب خانه اجازه گیریم و جای تو مقرر کنیم برای پس
در احوال و اخلاق آنحضرت مرویست از حضرت امیر المومنین علی علیه السلام
که حضرت با هر که مصافحه کردی دست مبارک نکشیدی تا آنکه آن شخص دست
باز کشیدی و کسی بعوض مهمی بخدمت وی نکردی و حاجتی بزدی یا بسخنی

نگفتی که آنحضرت از آن مهم و از آن حاجت باز نیامدی و بس نکردی
و بر همنشین تقدم نکردی و پای پیش پای او دراز نکردی و کسی که سخن
گفتی چندان گوش بسخن کردی که صاحب خود پس کردی و هرگز دو کار
پیش نیامدی آنحضرت را الا آنکه آنچه دشوارتر بودی اختیار کردی و هرگز
تکیه کرده طعام نخوردی تا وقت مفارقت از عالم و هرگز درخواست از وی
نکردندی که گفتی نه و هرکه حاجتی نزد وی بردی یا حاجتش بر
آوردی یا بخلق و زبان خوش شادمانش کردی و در عبارت سبکتر
و در معنی تمامتر از همه کس بودی و در کلام مبارکش بی فایده و نه
بودی وقتی که روی بطرفی آوردی از نکهت او دماغ همه کس معطر شدی
و معلوم شدی که آنحضرت می آید و با قوم چون طعام تناول کردی اول
کسی که دست سوی طعام بردی وی بودی و آخر کسی که باز کشیدی هم او
بودی و از نزد خود خوردی و اگر مثل خرما و رطب بودی دست مبارکش
بهر طرف که رسیدی میل فرمودی و چون آب نوشیدی به سه نفس نوشیدی
و ابرا از کنار کوزه نمکیدی آنچنانکه فرو ریختی و بدست راست خوردن و آشامیدن
و گرفتن و دادن عادت کردی و بدست چپ هرچه غیر آن بودی و چون
کسی را طلب کردی سه نوبت طلبیدی و چون رخصت طلبیدی در مهمی

سه نوبت فرمودی و فرموده او فیصل کلام بودی هر که شنیدی در
یافتی و چون بسخن درآمدی نوری از میان دو دندان او پیش او شعله
زدی و هرگز با کسی سخن چنان نگفتی که گرانیستی در خاطر پیدا شود و
فرمودی که بهتر شما آنست که خلق او بهتر باشد و چیزی که چشیدی
مدح کردی و نه ذم فرمودی و یاران او در منازعت حدیثی در
نکردندی و راوی گوید ندیدم به چشم خود مثل او نه قبل از او و نه بعد از او و مرویست
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود که چون در شب
تاریک حضرت رسول صلی الله علیه و آله دیده شدی در چشم بیننده از او
نوری پیدا آمدی که گویی پاره ایست از ماه و دیگر حضرت امام فرمود
که جبرئیل علیه السلام نازل شد بر حضرت و گفت که خدایت سلام
میرساند و میگوید که کوه بطحا را از برای تو اگر خواهی طلا گردانم پس
حضرت روی سوی آسمان کرد سه نوبت و گفت نه یارب میخواهم روزی
گرسنه باشم و از تو درخواست کنم و روزی سیر باشم و شکر نعمتهای
تو گزارم و هم امام روایت کند که آنحضرت بر دراز گوش پالانی سوار می
و بر زمین با غلامان طعام میخورد و روایت میکند جابر بن عبدالله انصاری
رضی الله عنه که در حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله خصلتی چند بود که مخصوص

وی بودی اول آنکه برای نرفتی الا آنکه هرکه از پی او رفتی دانستی
که بوی خوش آنحضرت وپسینی است که از جانب وی می وزد و برنگی
و بر درختی نمی گذشت الا آنکه سنگ و درخت او را سجده میکردند مرویست
که حضرت رسول صلی الله علیه وآله رنگ چنان درخشان و تابان بودی
که گویی در صفا چون در مکنون بود ثابت ابن انس گوید که هرگز بوی
خوش نشنیدم از مشک و عنبر خوشتر از بوی او و هیچ حریر نبود و دیبا
بنرمی کف مبارک او نبود و نماز را سبک ادا نمودی که در اتمام آن قصوری
نبودی جریر بن عبدالله گوید که وقتی که حضرت رسول صلی الله علیه
وآله بخلق فرستاده شد رفتم که بیعت کنم بمن گفت ای جریر جهة چه آمده
گفتم که آمدم بدست تو مسلمان شوم پس مرا بخلعت خود مشرف کردانید
پس روی باصحاب خود کرد و گفت چون بزرگ قومی نزد شما آید او
را عزیز و گرامی دارید مرویست از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود که حضرت
رسول صلی الله علیه وآله کلا شخصی را وعده فرمود بالای سنگی و گفت
اینجا ام تا تو بیایی بعد از زمانی که آفتاب بلند شد و هوا گرم شد بعضی از
اصحاب گفتند یا رسول الله بسایه اگر زمانی بروید چه باشد گفت من
وعده اینجا کرده ام روا نباشد که خلاف وعده کنم عایشه گفت که آنحضرت

سوال

سوال کردم که یا رسول الله شما بخلا رفتید و من در عقب شما در آمدم
و چیزی ندیدم از فضلات غیر از آنکه بوی مشک می شنیدم فرمود
ما جمع انبیا را تخمیر طینت از ارواح اهل جنت کرده اند از ما چیزی که از بدن
فرو برد بیرون نیاید روایت کند ابن عباس رضی الله عنه که روزی
یکی از اصحاب نزد حضرت آمد و او بر حصیری تکیه کرده بود که اثر آن حصیر
بر پهلوی مبارکش ظاهر بود آن صحابی گفت یا رسول الله اگر فرشی باشد
بر آنجا پهلوی مبارک نهید دور نباشد فرمود که مرا با دنیا هیچ کاری نیست
و مثل من و مثل دنیا همچون سواریست که در روز تابستان گرم راه برود
ساعتی در زیر سایه درختی استراحتی کند و بعد از آن روی براه آورده برود
از ابن عباس رضی الله عنه مرویست که گفت رسول صلی الله علیه وآله
وفات کرد و جوشن او نزد یهودی مرهون بود به سی صاع جو که جهة قوت
عیال گرفته بود منقولست از ابی رافع که حضرت رسول صلی الله علیه وآله
فرمود که کسی را که نام محمد باشد او را بد مگویید و بروی مزنید و او را لت مکنید
مبارک آن حلقه و مجلسی که در آنجا محمد نامی باشد و مبارک آن رفیقانی
که در میان ایشان محمد نامی باشد در بیان جلوس آنحضرت ~~صحبت~~ و امر اصحاب
باداب آن مرویست که طفلان که از مادر متولد میشدند بخدمت حضرت

می آوردند تا دعای برکت میکرد یا نام می نهاد آن حضرت در کنار خود
میگرفت جهة تعظیم مادر و پدرش وگاه بودی که طفل بر جامهٔ آنحضرت
بول کردی وبعضی که آن دیدندی بانگ برآوردندی وآنحضرت میگفت
که هیچ مگویید و همچنان میگذاشت تا صبی بول تمام کردی واظهار خوش
حالی وبهجت فرمودی تا خاطر آن مردم ملول نگردی و برابر ایشان
نشستی والتفات بشستن نکردی وچون ایشان رفتندی شستی روزی
شخصی در مسجد درآمد وآنحضرت نشسته بود چون نزدیک حضرت آمد که پهلوی
وی نشیند گفت یا رسول الله جای گشاده است شما آسوده بنشینید حضرت
فرمود که حق برادر مسلمان بر مسلمان آنست که چون بیند که نزد وی نشیند
خود را کشیده دارد جهة تکریم او ودر خبرست که حضرت رسول صلی الله
علیه وآله فرمود که هرکه دوست دارد که مردم نزد او بایستند پس جای او
در دوزخ باشد فرمود صلی الله علیه وآله تا نه ایستید پیش یکدیگر
همچنانکه بعضی اعاجم نزد بعضی می ایستند و مرویست از امام جعفر علیه السلام
که چون حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که از شما کسی که در مجلس رود
آنجا نشیند که جای بدانجا منتهی شده باشد و فرمود که از شما کسی که از مجلس
رود سلام گوید همچنانکه در اول درآمد و سلام کرد که آمدن و رفتن بعادت

بیک سوم

...ن مجلس بنشست درآن مجلس آنجا که
...ل بعض نشستی و هم ازو ...
...نشستی الحمد ...
...ودی پس رسول فرموده

گذارد و در سلام و فرمود که هرکه از شما از مجلسی بیرون رود وچون باز
آید اولی آنست که بجای خود نشیند و مرویست از حضرت رسول
صلی الله علیه وآله که بدهید حق مجالس را گفتند حق مجالس چیست
یا رسول الله فرمود اول آنکه چشم بخود دارید و هرکه سلام کند جواب
گویید و کور را ره دهید و امر معروف کنید واگر منکری باشد نهی
از آن کنید مرویست که نشستن حضرت صلی الله علیه وآله سه نوع بودی
یکی چنانکه ساق مبارک برداشتی و دستها پیش آن درآوردی و دستی
بر ساعد نهادی وگاهی بدو زانو نشستی وگاهی یکپای پیش سینه نهادی
ویکی بر زمین نشستی وهرگز ندیده اند که مربع نشستی و بر سر دو زانو نشستی
وتکیه نکردی **فصل سیوم** در طور طعام خوردن آنحضرت مرویست که حضرت
رسول صلی الله علیه وآله از انواع واصناف طعام تناول فرمودی
وآنچه حضرت حق سبحانه وتعالی حلال کرده است با اهل بیت و خدمتگار
یکجا خوردندی وهرکه از مسلمانان او را دعوت کردندی اجابت فرمودی
و بر زمین با ایشان خوردی وآنچه خوردی چون مهمان رسیدی با
ایشان خوردی وطعامی را دوست تر داشتی که دستهای بسیار
در آن درآمدی روزی اصحاب نزد او بودند فرمود بار خدایا در میخواهم

از تو و فضل و رحمت تو که غیر تو مالک این دو چیز نیست در میان این دعا و
شخصی آمد گوسفندی بریان آورد فرمود بگیرید این را از فضل خدا و منتظر
رحمتم و خوردنی نزد آنحضرت آوردند فرمود بسم الله اللهم اجعلها نعمة
مشکورة تتصل بها نعمة الجنة و بسیاری بودی که بطعام مشغول شدی
هر دو پای مبارک و زانوها جمع کردی چنانکه نماز گزارنده کند الا آنکه پای
بر بالای پای و زانو بر بالای زانو نهاده بودی و فرمودی من بنده ام
چنان خوردنی میخورم که بندگان و غلامان میخورند و چنان می نشینم
که بندگان نشینند مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله تکیه زده هرگز طعام نخوردی
از آنکه که او را به پیغمبری فرستادند تا آن زمان که از دنیا رحلت فرمود
از جهة تواضع بخدای تعالی و چون دست مبارک سوی طعام بردی
گفتی بسم الله بارک لنا فی ما رزقتنا و علیک خلفه مرویست از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
چون افطار کردی گفتی اللهم لک صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبل منا ذهب
الظما و ابتلت العروق و بقی الاجر و فرمود که رسول صلی الله علیه و آله
چون افطار نزد قومی کردی گفتی بر سبیل عذرخواهی افطار کردند نزد

شما روزه داران و خوردند طعام شما را نیکوکاران و فرمود که دعای
روزه داران مستجابست وقت افطار راوی گوید که حضرت صلی
الله علیه و آله بخرما افطار کردی و اگر شکر یافتی با آن افطار کردی و
مرویست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت رسول صلی الله علیه
و آله افطار کردی بشیرینی و اگر نیافتی بآب نیم گرم افطار کردی و
فرمود که آب نیم گرم جگر و معده پاک میکند و بوی دهان خوش میکند و
دندانها قوی میدارد و حدقه و نور حدقه چشم را می افزاید و گناهان میشوید
و تسکین رگهای متحرک مضطرب میکند و صفرا می نشاند و قطع بلغم
میکند و حرارت از معده می برد و درد سر کم میکند و حضرت صلی الله
علیه و آله طعام گرم نخوردی تا مادام که سرد نشدی و فرمود که الله
تعالی آتش نخورانیده ما را بدرستی که طعام گرم بی برکتست پس آنرا
سرد کنید و چون حضرت طعام خوردی نام خدا بردی و از پیش خود خوردی
و پیش از خلق مشغول بطعام شدی و به سه انگشت خوردی ابهام
و سبابه و وسطی و گاهی بچهار انگشت نیز تناول فرمودی و گاهی
بتمام کف خوردی و هرگز بدو انگشت نخوردی و فرموده که بدو انگشت
خوردن عادت شیطانست روزی بعضی اصحاب پالوده نزد حضرت

آوردند چون ازان تناول فرمود گفت از چه چیز پخته اید این را یا
ابا عبد الله گفتند پدر و مادر و مادر ما فدای تو باد روغن و عسل در دیگ
کردیم و بر سر آتش نهادیم تا جوشید بعد ازان نشاسته در آن انداختیم
بعد ازان بر هم زدیم تا پخته شد پس انچنین آمد که می بیند فرمود که این طعام
خوبست و گاهی بودی که آرد جو نه پخته نان کردندی و آنحضرت تناول
فرمودی و گاه بودی که بر سپیل سفوف خوردی عیص ابن القاسم
روایت کند که گفتم با امام جعفر صادق علیه السلام که از شما مرویست که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز نان گندم سیر نخورد آیا درست است
حضرت امام فرمود که نه حضرت رسول صلی الله علیه و آله نان گندم در
عمر خود نخورد و از نان جو نیز هرگز سیر نخورد و عایشه گوید هرگز رسول
صلی الله علیه و آله دو روز متوالی نان جو سیر نخورد تا از دنیا رفت و گویند
هرگز بر خوان طعام نخورد و هرگز نان تنک نخورد و مرویست از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود اما طعام حضرت رسول صلی
الله علیه و آله وسلم جو بود تا از دنیا مفارقت فرمود از انس ابن مالک
مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله اجابت دعوت مملوک کردی
و بر پس مرکب خود سوار کردی و طعام خود بر زمین نهادی و خیا[ر]

با رطب تناول فرمودی و خیار با نمک خوردی و میوه تر میل فرمودی
و از میوه ها خربزه و انگور دوست داشتی و خربزه با نان خوردی
و گاهی با شکر تناول فرمودی و گاهی خربزه و رطب خوردی باهم
و گاه بهر دو دست بهم مدد کردی روزی آنحضرت صلی الله علیه و آله
نشسته بود و رطب تناول میفرمود بدست راست و استخوان بدست
چپ گرفت و بر زمین نیفکند ناگاه گوسفندی میگذشت نزدیک آنحضرت
آمد اشارت فرمود گوسفند را با استخوانهای خرما که در دست داشت پس
پس خود بدست راست رطب میخورد و استخوانها بدست چپ بگوسفند
میداد تا آنکه گوسفند از دست مبارک او تمام آن استخوانها خورد چون فارغ
شد گوسفند رفت و چون پیغمبر صلی الله علیه و آله روزه داشتی افطار
برطب فرمودی در موسم رطب و انگور دانه دانه خوردی و گاهی نکو
خوردی چنانچه قطرات آن بر محاسن مبارک آن حضرت چون در مکنون
بودی و حضرت صلی الله علیه و آله چنگال خوردی و بیشتر طعام او خرما
و آب بودی و خرما تناول کردی و بر آن آب خوردی و بیشتر جمع کردی
میان خرما و شیر نام این هر دو اطیبین کرده بود و بیشتر آنچه ثریه بودی
و بدان سحور کردی و گویند جبرئیل علیه السلام از بهشت هریسه از جهه[ت]

خوردی م

آورد و آن در خانه خود خوردی که مردم نخوردندی گوشت را تناول
فرمودی با نان و گاهی بریان خوردی و بهترین طعام با نزد وی گوشت
گوشت بودی و فرمود که گوشت در قوة سمع و بصر می افزاید و فرمود که
گوشت بهترین طعامهاست در دنیا و آخرت و اگر من از خدا خواستمی
که هر روز طعام من گوشت بودی هر آینه چنان کردی و رسول صلی الله
علیه و آله و سلم ثرید با گوشت و کدو تناول کردی و کدو را دوست داشتی
و فرمودی که درخت برادرم یونس است و مرغ خانگی خوردی و گوشت
وحش و گوشت پرنده که صید کرده باشند خود خوردی و صید نکردی
و صید نکردی اما دوست داشتی که صید کرده نزد وی آوردندی
و دوست داشتی نان و روغن را و از گوسفند شانه و سر دست را دوست
داشتی و از نان خورش سرکه و از سبزیها کاسنی و بادروج و کلم و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله سیر و پیاز و کراث و عسل که در و بقایای درخت
که مگس از برگ او خورده و اثر آن در و پیدا بودی که موجب بوی دهان
بودی نخوردی و هرگز طعامی را مدح و ذم نگفتی چشیدی اگر خوش آمدی
خوردی و اگر نه بگذاشتی و حضرت اگر چیزی خوش نکردی بر دیگران هم
حرام نکردی و بد نگفتی و چون از طعام فارغ گشتی سه انگشت مبارک خود

لیسیدی

خود لیسیدی و اگر چیزی بر انگشت مبارکش مانده بودی باز لیسیدی تا پاک
کردی و دست خود به دستمال نکردی تا یک یک انگشتان نلیسیدی و فرمود
که معلوم نیست که برکت در کدام انگشت است و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله چون تگرگ آمدی از آن خوردی و با صحاب او تفقد کردندی
چون تگرگ آمدی نزد وی آوردندی و حضرت فرمود که این خرده‌ها
را سود میدارد و حضرت بعد از طعام دست شستی چندانکه بوی طعام را
اثر نماندی و چون نان و گوشت تناول فرمودی خاصه دست نیک بشستی
و بقیه آبی که در دست مبارکش بودی بدان روی مبارک خود مسح کردی
و هرگز تا ممکن بودی طعام تنها نخوردی و فرمود که شما را خبردار کنم به بدان
شما گفتند بلی یا رسول الله گفت تنها خورد و بنده مملوک را زند و منع بهره
کند **فصل چهارم** در بیان آب آشامیدن آنحضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که آنحضرت صلی الله علیه و آله چون آب نوشیدی ابتدا بنام خدا کردی
و قدر یک نفس یا دو نفس آشامیدی و بس کردی و حمد خداوند تعالی
بجای آوردی و باز معاودت فرمودی بنام خدای تعالی و قدری دیگر
نوشیدی و باز بس کردی و باز حمد خداوند کردی در هر آب خوردنی
بسم الله و الحمد لله گفتی و آب را مکیدی نه آنکه یکبار فرو ریختی و فرموده

که در دجگر از آب خوردن است که یکبار فرو برند و آنحضرت در ظرف نفس
نزدی چون خواستی که نفس زند ظرف آبرا از پیش دهان دور کرفتی
و نفس زدی و گاهی بیک نفس آب خوردی و آب از قدحهای شیشه خوردی
که از شام می آوردند و از ظرف چوبین و از ظرفی که از پوست ساخته بودندی
آب خوردی و از سفال نیز آب نوشیدی و گاهی بکف هر دو دست نیز
آب نوشیدی و فرمود که هیچ ظرفی به از کف دست نیست و از دهن
قرابه و مشک آب نوشیدی و دهان مشک را نه پیچیدی که آب نوشیدی
و فرمودی که پیچیدن آن در حین آب خوردن آنرا بدبو میکند و گاه ایرا
ایستاده و گاه سواره نوشیدی و از قرابه یا از سبو یا از اداوات دیگر
اتفاق افتادی آب خوردی و ظرفی که بر وی شیر دوشیده بودندی و آبی که
جو یا گندم نیم رس برشته کوفته برو ریخته بودندی نوشیدی که از اعراب آنرا
سویق و به فارسی قاروت گویند و دوسترین شربتها نزد او آن بودی
که شیرین تر بودی و سردتر و در روایت است که دوسترین شربتها
نزد او شربت سرد بود و آن حضرت بر بالای عسل آب خوردی و گاهی
در عسل آب کردندی و نان دران ریزه کردندی و آنحضرت میل فرمودی
و فرموده که بهترین شربتها در دنیا آبست و آخرة و ابن مالک گوید که

حضرت

حضرت رسول صلی الله علیه و اله یک آب در وقت افطار نوشیدی
و یکی دیگر در وقت سحر گاهی نیز اختصار فرمودی و گاه بودی که آن
یکی نیز شیر بودی و انس گوید شبی جهت آنحضرت نان در شیر ترید
کرده بودم که چون از مسجد بحجره فرماید افطار کند آنحضرت زمانی دیر شد
و نیامد مرا ظن آن شد که یکی از اصحاب او را دعوت کرد بخانه خود یا
طعامی نزد او بمسجد آوردند من آنرا خوردم بعد از ساعتی آنحضرت آمد کسی
همراهش بود پرسیدم که حضرت را کسی مهمانی کرد یا طعامی تناول
فرمود در مسجد گفت نه من غمگین شدم و متالم ماندم بمرتبهٔ که خداوند تعالی
داند از بیم آن که مبادا آنحضرت خوردنی طلب کند او هیچ نگفت
و بروی من نیاورد و آن شب گرسنه خواب کرد و صباح روزه
داشت چون ساعتی دیگر بر آمد ظرفی از شیر نزد آنحضرت آوردند از
جایی و دران حال ابن عباس رضی الله عنه بر دست راست و خالد
بن ولید بر دست چپ آنحضرت نشسته بودند چون ازان شیر قدری
نوشید گفت بعبد الله عباس که آنچه در ظرف است حق تو است اگر تو رخصت
میدهی که بخالد دهم گفت که او از تو بسال بزرگ تر است فرمود که نه بخدا
فضیلت نیم خورد حضرت رسول بکسی روا نمیدارم و گرفت و آشامید

و گویند ابن خولی وقتی نزد حضرت صلی الله علیه واله وسلم ظرفی
آورد که عسل و شیر دران بود انحضرت از خوردن آن ابا فرمود
و گفت که دو شربت در یک شربت و دو ظرف در یک ظرف نمیخواهم
و بر کسی هم حرام نمیکنم ولیکن مکروه دارم فخر و حساب بزیادتیهای دنیا
فراوان دوست میدارم تواضع را بدرستی که هر کو تواضع کند از
برای خداوند تعالی او را سرافراز کرداند **فصل پنجم** در بیان خلق
انحضرت در استعمال بوی خوش و روغن و پوشیدن و سر شستن
وغیر آن حضرت رسول صلی الله علیه واله چون سر و محاسن شستی
بابرک کنار شستی **در بیان** طریق روغن مالیدن انحضرت صلی الله
علیه واله روغن مالیدن دوست داشتی و از ژولیدگی مو بد میبرد
و فرمود که روغن مالیدن را عضا و غم را دور میکند و باصناف روغن
تدهین کردی **در بیان** روغن مالیدی ابتدا از سر و محاسن کردی و می فرمود
که سر پس از محاسن است و بروغن بنفشه بیشتر کردی و فرمود که افضل ادهان علیهما و
و چون تدهین کردی ابتدا بهر دو ابرو کردی بعد ازان بهر دو شارب
و بعد ازان قدری در بینی چکانیدی و بوییدی و بعد ازان بر سر مالیدی
و بچه تر دو سه بار و بار روغن مالیدی و شارب را تدهین بروغن

غیر آن روغن کردی که در محاسن کردی **در بیان** طریق شانه کردن ان
حضرت صلی الله علیه واله سر و محاسن مبارک شانه خود زدی و گاهی
زنان انحضرت شانه زدندی و موهای که افتادی نگهداشتندی گویند
موهای که در دست مردم است آن موها ست و اما موی که در حج و عمره
تراشیدی جبرئیل علیه السلام آنها را با سمان بردی و گاه بودی
که روزی دو نوبت محاسن شانه کردی و چون شانه زدی در زیر بالش
نهادی و فرمودی که شانه زدن وبا را دفع میکند و چون شانه زدی از زیر
جانب بر بالا چهل نوبت زدی و از بالا هفت نوبت بجانب زیر و فرمودی
که این ذهن را زیاده میکند و قطع بلغم میکند **در بیان** بوی خوش انحضرت
رسول صلی الله علیه واله بمشک تطیب کردی چنانچه معلوم مردم شدی و
بر فرق سر مالیدی و بذکور طیبها تطیب فرمودی که مشک و عنبر و زنان
انحضرت بدستهای خود بغالیه انحضرت را تطیب کردندی و بعود قماری
بخور کردندی و در شب تاریک بی آنکه کسی او را بیند از بوی خوش او وی را
دانستندی و گفتندی که اینست پیغمبر و مرویست از امام جعفر صادق علیه
السلام که پیغمبر صلی الله علیه واله ببوی خوش بیشتر اتفاق فرمودی که بطعام
و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که سه خصلت پیغمبر را صلی الله علیه واله

بود که در غیر او نبود اول آنکه او را سایه نبود دیگر آنکه چون از کوچتی
بعد از دو روز یا سه روز کسی که از آن راه گذشتی از بوی عرق مبارک
او دانستی که رسول صلی الله علیه و آله از آنجا گذشته دیگر به هیچ سنگ
و درخت نگذشتی که آن سنگ و درخت او را سجده نکردندی و هیچ بوی
خوش رو عرضه نکردندی الا آنکه از وچیزی قبول کردی و به آن
تطیب فرمودی و گفتی که بوی خوش بویش خوبست و بارش سبک
و اگر تطیب نکردی انگشت مبارک در آن زدی و بدندان بردی
ولعق فرمودی و فرموده که لذت من از دنیا زنانست و بوی خوش
و نور چشم من در نمازست و روزه **در بیان** سرمه بچشم کردن رسول
صلی الله علیه و آله سرمه در چشم راست سه نوبت و در چشم چپ دو نوبت
میکشید و می فرمود هر که خواهد سه نوبت بکشد و هر که خواهد دو نوبت
و اگر کم و زیاد ازین کشند باکی نیست و گاهی اکتحال فرمودی و بر وزه
بودی و او را مکحله بود که در شب بدان سرمه کشیدی و کحل وی سرمه
سیاه بودی **در بیان** نگرستن در آینه رسول صلی الله علیه و آله در آینه
نگرست و بر موی و بر محاسن مبارک دست میکشید و تزیین و ترتیب
میفرمود و شانه میکرد و گاهی در آب نظر می انداخت و تزیین پیش

می نمود از آنکه نزد اهل خود میرفت و این را بعایشه گفت وقتی که
چون میخواست نزد اصحاب رود بکوزه نظر می انداخت که در آن آب
بودی و بدان مشاهده تزیین و تجمل و ترتیب آن حسن و جمال میفرمود
عایشه گفت پدر و مادرم فدای تو باد که در کوزه چون در آینه خود را
دیدی و راست کردی خود را فرمود که دوست میدارد خدای تعالی بنده
خود را که چون نزد برادران خود رود تهیات و تجمل کند یعنی خود را لباس
خوب و ترتب و تزیین آراسته دارد **در بیان** مالیدن چیزها بر جسد مبارک
آنحضرت صلی الله علیه و آله ام فرمودی بدیگری تا طلا کردی و از بالا
جسد تا محل پس ازار مالیدی و از آن پایین تر بدست خود مالیدی
در روایت که حضرت صلی الله علیه و آله در هیچ سفر از خود شیشه روغن
و سرمه دان و مقراض و آینه و شانه دور نکردی و در روایتی هست
که با او سوزن و ریسمان و درفش و تتمه عوض ریسمان بودی که جامه
پاره دوختی و کفش را پینه کردی و حضرت چون مسواک کردی بعرض
کردی **در بیان** لباس حضرت رسالت صلی الله علیه و آله شمله پوشیدی
و از آن ازار ساختی و گلیم دو رنگ که او را نمر گویند از آن نیز ازار ساختی
و آن زیبا و خوش آینده بود زیرا که سیاهی نمر با سفیدی آنچه ظاهر بود

و همه اکره

ازجبهٔ مبارک ایشان ازساقین وقدمین بغایت مناسب بود و گویند
تا وقتی که حضرت حق سبحانه وتعالی مقبض روح پاک مطهر وی کرد او
را نمرهٔ بود که بنی عبدالاشهل می بافتند آنرا پوشیدی و چون از دنیا
رحلت فرمود آن نمره را وماند و چون با مردم نماز کردی شمله پوشیدی
وانس گوید که بسیار بودی که حضرت رسول صلی الله علیه واله با ما
نماز ظهر گذاردی و شملهٔ داشت که بر دوش انداختی و سر دو طرفش
بر دو کتف مبارک بسته بودی در بیان طاقیه و دستار آنحضرت رسول
صلی الله علیه وآله طاقیه در زیر دستار پوشیدی و طاقیه بی دستار نیز
پوشیدی و دستار هم بی طاقیه بر سر نهادی و طاقیه می پوشیدی
سفید و طاقیها که روز جنگ بر سر نهادی گوشها از دو طرف داشتی
و بعضی سبز بود و گاه بودی که طاقیه از سر بر گرفتی و در پیش خود
نهادی و نماز بران کردی و در سفرها گاه عمامه از خز سیاه بر سر بستی و
بر بالای دستار چیزی می پوشیدی چنانچه طرفین گوش و گردن
بدان پوشیده بودی و گاه بودی که دستار بستی و عصابه
بستی یعنی گرد سر بستی یا بر پیشانی چیزی بستی و از خواص آنحضرت عصابه
سخت بستن بودی و آنحضرت را دستاری بودی که از اصحاب

کفنی

کفنی و آنرا در حضرت امیرالمومنین علی علیه الصلوة والسلام پوشانیده
بود و گاهی که حضرت امیر نزد وی آمدی با اصحاب گفتی که علی آمد در سحاب
یعنی دران عمامه که بوی پوشانیده بود عایشه گفت وقتی رسول صلی الله
علیه واله عمامه صوف و جبه صوف پوشیده بود و بیرون رفت و
خطبه فرمود من ندیدم از خلق خدا هیچکس بدان زیبایی که آنروز او را
دیدم در بیان رخت پوشیدن آنحضرت چون رسول صلی الله علیه
واله رخت پوشیدی و گفتی الحمد لله الذی کسانی ما یواری عورتی
واتجمل به فی الناس و چون از تن بیرون کردی از جانب چپ ابتدا
کردی و عادت وی بود که چون لباس نو پوشیدی حمد خدای
بجای آوردی و مسکینی را طلبیدی و کهنه خود را بوی دادی و فرمودی
که هر مسلمانی که مسلمانی را جامهٔ کهنه خود بپوشاند خاص از برای
خدا در ضمان خدای تعالی باشد دنیا و در پناه و حرز او و او را نزد
خدای تعالی ماوی باشد در مردگی و زندگی و حضرت رسول صلی
الله علیه وآله وسلم چون لباس نو پوشیدی برخاستی چون راست
ایستادی پیش از انکه از جامه بیرون آمدی گفتی اللهم بک استترت
والیک توجهت وبک اعتصمت وعلیک توکلت اللهم انت ثقتی و انت

رجای اللهم اکفنی ما اهمنی وما لا اهتم به وما انت اعلم به منی عز جارک و جل
ثناوک ولا اله غیرک اللهم زودنی التقوی واغفر لی ذنبی ووجهنی للخیر
حیث ما توجهت و بعد از آن بیرون رفتی و آنحضرت را دو جامه بود خاصه
جهت روز جمعه غیر جامهای که در غیر جمعه پوشیدی و آنحضرت را خرقه و
فوطه بودی که روی مبارک بهمان ردای که داشتی خشک میکرد **در بیان**
انگشتری رسول صلی الله علیه و آله انگشتری نقره در انگشت کردی که نگین
او حبشی بودی و نگین بطرف کف دست گردانیدی و انگشتری در انگشت
داشتی از آهن که نقره بر روی او کشیده بودند که معاذ بن جبل هدیه
آورده بود و نقش کرده در و محمد رسول الله و گاهی استنجا کردی دست
چپ و انگشتری در دست راست داشتی دایما تا از عالم مفارقت
فرمود و گاه انگشتری در انگشت میان کردی در بند دوم و گاهی در
مسبحه کردی و گاه بودی که نزد اصحاب آمدی و در انگشتری ریسمانی
بسته بودی تا آن ذکر وی باشد و آنحضرت بر کتاب مهر کردی و فرمودی
که مهر بر مکتوبها امانست از تهمت **در بیان** نعلین رسول صلی الله علیه و آله
نعلین پوشیدی که او را دو بند بودی بر مثال کفش که او را میان باریک
و پاشنه جهت گردیدن آن پهن بودی بدسوزی که در شام میدوزند و چون

در مرض آنحضرت خشک میکرد
[illegible]

ابتدا

ابتدا بنعلین پوشیدن فرمودی ابتدا از یمین کردی و چون کندی
ابتدا بیسار فرمودی و گاه امر فرمودی بپوشیدن نعلین هر دو با هم
و کندن با هم زیرا که مکروه میداشت که یکی پوشند و یکی نه و از
هیچ هر نوع پوشیدی **در بیان** جامه خواب حضرت رسول صلی الله
علیه و آله در وقتی که از دنیا رحلت فرمود از پلاسهای وادی القری
بود از پشم شتر پر کرده و گویند درازی آن دو گز شرعی بود و پهنای
آن گزی و وجبی بود مرویست از حضرت امیر المومنین علی علیه الصلوة
والسلام که جامه خواب حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله عبایی بود و متکای
او پوست بود پر از لیف خرما شبی بر آن خواب کرد و صباح فرمود
که مرا جامه خواب از نماز منع کرده و فرمود که یکتا کردند و جامه خواب نیز
داشت از پوست پر از لیف خرما و گویند پیغمبر صلی الله علیه و آله را فراشی
بود از عبا تا از دنیا نقل فرمود و بسیار بود که بالش پوست می نهاد
که پر از لیف خرما بود و او را قالیچه بود فدکی که روی بر آن نهادی و بدان
خشوع فرمودی و گلیمی داشت از موی که بر آن نشستی و گاهی بر آن
نماز کردی **در بیان** خواب مرویست که حضرت صلی الله علیه و آله خواب
کردی بر روی حصیر که هیچ چیز در زیر وی نبودی و چون خواستی

که خواب کند مسواک کردی و بجای خواب رفتی و بر پهلوی راست
خسپیدی و دست راست در زیر روی راست نهادی و گفتی اللهم قنی عذابک
یوم تبعث عبادک و در دعا نوز رفتن در جامه خواب و درین باب
مختلف است از ان جمله که چون حضرت جای خواب فرمودی
گفتی اللهم انی اعوذ بمعافاتک من عقوبتک واعوذ برضاک من
سخطک واعوذ بک منک اللهم انی لا استطیع ان ابلغ فی الثناء علیک
ولو حرصت انت کما اثنیت علی نفسک وقت خواب کردن گفتی
بسم الله اموت واحیی والی الله المصیر اللهم آمن روعتی واستر عورتی
وادّ عنی امانتی و آیة الکرسی خواندی و فرموده است که جبرئیل مرا خبر
داد که عفریتی از جن در کمین تو کرده که در خواب بر تو ظفر یابد مر ترا
که در وقت خواب آیة الکرسی بخوانی و مرویست از امام محمد باقر علیه السلام
که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله هرگز از خواب برنخاستی
الا آنکه سر بسجده نهادی و خداوند تعالی خشوع و خضوع نمودی و گویند
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خواب نکردی تا مسواک بر بالای
سر نهادی چون سر برداشتی اول مسواک کردی و چون حضرت
از خواب برخاستی گفتی الحمد لله الذی احیانی بعد موتی ان ربی

فرمود که امر شده ام
بمسواک کردن تا آنکه ترسیدم که
بر من واجب گردانید

لغفور شکور و فرمودی اللهم انی اسألک خیر هذا الیوم ونوره وهداه وبرکته
وطهوره ومعافاته اللهم انی اسألک خیره وخیر ما فیه واعوذ بک من شره
وشر ما بعده **مسواک** آنحضرت صلی الله علیه و آله هر شب سه نوبت مسواک
کردی یک نوبت پیش از خواب و یک نوبت در محل خواستن از خواب
و یک نوبت پیش از آنکه بنماز صبح بیرون فرمودی و بجهت ادای مسواک
کردی و فرمود که جبرئیل علیه السلام مرا بدین امر کرده و مرویست از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام که مکروه است که مردی بمیرد و سنتی از سنتهای آن حضرت
رسول بجای نیاورده باشد **باب دوم** در نظافت و بوی خوش کردن
و سر تراشیدن و مانند آن و درین باب سه فصلست **فصل اول**
در تنظیف و مانند آن مرویست که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
گفت پاکیزگی کنید بآب از بوی گنده بدرستی که الله تعالی دشمن میدارد
مردار را دوم از حضرت امیر مرویست که گفت شستن جامه غم میبرد
و پاکست از جهت نماز و حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله فرمود
با انس که ای انس بسیار کن پاکی را که خداوند تعالی در عمرت بیفزاید و اگر
توانی چنان کن که شب و روز بطهارت باشی که اگر بطهارت بمیری
شهید باشی و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هرکس

که وضو سازد و رو خشک کند او را یک حسنه در دیوان اعمال نویسند
و اگر وضو سازد و رو خشک نکند تا آب وضو خود خشک شود او را سی
حسنه در دیوان اعمال نویسند و مرویست از حضرت امیر المومنین علی
علیه السلام که گفت چهار خصلت که اکثر انبیا را بوده خوش بوی بودن
و یکی پاک بودن بلباس و بدن و یکی نوره بر بدن نهادن و یکی
بسیار نزد زن خود رفتن **در بیان** بوی خوش کردن آنحضرت مرویست
از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله که بوی خوش دل را قوی میدارد
و مرویست که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که خداوند تعالی
دوست میدارد جمال و تجمل یعنی نیکویی در زینت و مکروه میدارد ژولیدگی
و ترش رویی و چرکنی را و خداوند تعالی چون بنده را منعم گرداند
دوست دارد که اثر آن بروی ظاهر باشد پرسیدند که چون است آن
ظهور اثر انعام الهی فرمود آنکه جامه پاک دارد و بوی خوش بکار برد
و خانه را سفید کند و بناهای خوب مستحکم بنا کند تا آنکه چراغ قبل از غروب
آفتاب منع فقر میکند و در رزق می افزاید از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام مرویست که چهار خصلت از سنت انبیاست علیهم السلام
مسواک و حنا و بوی خوش و زن و هم از آنحضرت مرویست که رسول

صلی الله

صلی الله علیه و آله هر روز جمعه بوی خوش بکار بردی و اگر یافت نشدی
از زنان خود غالیه دان گرفتی و آب بران افشاندی و بر جسد مبارک
مالیدی و تطیب فرمودی و هم از آنحضرت مرویست که پیغمبر صلی الله علیه
و آله فرمود که قبول نکردم از دنیای شما الا بوی خوش و زن و فرمود
که آنچه بر بوی خوش صرف کنند اسراف نیست و فرمود که بشما چون ریحان
رسد بوی کنید و بر چشم نهید بدرستی که آن از بهشت است و مرویست
که شخصی یک روز نزد امام جعفر صادق علیه السلام ریحان آورد حضرت
امام گرفت و بویید و بر چشم نهاد و گفت هر کس که از ریاحین چیزی
ببوید و بر چشم نهد و بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد نبرد تا خداوند تعالی
گناهان او را بیامرزد و مرویست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
که چون برادر مسلمان ریحان نزد شما آورد رد مکنید که آن از بهشت بیرون
آمده و مرویست از حضرت امام علی ابن موسی رضا که حضرت امیر المومنین
علی علیه السلام فرمود که بوی خوش تعویذیست و غسل تعویذ است
و نظر بر سبزه تعویذیست و سواری تعویذیست مرویست از حضرت امام
رضا که جای امام جعفر علیهما السلام و موضع سجود او در مسجد از بوی خوش
او معلوم و معروف بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود

که دو رکعت نماز با بوی خوش گزاردن بهترست از هفتاد رکعت
بی بوی خوش گذاردن و هم از آنحضرت مرویست که سه چیز از خصایل
پیغمبرانست موی ستردن و بوی خوش بکار بردن و بسیاری مباشرت
با زنان و مرویست از امام جعفر صادق و امام رضا علیه السلام که
رد نکند بوی خوش را که آن کرامتست و کرامت را رد نمیکند الا
کسی که عقل او مثل عقل خر و فرموده که شارب را خوش بو کردن از اخلاق
انبیا و کرام الکاتبین است و هم از حضرت امام علیه السلام مرویست
که بنی را نافهٔ مشک بود که چون وضو ساختی از آن بدست گرفتی و دست
مبارکش تر بودی و چون بیرون فرمودی معلوم شدی که حضرت
رسول است صلی الله علیه و آله و مرویست از حضرت امام علی بن الحسین
علیه السلام عطردانی داشت از رصاص که با خود داشتی و در آن
مشک بودی چون تطیب فرمودی از آن بیرون آوردی و بر اعضا
مالیدی و مرویست که حضرت امام رضا علیه السلام بعود هندی بسیار
بخور کردی بعد از آن گلاب بر جبهه مالیدی و مشک بکار بردی و
مرویست که رسول صلی الله علیه و آله فرمود بر شما باد باین عود هندی
بدرستی که در وی هفت شفاست و خوش بوی تر و بهترین طیبهاست

وروا

وروایت کند امام جعفر علیه السلام که رسول صلی الله علیه و آله بوی خوش
ایثار بیش فرمودی که از طعام و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود امیر را
صلوات الله علیه که یا علی بر تو باد بوی خوش در هر روز جمعه بدرستی
که آن سنتهای منست و می نویسند ثواب آن را چندانکه آن بوی خوش
از تو می آید و سزاوار آنست که مرد بکار برد بوی خوش را در هر روزی
یکبار و اگر قادر نباشد روزی او در روزی اگر قادر نباشد پس در روز جمعه
یکبار و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر زن که بوی خوش
بکار برد و از خانه بیرون آید در لعنت باشد چندانکه بازگردد و الله اعلم
در بیان بویهای خوش سوختن در مجمر مرویست از مرازم که با ابی الحسن
علیه السلام بحمام رفتم چون بجامه کن بیرون آمد مجمر طلب فرمود و بخور
کرد و گفت از مجمر نصیب برید و مرویست از امام جعفر علیه السلام که
سزاوارست مرد را که بخور کند جامهای خود را چون قادر باشد و مرویست
که پسر زبیر از امام حسن علیه السلام غالیه بوی طلب کرد امام علیه السلام
ابا کرد بجهة آنکه روزه داشت پس ابن زبیر از امام حسن علیه السلام
زیر گفت که جهة شما تحفه بیاورم که روزه دار از آن لایق باشد آنحضرت
بر محاسن مالید و جامها را بخور کرد و حضرت امام حسن علیه السلام

فرموده است که تحفهٔ زن آنست که شانه کند موی را و بخور کند جامهارا
و مرویست از امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت رسول صلی الله
علیه واله وسلم فرموده که بوی خوش زنان آنست که رنگش ظاهر
باشد و بویش مخفی و بوی خوش مردان آنست که بوی او ظاهر باشد
و رنگش مخفی در بیان گل و عرق آن مرویست که چون حضرت رسول
صلی الله علیه واله بمعراج رفت زمین از رفتن رسول محزون و غمگین شد
و گیر بر آورد و چون باز آمد خوش حال و شادمان گشت و گل بر آورد
پس هر که خواهد که بوی پیغمبر صلی الله علیه واله بشنود گل ببوید و بعضی روایت
کنند که نبی صلی الله علیه واله چون بمعراج میرفت جسد مبارکش عرق کرد
و بر زمین چکید گل سرخ روئید و حضرت صلی الله علیه واله فرمود که هر که
خواهد که بوی من بشنود گل سرخ ببوید و انس روایت کند از حضرت رسول
صلی الله علیه واله وسلم که گل سفید شب معراج از عرق من مخلوق شد
و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق و مرویست از حضرت
رسول صلی الله علیه واله که گلاب آب رو افزاید و منع درویشی کند و مرویست
از حضرت صلی الله علیه واله که هر کس که گلاب بروی بمالد اندر او را
جی و درویشی نرسد و هر که خواهد که گلاب بکار برد بر روی و دستها

بمالد

بمالد باید که صلوات بر پیغمبر و آل او فرستد مرویست از حسن ابن علی علیهما
السلام که وی فرمود که پیغمبر صلی الله علیه واله بهر دو دست گل بر
من ریخت و گفت این سید ریاحین است در دنیا و آخرت در بیان
نرگس و مرزنگوش پیغمبر صلی الله علیه واله فرمود که نرگس را فضائل
بسیار و ثواب بی شمار در بوییدن و روغن مالیدن و وقتی که آتش جهت
ابراهیم افروختند حق تعالی آنرا برو خوش کرد نرگس را در آن وقت
بیافرید در بیان مرزنگوش انس مالک روایت کند که رسول صلی الله
علیه واله فرمود بر شما باد بوی مرزنگوش بدرستی که آن بینی را بسیار
نافعست و روایت کنند که اگر گلی و ریحانی نزد آنحضرت آوردندی
بوییدی و باز پس دادی غیر از مرزنگوش که از آن نگهداشتی و مرویست
از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که پیغمبر علیه السلام فرمود نیکو گیاهست
مرزنگوش که زیر ساق عرش روئید و آب آن چشم را شفاست فصل
دوم در سرمه بچشم کردن مرویست از امام محمد باقر علیه السلام که اکتحال بسرمه
سیاه کردن مژه را رویاند و چشم را تیز کند و در بسیاری سجود یاری
دهد و مرویست از امام محمد باقر علیه السلام که اعرابی نزد حضرت رسول
صلی الله علیه واله آمد قلیب نام و چشمهای او تر بود حضرت صلی الله علیه واله

با و گفت که چشمهای ترا تر میبینم بر تو باد سرمه بدر پستی که آن چراغ
چشمست و مرویست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
سرمه دفع بوی دهان میکند و جلای دیده می دهد و مرویست از حضرت
امام رضا علیه السلام که هر که را ضعف بصر باشد اکتحال کند بهفت
میل از سرمه بدر پستی که سرمه موی مژه می رویاند و جلای بصر می دهد
و دفع میدهد بعد از سی سال و هم از و مرویست که هر که ایمان بخدا و روز
قیامت دارد و بسرمه کشیدن عادت کند بدر پستی که آن بوی دهن
خوش میکند و در باه می افزاید و هم از و مرویست که هر که را ضعف بصر
رسد در وقت خواب هفت میل سرمه بکشد چهار در چشم راست و سه
در چشم چپ و مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که سرمه
کشیدن موی میرویاند و اشک چشم باز میدارد و بوی دهن خوش
میکند و قوت بینایی میدهد و هم از وی مرویست که سرمه در قوت باه
می افزاید و در شب بوی دهان خوش میکند و منفعت آن تا چهل صباح
می باشد و مرویست از حضرت که اکثر کحل حضرت رسول در شب بودی
و در چشمی سه میل میکشید و هم از حضرت امام علیه السلام مرویست که
شب سرمه کشیدن امانست از آبی که در چشم فرو می آید و مرویست که

جلای بصر میدهد و موی مژه می رویاند چه

می افزاید و جلا ده

رسول صلی الله علیه واله سرمه کشیدی در وقتی که بجامه خواب رفتی
و مرویست از ابن فضال که حسن ابن جهم میلی از آهن ساخته بود نمود و گفت
این حضرت امام ابی الحسن علی علیهما السلام است و بدان سرمه کشید
و من هم سرمه کشیدم و مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود هر که سرمه کشد طاق باید کشید که بغایت خوبست و اگر چنین نکند هم
باکی نیست و مرویست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر که سرمه کشد
طاق کشد و هر که بخور کند طاق کند و هر که استنجا کند طاق کند و هر که استنجا
کند بحضرت جل و علا و نیز فرمود صلی الله علیه و آله بر شما باد و سرمه کشیدن
بدر پستی که بوی دهن خوش کند و بر شما باد بر مسواک که بصر را جلا میدهد
شخصی پرسید که چگونه یا رسول الله فرمود که چون مسواک میکنی بلغم از
دماغ فرو می آید و بصر جلا میدهد و چون سرمه میکشی بلغم از دماغ میبرد
و دهان خوش میکند و دعایی که در وقت سرمه کشیدن کند اینست
اللهم انی اسالک بحق محمد و آل محمد و ان تجعل النور فی بصری و البصیرة
فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السلامة فی نفسی و السعة فی رزقی
و الشکر لک ابدا ما ابقیتنی در روغن مالیدن بدماغ و غیر آن مرویست از امام جعفر
صادق علیه السلام که وقتی که روغن را در دست ریختی گفتی اللهم انی

ان تفضل علی محمد و آل محمد و
نفسی

اسالک التزین والزینة فی الدنیا واعوذ بک من الشین والشان فی
الدنیا والآخرة ونیز فرمود روغن مالیدن نرم میکند بشره وزیاده میکند
در دماغ وآسان میکند راه آب ومنع میکند خشکی درویش پیدا زرد رنگ
را وفرموده که هر که روغن کاری کند مسلمانی را بنویسد الله تعالی از
جهت او بعدد هر مویی نوری در روز قیامت وهم از انحضرت مرویست
که روغن مالیدن دفع تنگدلی میکند وفرمود که روغن بنفشه سید روغنهاست
وور وصایای حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود یا علی زیتون بخور
وروغن زیتون بمال که بدرستی که هر که زیتون خورد وروغن زیتون
مالد شیطان نزدیک او نتواند رفت تا چهل صباح که حضرت امیر علیه
السلام فرمود که حضرت رسول علیه السلام فرمود که فضل بنفشه بر
روغنهای دیگر همچون فضل اسلامست بر سایر ادیان ودر روایت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام که فضل بنفشه بر روغنهای دیگر همچون فضل
منست بر دیگر خلایق وهم آن حضرت علیه السلام فرمود که روغن بمالید روزی
وروزی سرمه بکشید طاق واز امام جعفر صادق مرویست که امیر المومنین
علیه السلام فرمود که سه چیزست که بلغم میبرد ودر حفظ می افزاید قرات قرآن
وروزه ومسواک **باب سیوم** در حمام وانچه تعلق بان دارد واین باب

حضرت امیر المومنین ... روایت ... حضرت رسول صلعم که روغن ... بید ... که ان ... درست ... مان ... مذکورست در ... رهم ...

شش فصل است **فصل اول** در کیفیت رفتن بحمام چون جامه از تن
بیرون کنید بگویید اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی واستعیذ بک
من اذاه وچون بخانه دوم روید بگویید اللهم اذهب عنی الرجس
النجس وطهر جسدی وقلبی وبعد ازان فرا گیرید آب گرم را وبر میان سر
ریزید وبر پایها واگر توانید یک جرعه ازان بیاشامید که مثانه را پاک
میکند وبعد ازان ساعتی بنشینید وچون بخانه سوم روید بگویید نعوذ بالله
من النار ونسألک الجنة وباید که اجتناب کنید از آب سرد خوردن
وفقاع که موجب خرابی معده است وآب سرد بر بدن مریزید که سبب
ضعف بدنست وچون بیرون آیید آب سرد بر قدم بریزید که دردها
از بدن بیرون کند پس چون از حمام بیرون آیید وجامه بپوشید بگویید
اللهم البسنی التقوی وجنبنی الردی وچون بدین طریق عمل کنید محفوظ
باشید از تمام دردها وفرمود که جایزست که در حمام قرآن بخوانید اما
که مقصود ازان آواز نباشد واز ازار بسته باشید وسوال کردند از امام
جعفر صادق علیه السلام که منقولست که امیر المومنین علی علیه السلام
فرمود که نیک خانه است حمام چون آتش دوزخ را یاد میدهد وچرک از بدن
میبرد وفرمود که بد خانه ایست حمام که کشف عورت میکند وحیا میبرد و ...

[illegible]

ثی

صلی الله علیه واله فرمود که هرکه ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید
که نفرستد زن خود را بحمام و فرمود که زنان امت خود را منع میکنم از حمام
و امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که بحمام مروید بی ازار و هم
فرمود که بحمام مروید وقتی که شکم شما از طعام خالی باشد و فرمود که در
حمام بر پشت باز مخفتد که پیه گرده می گدازد و هم فرمود که بحمام یکروز
باید رفت و یکروز نه منقولست از امام حسین علیه السلام چون
از حمام بیرون آمد کسی گفت بآنحضرت طاب استحمامک منع فرمودند
پس گفت طاب حمامک باز منع فرمود پس حمیمک گفت باز منع فرمود که
حمیم عرق است سوال نمود که چگونه بگویم فرمود بگو طاب ما تطهر منک و طاب
ما طهر منک و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که سه چیز است که بدن فربه
میکند بسیار بحمام رفتن و بوهای خوش استعمال نمودن و لباسهای
نرم پوشیدن و سه چیز است که بدن را لاغر میکند تخم مرغ و ماهی
خوردن بسیار و هر روز بحمام رفتن و امام محمد باقر علیه السلام و امام حسین ... چون
از حمام بیرون میآمدند دستار می بستند در زمستان و تابستان
و میفرمودند که موجب امان از درد سر است و امام علی رضا علیه السلام
فرمود که ناخن بگیرید روز سه شنبه و حجامت کنید روز چهارشنبه و بحمام

روید روز پنجشنبه و بوی خوش بکار برید روز جمعه **فصل دوم**
در پوشیدن عورت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هرکس که ایمان
بخدا و روز قیامت دارد بحمام نرود الا با ازار بدرستی که جماعتی
ملک بر آب گماشته اند و سوال نمودند از امام جعفر صادق علیه السلام
از غسل کردن برهنه بی ازار فرمود که چون کسی نه بیند او را روا است
و هم آنحضرت از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده که منع کرده اند
در رفتن آب بی ازار و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که مکروه است
نظر بعورت کسی مسلمان و اما نظر بعورت کسی که مسلمان نباشد چون نظر
بعورت خران است **فصل سوم** در مالیدن سفال و زیت و آرد و غیر
آن امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که سفال بر پا مالید که بسبب
جذام میشود و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که بازار حمام روی
خشک میکند که تازگی روی میبرد و امام رضا علیه السلام فرمود که زعفران
زیت و آرد و مانند آن روا است که در حمام بر بدن بمالند و در چیزی که
نفع بدن میرسد اسراف نیست اسراف تلف مالست و در چیزی که
مضرت ببدن میرساند و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که بوی
خوش بکار کردن در حمام روا است و سوال نمودند از امام رضا علیه

السلام که چون کسی در حمام استعمال نوره کند زیت یا آرد بر بدن
بمالد جواب فرمود بلی و از امام جعفر صادق علیه السلام سوال نمودند
که در حمام بعد از نوره آرد بر بدن مالیدن رواست و اسراف نیست فرمود
آنچه صلاح بدنست اسراف نیست پس سوال نمودند که اقتار چیست
جواب فرمود آنکه نان با نمک خوری و بغیر آن توانایی داشته باشی
پس سوال کردند که اقتصاد چیست فرمود آنکه نان با گوشت خوری و
شیر و زیت نوبتی و بار و غن نوبتی **فصل چهارم** در تراشیدن سر و عانه
و غیر آن پیغمبر صلی الله علیه و آله امر فرمود بکسی که سر بتراش که جمال
تو می افزاید و امر فرمود بتراشید موی شکم و امیر المؤمنین علی صلوات الله
نهی فرموده از تراشیدن قزع صبیان را و قزع آنست که محلی بتراشند
و محلی بگذارند مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و اله امام حسن و امام حسین را
علیهما السلام در روز هفتم سنت کرد و سر تراشید و بقدر موی ایشان
نقره بصدقه داد و عقیقه کرد از ایشان و عطا فرمود قابله را طرفی از آن
و مرویست که چون سر تراشید از طرف پیشانی ابتدا کنید و این
دعا بخوانید بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم
اعطنی بکل شعرة نورا یوم القیامة و چون فارغ شود بگوید اللهم زینی بالتقوی

و جنبنی الردا و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که موی بینی
کردی نیکو مینماید و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که
ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی زهار نگذارد که زیاده از چهل
روز شود و بر زنی که ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی زهار نگذارد
زیاده از بیست روز مرویست از امام جعفر صادق علیه السلام که
فرمود که کسی که ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی زهار زیاده از
هفته نگذارد و بهر یکماه یکبار نوره بنهد و زیاده نگذارد پس هر کس
که زیاده ازین بگذارد نماز ندارد و امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند که موی شیب بغل تراشیدن نیکوترست از بر کندن و نوره
طلا کردن بهتر از تراشیدن و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که دراز
نگذارید یکی از شما موی زیر بغل را بدرستی که شیطان محل پنهان شدن
در زیر آن فرا میگردد و پنهان می شود **فصل پنجم** در شستن سر بخطمی
و برگ کنار امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که شستن سر بخطمی بروز
جمعه موجب امان از برص است و جنون و درویشی میبرد و رزق می افزاید
و فرمود که روی بشوئید برگ کنار و کسی شکوه کرد بابی جعفر علیه السلام
از خارش سر فرمود که آب مورد بگیرید و در سر که خرم خوب بکن و بر تن زن

حلال نیست که ...

وجنبنی

ز باب دوم

تا کف برآورد و در سر و ریش مال بمبالغه بعد از آن روغن کنجد بمالد

فصل ششم در نوره نهادن امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که کسی که خواهد که نوره بنهد نزدیک بینی برد و بگوید اللهم ارحم سلیمان ابن
داود کما امرنا بالنوره و چون این دعا بخواند نوره او را نسوزد و پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرمود که کسی که بنوره طلا کند و بعد از آن حنا بنهد محفوظ
باشد از برص و جذام و خوره تا نورهٔ دیگر و امیر المومنین علی علیه السلام
فرمود که روز چهارشنبه نوره منهید که روز نحس مستمر است و مرویست
که نوره در روز جمعه موجب برص است امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که حنا روز جمعه امان از برص است و جذام و مرویست که هر که بنوره
طلا کند و بعد از آن حنا نهد بر تمام بدن خدای تعالی درویشی از وی برد

باب چهارم در ناخن و سبلت چیدن و اصلاح ریش نمودن و نظر
در آینه کردن و حجامت کردن و مانند آن و درین باب چهار فصلست

فصل اول در ناخن چیدن بامام علی رضا علیه السلام گفتند که مردمان چنین
میگویند که سبلت چیدن و ناخن گرفتن در روز جمعه است فرمود سبحان
الله بلکه هر روز که خواهند و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر روز جمعه ناخن
بچینید الله تعالی از سر انگشتان شما درد بیرون برد و دوا بدهد و امام جعفر

علیه السلام فرمود که سبلت گرفتن و ناخن چیدن و شستن سر بخطمی
در روز جمعه رزق می افزاید و فقر می برد و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که کسی که روز سه شنبه ناخن بچیند از سر انگشتان او درد بیرون
برود و دوا بدهد و امام جعفر علیه السلام فرمود که سبلت گرفتن و ناخن
چیدن در روز جمعه رزق می افزاید و فقر می برد و شخصی سوال کرد از حضرت
عبد الله ابن عباس که تعلیم کن مرا چیزی از جهة طلب رزق فرمود بگو
اللهم تول امری و لا تول غیرک آن شخص گوید که این معنی را بعرض حضرت
امام جعفر علیه السلام رسانیدم آنحضرت فرمود تعلیم کنم ترا چیزی که در
رزق ترا از این فایده بیش باشد گفتم بلی فرمود بگیر شارب را و بگیر ناخن
را در روز جمعه و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که کسی که روز پنج
شنبه ناخن و سبلت بگیرد از درد چشم و دندان محفوظ باشد و امام محمد باقر
علیه السلام فرمود که در ناخن چیدن روز جمعه ابتدا کن از انگشت کوچک
دست چپ و تمام کند بانگشت کوچک از دست راست و سنت است
که چون موی و ناخن و خون بگیرند در خاک دفن کنند و امام جعفر علیه
السلام فرمود که کسی که روز جمعه بگیرد سبلت را و ناخن را و بگوید بسم الله
و علی سنة محمد و آل محمد حق تعالی بهر قلامهٔ و تراشهٔ مویی از آن او را ثواب

ازادی بنده از فرزندان حضرت اسمعیل علیه السلام کرامت فرمائد
و مریض نشود الا بمرض موت **فصل دوم** در کوتاه کردن سبلت و کرد
کردن ریش و مانند آن پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود سبلت دراز مکنید
که شیطان در و پنهان میشود و هرکس که سبلت نمی چیند از ما نیست
و فرمود از سبلت برداشتن تا لب نرسد و امام جعفر صادق علیه
السلام فرمود که کسی که ریش او از یک مقبضه دست باشد در آتش است
و فرمود که از سعادت است سبکی ریش و فرمود که عقل مردم توان آزمود
بسه چیز درازی ریش و نقش انگشتری و کنیت و امام محمد باقر علیه السلام
فرمود بحجاج که اصلاح ریش ایشان می کرد که مدور سازد و مرویست
که مردی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و موی سفید در
ریش او بود آنحضرت فرمود که هرکس پیر شود در اسلام او را نوری
باشد در روز قیامت و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که روا است
کندن موی سفید از ریش و پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی فرموده از آنکه ریش
را روزی دو نوبت شانه کنند و آنحضرت ریش را شانه می فرمود باب
حضرت صلی الله علیه و آله در وصیت با علی علیه السلام فرمود که چون
نظر کنی در آینه بگوی اللهم کما احسنت خلقی فاحسن و رزقی و امام جعفر علیه السلام

فرمود که الحمد لله الذی خلقنی و احسن خلقی و صورنی الحمد لله الذی زان
منی ما شان من غیری و اکرمنی بالاسلام **فصل سیوم** در موی سر و ریش
شانه کردن حضرت امام علیه السلام فرمود که موی سر را شانه کردن
دفع وبا میکند و ریش را شانه کردن دندانرا سخت میکند و از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که فرمود که هرکه بکشد شانه را بر سر و ریش
و سینه نزدیک نشود او را خستگی و امام موسی ابن جعفر علیهما السلام فرمود
چون ریش شانه کنید شانه را بر سینه بمالید که غم و وبا دفع میکند و امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود که هرکس که هفتاد نوبت ریش را شانه کند
و یکنوبت یکنوبه بشمارد چهل روز شیطان نزدیک او نشود و پیغمبر صلی الله علیه
و آله فرمود که کسی که ایستاده ریش را شانه کند بقرض گرفتار شود و امام
جعفر علیه السلام فرمود که کسی که ریش برآورد باید که نیکو ترتیب کند گویا
کند فرمود در حمام ریش را شانه مکنید که موی تنک می شود و فرمود که
ریش را شانه کردن درویشی و دردی می برد و پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود که سر را بروغن چرب کردن تنگی می برد و سوال کردند از امام
جعفر علیه السلام از ظرف طلا و نقره که روغن در ان باشد پس مکروه
داشت آنرا پس گفتند که بعضی روایت کردند که ابی الحسن را علیه السلام

آینه بود که نقره پوشیده بود فرمودند که نه والحمد لله بلکه بود آن حلقه
از نقره و امام محمد تقی علیه التحیة والثنا فرمود که سر را شانه کردن بشانه
عاج موی در سر می رویاند و کرم از دماغ می برد و امام موسی علیه السلام
فرموده بپای ایستاده موی سر را شانه مکنید که موجب ضعف دلست
و نشسته موجب قوت و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که ریش را شانه کردن
از عقب هر وضوء درویشی میبرد فصل چهارم در حجامت کردن امام
جعفر علیه السلام فرمود روزه دار در غیر رمضان هر وقت که خواهد
حجامت کند و اما در رمضان هرگز مزن در بدن در نبرد و خون
بیرون نیاورد الا وقتی که مضرت بوی رسد بعد از آن فرمود که حجامت
ما در [illegible] رمضان بشبست و حجامت ما در روز یکشنبه و حجامت
ما در روز دوشنبه و فرمود که بعد از طعام حجامت بکنید زیرا که چون
مرد سیر است و حجامت میکند خون و درد هر دو بیرون می آید و درد
نمی ماند و مرویست که امام جعفر علیه السلام چون حجامت می کردندی
فرمود تا محجمه را بپوشید و به بندید و یک انار میخوردند و چون از حجامت
فارغ می شدند انار دیگر طلب میکردند و تناول می فرمودند و سوال
کردند از امام موسی کاظم علیه السلام که چه چیز بخورند بعد از حجامت

فرمود که کاشنی و سرکه و پیغمبر صلی الله علیه و اله فرمود که حجامت در روز
سه شنبه هفدهم ماه و نوزدهم ماه و بیست و یکم ماه موجب شفا از تمام
رنجهای سالست و فرمود که حجامت کنید روز پنجشنبه دهم ماه و هفدهم
و بیست و یکم ماه تا خون بسیاری نکند و سبب هلاک نشود و نهی فرموده
از حجامت روز چهارشنبه چون آفتاب در عقرب باشد و امام جعفر صادق
علیه السلام فرمود که خون جمع میشود روز پنجشنبه پس چون وقت پیشین
میشود متفرق میشود باید که پیش از زوال حجامت کند و نهی فرموده اند
از حجامت کردن در پیشین روز جمعه و فرمود که آیة الکرسی بخوانید در
وقتی که خواهید حجامت بکنید و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که جبرئیل علیه
السلام وصیت نمود مرا بحجامت کردن بمرتبه که گمان بردم که واجب
است و فرمودند که حجامت زیاده میکند عقل را و قوة حافظه را و شکوه
کرد کسی بامام علی رضا علیه السلام از جرب فرمود که جرب از بخار
کبدست پس فصد کن از پای راست و دو درم روغن بادام شیرین
باشش چه بجوز و ماهی و سرکه مخور پس چنان کرد پس صحیح
شد والله اعلم باب پنجم در بیان خضاب یعنی ریش و دست را حنا
نهادن و زینت و انگشتری و مانند اینها و درین باب شش فصل است

فصل اول در ترغیب بحنا پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که کسی ریش را رنگ
کند بحنا بدرستی که دیده را روشن میکند و موی را میرویاند و بوی دهن خوش
خشک میکند بدرستی که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که ریش رنگ
کردن سنت است و کسی نزد رسول صلی الله علیه وآله آمد که ریش رنگ
زرد کرده بود آنحضرت فرمود که نیکوست پس باز آمد بحنا رنگ کرده هم
فرمود و گفت این نیکوترست پس باز آمد و سیاه کرده بود خنده
فرمود که این نیکوترست از همه و فرمود پیغمبر علی را علیه السلام که یا علی
یکدرم بخضاب صرف کردن نیکوترست از هزار درم بغیر آن در راه خدا
چه دران فایده بسیارست دفع باد از گوش میکند و چشم را روشن میکند
و دماغ را نرم میکند بوی دهان را خوش میکند پای دندان محکم میکند بوی
بغل میبرد و کره و وسوسه شیطان را دفع میکند و ملایکه را فرح میرساند
و مؤمنان را خرم میکند کافران را خشمناک میسازد و منکر و نکیر را بجای آورد
و در قبر خلاص میسازد و امام علی رضا علیه التحیة والثنا فرمود در خضاب
ثوابست بدرستی که صورت خوب زیاده میکند عفت وصلاح زنان را
همچنانکه یکی از شما زنان را بصورت خوب می بیند خرم میشود و عفتش زیاده می
شود و بدرستی که سلیمان را هزار زن بود و در قصر سیصد شش آزاد بودند

ومهر کرده بودند و هفتصد کنیز بودند و در هر روز و شب جهة ایشان
پاکیزه گی میکرد **فصل دوم** در خضاب سیاهی مرویست که مردی پیر ریش
را سیاه میکرد و نزد پیغمبر صلی الله علیه وآله آمد مدح فرمودند و گفتند
که نورست و اسلام و ایمان و خوشی زنان و ترس در دل دشمنان
و جماعتی در رفتند بامام علی ابن الحسین علیه السلام و ایشان وسمه
می ساختند سوال ازان نمودند جواب فرمودند که جهة ریش رنگ کردنست
چه پیغمبر صلی الله علیه وآله در غزا امر فرمودند اصحاب را که ریش سیاه
کردند و امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که زنان دوست میدارند که
زینت کنند بانچه مردان دوست میدارند که زنان زینت کنند بان
فصل سیوم در خضاب بحنا و کتم و آن گیاهی است که بارنگ [illegible]
می سازند و آن سوره است و خضاب کردن زنان دست را [illegible] امام
علی رضا علیه السلام فرمودند که در خضاب ثوابست و زیادتی باه
و بدرستی که زن دوست میدارد که چند از مرد صورت و زینت خوب
و زنان بنی اسرایل که از عفت و صلاح بفجور و فسق واقع شدند جهة
آن بود که شوهران ایشان زینت کم میکردند و وصیت از یکی از ائمه
علیهم السلام که سزاوار نیست زنان را که دست ایشان بی خضاب باشد

واگرچه بمالیدن دران باشد پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که خضاب
ریحان بهشت است و قیام نمودن بحنا همچون کسی است که بجهت حرب در راه خدا
مهیا باشد و حنا خضاب اسلام است و مومن را آراسته می گرداند
و درد سر می برد و چشم را روشن میسازد و از امیر المومنین علی علیه السلام
روایت است که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که خضاب کنید بحنا درستی
که حنا زیاده میکند جوانی را و جمال و قوت باه و خوب رویی و مباهات
فرماید خدای تعالی بان بر ملایکه پس هر که بمیرد با خضاب چون ملکین
بر خضاب او ببینند یکی از ایشان بآن دیگری گوید که بیرون رو که مارا بدین
بنده راه نیست **فصل چهارم** در بیان کراهیت جنب و حایض را امام رضا
علیه السلام فرمودند که مکروه است ریش رنگ کردن در حال جنابت
و نیز فرمود که هر که خضاب کند در حال جنابت یا جنب سازد خود را پیش
از بر داشتن خضاب از بدی شیطان در امن نباشد و امام جعفر علیه
السلام فرمودند که زن حایض استعمال کند حنا را اما زن زاییده را روا
و سوال نمودند از یکی از ایمه علیهم السلام که رواست که زن موی سر را بموی
دیگر پیوند کند جواب فرمودند که از موی خودش رواست و از موی غیر او
نه و عمار ساباطی گفت که گفتم با حضرت امام جعفر علیه السلام که مردم میگویند

خضاب م

که پیغمبر صلی الله علیه وآله لعنت کرد واصله و موصله را فرمود بلی واصله و
موصله فاجره و قواده است و باکی نیست که موی را بموی خود وصل
کند **فصل پنجم** در انگشتری و آنچه متعلق است بآن امام رضا علیه السلام
که خاتم حضرت امام جعفر را علیه السلام قیمت کردند بهفت درم پس بر گرفت
پدر من آنرا بهفت درم و فرمود که پدر من آنرا بهفت دینار طلا ستد و امام جعفر
علیه السلام فرمودند که انگشتری پیغمبر صلی الله علیه وآله از نقره بود که نقش آن
بود و در آن محمد رسول الله لا اله الا الله کسی پرسید که نگین داشت فرمودند لا و پیغمبر
صلی الله علیه وآله فرمودند که حق تعالی پاک نمی گرداند دستی را که در و انگشتر
آهنین باشد و امیر المومنین علی علیه السلام فرمودند که رسول صلی الله
علیه وآله وسلم منع فرمودند از انگشتری طلا و از آب آشامیدن از
ظروف نقره و مرویست که امیر المومنین علی علیه السلام را چهار انگشتر
بود از نقره یکی به نگین سبز یاقوت در دست میکردند در وقت تیر انداختن
و دیگری به نگین عقیق سرخ در دست میکردند جهة حفظ و دیگری به نگین
فیروزج در دست میکردند جهة ظفر و دیگری به نگین آهن چینی در دست
میکردند جهة قوت و نهی می فرمودند شیعه را از انگشتری آهنی و فرمودند
در وصیت اصحاب را کسی که در نقش نگین او اسم خدا باشد از دستی که

باآن استنجا کند تغییر کند یعنی از دست چپ بیرون کند و بدست راست کند
و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که انگشتری عقیق در دست کنید که تا آن
داشته باشید غم نشما رسد و فرمود که جبرئیل علیه السلام جهة
من آورد از بهشت و گفت امت را امر کن باین و فرمودند که انگشتری
یاقوت نفی فقر میکند و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که انگشتری
عقیق در دست کنید تا برکت یابید و از بلا در امان باشید و شخصی شکوه
کرد بحضرت رسول صلی الله علیه و آله از دزدان که او را آزرده بودند
آنحضرت فرمود که چرا انگشتری عقیق در دست نمی کنی که آن نگاه میدارد
مرد را از هر آفتی امام جعفر صادق علیه السلام فرمود فقیر نشود دستی
که انگشتری فیروزج داشته باشد و مرویست که در دست امام موسی کاظم
علیه السلام انگشتری نقره بود به نگین فیروزج نقش او الله الملک بود
و می فرمودند که این نگین را جبرئیل علیه السلام بهدیه جهة رسول آورد
و آنحضرت صلی الله علیه و آله با میر المؤمنین علیه السلام بخشید و نام
او بفارسی فیروزج است و به عربی ظفر و امیر المؤمنین علی علیه السلام
پوشید جزع یمانی را و فرمود که کید شیطان را دفع میکند و امام جعفر صادق
علیه السلام فرمودند نگین خوبست فیروزج و بلور و منقولست که انگشترین

زمرد و یاقوت زرد و فیروزه و یشم میکند امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که نقش نگین پیغمبر صلی الله علیه و آله محمد رسول الله بود و نقش نگین علی علیه السلام
الله الملک بود و نقش نگین محمد باقر علیه السلام العزة لله و مرویست که نقش
نگین امام جعفر علیه السلام انت ثقتی فاعصمنی من خلقک بود و نقش نگین
امام علی رضا علیه السلام حسبی الله بود و نقش نگین امام علی نقی علیه السلام
نعم القادر بود و نقش نگین آدم لا اله الا الله محمد رسول الله بود و نقش نگین
ابراهیم علیه السلام شش حرف بود که جبرئیل علیه السلام آورده بود
در وقت که او را در منجنیق نهاده بودند و بآتش می انداختند و آن شش حرف
این بود لا اله الا الله محمد رسول الله توکلت علی الله اسندت ظهری
الی الله فوضت امری الی الله لا حول و لا قوة الا بالله و نقش نگین عیسی
علیه السلام این بود اصبر توجر اصدق تنج و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که کسی که نقش نگین او آیتی از کتاب الله باشد آمرزیده است و نقش نگین امام محمد
باقر علیه السلام این بود ظنی بالله حسن و بالنبی المؤتمن و بالوصی ذی المنن و بالحسین
و مرویست که انگشتری در دست کند این دعا بخواند اللهم سومه بسیما الایمان
و توجنی تاج الکفایة و قلدنی حبل الاسلام و لا الاسلام من عنقی و لا تخلع
ربقة منقولست که چون جمعه اول ماه رمضان بر نگین آهن چینی این نقش کنند

کعسلون لا اله لا الا الاول بالله بدو سطر جهة دفع علتها نیکوست **فصل**
ششم در آرایش زنان بزیور امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که فاطمه
علیه السلام سیدهٔ نساء اهل جنت است و مقنعهٔ ایشان از دوش فرود آمده
بود و بیشتر دست را پوشیده و امام جعفر علیه السلام فرمودند که مقنعه
و دامن که بدن را نه پوشد زن مسلمان باید که نپوشد و فرمودند که زن ترک
روا نیست که زینت کند اگر چه قلادهٔ باشد در گردن و امام محمد باقر علیه السلام
فرمودند که عادت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آن بود که چون بسفر میرفتند
سلام و وداع میکردند بر هر کس تا بفاطمه علیه السلام و از خانهٔ فاطمه بسفر
می شدند چون بازمی گشتند اول بخانهٔ فاطمه علیها السلام می آمدند
[illegible] ان بدیگر خانها پس یکنوبت از سفر بازگشته بودند بخانهٔ فاطمه علیه
السلام آمدند آنحضرت دو دست و رنجن نقره ساخته بودند و در دست
داشتند و یک پردهٔ جهت در خانه خریده بودند و آویخته پس پیغمبر صلی
الله علیه و آله چون آن پرده دیدند محل نپسندیدند و بیرون فرمودند فاطمه
علیه السلام بگریه افتاد و مکدر شد و امیر المؤمنین حسن و امیر المؤمنین حسین
را علیه السلام طلب نمود و دو دست برنجن بیرون کرد و پرده از در باز کرد
و بایشان داد و نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرستاد که سلام من

برسان

برسان که امر از شماست حضرت پیغمبر امیر المؤمنین حسن و امیر المؤمنین
حسین را علیهما السلام در کنار نشانیدند و بوسه دادند و فرمودند
که دست برنجن دو کانه بشکستند و آن پرده را چند وصله کردند و اصحاب
صفه از مهاجران که بغایت فقیر بودند طلب نمودند و بایشان قسمت کردند
و فرمودند که خداوند جل جلاله رحمت کند بر فاطمه و در عوض این لباسها
حلهای بهشت بوی دهد و مرویست که سوال کردند از امام جعفر علیه السلام
که چون کسی را دندانی بیفتد جایز است که دندانی از طلا یا دندانی از گوسفند
بجای آن نهند فرمودند بلی اگر دندان گوسفند مرده نباشد والله اعلم
باب ششم در لباس و مسکن و آنچه تعلق دارد بآن و درین باب ده فضیلت
فصل اول در تجمل بلباس و کیفیت آن و دعا در وقت پوشیدن [illegible]
از امام جعفر صادق علیه السلام که چون ابن عباس رضی الله عنه را جانب
امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام به پیش خوارج میرفت و پوشیده بود
بهترین جامها بوی خوش و به نیکوترین مرکوبها سوار شدی و با ایشان
موافقت کرد و گفتند که ما خیال کردیم که تویی خیر الناس چون لباس و مرکوبات
بتجمل آمدی باز ابن عباس این آیت خواند قل من حرم زینة الله التی اخرج
لعباده والطیبات من الرزق پس فرمود لباس و تجمل بپوشید که الله تعالی

جمیلست و جمال دوست میدارد که از حلال باشد و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که مردی بدر خانهٔ حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله ایستاده که ایشانرا به بیند حضرة در کوزهٔ آب نظر می فرمودند و موی لحیه را راست می کردند و بیرون می فرمودند کسی سؤال نمود که تو رسول خدایی و سید ولد آدم روی و لحیه می آرایی جواب دادند که حق سبحانه و تعالی دوست میدارد که کسی نزد برادر خود رود و تجمل کند و امام علی رضا علیه السلام فرمودند که یوسف نبی علیه السلام کمخا می پوشید و ازار مذهب می بست و در تخت می نشست و امام علی ابن الحسین دو جامه می پوشید در تابستان که به پانصد دینار می خریدند و در زمستان جامه می خریدند و می پوشیدند و به پنجاه دینار می فروختند و بصدقه می دادند و امیر المؤمنین علیه التحیه و الاکرام فرمودند باید که زینت کنید شما بجهت برادری که بنزد شما آید چنانکه زینت میکنید از برای غریبی که دوست میدارید که به بیند شما را بصورت خوب و مرویست که جمعی از اهل خراسان آمدند بنزد امام علی رضا علیه السلام و گفتند که مردمان انکار تو می کنند درین لباسهای فاخر که می پوشی جواب فرمودند که یوسف علیه السلام ابن نبی بود و کمخا می پوشید و ازار زربفت می بست و بجای فرعون می نشست و بر امام واجبست که حکم عدالت کند و بوعده وفا کند

و سخن راست گوید شخصی از امام موسی علیه السلام پرسید از حال مردی که او را ده جامه باشد آیا این از اسرافست یا نه فرمودند نه بلکه این نگاه داشتن جامه است لیکن اسراف آنست که جامه نگاه داشت خود را در مقام ترکی و چرکین بپوشد امام جعفر صادق علیه السلام چون جامه نو می پوشیدند این دعا می خواندند اللهم اجعله ثوب یمن و برکة اللهم ارزقنی فیه شکر نعمتک و حسن عبادتک و العمل بطاعتک الحمد لله الذی رزقنی ما استر به عورتی و اتجمل به فی الناس و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که کسی که راضی شد از دنیا بانچه او را کافیست قدر کفایت بآن وجهی بوی میرسید و اگر راضی نشد بآن هیچ وقت نمی یابد آن قدر که او را بس باشد و امیر المؤمنین و امام المتقین علی علیه الصلوة و السلام فرمودند طریق انبیا آنست که پیراهن پیش از زیر جامه بپوشند ایستاده و روی بقبله و فرمودند که چون کسی جامه نو پوشد وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد و بخواند در ان فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و آیة الکرسی و انا انزلناه بعد از ان حمد خدای عز و جل کند و امام جعفر علیه السلام فرمودند که اگر کسی جامه نو پوشد و سی و پنج نوبت انا انزلناه بر ظرف آب بخواند و بعد از ان آب بران جامه پاشد رزق وی بسیار گردد تا آن جامه کهنه شود و مرویست از امام علی رضا

علیه السلام که چون جامه نو می پوشیدند قدحی آب می طلبیدند و
ده نوبه سورهٔ انا انزلناه و ده نوبه قل هو الله احد و ده نوبت سوره قل
یا ایها الکافرون بدان میخواندند و آن آب بر جامه می پاشیدند و می
فرمودند که کسی که چنین کند در عیش باشد تا آن جامه باقی باشد

فصل دوم در پوشیدن انواع لباس حضرت امام جعفر علیه السلم
نقل فرموده از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که پوشید جامه منیه
بدرستی که آن لباس رسولست و لباس ما و ایشان موی و پشم می
پوشیدند الا بضرورتی و فرمودند که الله تعالی جمیل و نیکوست و دوست
میدارد که ببیند اثر نعمت خود بر بندگان و فرمودند که کتان از لباس انبیاست
و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود هیچ لباس بهتر از سفید نیست پس انرا بپوشید

فصل سیوم در پوشیدن لباسی که دران ابریشم باشد روایتست که
امام زین العابدین علیه السلام در مزاج مبارک سرما زود تاثیر کردی
و در زمستان لباسی از موی خز که جانوریست که در دریا می باشد که پوست
او پوستین سازند بافته بودند به هزار درهم یا پانصد درهم خریدی و چون
زمستان بیرون رفتی آن جامه را فروختی و قیمت آنرا بصدقه دادی و قتیبه
بن محمد گوید که از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم که ما این لباس خز

می پوشیم و تار آن ابریشم است جایز باشد یا نه انحضرت فرمودند
که باکی نیست چون ابریشم محض نیست و فرمودند که امام حسین را علیه السلام
از روز که شهید کردند جبه پوشیده بودند و آن موی خز بود و قتیبة بن محمد
گوید که ما جامهای صوف می پوشیم که موی آن حیوانات مرده است
این جایز است یا نه انحضرت فرمود که در پشم جان نیست نمی بینی که
گوسفند باوجود آنکه زنده است پشم او را می برند و می فروشند و
و روایت کرده اند از امام زین العابدین علیه السلام در تابستان
دو جامه می پوشیدند که قیمت آن اشرفی بود و در تابستان می فروخت
و تصدق می کرد محمد بن سعد روایت کند از امام جعفر علیه السلام که گفت
پدرم خزی می پوشید که قیمت آن پانصد درهم بود چون یک سال میگذشت
جامه را بصدقه می داد گفتند یا امام اگر بفروشی و قیمت آن بصدقه
دهی بهتر نیست انحضرت فرمود که نماز گزارده ام در ان نمی فروشم اولی
آنست که بمستحقی دهم که ازا پوشد و دران نماز گذارد روایتست
شخصی از امام جعفر علیه السلام پرسید که پوست خز می توان پوشید
انحضرت فرمود آری آن شخص گفت سگ را دیده ام مثل سگ آبیست
انحضرت فرمود که چون بیرون آب می ماند باکی نیست روایتست که

نزد امیر المؤمنین علی علیه السلام چند حله خوب آوردند امام حسین
یک حله که خوب تر بود طلب نمودند حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
فرمود که دو حله عوض این میدهم و تا پنج حله عوض آن حله داد و امام
حسین علیه السلام همان حله را طلب کرد آنحضرت حله را با امام حسین
علیه السلام داد و فرمود که تو این را می پوشی و مردمان ترا تعظیم
می کنند و ابن امیر المومنین می خوانند و دیگر آنکه یکبار دیگری می پوشی
چرکن می شود و ضایع می گردد و این را می توان فروخت و پنج حله
از بهای این خرید که پنج مسلمان بپوشند روایتست از حضرت رسول الله
که چون اسامه بن زید را دید که لباس ابریشم پوشیده بود فرمود این لباس
کسیست که او را نصیبی از آخرت نباشد فرمود که آنرا چند بخش کرد و معجر
زنان ساخت روایتست از امام جعفر علیه السلام که لباس حریر جایز
پوشیدن لیکن میتوان فروخت و در جنگ می توان پوشید و اگر
چه در ان صورتها بافته باشند روایتست از حضرت امیر المؤمنین علی
علیه السلام که فرمود که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله مرا نهی کرد که
انگشتری طلا در دست کنم یا زین پوش سرخ بر اسب افکنم یا در رکوع
قرآن خوانم **فصل چهارم** در باب منع از افتخار و تکبر بلباس خوب

از امام جعفر علیه السلام روایتست که هر که در روی زمین بلباس خوب
تکبر رود لعنت کند زمین بر و در زیر پای او روایتست از امام محمد
باقر علیه السلام که شخصی را دید سیاه رنگ که دو حله پوشیده بود
یکی را ردا ساخته و بدان مباهات کنان میرفت آنحضرت فرمود که
این جبار است از جمله وصیت حضرت رسالت است بابی ذر غفاری
که یا اباذر اکثر دوزخیان متکبرانند ابوذر گفت یا رسول الله کسی از کبر
خلاص تواند یافت حضرت فرمود که آری کسی که جامه پشمین پوشد و بر
خر سوار شود و گوسفند بدست خود دوشد و هم نشین شکستگان و محتاجان
باشد ای اباذر هر که آنچه از بازار جهت اطفال خود خود بردارد
و بخانه آورد از تکبر خلاص شود ای اباذر هر که دامن خود را بر زمین بکشد
از روی تکبر روز قیامت حق تعالی بر و نظر نکند روایتست که امیر المؤمنین
علی علیه السلام روزی میرفت شخصی جامه دراز پوشیده بود بانگ
بر و زد که جامه خود را بردار و مگذار که زمین او را بخورد و روایتست
از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله که بوی بهشت از هزار ساله راه می توان
شنید و نشنود کسی که جامه دراز پوشد از روی تکبر زیرا که تکبر خاصه خداست
و هم روایتست که فرمود که سه کس اند که حق سبحانه و تعالی بدیشان

نظر التفات نکند اول انکه دامن بزمین کشد از روی تکبر دوم انکه
متاع خود را بدروغ فروشد سوم کسی که صفای دل او ترا خواهد و او
اعراض کند بواسطهٔ حسد و کدورتهای نفسانی و آنحضرت فرمود
که هرگاه امتان سایلان را محروم سازند و به تکبر راه روند حق تعالی سوگند
یاد کرده که ایشان را بایکدیگر گذارم یعنی ایشان را بعضه بیکدیگر گرفتار سازم
روایتست از امام جعفر علیه السلام که فرمود که روزی امام زین العابدین
علیه السلام جامهای فاخر پوشیده از منزل بیرون آمد و بازگشت و
جامهٔ دیگر طلب کرد و آن جامها بیرون کرد و فرمود که این جامها را
بخانه ببر که من چنان میدانم که علی ابن الحسین نیستم و آن حضرت چون
راه رفتی مرغ بر بالای سر او بودی و پای راست ایشان بر چپ نبودی
و از امام زین العابدین علیه السلام روایتست که چون بدن جامهای
نرم پوشید سرکش می شود و روایتست که امام جعفر علیه السلام جامهٔ
که امیر المؤمنین علیها السلام را در ان جامه شهید کرده بودند روزی بیرون
آورد و ملاحظه نمود دامن او دوازده شبر و آستین او سه شبر بود و
امام جعفر علیه السلام فرمود که حضرت امیر علیها السلام دو پیراهن می خرید
و غلام را می فرمود که هر کدام که تو می خواهی اول جهة خود بردار و یکی خودی

پوشید و آستین آن قدر که درازی بودی می برید و چون می پوشید شکر
خدا بسیار کردی روایتست که روزی حضرت امیر المومنین علی علیه السلام سه جامه
خرید یک اشرفی پیراهنی و لنگی و ردایی بعد از ان سر سوی آسمان کرد و شکر
حق سبحانه و تعالی کرد تا آن زمان که بخانه خود رفت فرمود که لباس لایق تمامیت
لیکن این زمان اگر بپوشم مردمان مارا دیوانه خوانند یا گویند که ریا میکند
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود که پدرم دو جامهٔ
خوب داشت چون نماز گزاردی پوشیدی و چون از حق تعالی حاجتی
خواستی پوشیدی و هم فرمود که روزی مرتضی علی علیه السلام خطبه
می خواند و جامهٔ آنحضرت کرباس غلیظ بود و چنان کهنه که بعضی جاهای
آنرا پینه به پارهای صوف کرده بودند کسی سوال کرد یا امیر المومنین
چرا چنین کرده فرمود که درین لباس خشوع و خضوع زیاده می شود
و مومنان پیروی می توانند کرد و روایت کند عبد الله عباس رضی الله
که چون از بصره بازگشتم و بیت المال آوردم در کوفه در آمدم حضرت
امیر المؤمنین را علیه السلام را دیدم ایستاده در بازار و خود منادی
میکرد که ای مردمان هر کرا ببینم بعد ازین که ماهی که بی فلوس باشد و ماهی مرده
بر روی آب و مارماهی فروشد او را ادب بلیغ نمایم بدین دره نزدیک

حضرت امیر المومنین علی علیه السلام رفتم و سلام کردم الحضرت خواب
من داد و پرسید احوال من و دیدم که شمشیر خود را الحضرت بمنادی
داد که بهفت دینار فروخت و چهار دینار او را پیراهنی خرید و دو درم
بصدقه داد و بیک درم او را سه روز مهمانی کرد و روایتست که امام جعفر
صادق علیه السلام جامهٔ پشمینه و پیرهن کرباس درشت می پوشید
کسی سبب آن پرسید فرمود که پدرم دیدم چنین میکرد و ما هرگاه که نماز
می گذاریم درشت این جامهای پوشیم روایتست از امام رضا علیه
السلم که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که پنج چیز نست که تا مردن ترک
آن نکنم خوردن بشرکت غلامان و سواری خر پالان کرده و دوشیدن
بز بدست خود و پوشیدن پشمینه و سلام بطفلان تا از من این سنت
در امت باقی ماند **فصل پنجم** در ته کردن جامه و پاکیزگی آن ابو جعفر علیه
السلام فرمود ته کردن جامه یعنی باقی ماندن جامه و نیز فرمود که جامهٔ
پاک دشمن را مغموم می سازد و روغن مالیدن اندوه را می برد و سر را
شانه کردن وبا را می برد و محاسن شانه کردن دندانها را محکم می کند و
از حضرت امیر المومنین علی علیه السلام مرویست که شستن جامه ملال را
می برد و بجهت نماز پاکیزه می سازد و پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم

فرمود که کسی که جامهٔ دارد باید که پاک نگاه دارد **فصل ششم** در مکروه
بودن لباس شهرة از امام جعفر علیه السلام روایتست که همین بس
باشد کسی را که جامه جهت شهرة پوشد و سوار جهت شهرة شود و فرمود
که دشمن میدارد خدای تعالی لباس شهرة را روایتست که عباد بصری
پیش امام جعفر علیه السلام آمد و جامها جهت شهره پوشیده بود امام فرمود
که این جامهاست عباد گفت یا امام عیب می فرمایی مرا بجهت این جامها
امام فرمود بلی پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در دنیا لباسهای شهرة
پوشد او را در آخرة حق تعالی جامهای مذلت پوشاند روایتست از امام
موسی علیه السلام که نزد او دشمنتر از جامهٔ شهرة نبود و چون جامهٔ نو
خریدی آن را بآب فرو بردی تا طراوت او شکسته شود و بعد از آن پوشیدی
فصل هفتم در دستار و طاقیهٔ پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که
دستار به بندید که حلم را زیاده کند روایتست که پیغمبر صلی الله علیه و آله
دستار امیر المؤمنین علی علیه السلم بست و از پیش گوشه را آویخت
و از عقب کوتاه کرد و فرمود که چنین است دستار فرشتگان روایتست
از امام موسی علیه السلام که من ضامنم که هر کس بسبزد و تحت الحنک
بندد از سه چیز ایمن باشد از سوختن و غرق شدن و دزدان دعایی

که در وقت دستار بستن خواندی اللهم سومنی بسیماء الایمان و توجنی
بتاج الکرامة و قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان من عنقی
و سنت است که دستار را ایستاده بندند با لحت‌الحنک روایتست که امام
زین العابدین علیه السلام طاقیه خز بر سر نهاد و آستر آن سمور بود و روایتست
که پیغمبر صلی الله علیه و اله طاقیه یمنیان و طاقیه سفید مصریان و طاقیه دو گوشه
دار بر سر مبارک نهادی در حرب روایتست که امام موسی کاظم علیه السلام
جهة خود طاقیه فرمود و گفتی می باید که بناخن در و چینها نسازند که مثل من
سیدی را لایق نباشد که طاقیه که در و بناخن چینها ساخته باشد بپوشم فصل

هشتم

در موزه و کفش روایتست که پیغمبر صلی الله علیه و اله و امیر المومنین
علی علیه السلام موزه پوشیدندی نقلست که امیر المومنین علی علیه السلم
در سفر موزه بسیار باقی بودی که سوار شدی شبی چون اختیار سفر افتاد و
موزه پوشید خواست که موزه دیگر پوشد مرغی از آسمان فرود آمد و
آن موزه را برد چون روز شد موزه را انداخت در اندرون ماری بود
روایتست که موزه سیاه پوشیدن سنت است و فرمود که موزه سرخ
شعار جباران است و سفید طریق پادشاهان و روایتست که در سفر موزه
پوشیدن ممنوع نیست و امام جعفر علیه السلام فرمود که مداومت بر پوشیدن

موزه امانست از جذام پرسیدند یا امام در زمستان یا در تابستان
فرمود هر دو و امام محمد باقر علیه السلام فرمود پوشیدن موزه جهة حفظ
و نور چشم خوبست و منقولست که روزی پیغمبر صلی الله علیه و اله برخاست
شخصی پیش آنحضرت کفش آنحضرت کفش آن حضرت نهاد و آنحضرت دعا
کرد که اللهم ان عبدک هذا تقرب الیک فقربه و راوی گوید که کمان بردم
که کفش که وادانه و گفته اند که روزی آنحضرت مضمضه فرمود و آن آب
را در ظرفی ریخت شخصی برجست و آن آب را خورد حضرت دعا فرمود
که اللهم ان عبدک یحب الیک فاجبه سنت است که اول کفش بپای راست
پوشند و در وقت بیرون کردن اول از پای چپ و دعایی که در کفش
و موزه پوشیدن خوانند اینست بسم الله اللهم صل علی محمد و آل محمد و علی
قدمی فی الدنیا و الاخرة و ثبتهما علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام و چون
کفش بیرون کنند ایستاده این دعا بخوانند که بسم الله و الحمد لله الذی
رزقنی ما اوقی به قدمی من الاذی اللهم ثبتهما علی صراطک و لا تزلهما عن
صراطک السوی در کتاب طب الائمه علیهم السلام آورده است که کفش
سیاه نپوشند و کفش زرد پوشند که کفش سیاه پوشیدن شعار جباران است
و کفش زرد پوشیدن طریق انبیاست و موجب سرور خاطرست شان

ابن سدیر نقل کند که بخدمت حضرت امام جعفر علیه السلام رفتم با کفش سیاه
آنحضرت فرمود چرا کفش سیاه پوشیده‌ای نمی‌دانی که در آن سه خصلت است
بصر را ضعیف میکند و مردی را سست می‌کند و غم می‌آورد و باین طریق جباران است
کفش زرد پوشش که در وی سه خصلت نقیض آنست و طریق پیغمبرانست **فصل**
نهم در مسکن و آنچه بدان متعلق است روایتست از پیغمبر صلی الله علیه و آله
که سعادت مرد چهار چیز است و شقاوت او چهار است اول چهار چیز که
سعادتست آنست زن صالحه و خانه گشاده و همسایهٔ خوب و مرکوب
و چهار که شقاوتست عکس چهار اول و مرویست که بلندی بنای خانه
می باید که زیاده از هفت ذرع نباشد و در بعضی روایتها از هشت ذرع
اگر بلندتر شود مسکن جن شود و کمر آیة الکرسی نویسند که جن منزل نکنند و
مستحب است که چون بنای کنند گوسفندی ذبح کنند و فقرا را ضیافت کنند
و این دعا بخوانند اللهم ادحر عنی و عن اهلی و ولدی مردة الشیاطین و بارک
لی فیه بر تولی که آن خانه مبارک گردد انشاء الله تعالی و جاروب کردن
سبب زیادتی رزق گردد و در حدیث است که غسل کاسه و کوزه سبب زیادتی
رزق است روایتست که چون تابستان از خانه بیرون روند باید که روز
پنجشنبه بیرون روند و چون زمستان بخانه روند روز جمعه روند و عبد الله

عجلی

عباس رضی الله عنه روایت کند که پیغمبر صلی الله علیه و آله شب
جمعه در تابستان بیرون آمدی و شب جمعه در زمستان درون رفتی
و سنت است که در خانه کبوتر نگهدارند و گوسفند که دفع شیطانست و
زیادتی برکت و روایتست که در خانه سه چیز می باید که باشد خروس
و کبوتر و گربه و مرویست که خروس سفید در خانه دفع شر و سحر و کهانت
و کفر است حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که در خروس پنج خصلت
پیغمبرانست شناختن اوقات نماز و شجاعت و سخاوت و غیرت
و کثرت مجامعت **فصل دهم** در فرش و آنچه بدان متعلق است روایتست
که شخصی بمنزل حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفت در آنجا فرشها و حجاب
و امثال آن دید پرسید که اینها چیست آنحضرت فرمود که اینها تعلق
بزنان دارد و همچنین روایت کند امام حسین علیه السلام که شخصی در منزل
آنحضرت فرشهای خوب دید و تعجب کرد آنحضرت فرمود که ما کابین زنان
خود بایشان داده‌ایم و ایشان جهت خود اینها خریده‌اند روایتست
از امام محمد باقر علیه السلام که امیر المومنین چون فاطمه را علیهما السلام
نکاح کرد فرش پوست گوسفند بود و بالش ایشان پر از لیف خرما
و چوبی افراشته بودند و مشک آب بران افراشته و پرده بران نو شده

ومنقولست که کسی گفت شنیده ام از مقتدای انام امام ابی عبد الله
علیه السلام که فرمودند که رسول صلی الله علیه وآله که فاطمه را بعلی
علیها السلام داد چادر او از عبای پشمین بود وفرش خانه از پوست
وبالش او پوستی بود پر از لیف خرما وچوبی افراشته بودند ودر
کتاب موالید الصادقین منقولست که رسول صلی الله علیه وآله در آن
دو ماه که از زمان هجرت فرموده بودند در خانه بود که پوست درا
نهاده وبرگ درخت سلم جهة دباغة درانجا بود والحضرت خوابیده بودندی
برحصیری واثر آن بر پهلوی مبارک ایشان ظاهر بود پس کسی درانجا
رفت چون بوی پوست شنید گفت یا رسول الله این بوی چیست
فرمودند که از متاع این قبیله است باز گفت که من گواهی میدهم که تو
رسول خدایی ونزد حق سبحانه وتعالی گرامی تر از قیصر وکسری
چرا که تو بر حصیر میخوابی که اثر آن بر پهلوی تو پیداست وایشان را متاع دنیا
بسیار هست الحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند که چرا راضی
نباشیم بآنکه ایشان را دنیا باشد وما را آخرة ومنقولست که کسی سوال کرد
از امام ابی عبد الله علیه السلام که تختی که در وطلا باشد جایز است که در
خانه نگاه دارند یا نه الحضرت فرمود که اگر عین طلا باشد جایز نیست

واگر آب طلا باشد جایزست ومرویست هم از الحضرت که فرمودند
که گاه هست که بنماز متوجه می شوم ودر پیش روی من بالش که بصورت
مرغان منقوش بود از جانب شام برسم هدیه جهة من آورده بودند پس
امر کردم که صورت سر آن مرغان تغیر کردند باقی بصورت درخت بید
ومرویست که کسی سوال نمود از حضرت امام ابی عبد الله علیه السلام
از صورت آفتاب وماه فرمودند که جایز است اگر صورت حیوانات
در آن نباشد ومرویست که کسی از الحضرت سوال نمود معنی تماثیل که
در آیه کریمه یعملون له ما یشاء من محاریب وتماثیل وارد است جواب
فرمودند که مراد صورت درختانست ومانند آن ومنقولست که کسی گفت
مر حضرت امام را علیه السلام که در خانها بالشها وفرشها افکنند که در آن
صورتها نقش است جایزست جواب فرمودند که بر زمین افکنند وپای
بران نهند جایزست واگر بر دیوار وتخت افراشته میکنند جایز نیست

باب هفتم در آداب طعام خوردن وآب آشامیدن وآنچه بدان متعلقست

ودرین باب سیزده فصلست **فصل اول** در فضیلت طعام ومهمانی کردن
وروزه سنت داشتن حق تعالی می فرماید وما انفقتم من شیء فهو یخلفه یعنی
هر چیز که شما خیر وصدقه می کنید خدا عوض آن بشما می رساند ومدح میفرماید

مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲
کتابخانه

کسی که اندک طعامی داشته باشد با وجود حاجتی بدیگری بصدقه
دهد که ویؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة و رسول صلی الله علیه
واله فرمودند که ایمان بخدا ندارد کسی که خود را سیر کند و برادر او گرسنه
باشد و ایمان بخدا ندارد کسی که خود را بپوشاند و برادرش برهنه باشد
و فرمودند که کسی که یقین دارد بآنکه هرچه صدقه میکند عوض بوی میرسد
و نفس او سخی می شود و مرویست که امیر المومنین علیه السلام فرمود
شنیدند که مردی گفت عذر گناه بخیل کمتر است از ظالم پس فرمودند
که دروغ میگویی ظالم گاه هست که توبه میکند و مظالم به صاحبان میدهد
و بخیل زکوة و صدقه نمی دهد و با خویش پیوندی ندارد و مهمانی و خیرات
در راه خدا نمی کند و حرامست که بخیل بهشت رود و منقولست که امام جعفر
علیه السلام فرمودند که خلاصی در آخرت بآنست که هر کس طعام دهند
و سلام کنند و در شب نماز گذارند و فرمودند که اگر کسی هزار دینار صرف
طعام کند و یک مومن بخورد اسراف نیست و منقولست که رسول صلی الله
علیه و آله فرمودند که هرکس که بخدا و روز قیامت ایمان دارد مهمان را
باید که گرامی دارد و اگر سخن کند خیر بگوید یا خاموش شود و حضرت امیر
المومنین علی علیه السلم فرمودند که اول چیزی که در آخرت ثواب آن میدهند

صدقه است و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که حق سبحانه و
تعالی دوست میدارد که جگر گرم را آب خنک کنند و هرکس بجا ذاری
آب دهد خدای تعالی او را در سایه عرش نگاه دارد در روز قیامت
و فرمودند که هرکه آب بکسی دهد در جایی که آب باشد ثواب آزادی
بنده دارد و در جایی که آب نباشد ثواب زنده کردن مرده دارد
و فرمودند که نیکوترین اعمال نزد خدای تعالی که گرسنه را سیر کردن است
و مشقت از و برداشتن و قرض او ادا نمودن و منقولست از موسی
ابن جعفر صلوات الله علیهما که کسی که توانایی نداشته باشد که نیکویی
با کند نیکویی بدرویشان شیعه ما کند و کسی که توانایی نداشته باشد
که زیارت قبر ما کند زیارت قبر برادران صالح ما کند و از امام جعفر
صادق علیه السلام نقل فرموده که رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که ثواب صدقه ده است و ثواب قرض هجده و نیکی به برادران بیست
و خویش و پیوند بیست و چهار و نقل فرمودند که حق سبحانه و تعالی فرموده
که بهر عبادتی ملکی گماشته ام که وا میگردد و اگر کسی دانه خرمایی صدقه کند
ازرا افزون میکنم و بزرگ میشود بمقدار کوه احد و فرمودند که چون خواهد
که سعادت مرد بداند بنگرید که چون خیر میکند اگر بمستحق میکند بدان که

خیرست و اگر بغیر مستحق میکند بداند که نزد خدا نیکو نیست و فرمودند که
نیکوترین شما کسی است که سخی باشد و بدترین شما کسی است که بخیل باشد و
و فرمودند که نیکویی با برادران و سعی در حاجت ایشانست از ایمان
و جوانی کهنه کار بخشنده نزد باری تعالی نیکوترست از پیر عابد بخیل و پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که هر کس که بجای آورد آنچه خدای
تعالی فرض کرده سخی ترین مردم است و مرویست از امام محمد باقر علیه
السلام که فرمودند که نیکی و صدقه رفع درویشی میکند و در عمر می افزاید
و رفع میکند هفتاد نوع مردن بد را و منقولست از رسول صلی الله علیه
و آله که فرمودند که صدقه به پنهانی از مردم غضب خدای را می نشاند
و امیر المومنین علیه السلام فرمودند که پی روی کنید آنچه رسول
صلی الله علیه و آله فرمودند که هر بنده که از کسی طلبی کند بی آنکه حاجتی داشته
باشد خدا او را در دنیا محتاج گرداند و در آخرت بآتش جزا دهد و مرویست
که امام زین العابدین علیه السلام در روزی که روزه داشتندی امر میفرمودند
بکشتن گوسفندی و می پختند و آنرا بر مردمان میدادند پس نان و خرما
طلب میفرمودند و بآن افطار میکردند و امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند که هر که روزه داری را روزه بگشاید بقدر ثواب او ثواب داشته

باشد و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که ایمان بخدا ندارد کسی که در ماه
رمضان سیر باشد و همسایهٔ او سخت گرسنه باشد و فرموده که هر که
در رمضان روزهٔ مومنی بگشاید از گناه آمرزیده می شود و ثواب آزادی
بنده دارد پس جماعتی گفتند تمامی ما قدرت بر ضیافت روزه داران نداریم
آنحضرت فرمود که این ثواب دارد کسی که آب و تایی خرما بروزه دار
دهد و مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که روزه سیاه میکند
روی شیطان را و صدقه پشت او میشکند و دوستی با مومنان از برای
خدا و مدد ایشان در عمل صالح او را نیست میکند و توبه جدا می گرداند
رگ گردن او را و فرمودند هر چیزی را زکوتیست و زکوة بدن روزه است
و فرمودند مرد روزه دار دایم در عبادتست اگر چه بخواب باشد مادام
که غیبت مسلمانان نکند و فرمودند که حق تعالی فرموده که روزه جهت منست
و جزای او نیکو میدهم و فرمودند که روزه دار را دو فرحست یکی نزد
روزه گشودن و یکی نزد یافتن رحمتهای خداوند و بخدا سوگند که بوی
دهان روزه دار نزد حق تعالی خوشترست از بوی مشک و از امام جعفر
علیه السلام مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و آله در اول حال چندان روزه
می داشتند که مردم میگفتند ایشان افطار نمی نمایند و بعد از آن چندان

افطار می فرمودند که مردم میکنند ایشان روزه می دارند و بعد از آن
مدت یکروز روزه میداشتند و یکروز افطار می کردند بعد از آن روزه میداشتند
دوشنبه و پنجشنبه بعد از آن چنان شد که از هر ماهی پنجشنبه اول و چهارشنبه
میان و پنج شنبه آخر روزه میداشتند و فرمودند که این سه روز ثواب روزه
تمام ماه دارد و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که این سه روز
هر کس که روزه دارد از وسوسه شیطان خلاص شود چون روزه
باشد باید که با مردم کینه و مجادله نکند و بسوکند دلیر نباشد و اگر کسی
با وی بدی رساند تحمل نماید و از آن حضرت سوال کردند که کسی این سه روز
از ماه بروزه نتواند رفت فدا بدهد فرمودند که هر روزی مدی از طعام
بصدقه دهد و فرمودند که روزه داری که نزد برادر خود رود و افطار
کند و نگوید که بروزه ام منت بروی باشد الله تعالی ثواب یکساله روزه
بوی دهد و پیغمبر صلی الله علیه و اله که روزه می گشودند این دعا میخواندند
اللهم لک صمت و علی رزقک افطرت **فصل دوم** در آداب دست شستن
در کتاب من لا یحضره الفقیه منقولست که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که
هر کس که خواهد طعام او برکتش بسیار باشد وقت طعام خوردن دست
بشوید و فرمودند که دست شستن پیش از طعام فقر می برد و بعد از طعام گناه

صغیره می زداید و بصر می افزاید و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند
که هر کس که پیش از طعام دست بشوید و بدستمال دست خشک نکند تا
دست او تر باشد طعام برکت باشد و فرمودند که در دست شستن پیش
از طعام بنیاد کنند بصاحب خانه و از طرف راست او و بعد از طعام
از طرف چپ او بنیاد کنند و فرمودند که ملایکه طلب آمرزش میکنند
جهة کسی که در آخر طعام خوردن انگشت بلیسد و فرمودند که هر کدام از شما
که دست بشوید بعد از طعام و دست تر در چشم بمالد موجب امن او از درد
چشم است و در کتاب موالید الصادقین منقولست که پیغمبر صلی الله علیه و آله
چون دست می شستند بعد از طعام دست تر بر روی می مالیدند و این
دعا می خواندند الحمد لله الذی هدانا و اطعمنا و سقانا و کل بلاء و ابلانا
صالحا او لانا **فصل سیوم** در آداب طعام خوردن و آنچه بدان متعلق است
از طب ائمه معصومین علیهم السلام مرویست از امیر المومنین علی علیه
السلام که فرمودند وقتی که طعام خورید یاد خدا کنید و سخن بیفایده
نگوید چه طعام نعمت خداست و واجبست بر شما که نزد نعمت شکر خدا کنید
و صحبت او نیکو دارید بدرستی که نعمت میرود و نزد خدا گواهی میدهد بانچه
صاحب او کرده و فرمودند که چون یکی از شما طعام خورد بادب بنشیند

و بر زمین طعام نخورید و مربع ننشینید زیرا که خدا از آن خشم میکند و قهر
میفرماید و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که دراز کنید زمان نشستن
بر خوان طعام را بدرستی که آن ساعتیست که بر عمر شما نمی شمرند و در کتاب
من لا یحضره الفقیه منقولست که بروایت امام جعفر صادق از امام حسن ابن
علی علیهم السلام که فرمودند که در طعام خوردن دوازده خصلت سزاوار است
که هر مسلمان بداند چهار از آن واجبست شناختن حق سبحانه و تعالی
و رضای او و نام خدا بردن و شکر او کردن و چهار سنت دست
شستن و نشستن بطرف چپ و طعام خوردن به انگشت و لیسیدن
انگشتان و چهار از آدابست خوردن از خود و لقمه کوچک ستدن و نیک
جاویدن و کم نگریستن بروی مردم و منقولست که کسی در مدینه نزد امام
محمد باقر علیه السلام رفت و خوان طعام حاضر بود سوال نمود که اداب
خوان چیست فرمودند که چون بزمین نهی بسم الله بگو و چون برداری حمد
خدا بگو و برچین انچه بر حوالی خوان ریخته باشد و مرویست که کسی گفت
نزد امام علی نقی علیه السلام طعام میخوردم چون فارغ شدم و خوان
برداشتند غلام برچید طعام ریخته آنحضرت فرمودند که طعام خورید اگر
در صحرا باشد انچه ریخته باشد بگذارید اگر چه ران گوسفندی باشد و اگر

یوم سه شنبه دویم ورق

در صحرا باشد انچه ریخته باشد بگذارید اگرچه ران گوسفندی باشد و اگر
در خانه باشد برچینید و حضرت امام رضا از آبا و اجداد خود علیه السلم
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل فرموده که انچه از خوان میریزد
کابین حور العین است و منقولست که امام جعفر صادق علیه السلم مکروه
میداشتند که بدست چپ طعام خورند یا آب آشامند یا چیزی بردارند
و مرویست از امیر المومنین علی علیه السلام که فرمودند که چون طعام
خورید ابتدا به نمک کنید و اگر مردم بدانستندی فایده آن هر اینه اختیار
کردندی بر تریاق مجرب و امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند که در طعام
خوردن ابتدا میکنم به نمک و ختم میکنم به نمک که در نمک شفاست از هفتاد و
درد از آن جمله جذام و جنون و درد گلو و درد دندان و درد شکم پیغمبر صلی
الله علیه و آله با امیر المومنین علی علیه السلام فرمود که یا علی نیکو نان
خورشی است سرکه فقیر نباشد در خانه که سرکه باشد و فرمود که چون خوان
طعام حاضر میکنند چهار ملک با وی حاضر می شوند و چون بندگان
بسم الله میگویند ملایکه بشیطان خطاب میکنند که ای فاسق بیرون شو
که ترا اینجا راه و حکم نیست و چون فارغ می شوند الحمد لله میگویند ملایکه
میگویند این جماعتی اند که حق سبحانه و تعالی نعمت ایشان داد و شکر

کردند و اگر بسم الله نگویند ملایکه شیطان میگویند که ای فاسق زرد رنگ
شو با ایشان و طعام بخور و چون بعد از فراغ حمد خدا میگویند ملایکه میگویند
این جماعتی اند که خدا نعمت با ایشان داد و خدا را یاد کردند و مرویست
که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که هر که طعام بخورد و بسم
الله بگوید ضمان او شوم که الم نیابد رئیس خوارج گفت یا امیر المؤمنین
من دوش طعام خوردم و بسم الله گفتم و الم بمن رسید از طعام آنحضرت
فرمودند که تو چند نوع طعام خورده و نزد بعضی طعام بسم الله گفته و نزد
بعضی نگفته ای ملعون مرویست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند که در هیچ وقت مرا طعام تخمه نشد زیرا که در اول بسم الله و آخر
الحمد لله گفتم و فرمودند که شکم چون سیر شد طغیان و نافرمانی بردار
خدا میکند و مرویست از امیر المؤمنین علی علیه السلام که با امیر المؤمنین حسن
علیه السلام فرمودند که ای پسر من هر لقمه از طعام گرم و سرد که می خوری
و هر جرعه آب که می آشامی پیش از آن بگو اللهم انی اسألک فی اکلی و شربی
السلامة من وعکه و القوة به علی طاعتک و ذکرک و شکرک فی ما بقیه فی
بدنی و ان تشجعنی بقوته علی عبادتک و ان تلهمنی حسن التحرز من معصیتک
پس بدرستی که چون این دعا بخوانی از زحمت و الم آن طعام ایمن باشی

و مرویست که علی زین العابدین علیه السلام چون طعام میخوردند
می گفتند الحمد لله الذی اطعمنا و سقانا و کفانا و ایدنا و آوانا و انعم
علینا و افضل الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم از کتاب طب الائمه منقولست
که امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که وقتی که براه روید طعام نخورید
مگر که مضطر باشید و در کتاب بصائر منقولست که عاصم گفت که با جماعتی
به حج میرفتم بمدینه بجای فرود آمدیم امام موسی کاظم را خواستند که مهمانی
کنند طشت و آب آوردند و ایشان دست شستند و از طرف راست
ایشان طشت گردانیدند تا تمام مردم دست شستند بعد از آن نمک
آوردند و فرمودند که بخورید و بسم الله بگوید بعد از آن سرکه آوردند
بعد از آن شانه گوشت بریان کرده آوردند و فرمودند که بخورید
و بسم الله بگوید بدرستی که این طعامیست که پیغمبر صلی الله علیه و آله
و سلم دوست میداشت و بعد از آن سرکه و زیت آوردند و فرمودند
بخورید و بسم الله بگوید که فاطمه علیها السلام این را دوست میداشت
بعد از آن آش سرکه آوردند و بدستور فرمودند که امیر المؤمنین علی
علیه السلام این را دوست میداشت بعد از آن قلیه بادنجان آوردند
و فرمودند که امیر المؤمنین حسن علیه السلام این را دوست میداشتند

و دند که امیر المومنین
بعد از ان کوشت سرد
ین العابدین علیه السلم این را دوست
دوست پهلوی زیر سا آوردند و فرمودند که محمد
این را دوست میداشتند بعد از ان ظرفی آوردند که در وی
تخم مرغ بود که چون خاگینه پخته بودند و فرمودند که امام جعفر صادق
علیه السلم این را دوست میداشتند و بعد از ان حلوا آوردند و فرمودند
که من این را دوست میدارم بعد از ان خوان برداشتند و ما قصد کردیم
که طعامی که ریخته باشد برچینیم آنحضرت فرمودند که طعام در خانها ریخته
بردارید و اما در صحرا بگذارید که جهت مرغان و جانورانست و بعد از ان
خلال آوردند و فرمودند که زبان در دهان بگردانید طعامی که بزبان
آید فرو برید و انچه بخلال بیرون آید بیندازید بعد از ان طشت و آب
آوردند و طرف چپ آنحضرت بنا کردند تا جمیع مردم دست شستند پس
فرمود که ای عاصم شما در نیکویی با یکدیگر چگونه اید عاصم گفت بر نیکوو جهی
پس آنحضرت فرمودند که کدام از شما چنین هستید که چون حاجتی داشته
باشید بخانه برادری روید و انچه خواهید بردارید و او در خانه نباشد

و چون

و چون بداند نگیر نشود عاصم گفت نه آنحضرت فرمودند که پس
نیستید بخوبترین وجهی در نیکویی با یکدیگر و امیر المومنین علیه السلام
فرمودند که انچه از خوان طعام میریزد شفای مرضهاست و پیغمبر صلی الله
علیه و اله و سلم فرمودند که باد دمیدن بر طعام برکت از طعام میبرد
پیغمبر صلی الله علیه و اله دیدند که کسی را طعام از خوان ریخته بود و برمیچید
دعای برکت بر وی کردند و فرمودند که هر کس چنین کند خدای تعالی
او را از جذام و برص و جنون و حمق نگاه دارد و مرویست از امام
محمد باقر علیه السلام که فرمودند که سه چیزست که مومن را بران حساب
نمی کنند طعامی که میخورد و جامه که می پوشد و زن صالحه که یاری وی میکند
و دین وی نگاه میدارد و منقولست که امیر المومنین علی علیه السلام می
فرمودند که طعام گرم را بگذارید که سرد شود که پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمودند که برکت در طعام سردست و در طعام گرم برکت نیست و پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرموده که هر کس که بعد از طعام کاسه بلیسد
ملایکه صلوات بر وی فرستند و دعای برکه رزق بوی کنند و حسنات
او را زیاده شود و از امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که چون
میوه تر نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می آوردند می بوسید

و بر چشم می نهاد و این دعا میخواند اللهم ادتینا او لنا فارزنا آخرها
و منقولست که کسی گفت یا رسول الله ما طعام میخوریم و سیر نمی شویم
آنحضرت فرمودند که مگر شما از یکدیگر جدا میخورید بعد ازین جمع شوید و بخورید
و نام خدا بگوئید تا برکت باشد شما را و مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمودند که چون کسی طعام خورد از پیش صاحب و از بالای آن نزند
که برکت از بالای آن می آید و دست باز ندارد از طعام اگر چه سیر باشد
شاید که مصاحب او خجل شود و ترک طعام کند با آنکه خواهد و مرویست
که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم همیشه بر روی سفره طعام تناول می
فرمودند و فرمودند که بیشتر مردم که در دنیا از طعام سیرند در قیامت گرسنگی
ایشان بیشتر باشد و فرمودند که نور حکمت گرسنگی است و دور از خدا
سیر خوردن و نزدیک بخدا دوست داشتن مسکینان و نزدیکی بایشان
و فرمودند که دلها می میرد از بسیاری طعام و آب و فرمودند که هر کس
که حلال می خورد ملکی بر سر او می ایستد و استغفار از برای او میکند تا
از طعام خوردن فارغ می شود و اگر یک لقمه حرام بشکم او میرود تمام ملائکه
آسمان و زمین او را لعنت میکنند و تا آن لقمه حرام در شکم اوست خدا نظر
رحمت باو نمی کند و در غضب خداست پس اگر توبه میکند خدا می بخشد

و اگر می میرد آتشش دوزخ باو نزدیکتر است **فصل چهارم** در آداب
آب آشامیدن از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که فرمودند
که سزاوار نیست که آب بیاشامد از ظرف طلا و نقره و قدحی که از آن
وصله طلا داشته باشد پس اگر ضرورت شود دهن را از محل آن وصله
بگرداند و فرمودند که مکروهست که شانه که طلا یا نقره داشته باشد
استعمال کنند و از آنحضرت سوال کردند که توان آب بیک نفس آشامیدن
جواب فرمودند که اگر آنکس که بتو داده بنده تواست به نفس و اگر بنده
تو نیست بیک نفس و بروایتی جواب فرمودند که آشامیدن آب بسه
نفس فاضلتر است از یک نفس و مرویست که در آشامیدن آب این دعا بخواند
الحمد لله منزل الماء من السماء مصرف الامر کیف یشاء بسم الله خیر الاسماء
و مرویست که امام موسی کاظم علیه السلم فرمودند که حق آب خوردن
آنست که یاد کنی خدا را و سه نوبت نفس براری و در هر نفسی یاد خدا کنی
و از لب شکسته کوزه آب خوری نه از طرف گوشه بالا که شیطان
از آن آب میخورد و بعد از آن این دعا بخواند که الحمد لله الذی سقانی
ماء عذبا و لم یجعله ملحا اجاجا بذنوبی و بروایتی مثل این وارد شده
الحمد لله الذی سقانی فاروانی و اعطانی فارضانی و عافانی و کفانی

اللهم اجعلنی ممن تسقیه فی المعاد من حوض محمد صلی الله علیه وآله وتصعده
برافقته برحمتک یا ارحم الراحمین وسوال کردند از رسول صلی الله
علیه وآله که آب ایستاده بیاشامند یا نه فرمودند که نه پس سوال کردند
از طعام خوردن ایستاده فرمودند که بدتر است واز امام جعفر صادق
علیه السلام سوال کردند که آب چه طعم دارد فرمودند طعم زندگی و
فرمودند که چون آب بیاشامید به سه نفس یکی بجهة آب آشامیدن
و یکی جهة راندن شیطان و یکی جهة شفای الم اندرون وعبدالله
عباس رضی الله عنه گفت که من دیدم که رسول صلی الله علیه وآله
آب آشامیدند به سه نفس و فرمودند که چون مگس در ظرف شما افتد
او را در طعام فرو برید پس بدرستی که در یکی از پرهای او درد است و
در یکی دوا و پری که درد در دست به طعام در می برد پس باید
که تمام او در طعام در برند و بعد از آن بیرون آرند

فصل پنجم

در آداب خلال کردن مرویست که امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند که سرمه بوی دهن خوش میکند و خلال رزق زیاده میکند
و منقولست که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمودند که پاک گردانید بخلال
دهانهای خود را که جای ملکست که نگهبان شما اند و ثبت عمل شما میکنند

و آب آن مداوا ایشانست و بسیار مکروه میدارند که طعام در دهان
بماند و مرویست از امیر المومنین علی علیه السلام که فرمودند که خلال
مکنید بچوب انار و شاسفرم که ایشان ماده جذام را بحرکت می آورند
و فرمودند که رسول صلی الله علیه وآله وسلم خلال میکردند بهر چه می
یافتند الا برگ خرما و نی و مرویست که امام موسی کاظم علیه السلم
فرمودند که منادی میکند ملکی در آسمان که اللهم بارک فی المخللین
والمتخللین یعنی بار خدایا برکت ده بر کسانی که خلال میکنند و در خانه
ایشان سرکه هست و در صحیفه امام رضا علیه السلام وارد است از
امیر المومنین حسین ابن علی علیهما السلم ام میفرمودند که آب نیاشامیم
الا وقتی که دهان سه بار بشوئیم

فصل ششم

در بیان آنچه آمده است در
مرویست از امیر المومنین علی صلوات الله وسلامه که فرمودند
نان را گرامی دارید خورد مکنید و پای بر رو منهید و چون حاضر شود انتظار
غیر او مکشید پس بدرستی که خدای تعالی از برای او برکة آسمان
فرستاده است و از برکات زمین بیرون آورده و پیغمبر صلی الله
علیه وآله دعا فرموده که برکت ده ما را در نان ما و از ما دور مکن پس اگر
نان نمی بود ما نماز نمی کردیم و روزه نمی داشتیم و ادای واجب حق

[illegible]

سبحانه و تعالی می کردیم و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که
قوت رسول صلی الله علیه و آله از جو بود و حلوای ایشان از خرما
و نان خورش زیت و امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام
فرمودند که فضیلت نان جو بر گندم همچون فضیلت ماست بر مردم
و تمام انبیا طلب نموده اند خوردن جو و برکت بران دهد شکم که رفت
بیرون آمد با تمام درد ها و نان جو قوت انبیاست و طعام نیکوکاران
و خدای تعالی نمی خواهد که قوت انبیا برای اشقیا باشد و امام جعفر
صادق علیه السلام فرمودند که اگر دانستی که در چیزی شفا بیشتر از جو است
جو را غذای انبیا نمی گردانید و فرمود که نیکو دوائیست برنج سرد است
و صحیح و سلامتی تمام از درد ها و مرویست از ابن موسی الرضا علیه السلام
که پیغمبر صلی الله علیه و اله فرمودند که سید طعامها در دنیا و آخرت گوشت است
و برنج و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که نان جاورس سنگست
و باشیر نرم ترست و نافع در معده فصل هشتم در منفعت آبها امام
جعفر علیه السلام فرمودند که سید شراب اهل جنت آبست و مرویست
که ابو طیفور طبیب گفت رفتم نزد علی ابن موسی الرضا علیه السلام و منع
او کردم از آب آشامیدن فرمودند چرا منع میکنی از آب و حال الکه

داشته باشد چون ازین بیمارش مدبر
اگر در چشم داشته باشد چون فرین
کشد در چشم بریزد و بیخ دندان محکم
گوشش بوی بسازد و بلغم را قطع
شود و درد پشت نرسد و شکم درد نگند
رسد و درد دندان نرسد و درد معده
نرسد و محتاج بحجامت نگردد و بهور
ان بوی نرسد و دیوانه نشود و بیروص
وقف نگردد و روزه و نمازش باطل نشود
چشم او پیدا نشود و کوری نرسد و از
بطان و جن ستاری نگردد پس حضرت
بود که از جبرئیل رسیده ام که بغیر ازین
گفت بحق انکه ترا بحق فرستاده که هر که
شاید خدای تعالی گور او را پر از نور
روشن سازد و الهام در دل او اندازد
بن او جاری شود و دل او از فهم و تفکر
مغفرت و رحمت با او فرود آید و بیرون
ش خیانت و غیبت و حسد و بغض
ریس و غضب و عداوت و نمیمه و غیره
و مرضها که در طبیعت انسان پیدا شد
دیگر هست که هفت بار انا انزلناه فی لیلة القدر
و هفتاد بار تهلیل و هفت بار صلوات بر
ن آب باید خواند تا نافع باشد

اد

او طعام هضم میکند در معده و صفرا می نشاند و حرارت میبرد و عقل
می افزاید و تسکین عیب میکند و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند
آب زمزم شفای هر دردیست که جهة صحة آن بخورند و در روایتست
که امام از همه جو خوشاست و مرویست که کسی گفت که یکی از مار او جی
گرفت بمرتبه که برگ افتاده بودیم امام جعفر صادق علیه السلام
را دیدم و حال پرسید که افتاده را چیست گفتم نزدیک بمرگ فرمودند
که من اگر انجا بودم آب ناودان کعبه بوی میدادم صحیح می شد چنانچه
سویق جو خورد و امیر المؤمنین فرمودند که آب باران بخورید که بدن
را پاک میکند و مرضها را می برد و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند
که اگر من نزد شامی بودم هر روز از آب فرات غسل می کردم و یکی
انار از قریه[illegible] را میخوردم و امیر المومنین علی علیه السلام فرمودند که
آب رود نیل مصر دلها را می رویاند و سر را با آن مشوئید که موجب پیری
و بی قوتیست و فرمودند که بر کسی که تب گرم داشته باشد آب سرد
بریزید که گرمی او را می نشاند و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند
که آب سرد حرارت می نشاند و طعام را در معده میکدازد و تب را می
برد و در صحیفه امام رضا علیه السلام از امیر المؤمنین علی علیه السلم

ایمن

که فرمودند مراد از نعیم در آیه کریمه ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم رطب و آب
سرد است یعنی در آخرت ازین دو نعمت سؤال خواهند کرد البته و مرویست
از امیر المؤمنین علی علیه السلام که فرمودند که چون کسی بحمام رود
و سه کف آب بخورد الم از بدن او می برد و درد روی او می افزاید و امام
جعفر صادق علیه السلام فرمودند که آب بسیار مخورید که موجب همه
دردیست و فرمودند که کسی در روز آب ایستاده بخورد طعام او هضم
شود و اگر در شب ایستاده آب خورد مرض استسقا پیدا کند و اگر در
آب آشامد سه نوبت بگوید علیک السلام من ماء زمزم و ماء الفرات
مضرت نیابد و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که چون آب آشامید
بمکید و بگلو میندازید که درد جگر می آورد

فصل هشتم در بیان گوشتها

در صحیفه علی ابن موسی الرضا علیهما السلام که نزد رسول صلی الله علیه و آله
حکایت گوشت و پیه میکردند آنحضرت فرمودند که هر مقدار از آن که
در معده واقع شود درد برود و شفا پیدا شود و فرمودند که چون
طبخی کنید آبش زیاده کنید و بهمسایه برسانید و امیر المؤمنین علی
علیه السلام فرمودند که سید طعامها در دنیا و آخرت گوشت است و فرمودند
پیغمبر صلی الله علیه و آله که ما گروه انبیا بگوشت معتادیم و منقولست

که کسی گفت بامام جعفر صادق علیه السلام که بمن رسیده این
خبر که الله تعالی خشم میکند بر دلی که بسیار گوشت میخورد و آنحضرت
فرمودند که آن دلیست که گوشت مردم میخورد چه پیغمبر صلی الله علیه
و آله دوست میداشتند گوشت را و هر کس که چهل روز گوشت نمی
خورد بد خلق می شود و هر کس که بد خلق است گوشت بخورد تا نیکو
شود و فرمودند که هر کس که ضعفی در بدن پیدا کند باید که دل گوشت
گوسفند خوب بشیر پخته بخورد و مرویست که کسی در رفت بامیر المؤمنین
علیه السلام که شیر ترش و نان تناول میفرمودند از آن حال سؤال
کرد و فرمودند که پیغمبر صلی الله علیه و آله دیدم که نان ازین خشک تر
میخوردند و جامه ازین زبرتر میپوشیدند و من نیز چنان کردم از خوف
آنکه مبادا باو ملحق نشوم و فرمودند که نبی از انبیا از ضعف امت شکایت
کردند بخدا پس مامور شدند که گوشت و شیر بخورند پس قوت مند شدند
و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که هر کس که چهل روز گوشت نخورده
باشد باید که قرض کند جهت آن شخصی گفت که مردم میگویند که هر کس
سه روز گوشت نمی خورد بد خلق میشود و مرویست که کسی گفت مر
علی ابن موسی الرضا را علیه السلام که مردم من گوشت نمی خورند

که موجب صفراست و صداع جواب فرمودند که اگر خدا میدانست
که چیزی بهتر از گوشت هست ازا بغذای اسمعیل علیه السلام میکرد
و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که گوشت گاو درد است و روغن
او دوا است و شیر او شفاست و فرمودند که در گوسفند ده چیز است
که نباید خورد اکه در معدهٔ اوست و خون و مازه و سپرز و دسه و قضیب
و خصیتان و بچه دان و فرج و رگهای گردن و ده چیز از گوسفند مرده پاکست
شاخ و سم و استخوان و دندان و مایه و شیر و پشم و پیغمبر صلی الله
علیه وآله فرمودند که بر شما باد که گوشت شتر بخورید که هر مومن که مخالف
یهود است میخورد و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که سه چیز
بدن ضعیف میکند و کاهست که بهلاک میکشد خوردن گوشت قدید
بوی ناک و بحمام رفتن و جماع با زنان پیر و مرویست که پیغمبر صلی الله
علیه وآله امر فرمودند بانکه توانگران گوسفند را نگاه دارند و فقیران مرغ
و از امام زین العابدین منقولست که گوشت کبک بخورید که بیمار را قوت
میدهد و تب را دور میکند و پیغمبر صلی الله علیه واله فرمودند که هر کس که اندوه
در دل زبسیاری غم دارد گوشت دراج بخورد که خوش میشود و امام
جعفر صادق علیه السلام فرموده ماهی بسیار خوردن سبب مرض سلست

و پیغمبر صلی الله علیه وآله وقتی که ماهی میخوردند این دعا میخواندند
اللهم بارک لنا فیه وابدلنا خیرا خیرا یعنی ای بار خدایا برکت کن ما را در این
طعام و عوض خوبتر بده و مرویست که شخصی گفت موسی کاظم را علیه
السلام اعلام کردم بانکه ضعف مزاج دارم و خون و صفرا هر دو
غالب است پس آنحضرت فرمودند که حجامت بکن و بعد از آن ماهی
تازه بخور مکرر این حال اعلام کردم و همان جواب فرمودند پس حجامت
کردم و ماهی خوردم شفا یافتم و منقولست که کسی سوال کرد از آنحضرت
که ماهی سقنقور با پوست و دنبال در معجون میکنند فرمودند که جایزست
اگر او را فلوس باشد و مرویست که کسی با امام علی رضا شکایت کرد
که طعام در معدهٔ من کم هضم می شود فرمودند که زردهٔ تخم مرغ بخور و
امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که کسی را که فرزند نشود تخم مرغ
بسیار بخورد و پیغمبر صلی الله علیه واله فرمودند که جبرئیل علیه السلام
آمد و امر کرد مرا بهریسه تا پشت من قوی شود و قوت بر طاعت داشته
باشم و پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمودند که اگر چیزی ورک را بار نمیداست
مثلثه بود و آن طعامی است که از برنج و نخود و باقلی خورده کرده و بشیر می
پزند و سوال کردند از امام جعفر صادق علیه السلام که از مرغان

کدام حلالست گفت آنچه در محل بریدن بالها می جنباند حلالست
و فرمودند که تخمی که معلوم نباشد که از کدام مرغست اگر سرهای او مساوی
باشد حرامست والا حلال مرغی که از آن صید میکنند اگر چنانچه در پای
او پیخ هست و در شکم او سنگدان حلالست و امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که زیت بسیار بخورید که چیزی نمی یابم پر نفع تر از آن **فصل نهم**
در حلاوت مرویست از امام جعفر صادق علیه السلام که پیغمبر صلی الله
علیه و آله عسل دوست میداشت و فرمود که لیسیدن عسل شفاست از همه دردها
و علی ابن موسی الرضا علیه السلام فرمودند که کسی که ضعف پشت داشته
شیر و عسل نافع است و مرویست که شخصی گفت زنی قدری ریسمان بمن
داد و گفت که بمکه بر و جامه کعبه از آن بسازند چون بمکه رفتم نخواستم که
بخادمان کعبه دهم چه ظن خیانت داشتم پس چون بمدینه رفتم حکایت
بمحمد باقر علیه السلام عرض نمودم فرمودند که بآن عسل و زعفران
بخرند و با قدری از خاک حسین علیه السلام در آب باران بشربت
کن و بر شیشه قسمت کن تا خستگان از آن دوا کنند و پیغمبر صلی الله علیه
و آله فرموده که هر کس که بیاشامد عسل در هر ماهی یک نوبت عافیت
یابد از هفتاد و هفت مرض و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند

که رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که پنج چیزست که قوت حافظه
می افزاید و بلغم و نسیان را می برد مسواک و روزه و قرآن خواندن
و عسل و شیر و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که خاک قبر
حضرت امام حسین علیه السلام شفای همه دردیست پس چون بر داری
بگو بسم الله اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء انک
علی کل شیء قدیر و فرمودند که اگر شیعه ما میخورد شفاء همه دردهاست
و اگر عدو ما میخورد میگدازد همچنانکه دنبه گدازد و فرمودند که چون
یکی از شما خواهد که آنرا بخورد بمقدار نخودی بسر انگشتان بردارد و ببوسد
و بر چشم نهد و بر تمام اعضا بمالد و این دعا بخواند اللهم بحق هذه التربة
و بحق من حل فیها و تولی فیها و بحق ابیه و امه و اخیه و الائمة فی ولده
و بحق الملائکة الحافین الا جعلتها شفاء من کل داء و برءا من کل آفة
و حرزا مما اخاف و احذر و از امام جعفر علیه السلام منقولست که خاک
قبر امام حسین علیه السلام حرزی بگو اللهم انی اسالک بحق الملک
الذی قبضها و بحق النبی الذی اخذها و بحق الوصی الذی حل فیها ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل فیه شفاء من کل داء و عافیة من کل
بلاء و امانا من کل خوف برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد
و آله

وسلم و بعد از آن بخورد و از آنحضرت سوال نمودند که گل ارمنی جهة
وجع شکم خوردن جایزست فرمودند بلی لیکن آن گل قبر ذو القرنین است
و خاک قبر امام حسین علیه السلام بهتر از آنست و فرمودند که خوردن
گل حرامست همچون گوشت خوک و هر که بخورد و بمیرد بر و نماز نمی کذارم الا
گل قبر امام حسین علیه السلام و امیر المومنین علی علیه السلام فرمودند
که خرما بخورید که شفا از همه رنجهاست و فرمودند که هر کس که خرما ناشتا
بخورد مضرت نمی یابد و فرمود که هر کس که هر روز پیش از طعام هفت خرما
عجوه بخورد از زهر و سحر و شیطان مضرت نیابد و پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمودند که خانه که در وی خرما نباشد اهل آن گرسنه باشند و فرمودند که جبرئیل
علیه السلام آمد و خرما برنی از بهشت آورد و گفت زنان در آن ماه
که زایند این خرما بخورند تا فرزند نیکو خصال باشد و در صحیفه علی ابن موسی
الرضا علیه السلام وارد است که چون خرما میخوردند استخوان بر پشت
دست می نهادند و می انداختند و امام حسین ابن علی علیهما السلام نقل نمودند
از پدر خود که پیغمبر صلی الله علیه و آله چون روزه می بود ابتدا بخرما طعام
میکرد **فصل دهم** در میوها پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که چون آدم
از بهشت بیرون آمد حق تعالی از میوهای بهشت بوی داد و آموخت طریق

بتر

ترتیب هر چیز پس میوهای شما از میوهای بهشتست لیکن از آن حال
متغیر است و امام جعفر علیه السلام فرمودند که پیغمبر صلی الله علیه و آله
در شب انار تناول میفرمود و امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند
که انار با پیه بخورید که معده را پاک میسازد و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند
که هر اناری یک دانه از بهشت دارد و آن دانه در معده هر مسلمانی که برود
چهل صباح نورانی باشد و امیر المؤمنین علی علیه السلم چون انار میخوردند
دستاری می افکندند بجهت آنکه دانه بهشت دارد جمعی گفتند با امیر المؤمنین
یهودان و نصرانیان آنرا میخورند فرمودند که الله تعالی ملکی می
فرستند و آنرا برمی دارد و امام جعفر علیه السلم فرموده که پنج نوع
میوه از میوهای بهشت در دنیاست انار املیسی و سیب شامی
و انگور و به و رطب و فرمودند که هر مومنی که یک انار تمام بخورد
خدای تعالی پریشانی دل او ببرد صد روز و اگر پنج عدد بخورد
حق سبحانه و تعالی شیطان را از وسوسه خاطر او بدر کند یکسال پس
گناه نکند و به بهشت رود و امام زین العابدین علیه السلام میفرمودند
که هر کس که در صباح روز جمعه پیش از طعام یک انار بخورد چهل صباح
دل او نورانی باشد و وسوسه شیطان از او دور شود و معصیت نکند

وشیخ ابوجعفر طوسی رحمة الله علیه گفته که طفلان را بدهید که موجب فصاحت
زبانست و روایت که پیغمبر صلی الله علیه واله فرمودند که به بخورید که موجب
قوت دلست و شجاعت و بخیل را سخی میسازد و فرمودند که به را بگیرید که
به سپید که چشم روشن میکند و محبت در دل می افکند و زنان آبستن بدهید
که سبب نیکویی صورت و سیرت فرزند می شود و امام جعفر صادق
علیه السلام فرمودند که هر کس که به بخورد حق سبحانه وتعالی
زبان او بحکمت گویا کند و بوی او بوی انبیاست و روایت که حق تعالی
هر پیغمبری که برانگیخت به دست او بود و روایت که امام جعفر صادق علیه السلام
پسری خوب روی دید فرمود که پدر او به خورده باشد و فرمود که به بوی
انبیا دارد و مورد بوی حوریان و گل بوی ملایکه دارد و روایت که
پیغمبر صلی الله علیه واله فرمودند که سیب پیش از طعام بخورید در صباح
که معده را قوت میدهد و موسی ابن جعفر از جد خود علیهم السلام نقل فرموده اند
که ما اهل بیتیم که مداوا میکنیم تب را به به و آشامیدن آب سرد و خوردن
سیب و منقولست که کسی گفت با برادر بمدینه رفتم و مردم را خون بسیار
از بینی می آمد برادر نیز چنین شد پس بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام
رفتم و فرمودند که برادرت را سیب بده دادم و به شد و روایت که طبقی

انجیر نزد حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله آوردند آنحضرت
فرمودند که اگر میگفتم که میوهٔ از بهشت می آید میگفتم که انجیرست پس
بخورید که دفع بواسیر میکند و نقرس را نافع است و روایت از حضرت
امام رضا علیه السلام که فرمودند که بوی دهن می برد و استخوان محکم
میکند و درد از بدن میبرد و در حدیث دیگر وارد است که هر که خواهد
که دل او نرم شود مداومت نماید بانجیر و فرمودند که انجیر تر و خشک قوت در
جماع می افزاید و روایت که امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند
که نوح علیه السلام شکوه کرد بخدا از غم وحی آمد که انگور سیاه بخور
که غم می برد و فرمودند که دو چیز است که بهر دو دست می باید خورد انگور
و انار و پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمودند که انگور یک دانه بخورید و فرمودند
و فرمودند که بهار امت انگورست و خربزه و امام علی رضا علیه التحیة والثنا
فرمودند که علی ابن الحسین علیهما السلام انگور دوست میداشتند پس کنیزی
خوشهٔ انگور پیش ایشان نهاد درویشی آمد و طلبی کرد خوشهٔ انگور بوی
دادند ایشان را سر بود رفت و آن خوشهٔ انگور را خرید و نزد ایشان
نهاد دیگری آمد بوی داد باز کنیزک خرید و همچنین سه نوبت و در نوبت
چهارم تناول فرمودند و روایت از امیر المومنین علی علیه السلام که

امرود دل را روشن میکند و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند
که امرود معده را پاک میکند و قوت میدهد و پیغمبر صلی الله علیه و اله وسلم
فرمودند که هر کس که در هر روز پیش از طعام هر صبح بیست و یکدانه
مویز سرخ بخورد هیچ علت بوی نرسد و فرمودند که بر شما است که مویز بخورید
بدرستی که مویز صفرا می برد و دفع بلغم میکند و چشم صحیح میکند و خلق نیکو میکند
و پی سخت می کند و منقولست که کسی گفت که چشم سفید شده بود و هیچ نمی دیدم
پس امیر المومنین علی علیه السلام بخواب دیدم و حال گفتم فرمودند که
عناب بردار و بکوب و در چشم کش پس عنابی برداشتم و با استخوان
او کوفتم و در چشم کشیدم تاریکی از چشم من رفت و بینا شدم و در صحیفه
امام علی رضا علیه السلام مذکور است که پیغمبر صلی الله علیه و اله بر امیر
المومنین علی صلوات الله علیه در رفت و او تب داشت فرمودند که سنجد
بخورید **فصل یازدهم** در بیان سبزیها در حدیث وارد است که خوان
طعام را بسبزی حاضر کنید که شیطان از آن میگریزد و امام جعفر صادق
علیه السلام فرمودند که هر چیزی را زینتی هست و زینت خوان سبزیست
و منقولست که خوان طعام نزد حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام آوردند
و سبزی نداشت فرمودند که ای غلام نمی دانی که من طعام بی سبزی

نمی خورم پس سبزی آوردند و ایشان طعام تناول فرمودند و پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرمودند که هر کدام از شما آش رسانید کدو بسیار
در آن کنید که قوت عقلست و دماغ و روزی در دعوتی بودند و
ایشان قلیه کدو نهادند ایشان کدو را میچیدند و میخوردند و امام جعفر
علیه السلام فرمودند که هر کس که خواهد که فرزند او بسیار باشد
کدو بخورد و هر صباح از بهشت قطرهٔ چند از بهشت برو میچکانند اگر خورش
او را می نشانید و فرمودند که اگر کسی صفت برگ کاسنی در روز جمعه پیش
از نماز بخورد به بهشت در رود و امام علی رضی علیه السلام فرمود که
کاسنی را بکوبند و بر کاغذی نهند و روغن بنفشه بران چکانند و بر سر
نهند شفا از هزار درد است و کسی نزد ایشان آمد و صداع و تب داشت
فرمودند که کاسنی را بکوبند و بر کاغذی نهند و روغن بنفشه بران چکانند
و بر سر نهند و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که هر کس که کاسنی
بخورد و بران بخواند نه سحر و جادو کار نکند و منقولست که غلام ابی الحسن
ورم سپرز داشت آنحضرت فرمودند که سه روز گندنا بوی دهید
دادند خوش شد و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که هر چیز
را پلیدیست و پلیدی سبزیها گندناست و امام محمد باقر علیه السلام

فرمودند که کندنا دفع باد میکند و بوی دهان خوش میکند و بواسیر
را قطع میکند و امان از جذامست اگر بسیار خورند و امیر المؤمنین علی علیه
السلام فرمودند که پیغمبر صلی الله علیه و آله بادروج دوست میداشتند
و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند بادروج بو هضم طعام میکند و
اشتهای طعام می آورد و بوی دهان خوش میکند و سدها می گشاید و خون
را صاف میکند و امانست از جذام و خون در اندرون آدم قرار یابد
و دفع تمام دردها میکند و فرمودند که اهل جنت تزیین خوان نعمت برآن
میکنند و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که نرویید بر روی زمین
سبزی بهتر از خرفه و آن سبزی فاطمه است علیه السلام و پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمودند که خرفه بخورید که عقل را می افزاید و امام علی رضا
علیه السلام فرمودند که سلق بخورید که بر کناره فردوس می روید و
شفا از همه دردهاست و پی محکم می کند و استخوان قوی میکند و اگر دست
گناهکاران بآن نمی رسید برگ آن چنان پهن می شد که یک مرد را پوشید
و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که حق تعالی از یهود جذام
برداشت زیرا که سلق میخوردند و مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمودند که اگر خواهید ترب بخورید و بوی آن نشنوید چون آنرا قطع

کنید

کنید مرا یاد کنید و شیخ ابو جعفر طوسی رحمة الله نقل کرده که امیر المؤمنین
علی علیه السلام فرمودند که اصل ترب بلغم میکند و هضم طعام میکند و
برگ او بول را روان میکند و مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمودند که سیر بخورید و بآن مداوا کنید که دوا از هفتاد درد است و
فرمودند که یا علی سیر بخور که اگر نه آن بودی که من با ملک حکایت میکردمی
می خوردم و امیر المومنین علی علیه السلام فرمودند که نباید خورد الا
آنکه پخته باشد و چون بخورند بمسجد نروند و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند
که چون بشهری روید آنجا پیاز بخورید تا وبا و زحمت از شما بگردد و سؤال
کردند از امام جعفر صادق علیه السلام در خوردن پیاز فرمودند که
باکی نیست چون جوش دیگ باشد و فرمودند که پیاز بوی دهان خوش
و قوت جماع می افزاید و مرویست از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
که طعام عیسی باقلی بود تا او را باسمان بردند و فرمودند که باقلا با پوست
دباغ معده است و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که باقلا
همه رگها می برد و هیچ رنج در وی نیست و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند
که بخورید بادنجان که درختیست که در بهشت دیده ام و گواهی داده بحق
تعالی بخداوندی و بر من بنبوت و بر علی بولایت و هرکس که آن بخورد

بقصد انکه درد دست در دهوشود و اگر بقصد انکه دوا است دوا شود و
امام علیه السلام گفته که بادنجان بسیار بخورید که در گرما گرمست و
در سرما سرد و در همه وقت معتدلست و نیکوست بهر حال و امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود که نزد سیدمن علی ابن الحسین علیهما السلام
بادنجان بروغن زیت برشته نهاده بود و ایشان را درد چشم بود
ومیخوردند شخصی گفت ای فرزند رسول الله این گرمست و تو میخوری
فرمود خاموش باش از جد من علیه السلام منقولست که بادنجان
از پیه زمینست و نیکوست و هرچیزی نفعی دارد کسی گفت در رفتم با امام
جعفر صادق علیه السلام و نزد ایشان جذر نهاده بود یک جزر
بمن داد گفتم مرا دندان نیست فرمود بکمزرک ده تا بکوبد و بخور که
گرده گرم میکند و امان از قولنج و از بواسیرست و قوت جماع میدهد
و مرویست از امیر المومنین علی علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمودند که خربزه بخورید بدرستی که آب او رحمت و شیرینی او از جنت
و هرکس که لقمهٔ بخورد هفتاد هزار حسنه او را بنویسند و هفتاد هزار گناه
ازو بردارند و هفتاد درجه بلند کنند و امام موسی کاظم علیه السلام
میفرماید که رسول صلی الله علیه و آله و سلم خربزه با شکر و خرما میخورد

و امیر المومنین علی علیه السلام فرمودند که خربزه در در دی و عایله
نیست طعامست و آب و میوه و بوی خوب و نان خورش و حلوا
و دوا و امام علی رضا صلوات الله علیه فرمودند که خوردن خربزه
پیش از طعام موجب افلاج و فالجست و مرویست که پیغمبر صلی الله علیه
و آله خیار با لنگ می خوردند با نمک و فرمودند که چون خیار با لنگ
خورید از پایین بخورید که برکت آن بیشترست و مرویست که پیغمبر صلی
الله علیه و آله فرمودند که حبة السودای یعنی شونیز شفای همه دردیست
الا مرگ گفتند چگونه بکار دارند فرمود بگیر بیست و یکدانه و در خرقه کن
و شب در آب بخیسان چون صباح شود در دماغ راست بچکان و
چپ قطرهٔ و در روز دوم در راست دو قطره و در چپ قطرهٔ و در روز
سوم در راست قطرهٔ و در چپ دو قطره و کسی شکوه کرد با امام جعفر صادق
علیه السلام از درد شکم گفتند که شونیز بخور که شفاست بدرستی که بجهت
تب و درد سر و چشم و شکم و هر دردی که ما را میرسد آنرا میخوریم و حق
تعالی شفا میدهد و الله اعلم فصل دوازدهم در بیان و انها یکی از اصحاب
امام علی رضا علیه السلام بهق داشت انحضرت امر فرمودند که این
ماش بخورد و ماش تر با برگ بکوبند و آب آنرا پیش از طعام بخورد

بهق مالد چنان کرد وصحت یافت وامام جعفر صادق علیه السلام از پدران
خود نقل میکند که پیغمبر صلی الله علیه واله وقتی در سجاده نشسته بود کسی آمد
وگفت یا رسول الله من بسیار نزد تو می نشینم وسخن تو بسیار می شنوم
دل من تنگ می شود واشک من روان نمی گردد آنحضرت فرمودند که
عدس بخور که دل تنگ می کند واشک روان وفرمودند که نبی از انبیا
از دل سختی قوم شکوه کرد حق تعالی وحی فرستاد که قوم را بگو که عدس
بخورند که دل تنگ میکند وغلظت وکبر می برد وآن طعام مردم نیکو
خصالست وهفتاد نبی بآن برکت یافته اند که آخر ایشان عیسی ابن مریم
علیه السلام وپیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که برشما باد که
کنید بسنا که اگر چیزی دفع میکند سناست و فرموده اند که اگر بدانند
خاصیت سنا را هر آینه یک مثقال آن بدو مثقال طلا بخرند ومنقولست
که نزد امام جعفر چون نخود مذکور شد فرمودند که آنرا برای درد پشت نیکوست

فصل سیزدهم در نوادر طعامها امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند
که پنیر با گردکان شفاست وجداگانه خوب نیست ودر هر یکی از اینها
دردیست و فرمودند که پنیر هضم طعام میکند واشتها می آورد ومنقولست
که پیغمبر صلی الله علیه وآله در وصیت با علی علیه السلام فرمود که یا علی

در طعام خوردن ابتدا بنمک کن وختم بنمک بدرستی که نمک شفاست
از هفتاد رنج که از جمله آن جنون وجذام وبرص ودرد حلق ودندانست
وامام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که هر کس که بر لقمه اول از طعام
نمک بریزد نقطهای سفید وسیاه از روی او برود ومنقولست که
رسول صلی الله علیه وآله بخانه یکی از زنان رفت نان آوردند نزد
آنحضرت سوال فرمودند که نان خورش نزد تو هست گفتند که چیزی نیست
الا سرکه فرمودند که سرکه نان خورش خوبست ودر خانه که سرکه باشد
اهل آن خانه فقیر نشوند وفرمودند که بار خدایا برکت فرما در سرکه
بدرستی که آن نان خورش انبیاست وپیش از من بوده ومرویست
از امیر المومنین علی علیه السلام که سرکه شراب بخور اگر خود سرکه شده
باشد وامام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که یوسف چون در
زندان بود بخدا شکوه کرد از نان تهی خشک وطلب نان خورش کرد
پس مامور شد که آب ونمک در ظرفی کنند ونان بآن خورد
ومرویست که پیغمبر صلی الله علیه وآله در وصیت با علی علیه السلام گفت
که ای علی زیتون بخور وروغن زیتون بمال بدرستی که هر کس که زیتون
بخورد واستعمال کند شیطان نزدیک او نشود چهل صباح ومنقولست

و منقولست که کسی گفت دندان مرا گرفته و فالودج گرم در دهان
من ریختند بنوعی که دهانم پخته شد بعد از آن برف در آن افشاندند پس تمام
دندانهای من افتاد حضرت امام علی رضا علیه السلام را بخواب
دیدم و شکوه آن حال بد کردم فرمودند که سعد استعمال کن که دندانت
میروید بعد از آن بسوی خراسان رفتم و بخدمت آنحضرت رسیدم
کردم و شرح آن حال و خواب تمام گفتم فرمودند که در بیداری هم میگویم
سعد استعمال کن پس استعمال کردم دندانهای من رسته شد همچنانکه بود
و منقولست که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که بهترین طعامی
که روزه دار بخورد سحر سویق است و خرما و سویق جو برشته خرد
کرده است و امام علی رضا علیه السلام فرمودند که اگر سویق را باب
بشویند هفت نوبت و از ظرف بظرف بگردانند و بیاشامند تب گرم
ببرد و بیفزاید قوت ساقین و قدمین و امیر المؤمنین حسن فرمودند
که رسول صلی الله علیه و آله چون شیر می آشامیدند این دعا میخواندند
اللهم بارک لنا فیه و زدنا منه و منقولست که کسی گفت یا امام جعفر صادق
علیه السلام من شیر خوردم و بمن مضرت رسانید فرمود که چیزی
دیگر با آن خورده که بتو مضرت داده و منقولست که کسی گفت شنیده‌ام

از امام حسن علیه السلام که فرمود که بول شتر بهتر است از شیر او
و لیکن الله حرام گردانیده شیر او شفاست و منقولست که پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمودند که زنان آبستن را کندر بدهید تا بخورند که موجب عقل
فرزندان می شود و فرمودند که بوهای خوش بآتش میکنند هیچ باسمان
می رسد الا کندر و در هر خانه که در آتش کنند عفاریت جن از آنجا نیست
شوند و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که جاویدن کندر دندانها
محکم میکند و بلغم و بوی دهان می برد و امام رضا علیه السلام فرمودند
که کندر بسیار بجاوید که بلغم از معده می چیند و عقل را قوت میدهد و طعام
را هضم میکند و مرویست که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که اغنیا
طعام شب بعد از تاریکی میخورند پس شما ترک آن مکنید که موجب ضعف
بدنست و منقولست که امام علی رضا علیه السلام فرمودند که هر کس
تخم مرغ و پیاز و روغن زیت بخورد قوت جماع او بیفزاید و هر کس
که گوشت و تخم مرغ بخورد بسیار شود فرزندان او و یکی از اصحاب
امام جعفر صادق علیه السلام گفت بآن حضرت من فدای تو شوم
کنیزکان دارم و مرا تعلیم فرمای چیزی که قوتم پیدا شود و فرمودند که
از پیاز و تخم مرغ و روغن زیت قلیه بساز و بخور و امام جعفر صادق علیه

السلام فرمودند که سه چیزست که می خورند و موجب فربهی است
کتان پوشیدن و بوی خوش بکار کردن و نوره نهادن و سه
چیزست که میخورند و موجب لاغری است گوشت خشک و پنیر و شکوفه
خرما و دو چیزست که نفع دارد و هیچ مضرت ندارد شکر و انار والله اعلم
بالصواب **باب هشتم** در آداب نکاح و آنچه بدان متعلق است
و درین باب ده فضلست **فصل اول** در رغبت نکاح امام محمد باقر
علیه السلام فرمودند که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که کسی که زنی را
نکاح کرد نصف دین را حفظ کرد پس باید که پرهیزکاری کند در آن نصف
دیگر فرمودند که نیکوترین طریقها که در اسلام نهاده اند تزویجست و
فرمودند که کسی که دوست میدارد خوی مرا باید که پرهیزکاری کند و
پی روی کند طریقهٔ مرا یعنی نکاح کند و فرمودند که کسی که توانایی داشته
باشد که زنی نکاح کند و نکند نیست از ما و امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که نیکوترین شفاعتها
آنست که شفاعت کند میان دو کس در نکاح تا حق سبحانه و تعالی
جمع کند میان ایشان و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که ای جوانان
نکاح کنید و از زنا حذر کنید که موجب زوال ایمانست و فرمودند که دو رکعت

نماز که بگذارد کسی که زن داشته باشد فاضلترست از عزبی که روزه
بروزه بر دو شب زنده دارد و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند
که بیشتر خیرات در زنانست و فرمودند که دوستی زنان از اخلاق
انبیاست و فرمودند که نکاح بکنید و طلاق مدهید که عرش از آن
میلرزد و امام علی زین العابدین علیه السلام فرمودند که هر کس
جهت رضای خدا صلهٔ رحم نگاه دارد حق سبحانه و تعالی او را تاج
کرامت بدهد و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که کسی که مال داشته
باشد و نکاح نکند از من نیست و فرمودند که نکوترین زنان امت من
آنند که روی تازه خرم داشته باشد و کاوین اندک و امام جعفر صادق
صلوات الله علیه فرمودند که برکت زن آنست که خرج او اندک باشد
و زاییدن او آسان و شومی او بسیاری خرج و دشواری زاییدنست
فصل دوم در اصناف زنان و اخلاق ایشان امام جعفر صادق
علیه السلام فرمودند که زن چهار صنف اند ربیع و مربع و آنست که
فرزند در کنار داشته باشد فرزندی در شکم و جامع مجمع و آنست که خیر
او بسیار و پارسا باشد و کرب مقمع و آنست که با شوهر بد خلق باشد
و غل قمل و آنست که نزد شوهر چنان نباشد که فایده از و توان یافت

و فرمودند که عقل ایشان در جمال ایشانست و جمال مردان در عقل
ایشان و علی زین العابدین علیه السلام فرمودند که پنج خصلت است
که هر کس که یکی از آن ندارد ناقص العیش است و زایل العقل و مشغول
خاطر و آن صحت بدنست و فراخ روزی و انیس موافق یعنی زن صالحه
و فرزند و مصاحب صالح و فراغ و فرمودند که اگر خواهید که زنی را نکاح
کنید از موی او سوال کنید چنانچه از روی او سوال میکنید زیرا که زینت
و جمال آنست و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که نیکوترین زنان زنیست
که شوهر را دوست میدارد و فرزند زاید و پرهیزکار باشد و عزیز باشد
میان مردم خود و ذلیل باشد با شوهر و در آید با او و از غیر شوهر خود را
نگاه دارد و سخن شوهر شنود و امر او بجای آرد و طاعت او کند در
امر مامور و فرمودند که نیکوترین فایده‌ها بعد از اسلام زینت مسلمان
که چون شوهر با او نظر کند خرم شود و چون از او غایب شود امین باشد
در نفس و مال او و مرویست که شخصی آمد نزد رسول صلی الله علیه و آله و گفت
مرا زنیست که چون بخانه می روم پیش باز من می آید و چون بیرون
می روم مشایعت میکند و اگر می یابد که غمی دارم میگوید که اگر غم تو از برای
رزق است خدا کفایت میکند و اگر از برای آخرت است زیاده باد پیغمبر صلی الله

علیه و آله فرمودند که او را بشارت ده به بهشت و بگو ترا در هر روزی ثواب
هفتاد شهید هست و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که زنان نیکو
کار نیکو صورت از زنان دنیا زیباترند از حور عین و فرمودند که حیا ده
جزو است یکی در مردان و نه در زنان پس چون ختنه کردند یک جزو
و چون شوهر کردند یک جزو دیگر و چون شوهر با او دخل کند یک جزو
دیگر و چون زایدن یک جزو و دیگر پنج جزو دیگر می ماند اگر بصلاح زیست
و اگر زنا کرد تمام حیای او برفت و پیغمبر صلی الله علیه و اله فرمودند که
چون زن نماز پنجگونه بگذارد و روزه رمضان بگیرد و خود را نگاه دارد
و فرمان برداری شوهر بکند بهشت در آید از هر در که خواهد و فرمودند
که هر زنی که یاری دهد شوهر را بحج و غزا و طلب علم حق سبحانه و تعالی
او را ثواب مقدار زن ایوب بدهد و فرمودند که نیکوترین زنان
امت من زنیست که روی او تازه و خرم باشد و کابین اندک و امام
جعفر صادق علیه السلام فرمودند که بدترین دشمنان بنده مومن
زن بدخلقت و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که در آخر
الزمان و نزدیک بقیامت در آخر الزمان زنان چند باشند که کشف
عورت کنند و از ارکان دین بیرون روند و داخل فتنها شوند و میل

بشهوت کنند و به لذت شتابند و حرام را حلال دانند ایشان در دوزخ
خواهند بود همیشه و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که زنی که صورت
خوب نداشته باشد و فرزند زاید بهترست از زن خوب صورت
که فرزند نیارد و فرمودند که اگر زنی تمام طلا و نقره روی زمین بخانهٔ
شوهر آورد و سرزنش او کند که مال مال منست تمام عبادت و نیکوکاری
او ضایع شود اگر عابدترین مردم باشد مگر توبه کند و عذر از شوهر بخواهد
و فرمودند که هر زنی که از شوهر هجرت و دوری کند بغیر حق در روز
قیامت او را با فرعون و هامون و قارون حشر کنند و در درک اسفل
باشد از دوزخ الا که توبه کند و از آن باز گردد و منقولست که رسول
صلی الله علیه و آله بر جماعتی زنان گذشت و فرمود که شما چیستید ناقص
عقل و دین و بیشتر از اهل جهنم خواهید بود در روز قیامت تا توانید نیکوکاری
کنید و بجد از دیگ شوید زنی گفت یا رسول الله نقصان عقل و دین
ما چراست فرمودند که نقصان دین بجهت آنکه در وقت حیض روزه و نماز
نمیکنید و نقصان عقل برای آنکه گواهی دو زن برابر گواهی مردیست و
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که پرهیزکاری کنید از زن خوب صورت
که اصیل نباشد و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که مرد نکاح

زن

زن کند بطمع جمال و مال روزی او نشود و اگر بجهت حفظ دین نکاح کند
جمال و مال زن روزی شود و فرمودند که کسی شکایت کرد نزد امیر
المؤمنین علی علیه السلام پس ایشان خطبه خواندند و فرمودند که اطاعت
زنان در تمام احوال نکنید و مال و تدبیر عیال در دست ایشان نگذارید
بمهلکه واقع می شوند چه زن نزد حاصه ورع ندارد و نزد شهوت صبر
ندارد و اگرچه بزرگ می شوند نیکی فراموش میکنند و بدی یاد میکنند
و پی روی شیطان میکنند با ایشان سخن نرم کنید تا نیک کردار شوند

فصل سیوم در حکمتهای نکاح منقولست که رسول صلی الله علیه و آله
فرمودند بدرستی که من بشرم مانند شما و با شما نکاح میکنم الا فاطمه که
که تزویج او الله تعالی از آسمان تعیین فرموده و امام جعفر صادق علیه
السلام فرمودند که مومنان در نکاح شریک همدیگرند و فرمودند که نکاح
نکنید با مردی که زنا کند بظاهر و با زنی که زنا کند به فاسق و منقولست
که کسی در نکاح دختری مشورت کرد با امام حسن علیه السلام فرمودند
که دختر را بزن مرد متقی بده که اگر دوست دارد گرامی می دارد او را
و اگر دوست نمیدارد ظلم بوی نمی کند و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند
که هر کس که شراب خورد بعد از آنکه خدا حرام کرده صلاحیت آن

نداردکه دختر بوی دهند و مرویست که امام محمد باقر علیه السلام
از کسی سوال نمودند که چون یکی از شما نکاح میکند چه میگوید گفت نمی
دانم آنحضرت فرمودند که چون کسی قصد نکاح کند دو رکعت نماز بگذارد
و حمد خدا بکند و این دعا بخواند اللهم انی ارید ان اتزوج اللهم فقدر لی
من النساء احسنهن خلقاً و خلقاً و اعفهن فرجاً و احفظهن لی فی نفسها و فی مالی
و اوسعهن رزقاً و اعظمهن برکة و تقیض لی منها ولداً طیباً تجعله لی خلفاً صالحاً
فی حیاتی و بعد مماتی و امام زین العابدین علیه السلام فرمودند که
پیغمبر صلی الله علیه و آله چون فاطمه را علیها السلام بنکاح می فرمودند این
خطبه خواندند که الحمد لله المحمود لنعمته المعبود لقدرته المطاع بسلطانه المرهوب
من عذابه المرغوب الیه فیما عنده النافذ امره فی سمائه و ارضه
ثم ان الله تعالی عز و جل امرنی ان ازوج فاطمة من علی فقد زوجته
علی اربعمائة مثقال فضة ان رضی الله بذلک علی بعد از ان طبقی خرما
خارک طلب فرمودند و گفتند که غارت کنید پس در اثنای آنکه از هم می
ربودند حضرت علی علیه السلام در آمد پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند
که یا علی حق تعالی امر فرمود که فاطمه بزنی تو بدهم پس بزنی بتو دادم
و نکاح کردم بچهار صد مثقال نقره اگر راضی هستی آنحضرت فرمود که راضی

ستم

ستم ازین نکاح از خدا و رسول پس پیغمبر صلی الله علیه و آله دعا بسعادت
و خیر و خوبی کردند و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که هر کس
که زنی را نکاح کند و در خاطر او باشد که کاوین او ندهد نزد حق سبحانه و
تعالی چنانست که زنا کرده و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که
ضرورت شرطهای نکاح آنست که کاوین زن بدهند و سنت محمدی در
کاوین پانصد درم نقره است و هر کس که زیاده کند بر آن رجوع کند
و هر مقدار از کاوین که زن بقرض نزد شوهر بگذارد واجبست که ادا کند
در حیوة یا بعد از ممات و اولی آنست که بعد از مردن زن وارثان کاوین
از شوهر بطلبند اگر نزد او بقرض گذاشته باشد و فرمودند که سبب آنکه
سنت کاوین پانصد درم نقره است آنست که هر بندهٔ مؤمن که بگوید صد
نوبت الله اکبر و صد نوبت سبحان الله و صد نوبت لا اله الا الله و صد
نوبت الحمد لله و صد نوبت اللهم صل علی محمد و آله بعد از ان این دعا بخواند
که اللهم زوجنی الحور العین حق سبحانه و تعالی واجب کرده اند بر نفس خود که
حوری از بهشت بوی دهد و ثواب آنرا مهر وی کردند و فرمودند که هر مردی
که دختر بزن کسی دهد سزاوار نیست که کاوین او بخورد و منقولست که پیغمبر
صلی الله علیه و آله چون فاطمه را بعلی علیهما السلام نکاح میفرمودند جمعی

از قریش نزد رسول صلی الله علیه و آله وسلم آمدند و گفتند تزویج
فرموده فاطمه را بعلی بهر آنک آنحضرت فرمود که من تزویج نکرده ام
لیکن حضرت حق در شب معراج تزویج فرموده از او شرح از ایشان
فرمود پس چون شب زفاف شد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فاطمه را علیها السلام بر اسپ شهبا سوار کرد و سلمان در سر جلوا
و آنحضرت رفیق فاطمه شد باین زینت میرفتند ناگاه آوازی
بسمع شریف آنحضرت رسید که جبرئیل علیه السلام با هفتاد هزار ملک
و میکائیل با هفتاد هزار ملک آمدند پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند بچه
مهم آمده اید گفتند که آمده ایم که عروسی کنیم پس تمام ملایکه با محمد صلی الله
علیه و آله تکبیر می کردند و ازین جهت تکبیر در عروسی سنت است و امام
جعفر صادق علیه السلام فرمودند که عروسان را بشب زفاف کنند
و در صباح نمایند

فصل چهارم

در بیان عروسی و نزدیکی بزن و
پیغمبر صلی الله علیه و آله وصیت کرد با میر المومنین علی علیه السلام که
چون عروس بخانه تو آید چون بنشیند موزه از پای او بیرون آور
و پای او را بشوی و از در خانه تا آخر آب بریز که حق سبحانه و تعالی
هفتاد هزار نوع فقر از خانه تو دور کند و هفتاد هزار نوع برکت در او فرود آورد و

بر تو هفتاد هزار نوع رحمت که بر سر عروس پرواز کند تا برسد برکت
آن بر تمام خانه تو و ایمن شود عروس از جنون و جذام و برص تا در این
خانه باشد عروس را منع کن از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب
ترش هفت روز پس امیر المومنین علی علیه السلام فرمود که یا رسول الله
چرا منع کنم از اینها فرمود رحم او سرد می شود و فرزند نمی آورد و بدرستی
که حصیری که در گوشه خانه افتاده باشد بهتر است از زنی که فرزند نیاورد
و فرمودند یا علی جماع و نزدیکی مکن با زن در اول ماه و میانه و آخر یا علی جماع
مکن بعد از پیشین که فرزند احول می شود و شیطان احول میکند یا علی سخن مگو
در وقت جماع که فرزند گنگ باشد و باید که نظر نکند بهیچکس که موجب کوری فرزند باشد
یا علی جماع مکن با زن بشهوت دیگر برانگیخته باشد با زن دیگر که خوف است که
فرزند مخنث باشد یا علی هر کس جنابت داشته باشد در جامه خواب با زن
قرآن نخواند که خوف است که از آسمان آتش بریشان افتد یا علی چون جماع
کنی با تو خرقه باید و با زن خرقه و هر دو یک خرقه استعمال نکنید که موجب عداوت
باشد یا علی جماع مکن ایستاده که فعل حمار است و چون فرزند شاید بول
بر جامه خواب کند یا علی جماع مکن در شب عید فطر که فرزند بدکردار شود یا
یا علی جماع مکن در شب عید قربان که فرزندش شش انگشت داشته باشد یا چهار

یا علی جماع مکن در زیر درخت میوه دار که فرزند قتال باشد یا عوان
یا علی جماع مکن در مقابل آفتاب و نور آن که فرزند دایم در فقر و مشقت باشد
یا علی جماع مکن در میان بانگ نماز و قامت که فرزند حریص باشد بخون ریختن
یا علی چون زن آبستن باشد جماع مکن الا بوضو که فرزند کوردل و بخیل آید
یا علی جماع مکن در نصف شعبان که فرزند شوم روی باشد یا علی جماع مکن
چون دو روز از شعبان مانده باشد که فرزند محتاج شود یا ممد ظالم آید یا علی
جماع مکن بر پشت بام که فرزند منافق و مرائی باشد یا علی چون خواهی که
سفر روی در آن شب جماع مکن که فرزند مال خود بنا مشروع خرج کند
یا علی در شب دوشنبه جماع کن که فرزند حافظ کلام الله باشد و راضی بود
و راضی بود بانچه حق سبحانه و تعالی باو دهد یا علی جماع کن در شب یکشنبه
که فرزندی که پیدا شود شهادت روزی وی شود بعد از آن که گفته باشد
لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و خدا عذاب او نکند و خوش بوی
دهان باشد و رحیم دل و بخشنده و پاک زبان از غیبت و دروغ و بهتان
باشد یا علی اگر جماع کنی در شب پنجشنبه عالم یا حاکم باشد و اگر جماع کنی روز
پنجشنبه نزد زوال آفتاب فرزند بفهم باشد و سلامت در دنیا و دین
روزی وی شود و اگر جماع کنی در شب جمعه فرزند خطیب و فصیح و تیزهوش

باشد و در روز جمعه بعد از عصر فرزند معروف و مشهور عالم باشد و شب
جمعه بعد از عشاء شفق احمر فرزند ابدال باشد یا علی جماع مکن در اول شب که
فرزند ساحر باشد و اختیار دنیا بر آخرت کند یا علی این وصیت یاد گیر
چنانچه من از جبرئیل علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند
که جماع نکنند روی بقبله و پشت بقبله و در کشتی و پیغمبر صلی الله علیه و آله
و سلم فرمودند که محتلم شده باشد مکروه است که با زن پیش از غسل
از احتلام صحبت دارد که فرزند مجنون باشد پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود
که کسی که جماع کند با زن در وقت حیض شاید که فرزند مجذوم یا ابرص
بزاید و فرمودند که کسی که خواهد بقاء عمر و از طعام بگاه خورد و قرض اندک
کند و جماع کمتر و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که لذت زن نود
نه مرتبه بیشتر است که لذت مرد ولیکن الله تعالی حیا بایشان داده و پیغمبر صلی
الله علیه و آله و سلم فرمودند که چون زن از محل جماع برخیزد کسی بر جای
او ننشیند تا هنگام که جای او خشک شود و فرمودند که یا علی دعوت در
ضیافت بر پنج نوع است عروسی کردن و فرزند زائیدن و ختان و خانه
خریدن و از سفر مکه باز آمدن و منقولست که رسول صلی الله علیه و آله بعروسی
و دعوت فرمودند و خرما و روغن حاضر کردند و مردم خوردند و مروسیت

که چون رسول صلی الله علیه و آله دختری بزن میکردند هفت شبانه
نزد او می بودند و اگر زنی که شوهر یافته بود بزن می کردند سه شبانروز
و امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که جماع مکروهست از وقت طالع شدن
صبح تا برآمدن آفتاب و از فرو رفتن آفتاب تا فرو رفتن شفق و در روز کسوف
و در شب خسوف و در شب و روزی که باد سیاه یا سرخ وزد و آنکه زلزله
شود و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که سنت است که نزدیکی کند
بزن خود شب رمضان بمقتضای این آیه کریمه احل لکم لیلة الصیام الرفث الی
نسائکم یعنی حلالست در شب رمضان رفث بزنان و رفث جماعست و امام
جعفر صادق علیه السلام بیکی از اصحاب گفتند که چون زن بخانه تو آید
پیشانی او بگیر و روی بقبله کن و این دعا بخوان اللهم ما بامانتک اخذتها بکلماتک
سویا مبارک و لا تجعل للشیطان فیه شرکا و لا نصیبا **فصل پنجم** در بیان
حق زوج بر زن و حق زن بر زوج پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند
که هر مردی که صبر کند بر بدخلقی زن حق سبحانه و تعالی او را ثواب داود نبی
علیه السلام بدهد و هر زنی که صبر کند بر بدخلقی شوهر حق سبحانه و تعالی
کرامت فرماید باو ثواب آسیه بنت مزاحم که زن فرعون بود و منقولست
از امام محمد باقر علیه السلام که فرمودند زنی آمد نزد رسول صلی الله علیه

و آله و گفت حق شوهر بر زن چیست حضرت فرمود آنکه فرمان برداری
او بکنی و مخالفت او نکنی و از خانه او صدقه ندهی بی رخصت او و روزه
سنت نگیری بی رخصت او و منع او از نفس خود نکنی اگرچه بر روی پالان
شتر باشی و از خانه بیرون نروی مگر برخصت او و اگر بی رخصت او از
خانه بدر روی ملایکه آسمان و زمین بر تو لعنت کنند تا وقتی که بخانه
آیی پس سوال کرد از خلایق که کرا حق بر مردان بیشترست پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمودند که مادر و پدر پس سوال کرد که هیچکس را حق بیشتر است
بر زنان فرمودند که شوهر پس گفت مرا بر شوهر آن مقدار حق نیست که او
بر من فرمودند که نه و نه از هر صد یکی پس زن گفت سوگند بآنکه بحق ترا
بخلق فرستاده که هیچ مرد مالک رقبه من نشود یعنی هرگز شوهر نکنم و پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که زنی که ایذاء شوهر کند بزبان خدا
قبول نکند از و خیر و عدل و عمل نیکو اگرچه روزه دارد و شب زنده دارد
و بندگان آزاد کند و غزا در راه خدا او اول کسی باشد که بدوزخ رود
تا وقتی که شوهر را راضی کند و همچنین است حال شوهر اگر ظلم کند بر زن و
فرمودند که هر زنی که مهربانی نکند با شوهر و بار کند بر او آنچه شوهر طاقت آن
نداشته باشد قبول نیست از و هیچ عمل نیکو و چون بخدا رسد خدا از و بخشم آید

و فرمودند که حق شوهر بر زن آنست که چراغ روشن کند و طعام
پخته کند و پیش باز او آید تا در وثاق و تواضع نماید و طشت و دستمال
پیش او آرد و راضی کند و نفس خود را از و باز ندارد مگر علتی داشته باشد
و قومی آمدند نزد رسول صلی الله علیه و آله گفتند که ما می بینیم جماعتی
که بعضی سجدهٔ بعضی میکنند آنحضرت فرمودند که اگر من امر می کردم کسی
را بسجده کسی امر میکردم که زن سجدهٔ شوهر کند و فرمودند که اگر زن
یک پستان بچه کند و یکی برشته او حق زوج نکرده و با وجود این اگر
نافرمانی شوهر کند یک طرفة العین او را بدرک اسفل در دوزخ اندازند
الا که توبه کند و فرمودند که زن ادا نکرده حق خدای تعالی را الا
که ادای حق شوهر کند و امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که حق سبحانه
و تعالی فرض کرده جهاد بر مردان و زنان پس جهاد مرد آنست که خرج
کند مال و خون تا کشته شود در راه خدا و جهاد زن آنست که صبر کند
بر زحمت از شوهر و خویشان شوهر و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
فرمودند که هر زنی که بیرون رود از خانه بی رخصت شوهر مستحق
نفقه نیست تا باز آید و فرمودند که هر زنی که بوی خوش بکار برد بجهة
غیر شوهر قبول نیست نماز او تا از آن بوی خوش غسل کند همچون غسل

از جنابت و مرویست که مردی بسفر رفت و عهد نمود با زن که بیرون نرود
از خانه تا از سفر باز آید پس پدر آن زن خسته شد پیغام به پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد و رخصت طلبید که پرسش پدر کند آنحضرت
رخصت نداد و فرمود که در خانه بنشین و فرمان برداری شوهر بکن پس
پدرش را دفن کردند رسول صلی الله علیه و آله کسی پیش او فرستاد
که حق تعالی امرزید ترا و پدر ترا بفرمان برداری تو شوهر را و مرویست
از امام محمد باقر علیه السلام که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل
علیه السلام مرا وصیت کرد برعایت زن بمرتبه که مرا گمان آن شد
که سزاوار نیست طلاق دادن او الا که از و فاحشه ظاهر شود و امام
جعفر صادق علیه السلام فرمودند که حق زن بر شوهر آنست که او را طعام
سیر بدهد و جامه بپوشاند و اگر گناهی کند ببخشد و امام محمد باقر علیه
السلام فرمودند که کسی که نزد او زنی باشد و او در طعام و لباس
ندهد حقست بر امام که جدایی کند میان ایشان و امام جعفر صادق
علیه السلام فرمودند که زنی نزد رسول صلی الله علیه و آله رفت جهة
مهمی آنحضرت فرمودند که تو از مسوفاتی آن زن گفت مسوفات
کیانند فرمودند که زنانی که شوهر ایشان را خواند بجهة مهمی ایشان

وعده بساعتی دیگر کنند تا شوهر بخواب رود و بدرستی که ملائکه لعنت
بران زنان میکنند تا وقتی که شوهر بیدار شود و امام جعفر صادق
علیه السلام فرمودند که پرهیزکاری کنید بحق سبحانه و تعالی در رعایت
زنان **فصل ششم** در بیان اولاد و آنچه بدان متعلقست پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمودند که فرزند صالح ریحانه ایست از ریحان بهشت و امام
جعفر صادق علیه السلام فرمودند که میراث خدا از بندهٔ مومن فرزند
صالحست که جهت او استغفار کند و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را بشارت
دادند بدختری پس نظر سوی حاضران کرد و در ایشان کراهت یافت
فرمود که شما را چه شد این دختر ریحانه ایست که می بوئید و خدا رزق
می دهد و فرمودند که نیکو فرزندی است دختر مخدره هر کس که یک
دختر داشته باشد باتش دوزخ نسوزد و هر کس که دو دختر داشته
باشد ببهشت رود و هر کس که سه دختر داشته باشد جهاد و صدقه
برو نیست امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که چون حق سبحانه
و تعالی نیکو خواهد بندهٔ را او را نمیراند تا فرزندی بدو دهد و مرویست که
هر کس که بمیرد بی فرزند گویا نبوده است در میان مردمان و هر کس
که بمیرد و او را فرزند باشد نمرده باشد و امام جعفر صادق علیه السلام

فرمودند که حق سبحانه و تعالی رحم میفرماید بر مردی که بسیار دوست
میدارد فرزند را و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که هر کس سه دختر
عیال او باشد یا سه خواهر واجبست برو جنت پس سوال کردند
که یا رسول الله اگر دو دختر داشته باشد فرمود که واجبست برو جنت
پس سوال کردند که اگر یک دختر باشد فرمود که واجبست برو جنت
و فرمودند که از سعادتست که حایض نشود دختر او در خانه یعنی زود بشوهر
رود و فرمودند که دوست دارید اطفال را و رحم کنید برایشان و چون
وعده با ایشان کنید وفا نمایید و مرویست که رسول صلی الله علیه
و آله و سلم امام حسن و امام حسین را علیهما السلام بوسیدند کسی
حاضر بود و گفت من ده پسر دارم و هیچ وقت یکی را نبوسیده ام
پس رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند بر من چه اگر خدای رحم
از تو برداشته باشد و فرمودند که فرزند را نام بنهید بنام انبیا و بهترین
نامها عبد الله و عبد الرحمن است و فرمودند که حق فرزند بر پدر سه
چیز است نام نیکش بنهد و خطش بیاموزد و زنی بنکاح او در آورد چون
بالغ شود و امام علی رضا علیه السلام فرمودند که رسول صلی الله علیه
و آله فرمودند که با هر قومی که مشوره کنند که با ایشان باشد شخصی که نام

محمد یا احمد باشد ایشان را دران مسرت خیر و خوبی پیش آید و پیغمبر
صلی الله علیه واله فرمودند که فرزندی که عاق بر پدر و مادر باشد
بوی بهشت نشنود و امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند که بر پدر
بر فرزند رحمتست و بر زن شهوت و بر پدر و مادر عبادت و بر برادر
دین داری و بر امام عادل طاعت و امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند که از نعمت خداست که فرزند بر پدر مانند باشد و فرمودند
که حق سبحانه و تعالی چون میخواهد که بیافریند کسی را جمع میفرماید تمام
صورت مردم را از آدم تا او را بصورت یکی از ایشان می آفریند پس
باید که یکی از شما نگوید که فرزند من مانا نیست و هیچ یک از پدران من
مانا نیست و مرویست که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمودند که هر کس که ببازار
رود و تحفه بخرد و سوی عیال برد همچنان باشد که صدقه کرده باشد و
نزد جمعی محتاج برده باشد و باید که اول بانات و دختران دهد پس
بپسران که هر که خرم کند دختری را همچنان باشد که آزاد کرده یکی از فرزندان
اسمعیل علیه السلام و مرویست از امام محمد باقر که فرمودند طفل چون
سه ساله شود امر کنند تا بگوید لا اله الا الله هفت نوبت و چون سه
ساله و هفت ماه و بیست روز بگذرد امر کنند تا بگوید محمد رسول الله

عوز

هفت نوبت و چون چهار ساله شود امر کنید تا بگوید صلی الله علی
محمد و آل محمد هفت نوبت و چون پنج ساله شود بگوید که شمال تو کدامست
و یمین تو کدام اگر بداند روی او بقبله گردانید و امر کنید تا سجده کند
و چون شش ساله شود بگویید تا نماز بگذارد و رکوع و سجود بیاموزد
و چون هفت ساله شود بگویید تا روی و دست بشوید و نماز گذارد و
و چون نه ساله شود وضو بیاموزید و بجهت آن بزنید پس چون وضو
و نماز دانست حق سبحانه و تعالی پدر و مادر او را می آمرزد و امام جعفر صادق
علیه السلام فرمودند که نیکو نگهدار طفل را تا شش سال بعد از آن ادبش
بفرما و با خود بیش نگهدار و ادبش بیاموز شش سال اگر قبول کرد
و نیکو شد خوب والا بگذار و پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند
آزاد است هفت سال و بنده است هفت سال و وزیر است هفت سال
پس اگر در بیست و یک سال راضی هستی از اخلاق خوب والا بزن
بر پهلوی او که نزد خدا عذر داری و امام محمد باقر علیه السلام فرمودند
که چون پسران به ده سال رسیدند خوابگاه ایشان جدا باید کرد از
خوابگاه زنان و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که بزرگ میشود
طفل در هر سالی بقدر چهار انگشت بانگشتان خود و پیغمبر صلی الله

علیه و آله فرمودند که نگاه دارید فرزند از شیر زن دیوانه و زن
بدکردار و بدکار زیرا که شیر سرایت میکند و فرزند دختر چون شش
ساله شود مبوسید و پسر چون گذشت از هفت سال مبوسید
و فرمودند که خوابگاه فرزندان جدا باید کرد چون هفت ساله شوند
و در روایتی شش ساله و امام زین العابدین علیه السلام تعلیم
یکی از اصحاب خود فرمودند که چون خواهی که ترا فرزند شود هفتاد نوبت
این دعا بخوان بدرستی که هر کس که این دعا بخواند حق تعالی باو
دهد از فرزند و مال و خیر دنیا و آخرت و دعا اینست رب لا تذرنی
فردا و انت خیر الوارثین واجعلنی من لدنک ولیا یرثنی فی حیوتی و
یستغفر لی بعد وفاتی واجعله خلقا سویا و لا تجعل للشیطان فیه نصیبا اللهم
انی استغفرک و اتوب الیک انک انت الغفور الرحیم و کسی نزد امام
جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت مرا فرزند نیست فرمودند که چون
در سجده باشی این دعا بخوان رب هب لی من لدنک ذریة طیبة انک
سمیع الدعاء رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین و شخصی آمد نزد امام
جعفر صادق علیه السلام گفت ای فرزند رسول مرا هشت دختر است
و خدا پسر بمن نداده دعا کن که تا مرا پسری شود فرمودند که چون خوا

که جماع کنی و پیش پای زن نشسته باشی دست راست بر طرف راست
ناف زن بنه و هفت بار سوره انا انزلنا بخوان و بعد از آن جماع کن و
چون زن آبستن شود در شب که بچه در شکم مادر جنبد همچنین دست
راست بر طرف راست ناف زن بنه و هفت نوبت انا انزلناه
بخوان آن مرد چنین کرد حق سبحانه و تعالی هفت پسر باو متوالی داد

فصل هفتم در عقیقه یعنی دعوت جهة رسیدن فرزند و آنچه بدان متعلق است

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که هر کس که در قیامت گرو
بعقیقه خود و عقیقه از قربان واجب ترست و شخصی نزد آن حضرت آمد
و گفت نمیدانم والله که پدر عقیقه من نموده یا نه پس ایشان او را فرمودند
که عقیقه از جهت خود نموده و فرمودند که عقیقه لازمست بر هر کس که غنی
باشد و اگر فقیر باشد در آن وقت که غنی شود و اگر قادر نشود بر وی واجب
نیست و اگر عقیقه کسی نکرده باشد و او قربانی کند قربان از عقیقه او مجزی است
و فرمودند که در عقیقه یک گوسفند نر بکشند و اگر نر یافت نشود مجزیست
آنچه مجزیست از قربانی و از آن حضرت سوال کردند از کیفیت عقیقه فرمودند
که گوسفندی یا گاوی یا شتری بکشند و بعد از آن نام فرزند بنهند و سر او بتراشند
در روز هفتم و بمقدار موی سر او طلا یا نقره بصدقه دهند و اگر فرزند پسری باشد

انچه کشند نر باشند و اگر دختری باشد انچه کشند ماده باشد و فرمودند
از انچه میکشند چهار یکی بقابله دهند و اگر قابله نباشد مادر بهر کس که خواهد
بدهد و از باقی اطعام نماید ده نفر از مسلمانان یا بیشتر و منقولست که
پدر و عیال او از عقیقه نخورند و امام محمد باقر علیه السلام فرمودند
که چون فرزند بزاید آب فرات در دهان او کنند و در گوش راست
او بانگ نماز بگویند و در ان گوش دیگر قامت و در روز هفتم نام او
بنهند پس بدرستی که خدای تعالی از آسمان نام او میفرستد و چون
گوسفند ذبح کنند بگویند بسم الله و بالله والحمد لله والله اکبر ایمانا بالله
وثناء علی رسول الله وشکرا لرزق الله وعصمة بامر الله ومعرفة بفضله علینا
اهل البیت پس اگر فرزند پسری باشد بگوید اللهم انت وهبت لنا ذکرا
وانت اعلم بما وهبت ومنک ما اعطیت ولک ما صنعنا فتقبله منا علی سنتک
وسنة رسولک صلی الله واخنس عنا الشیطان الرجیم لک سفکت الدماء
لا شریک لک الحمد لله رب العالمین امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند که رسول صلی الله علیه وآله وسلم عقیقه فرمودند جهة امام حسن
و امام حسین علیهما السلام یک گوسفند نر در روز هفتم اعضای انرا
از یکدیگر جدا کردند و استخوان آن نشکستند و پخته کردند باب و نمک

خوردند بی نان و بهمسایها فرستادند و فرمودند که سنت است که
زعفران بسر فرزند بمالند و منقولست که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند
که ای فاطمه گوش امیر المؤمنین حسن و امیر المؤمنین حسین را علیهما
السلام سوراخ کن بخلاف یهود و علی ابن جعفر سوال کرد از امام موسی
ابن جعفر علیهما السلام از فرزندی که در روز هفتم سر او تراشند و فرمودند
که چون هفت روز گذشت سر تراشیدن سنت نیست امام جعفر صادق
علیه السلام فرمودند که چون فرزند بزاید اول در دهان وی بنهند آب
فرات و خاک قبر امام حسین علیه السلام و اگر نباشد باران و امیر
المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که اول خرما در دهن وی بنهند که
پیغمبر صلی الله علیه واله با امام حسن و امام حسین علیهما السلام چنین فرمودند
فصل هشتم در ختنه کردن و انچه بدان متعلق است پیغمبر صلی الله علیه واله
فرمودند که ختان سنت است مردان نیکو سیرت را و مر زنان را مکرمت
که ختنه فرزند در روز هفتم بکنید تا پاک شوند پس بدرستی که زمین بخروشد
کرد بخدا از بول کسی که ختنه نکرده باشد و امام موسی کاظم علیه السلام
فرمودند که پسر من علی رضا علیه السلام زاید ختنه کرده و پاک و پاکیزه
ولیکن ما تیغ در و مالیدیم جهة اتباع سنت **فصل نهم** در اموری که متعلق است

بزنان عادت پیغمبر صلی الله علیه و آله چنان بود که چون بغزا رفتندی
زنان را می طلبیدند و با ایشان مشورت می کردند ولیکن بخلاف رای ایشان
عمل می نمودند و پیغمبر صلی الله علیه و اله فرمودند که فرمان برداری زن
موجب پشیمانیست و منع فرموده اند از آنکه زنان بر زین سوار شوند
و همچنین امیر المومنین علی علیه السلام نهی فرموده اند که پند و نصیحت کنید
زنان را به نیکی پیش از آنکه ایشان امر کنند شما را به بدی و پناه بخدا برید
از شر و بدی ایشان و از زنان نیکو بر حذر و امام محمد باقر علیه السلام
نهی فرموده اند مشاورت کردن با زنان در مهمات سری و قبول
سخن ایشان بکنید در حق خویشان و امیر المومنین علی علیه السلام
فرمودند که مردی که زن تدبیر امر او بکند ملعونست و فرمودند که دولت
ایشان برکتست و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که هر کس که فرمان
برداری زن کند الله تعالی او را در آتش دوزخ اندازد و پس سوال
کردند که فرمان برداری زن در چه چیز فرمودند که در رفتن بحمام و عروسی
و عیدها و نزد نوحه کنندگان امام محمد باقر علیه السلام فرمودند
که زنان از خانه بیرون روند بجنازه و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند
که در وثاق بالای منشینید و خط بایشان میاموزید و امر کنید به

الی

رشتن و سوره نور تعلیم ایشان کنید و پیغمبر صلی الله علیه و اله فرمودند
که دو مرد با یکدیگر نخوابند الا وقتی که میان ایشان حایلی باشد و همچنین
دو زن با همدیگر نخوابند الا وقتی که میان ایشان حایلی باشد و لعنت
کرده اند بر همگنان و فرموده اند سحق زنان چون لواطه مردانست پس
ایشان را بکشید و سحق آنست که زنان ختنه گاه بهمدیگر مالند و همچنین فرموده اند
که زنان در مصیبت نوحه نکنند و روی نخراشند و با مردان در محل خالی ننشینند
و فرمودند که در حدیثی با فاطمه علیها السلام که زنان نه پسندند مردان را و
مردان را نیز نه پسندند زنان را و بعد از آن فرمودند که فاطمه علیها السلام از حضرت است
و مرویست که دو نفر زنان پیغمبر صلی الله علیه و اله نزد آنحضرت بودند مردی
اعمی آمد نزد رسول صلی الله علیه و آله آنحضرت فرمودند که آن دو زن
پنهان شوند گفتند یا رسول الله این مرد کورست و ما را نمی بیند رسول
صلی الله علیه و اله فرمودند که اگر او کورست شمار و شیند او را می بینید
فصل دهم در نوادر نکاح امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که
رسول صلی الله علیه و اله باز می گشتند از غزایی که در آن مسلمانان
بسیار کشته شده بودند زنان بسیار باستقبال می آمدند و احوال
کشتگان می پرسیدند زنی نزدیک رسول صلی الله علیه و آله آمد

وحال برادر پرسید فرمودند که حمد خدا بکن و بگو انا لله و انا الیه راجعون
که او شهید شده پس حال شوهر پرسید فرمودند که حمد خدا بکو و بگو
انا لله و انا الیه راجعون که او شهید شده پس آن زن بفریاد آمد
رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که گمان نداشتم که زنان درین مرتبه
باشند باشوهر تا این زن را دیدم و امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند که حق سبحانه و تعالی مخصوص گردانید خود را به اخلاق
نیکو پس باید نفس خود را اگر از آن اخلاق درشما هست حمد خدا
کنید و میل کنید در آنکه بیشتر باشد و فرمودند که آن اخلاق ده است
یقین و قناعت و صبر و شکر و حلم و حسن خلق و بخشش و غیرت و شجاعت
و مودت و نزد آنحضرت چیزهای شوم یاد میکردند آنحضرت فرمودند
شوم سه چیز است یکی زن و شومی او کابین بسیار است و نافرمان
برداری شوهر دیگر چهار پای و شومی او چموشیت و دشواری سوار
شدن و دیگر خانه و شومی او آنست که فضای تنگ داشته باشد و
همسایه بد و از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که به عیسی علیه
السلام گفتند که چرا زن نمیکنی فرمود چکنم با او گفتند جهت فرزندان
فرمودند فرزندان را چکنم اگر می زیند بفتنه می افتند و اگر می میرند دیگران را

محزون می سپارند و زید بن علی علیه السلام نقل کرده که آباء عظام
او فرمودند که نزد رسول الله صلی الله علیه و آله حکایت غزا و ثواب آن
میکردند زنی گفت یا رسول الله زنان را این نصیب هست فرمودند بلی
از آن وقت که آبستن می شوند تا میزایند تا شیر میدهند ایشان را ثواب
غازیان هست و اگر درین اوقات وفات یابند اجر و ثواب شهیدان
دارند و امام محمد باقر علیه السلام از امام علی ابن زین العابدین
نقل فرموده اند که بیشتر اهل جنت زنان ضعیفه اند که خدا بر ایشان
کرده و امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که عادت علی زین العابدین
آن بود که چون زنی میزائید امر میفرمودند که زنان دیگر از وثاق
بیرون روند تا عورت آن زن زائیده نه بینند سوال کردند از امام
علی رضا صلوات الله علیه که جایز است که مردی که خصیه نداشته باشد
نزد زنان رود و آب وضو بایشان دهد پس موی ایشان را بیند جواب
فرمودند که نه و امیر المؤمنین علی علیه السلام سلام میکردند بر زنان پیر
و خوش نمی داشتند سلام بر زنان جوان و می فرمودند که اندیشه
دارم که از وی مرا خوش آید و گناه او بیشتر باشد از ثواب سلام
و از امام جعفر صادق علیه السلام سوال کردند که چون زنان بر مردان

دراید چگونه سلام کنند جواب فرمودند که بگویند علیکم السلام
و مردان بگویند السلام علیکم و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند
که کسی که موی بسیار بر اندام داشته باشد شهوت او اندک باشد
و امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که سبب آنکه کابین زن چهار
هزار درهم است آنست که ام حبیبه دختر ابی سفیان از حبشه بود و پیغمبر صلی
الله علیه و آله او را خواست و نجاشی که حاکم حبشه بود چهار هزار درهم نزد
وی فرستاده و در اصل کابین دوازده وقیه و نیم نقره بود و معمول است
که امیر المومنین علی علیه السلام به راه میرفتند دیدند که چهارپای
نر بر ماده می جهانند اعراض فرمودند و روی از آنجا گردانیدند و فرمودند
که سزاوار نیست آنچه شما میکنید مگر در جای پنهان که مرد و زن نبینند
و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که هر که نظرش بر زنی افتد پس
چشم از و باسمان کند یا بهم نهند و باز در وی نگرد الله تعالی جزای آن
حوری بوی دهد و فرمودند که نظر اول جایزست و دوم گناهست
و سیوم هلاک و امیر المومنین علی علیه السلام فرمودند که کابین زنان
بسیار مکنید که موجب عداوت می شود و کسی گفت با امام جعفر صادق
علیه السلام که من میخواهم که زنی بکنم و پدر و مادرم میخواهند که زنی دیگر

بمن دهند فرمودند که زنی که خود میخواهی نکاح کن و غیر آن بگذار و امام
جعفر صادق علیه السلام فرمودند که رسول صلی الله علیه و آله فرمودند
که زنی که کابین بشوهر ببخشد پیش از آنکه شوهر با و نزدیکی کند حق سبحانه
و تعالی بهر دیناری ثواب آزاد کردن بنده باو دهد و هم فرمودند که هر
کسی که کنیزکی سرپا زد باید که بهر چهل روز یکبار مباشرت کند با او
و فرمودند که هر کس که نزدیکی کند با کنیزکی و خواهد که با کنیزکی دیگر نزدیکی
کند باید که وضو بسازد و نزدیکی کند و نقل فرمودند از امام محمد باقر که
حضرت امیر المومنین علی علیه السلام فرمودند که زن احمق بشیر دادن
طفل مدارید که آن صفت به طفل سرایت میکند و حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرمودند که حق سبحانه و تعالی حرام کرده است فرشهای
استبرق بهشت بر مردی که مرطو باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و
آله فرمودند که هر که بوسه کند پسری را بقصد شهوت حق سبحانه و تعالی
در روز قیامت در دهان او لجامی کنند از آتش و حضرت امیر المومنین
علی علیه السلام فرمودند که هر مردی که رغبت خود را واگذارد که قوم
بوی بازی کنند حق سبحانه و تعالی او را مبتلا کرده اند بشهوت زنان
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که حق سبحانه و تعالی

گردانیده شهوت مؤمن در پشت او و شهوت کافر در دبر او و فرمودند
که هرکس که دختر به شراب خواره دهد به زنی ترک خویشتن پیوندی کرده
و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که پنبه رشتن نکو شغلیست مر زنان
صالحه را و فرمودند که ابراهیم پدر من علیه السلام غیرت داشت و من
از وی غیرت بیشتر دارم و هر مومنی که غیرت نداشته باشد حق سبحانه
و تعالی روی او را در خاک مالد و منقولست که از محمد باقر علیه السلام
که فرمودند که غیرت زنان حسد است و حسد اصل کفر است و زنان چون
غیرت مینمایند غضب میکنند و در غضب کافر میشوند الا زنان مسلمان
و کسی سؤال کرده از امام علی رضا علیه التحیة والثنا که زنان مقنعه بر روی
افکنند از مردان بنی حنیفه جواب فرمودند که ایشان بر دختران ابی
الحسن علیه السلام در می آمدند و ایشان مقنعه نمی افکندند پس
سوال کرد که ایشان مردان آزاد بودند فرمودند که والله اعلم بالصواب

باب پنجم در آداب سفر و در هشت فصل است فصل اول

در فضیلت سفر و آنکه کدام وقت جهة سفر خوبست و کدام وقت بد است
از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمودند که در حکمت آل داود مذکور است
که عاقل سفر نکند مگر از برای سه چیز زاد راه آخرت و ترتیب معیشت

و لذت یافتن از غیر حرام و فرمود رسول صلی الله علیه و آله که مسافرت
نمایید تا صحت و تن درستی یابید غزا کنید تا مال و غنیمت بگیرید و حج کنید
تا غنی شوید و همچنین روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمودند
که هرکس که خواهد که سفر کند باید که روز شنبه سفر کند که اگر سنگی در این
روز از کوه بیفتد حق سبحانه و تعالی باز او را بمکان خود رساند
و هر که مشکل شده باشد حاجتهای او باید که در روز سه شنبه طلب آن
نماید که روزیست که خدای تعالی آهن برای حضرت داود موم کرده
و همچنین روایتست از آنحضرت که فرمودند در شب جمعه مسافرت کردن
باکی نیست روایتست از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که فرمودند
که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله در روز پنجشنبه سفر کردند و روایت است
که یکی از اصحاب گفت دوست ترین روزها جهة سفر پیش حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله روز جمعه بود و گاهی که بجایی میرفت از مردم پنهان
و گفت روز پنجشنبه روزیست که خدا و رسول و ملائکه آن را دوست دارند
و بعضی مردم بغداد بعلی ابن موسی الرضا صلوات الله علیه نوشتند که
روز چهارشنبه آخر ماه سفر می توان کرد فرمود که هرکس که بخلاف
مردمی که فالهای بد میزنند سفر کند حق سبحانه و تعالی او را از شر آفتی

نگاه دارد و جمیع عافیتها روزی کند و حاجت او را برآورد و فرمود رسول
صلی الله علیه و آله که در شب پرهیز کنید که در شب راه از پیش میرود
و روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که روز جمعه بیرون
مروید از جهت کاری و روز شنبه چون آفتاب طلوع کند بیرون روید
و سوال کرد ابو ایوب از امام جعفر صادق علیه السلام از معنی آیه
فاذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض که مراد ازین چیست فرمود
که مراد آنست که روز جمعه نماز گذارید و روز شنبه سفر کنید و از آنحضرت
روایتست که فرمود که از سفر روز سیوم و چهارم و بیست و یکم
و بیست و پنجم ماه پرهیز کنید که آنها روز نحس است و نیز از آنحضرت
روایتست که فرمود روز شنبه سفر نکنید و طلب حاجت نکنید و حضرت
امام رضا علیه السلام در عیون الاخبار فرموده اند که روز شنبه روز
مکر و فریبست و روز یکشنبه روز غرس است و بنا نهادن و روز دو
شنبه روز سفرست و طلب حاجات و روز سه شنبه روز جنگ
و خونریزیست و روز چهارشنبه روز شومست که مردم در و فال
بد میگیرند و روز پنجشنبه روز دیدن امرا و حکامست و ساختن کارها
و روز جمعه روز خطبه و نکاحست و همچنین روایتست از امام جعفر صادق

السلام که فرمود که هر کس که قمر در عقرب سفر کند نیکویی نه بیند
و شخصی بآنحضرت علیه السلام گفت من به بلای علم نجوم گرفتارم
و هر گاه که کاری میخواستم که بکنم در طالع نظر میکردم اگر خوب بود آن
کار میکردم و اگر بد بود ترک میکردم فرمود آن کار بر می آمد گفت بلی
فرمود که کتابهای خود بسوزان و امیر المومنین علی علیه السلام
سفر و نکاح کردن مکروه میداشت در حالتی که قمر در محاق بود یعنی روز
بیست و هشتم و بیست و نهم و سیم ماه و از حضرت امام موسی علیه السلام
روایتست که فرمود که هفت چیز در راه مسافر شومست کلاغی که از دست
راست او آواز کند و مرکب او رم کند و کرکی که در برابر او بر دم نشسته
آواز کند و مرکب او رم کند و آهویی که از دست راست بیاید و بجانب
چپ رود و جغد که آواز کند و پیرزنی که فرج خود را آشکارا کند و ماده
خرگوش بریده را که ببیند هر کس که در دل او ازینها چیزی افتد این
دعا بخواند اعتصمت بک یا رب من شر ما اجد فی نفسی فاعصمنی من ذلک
از شر آن خلاص شود شخصی از امام جعفر علیه السلام سوال کرد که
آیا سفر مکروهست در یکی از روزهای مکروه مثل چهارشنبه و غیر آن
فرمود که پیش از سفر صدقه کن و آیه الکرسی بخوان هر گاه که سفر

پیش آید امام علی زین العابدین علیه السلام فرمود ذبح کنید و عوض
بگذارید تا تن درست شوید و رزق شما فراخ شود و معاش خود و عیال
یابید و هم از آن حضرت روایتست که فرمود که هر کس که پیاده بحج رود سوره
انا انزلنا بخواند الم پیاده رفتن در نیابد و فرمود که هیچکس انا انزلنا
بخواند الم پیاده رفتن در نیابد و فرمود که هیچکس انا انزلنا بخواند در
حین که سوار میشود الا که خدای تعالی او را سالم و آمرزیده بمنزل
رساند و شتر چون هفت نوبت بحج رفت از حیوانات بهشت میشود
و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود اگر چیزی بر تقدیر خدای تعالی
مقدم می بود من میگفتم که خواننده انا انزلنا ست چون سفر کند
یا از منزل خود بیرون آید زود بمنزل خود باز گردد انشاء الله تعالی

فصل دوم در صدقه دادن پیش از سفر روایتست از امام جعفر
علیه السلام که صدقه کن و هر روزی که میخواهی سفر کن شخصی حکایت
میکند که در علم نجوم نظر مینمودم و ملاحظه طالع میکردم و از آن دغدغه
در خاطر پیدا میشد شکایت کردم از آن پیش امام موسی علیه السلام
فرمود که هرگاه که در خاطر تو از آن ره کند و چیزی بر سید صدقه کن
بهر مسکینی که اول دوچار تو شود بعد از آن خاطر جمع دار که خدای

تعالی

تعالی آن را از تو دفع کند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایتست
که هر که تصدق کند بچیزی چون صبح شود خدای تعالی نحوست آن روز را
از او دفع کند و بدیهای آن روز و در کتاب محاسن از حضرت امام جعفر
علیه السلام روایتست که فرمود پدرم هرگاه که روز چهارشنبه یا
روز دیگر از روزها سفر میکرد صدقه میداد بعد از آن بیرون می رفت
و همچنین روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلام که هرگاه که بجانب
اموال خود میرفت میخرید سلامتی را از حضرت خداوند بآنچه میسر بود
یعنی صدقه میداد و این صدقه وقتی میفرمود که پای مبارک در رکاب
همایون می نهاد و چون بسلامت مراجعت می فرمود حمد و شکر خداوند
بجای می آورد و بآنچه میسر بود صدقه می کرد و همچنین آن حضرت فرمود که هرگاه
که خواهی که سفر کنی از پروردگار خود سلامتی بخر بآن مقدار که نفست
بآن خوش بود و بگو خداوندا میخواهم که فلان سفر کنم و از تو سلامتی
میخرم در این سفر باین مبلغ یعنی چیزی صدقه کن و در حال صدقه کردن این
عبارت که مذکور شد بگو و همچنین فرموده هرگاه که بسلامت مراجعت کردی
چیزی صدقه کن در برداشتن عصا روایتست که حضرت رسالت صلی
الله علیه و آله فرمود که آیا عاجز است یکی از شما که عصایی بردارد که در

پایین او نیزه باشد که با آن بدبیار را از راه دفع کند و جانوران موذی
را بکشد و همچنین فرموده اند که عصا علامت مؤمنست و سنت و طریق
انبیا و نیز آنحضرت فرموده که با عصا براه رفتن از تواضع است و هر
که با عصا براه رود در هر قدمی برای او هزار نیکویی می نویسند و هزار
درجه پایهٔ او بلند می کردانند حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت میکند که آنحضرت
فرمود که هر که بسفر رود و با او عصایی باشد از چوب بادام تلخ و این
آیت بخواند و لما توجه تلقاء مدین تا آنجا که والله علی ما نقول وکیل خدای
تعالی او را از هر جانور ایذا رساننده ایمن کرداند و از هر دزد و ظالم
و جانور زهردار مثل مار نکاه دارد تا بوقتی که باکسان خود پیوندد و
با او هفتاد و هفت ملک باشند که جهة او طلب آمرزش کنند تا باز کردد
و همچنین حضرت امیر المؤمنین از آنحضرت نقل میکند که عصا فقر می برد و
شیطان را دفع میکند و حضرت رسالت صلی الله علیه و اله و سلم
فرموده اند که هر کس که راه از پیش او دور بر خیزد عصای چوب
بادام تلخ با خود نکاه دارد و دستار بشیب کلو بستن از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام والتحیة والاکرام روایتست که فرمود

سوره قصص

که هر کس که از خانه خود و دستار بزیر کلو بسته بیرون رود من ضامنم
که بسلامت باز بخانه خود باز رود و هم از آنحضرت روایتست که هر کس
که بسفر بیرون رود و دستار بزیر کلو نه بندد و دردی بی دوای باو
برسد شکایت نکند مکر نفس خود را یعنی از از خود داند **فصل سیوم**
در چیزهاییست که وقت سفر بیرون رفتن سنت است حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله فرموده اند که هر کس که بسفر بیرون رود او را هیچ
قایم مقامی در خانه به از نماز نیست دو رکعت که در وقت بیرون رفتن
بگزارد و در وقت وداع این دعا بخواند اللهم انی استودعک الیوم
دینی و نفسی و مالی و اهلی و ولدی و جیرانی و اهل حزانتی الشاهد منا والغائب
وجمیع ما انعمت به علی اللهم اجعلنا فی کنفک و منعک و عیاذک و عزک عز
جارک الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له
ولی من الذل و کبره تکبیرا الله اکبر کبیرا و الحمد لله کثیرا و سبحان الله بکرة
و اصیلا و حضرت امام محمد باقر صلوات الله و سلامه علیه هر گاه که میخواست
که بسفر رود جمیع عیال خود را در خانه جمع میفرمود و همین دعا که مذکور شد
میخواندند شخصی روایت میکند از حضرت امام موسی علیه السلام که
هرگاه که بسفر می فرمودند بر در خانه می ایستادند و به آنجانب که متوجه

وسلم

بود روی می آورد و فاتحه الکتاب میخواند از پیش رو و جانب راست
و چپ و آیة الکرسی میخواند بهمین طریق بعد از آن این دعا میخواند اللهم
احفظنی و احفظ ما معی و سلمنی و سلم ما معی و بلغنی و بلغ ما معی ببلاغک الحسن خدای
تعالی نگاه میداشت آنحضرت را و چیزی که با آن حضرت بود بسلامت
میداشت و بمنزل می رسانید و از حضرت امام جعفر هر گاه که بسفر
می فرمود این دعا میخواند اللهم خل سبیلنا و احسن تسییرنا و اعظم
عافیتنا روایت از امام رضا علیه السلام که فرمود که هر گاه که از
منزل خود بیرون خواه بجانب سفر و خواه بجانب مهمی این دعا میخوان
بسم الله آمنت بالله توکلت علی الله ما شاء الله لا حول و لا قوة
الا بالله هر کس که این دعا بخواند شیاطین که پیش راه او میروند
ملائکه بر روی ایشان میزنند که برابر این شخص میاید که نام خدای تعالی
برده است و ایمان باو آورده و توکل بر او کرده روایت میکند شخصی
از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله که آنحضرت هر گاه که بسفر می فرمود
این دعا میخواند اللهم بک انتشرت و الیک توجهت و بک اعتصمت انت
ثقتی و رجائی اللهم اکفنی ما اهمنی و ما لا اهتم له و ما انت به اعلم منی اللهم زودنی
التقوی و اغفر لی فارحمنی الی الخیر حیث ما توجهت و از حضرت امام جعفر

لسلام

علیه السلام روایت که فرموده که هر که در وقت بیرون آمدن از
منزل خود بگوید الله اکبر الله اکبر بسم الله دخلت و بسم الله خرجت
و علی الله توکلت و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی
محمد و آله اللهم افتح لی فی وجهی هذا الخیر اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی و
من شر غیری و من کل دابة ربی آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط
مستقیم در ضمان خدای تعالی است تا وقتی که باز گردد به منزل در وقت
سواری حضرت امام جعفر صادق علیه السلام وقتی که پای مبارک در
رکاب می نهادی فرمود سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و هفت
بار سبحان الله و هفت بار الحمد لله و هفت بار لا اله الا الله میفرمود
و شخصی روایت میکند که رکاب حضرت امیر المومنین علی علیه السلام گرفتم
در حالی که آنحضرت سوار می شد سر مبارک بجانب آسمان کرد و تبسم
فرمود گفتم یا امیر المومنین دیدم که سر سوی آسمان کردی و تبسم فرمودی
گفت بلی همچنانکه تو رکاب من گرفتی من رکاب حضرت رسالت را
صلی الله علیه و آله را گرفتم آنحضرت سر سوی آسمان کرد و تبسم فرمود
همچنانکه تو از من سوال کردی من از آنحضرت سوال کردم فرمود یا علی
هیچکس سوار نشد بانچه خدای تعالی باو انعام فرموده است پس بخواند

ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض تا سه آیه بخواند بعد از ان
بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه اللهم اغفر لی
ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا انت مگر آنکه خدای تعالی فرماید ای ملایکه بنده
من میداند که گناهان را غیر از من کسی نمی آمرزد گواه باشید که من آمرزیدم
او را **فصل چهارم** در مشایعت کردن حضرت صلی الله علیه واله وقتی
که جعفر طیار را بجانب حبشه می فرستاد دو پاره راه مشایعت کرد
و همراه برفت و این دعا را زاد راه او ساخت اللهم الطف بی فی تیسیر
کل عسیر فان تیسیر العسیر علیک یسیر اللهم اسئلک الیسر والمعافاة فی الدنیا
والآخرة حضرت امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهما السلام
و عقیل برادر حضرت امیر و عبد الله ابن جعفر و عمار یاسر مشایعت ابوذر
فرمودند و حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که وداع کنید
برادر خود را هر کس که خواهد که وداع کند شخصی را این دعا بخواند در حال
وداع استودع الله دینک و امانتک و خواتیم عملک احسن الله
لک الصحابة واعظم لک العافیة وقضی لک الحاجة وزودک التقوی
ووجهک للخیر حیث ما توجهت وردک سالماً غانماً روایت است از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام که فرمودند که حضرت رسالت صلی الله

علیه واله وداع مردی کرد و فرمود سلمک الله و غنمک **فصل پنجم**
در آداب مصاحبت در سفر شخصی روایت میکند که من پیش از امام
جعفر صادق علیه السلام بودم و خانه آنحضرت از مردم ایشان پر بود
فرمود از ما نیست هر که مصاحبت و همراهی نیکو نکند رفیق خود را
و همچنین در مخالفت با خلق و همچنین حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند که پدرم میگفت اعتمادی بر آنکس نیست که در وی خصلت نباشد
خلقی که نیکویی کند با مصاحبان خود و حلمی که بواسطه آن مالک غضب
خود باشد و زهدی که مانع شود او را از حرام شخصی از امام جعفر صادق
علیه السلام روایت میکند که آنحضرت وصیت کند مرا بتقوی و آنکه امانت
را ادا کنم و راست گو باشم و مصاحبت با مصاحبان نیکو کنم حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه واله فرمودند که اول رفیق و بعد از ان سفر و همچنین فرمود
که دو کس که مصاحبت میکنند بزرگتر ایشان پیش خدای تعالی از روی
ثواب و اجر آنکس که در مصاحبت بهتر باشد و حضرت امیر المؤمنین علی
علیه السلام فرمود که مصاحبت مکن در سفر با کسی که ترا بهتر از خود نداند
چنانکه تو او را بهتر از خود میدانی مصاحب می باید که کل واحد یکدیگر را
بهتر از خود داند حضرت رسالت صلی الله علیه واله فرموده است که سنت

که چون بسفر روند نفقه خود همراه برند که موجب خوشی وقت آنکس
و نیکویی خلق اوست روایتست از امام محمد باقر علیه السلام که فرموده اند
که مصاحبت با مثل خود بکن و با کسی که رعایت حال تو بکند و معیشه تو
بد بد مصاحبت مکن که سبب خواری و مؤنت و فرموده حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله که بهترین مصاحبان این کس نزد خدای چهار کس است
یا هفت کس و از هفت که در گذشت موجب پریشانی است و حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که مسافری باید که تا سه روز
جهه مصاحب توقف کند وقتی که مصاحب بیمار شود و هم آنحضرت فرموده
که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که هیچ نفقه پیش خدای
تعالی به از میانه روی نیست و اسراف و بی اعتدالی را دوست نمی دارد
مگر در حج و عمره و همچنین فرمود که هیچکس با بدخلق همراه سفر نکند و فرمود
که بهترین مردم در سفر آنکس است که خدمت یاران کند و حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده است که حضرت در سفری فرمود که گوسفندی بکشند
مردی گفت من میکشم این گوسفند را و شخصی گفت من پوستش بکنم و دیگری
گفت من پاره کنم و دیگر گفت من بپزم آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
که من هیزم جمع میکنم یاران گفتند یا حضرت شما زحمت مکشید تا ما بکنیم

آنحضرت فرمود که من میدانم که شما این خدمت میکنید اما خدای تعالی
مکروه میدارد بنده را که در میان مصاحبان بیکار باشد و کار خود
بر گردن ایشان اندازد و حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
که بسفر میرفتند شانه و سرمه دان و مسواک همراه می بردند و در روایتست
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرموده اند که لقمان علیه السلام
با پسر خود گفت که هرگاه که مسافرت کنی با ایشان در کارهای خود و کار
های ایشان مشورت کن و در روی ایشان خندان و خوشحال
باش و در توشه خود کریم باش و با ایشان در میان نه و هر کار
که دعوت کنند ترا قبول کن و اگر از تو یاری طلبند ایشانرا یاری
کن و خاموش باش و نماز بسیار بکن و با همراهان خود کریم باش
با هر چه داری از الاغ و آب و توشه یعنی در هیچ کدام از اینها با ایشان
مضایقه مکن و هرگاه که از تو گواهی حق طلبند گواهی بده و گاهی که پیاده
روند با ایشان پیاده برو و چون سوار شوند تو هم سوار شو و هرگاه
و هرگاه که صدقه کنند یا قرض دهند تو نیز با ایشان اتفاق کن
و سخن کسی که بحسب سن از تو بزرگتر باشد بشنو هرگاه که ترا امر
کنند بچیزی یا از تو چیزی خواهند قبول کن و جواب مگو که جواب

بدخلقیست و هرگاه که در راه متحیر شوید فرود آیید و مشوره کنید
و هرگاه که شخصی را بینید راه را ازو سوال مکنید که شاید که جاسوس
دزدان باشد یا شیطان که خواهد که شما را سرگردان کند و از
دو کس که ملاقی شوید بپرهیزید مگر که از احوال ایشان دریابید
که در ایشان دغلی نیست و همچنین لقمان گفته با پسر خود که ای پسر هرگاه
که وقت نماز در آید فی الحال نماز کن و بآخر وقت مگذار بعد ازان اگر
و نماز بجماعت بگذار در هرجا که توان گذارد و بر بالای مرکب خواب مکن
که مجروح میسازد او را و هرگاه که بمنزل نزدیک شوی از مرکب زود فرود
آی و او را علف سر ده و اگر در صحرا باشی در جایی فرود آیی که صفا باشد
و خاکش نرم باشد و چون فرود آیی دو رکعت نماز بگذار پیش
از آنکه بنشینی و هر وقت که تقاضا حاجت روی از مردم دور شو و چون
عزم رفتن کنی دو رکعت نماز بگذار بعد ازان زمین را وداع کن و
سلام کن بر وی و بر اهل او که در هر منزلی جماعتی از ملائکه هست
و اگر میتوانی که طعام نخوری تا اول صدقه بدهی اول صدقه بده
و می باید که قرآن بخوانی مادام که سوار باشی و تسبیح کنی به هر کار که
مشغول باشی و دعا کنی گاهی که بیکار باشی و از اول شب تا آخر شب

سیر مکن و در راه سخن مکن بلند **فصل ششم** در نگاه داشتن چیزی
که همراه اوست و استخاره و طلب حاجت روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که فرموده که هر کس که آیة الکرسی بخواند هر شب در سفر
بسلامت ماند خود و هر چه با اوست روایت که شخصی از برای امام علی
رضا علیه التحیة والثنا چند بقچه رخت فرستاد و درمیان او دزدی گل بود
شخصی میگوید پرسیدم که این چه حکمت فرمودند گل قبر امام حسین است
علیه السلام و صاحب رخت هر چیز که بر جای فرستد این گل در میان
آن مینهد و میگوید که آن در امان خداست و روایت از امام جعفر علیه
السلام که دو برادر نزد رسول صلی الله علیه و آله آمدند که میخواهیم که بجانب
روم به تجارت رویم تعلیم کن ما را که در راه چه دعا بخوانیم حضرت فرمودند
که هرگاه که در منزل جای گیرید و نماز خفتن گذارده باشید محلی که پهلو بر
جامه خواب نهید تسبیح فاطمه زهرا صلوات الله علیها و آیة الکرسی بخوانید
که در امان خدا باشید پس ایشان بسفر رفتند جماعتی دزدان در عقب
ایشان رفتند تا وقتی که فرود آمدند دزدان شخصی را فرستادند
که خبر گیرد که ایشان در خوابند یا بیدار آن شخص دید که یکی از ایشان
تسبیح زهرا گفت و آیة الکرسی خواند و خواب کرد نگاه کرد حصاری

دید که در گرد ایشان درآمد آن شخص هرچند در گرد آن حصار گشت
باندرون نتوانست آمد به پیش یاران خود بازگشت و این حکایت
بازگفت مصاحبان دشنام دادند و گفتند دروغ می گویی بلکه ترسیده
همه برخاستند و آمدند حصاری دیدند نتوانستند درآمد چون صباح
شد پیش آن دو جوان آمدند و گفتند دوشینه کجا بودید گفتند همین
جا بودیم و جایی نرفتیم گفتند ما آمدیم و جا را ندیدیم و چهار دیوار می دیدیم
درین چه سر بود گفتند که ما بحضرت رسالت صلی الله علیه و آله رفته بودیم
ما را تعلیم کرد تسبیح زهرا و آیة الکرسی پس همچنان کردیم دزدان گفتند برو
که ما را با شما کار نیست در استخاره در تجارت شخصی روایت میکند که
بمکه الله رفتم و بارهٔ قماش همراه داشتم و کس نمی خرید یاران
گفتند که بمصر فرست و دیگر باره یمن و بکوفه و باز مکران القصه هر کس
چیزی میگفتند بخدمت امام جعفر علیه السلام رفتم و این قصه عرضه کردم
فرمود قرعه بینداز میان مصر و یمن و توکل بر خدا کن و قرعه بنام هر
کدام ازین شهر که براید بانجا فرست گفتم یا امام چگونه قرعه اندازم فرمود
که در کاغذی بنویس که بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انت الله لا
اله الا انت عالم الغیب والشهادة انت العالم وانت المتعلم فانظر لی

فی ای الامرین خیر لی حتی اتوکل علیک فیه واعمل به و نام مصر رو بنویس [بنویس]
ما انشاء الله و در رقعه دیگر این دعا بنویس و نام یمن با انشاء الله [بنویس]
بنویس و در رقعه سیوم همین دعا بنویس با کلمه که دلالت کند بر
جنس متاع و نفرستادن بان دو شهر بعد ازان کاغذها را جمع کن
و بشخصی بده که در زیر جایی پنهان کند بعد ازان بردار هر کاغذ که اول
بیرون آید بآن عمل کن و فرمود که هرگاه که خواهی که بسعی بروی و آفتاب
بلند شده باشد دو رکعت نماز بگذار و در هر رکعتی الحمد و قل هو الله احد
و قل یا ایها الکافرون بخوان و چون سلام بازدهی این دعا بخوان
اللهم انی غدوت التمس من فضلک کما امرتنی فارزقنی من فضلک رزقا [حسنا]
واسعا حلالا طیبا و اعطنی فیما رزقتنی العافیة غدوت بحول الله وقوته [بعد]
بغیر حول منی ولا قوة ولکن بحولک وقوتک وابرا الیک من الحول [والقوة]
اللهم انی اسالک برکة هذا الیوم فبارک لی فی جمیع اموری یا ارحم الراحمین
وصلی الله علی محمد و آله اجمعین **فصل ششم** در آداب پیاده رفتن و انکه
تنها سفر کردن مکروهست روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که فرموده پیاده روید بسرعت و قدم بکشید که آن بر شما آسان تر است
از مشقت الاغ روایت کرده اند که جمعی پیاده میرفتند حضرت رسالت

پناه صلی الله علیه واله بایشان رسید گفتند یا رسول الله از پیاده رفتن
بتنگ آمده ایم فرمود که قدم بکشید که بر شما آسان می شود روایتست از آنحضرت
که فرموده است که شما را خبر دهم از بدترین خلایق حاضران مجلس
گفتند یا رسول الله خبر ده فرمود کسی که تنها سفر کند و فایده بردم نماید
و خادم و غلام خود را می رنجاند و می آزارد و در روایتست از حضرت
امام موسی علیه السلام که فرمود که هر کس که تنها سفر کند باید که این
دعا بخواند ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم آنس وحشتی
واعنی علی وحدتی واد غیبتی روایتست از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که فرمود که هرگاه که راه گم کنید بگوید یا صالح یا ابا صالح ارشدونا
الی الطریق یرحمکم الله و هم از آنحضرت روایتست که فرمود که نگهبان
صحرا صالح است و نگهبان دریا حمزه و نیز آنحضرت فرموده که هرگاه که در
صحرا غول پیدا شود بانگ نماز بگوید تا برطرف شود و روایتست که
پیغمبر فرموده که چون بمنزل فرود آید این دعا بخواند اللهم انزلنی منزلا
مبارکا وانت خیر المنزلین و چون بجانب خانه باز گردد این دعا بخواند
آیبون تائبون ان شاء الله عابدون راکعون ساجدون لربنا حامدون
اللهم لک الحمد علی حفظک ایای فی سفری و حضری اللهم اجعل اوبی

هذه مبارکة میمونة مقرونة بتوبة النصوح توجب لی بها السعادة یا ارحم
الراحمین و چون بشهری در آیند این دعا بخوانند در وقتی که شهر نمودار
شود اللهم انی اسالک خیرها واعوذ بک من شرها اللهم حببنا الی اهلها
وحبب صالحی اهلها الینا چون در کشتی نشینند بگوید بسم الله الملک
الرحمن وما قدروا الله حق قدره تا آخر آیه بخوانند و بعد از آن بخوانند بسم
الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم و چون از پلی گذر کنند بگویند
بسم الله ادحر عنی الشیطان الرجیم و کسی که از مکه معظمه مراجعت کند
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که باو بگویید تقبل الله
منک واخلف علیک نفقتک وغفر ذنبک و هم آنحضرت فرموده که هرکه
در بغل گیرد حاجی را که از راه برسد همچنانست که حجر الاسود را زیارت
کرده است و کسی که از سفر باز آید و بخانه در آید هیچ کار مشغول نشود
تا غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و سجدهٔ شکر بکند و در حال سجود
بگوید صد بار الشکر لله در رعایة الاغان ابوذر از حضرت رسول
صلی الله علیه واله روایت میکند که شنیدم از آنحضرت که فرمود که
هرکه دعا میکند و میگوید اللهم ارزقنی ملیک صدق یشبعنی و یسقینی
ولا یکلفنی مالا اطیق یعنی خداوندا روزی کن مرا مالکی که سیر و ایمن

کند و بر من باری نهند که مرا طاقت آن نباشد و روایتست
از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله که فرموده است که الاغان
بدست آرید که داخل زینت است و از آن مهمات کفایت میشود
و رزق ایشان بر خداست و روایت است از حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله که فرموده اند که واجب است که مدارا بامرکب
لاغر ضعیف بکنید در وقت سواری و بمقداری که تواند رفت راه
بروید و همچنین حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که مرکوب را
بر خداوند خود حقهاست اول آنکه علف دهد او را هرگاه که فرود
آید و چون باب رسید او را آب نماید و بر روی او نزنند که او تسبیح
میکند بحمد پروردگار و همچنین بر پشت او نزنند و بیش از قوت او
بر و ستم نکنند و در رفتن باو زیادتی نکنند شخصی از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام سوال کرد که بر زنم مرکوب را فرمود که وقتی که
همچنانکه بجانب علف میرود نزده و هم آنحضرت علیه السلام فرموده
که مرکوب را وقتی که بر در آید بزنید و وقتی که رم میخورد نزنید
که او چیزی میبیند که شما نمی بینید و حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
فرمود که بر بالای مرکوب مربع منشینید و بر سر اسب صحبت مدارید

و سر دو پا از یک جانب او فرو مگذارید و روایت از حضرت امام
زین العابدین که بیک شتر چهل بار بحج رفت که یک تازیانه بر وی
نزد قول در احوال شتر روایت از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام که فرمود که شترهای سرخ نگاه مدارید که کوتاه عمرند و فرمود
که شترهای سیاه بدشکل بخرید که دراز عمرترند از باقی شتران
و حضرت رسالت صلی الله علیه و آله نهی فرموده از میان قطار
شتر گذشتن و فرمود که در میان هر دو شتر شیطانست ایستاده
قول در احوال اسب حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم
فرموده اند که خیر از پیشانی اسپها تا بسته تا روز قیامت و کسی
که اسپها از در راه خدا رعایت کند حکم آنکس دارد که هرگز صدقه
ترک نکند روایت است از حضرت امام رضا علیه السلام که فرموده اند
که در پی مرا اسپی شیطانی مجاور است هرگاه که خواهید لجام کنید
نام خدا ببرید روایت است از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
که فرمود که مرکوبی که سرسخت باشد و بد چشم در گوش او بخوانید
افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها
و الیه یرجعون و این دعا بخوانند اللهم سخرها و بارک لی فیها بحق محمد

آل محمد **فصل هشتم** در بعضی چیزها که متعلق است بسفر حضرت رسالت
پناه محمد صلی الله علیه و آله منع فرموده اند که پیش از آنکه مسافر خبر
کند اهل خود را در آید در وقتی که شب رسیده باشد و فرموده اند
که سفر پاره ایست از عذاب باید که هر کس که در سفر مهم سپازی کند
زود باز گردد و هم آنحضرت فرموده که یاری و مددگاری کند مسافر
مومن را خدای تعالی از و هفتاد و سه غم و محنت ببرد در دنیا و در
قیامت راحت عظیم او را روزی فرماید و هم فرموده اند که وقتی که
مسافرت کنید ترتیب سفر نمائید و روایت است از حضرت امام
موسی علیه السلام که سفره دید که حلقهای زرد در و بود فرمود که بیرون
کنید و حلقه آهن در و کنید که نیک نیست والله اعلم **باب دهم**
در دعا و چیزی که به دعا خواندن تعلق دارد و درین باب پنج فصلست
فصل اول در فضیلت دعا و کیفیت خواندن پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود هیچ چیز پیش خدای تعالی بهتر از دعا نیست و همچنین فرمود دعا سلاح
مومن و ستون دین و نور زمین و آسمانست و فرمود که شما را دلالت
کنم بسلاحی که از دشمنان نگاه دارد و رزق شما را زیاده کند
حاضران گفتند بلی فرمود شب و روز دعا کنید که دعا سلاح

مومنست و عاجزترین مردم آنکس است که در دعا عاجز آید و بخیل
ترین مردم کسیست که در اسلام بخیلی کند و فرمود که مسلمانی نیست
بخدای تعالی دعائی کند که بخویشان او از آن دعا ضرری برسد
و طلب معصیتی در آن باشد مگر آنکه خدای تعالی یکی از سه چیز او
را کرامت کند دعای او قبول فرماید یا در آخرت او را عوض
دهد یا بلائی از او دفع کند و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود
که دعا موجب قبولست همچنانچه ابر موجب بارانست و روایت
از حضرت امام رضا علیه التحیة و الثنا که فرمود یک دعای پنهانی به از هفتاد
دعا که بر ملا باشد و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که حضرت
عزت حاجات شما را میداند لیکن حاجات را عرض کنید و دعا نمائید
که خدای تعالی عرض حاجات دوست میدارد و هم فرموده است که
خدای تعالی مکروه میدارد که از خلق طلب کنند لیکن دوست میدارد
که از او بطلبند قول در اوقاتی که امیدواری قبول دعاست روایتست
از حضرت امام جعفر علیه السلام که فرمود در چهار وقت دعا کنید وقتی
که باد سخت آید و وقت زوال و وقتی که باران آید و وقتی که خون
مومنی بر خاک ریزد که درهای آسمان درین وقت گشاده میشود

انحضرت فرموده که در چند موضع دعا مقبول است در نماز
وتر و بعد از نماز صبح و بعد از پیشین و بعد از شام و حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که غنیمت دانید دعا را در چهار موضع
نزد خواندن قرآن و وقت بانگ و وقت باران و وقتی که در
غزا صفها راست شود و روایتست از امام محمد باقر علیه السلام
که فرمود که خدای تعالی دوست میدارد بندگان مومن را که دعا
کنند پس دعا کنید از سحر تا طلوع آفتاب که دران وقت درهای
آسمان گشوده است و رزق دران وقت بخش میکنند و حاجتها
دران وقت روا میشود و روایتست از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که فرمود هرگاه طلب روزی میکنید در دعا کفهای دست
را بجانب آسمان بگشائید و چون بخدای تعالی پناه میجویید از شر
کسی کفهای دست بجانب قبله کنید و در حال تضرع و زاری
دست را از سر بگذرانید چون روی از دنیا گردانیده بجانب
خدای تعالی آرید انگشتهای شهادت را حرکت دهید قول در
آنچه پیش از دعا باید کرد روایتست از امام جعفر علیه السلام
که فرمود که پیش از دعا حمد و ثنای خدای تعالی ما بجای آرید و

یک جا

صلوات بر پیغمبر او بفرستید بعد از ان جهة خود دعا کنید و روایت
از امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود که پیش از دعا بگوئید یا من
هو اقرب الیّ من حبل الورید یا من یحول بین المرء و ما فی قلبه یا من هو
اقرب الیّ من حبل الورید بالمنظر الاعلی یا من لیس کمثله شئ و از حضرت
امام جعفر علیه السلام روایتست که فرمود که هرگاه که یکی از شما طلب
حاجت کنید ثنای خدای تعالی را بجای آرید که شخصی که از پادشاه
طلب حاجتی کند اول سخن خوب تقریبی پیدا می کند و بعد از ان
طلب میکند و می باید که در وقت طلب حاجت این دعا را بخوانید یا اجود
من اعطی یا خیر من اسئل یا ارحم من استرحم یا واحد یا احد یا صمد
یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا من لم یتخذ صاحبة و لا ولدا
یا من یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و یقضی ما احب یا من یحول بین المرء و قلبه
یا من هو بالمنظر الاعلی یا من لیس کمثله شئ و هو السمیع البصیر و نام خدا
بسیار ببرید و صلوات بر حضرت رسالت و آل انحضرت فرستید
و این دعا بخوانید اللهم اوسع علیّ من رزقک الحلال ما اکف به وجهی
و اؤدی به عن امانتی و اصل به رحمی و یکون عونا لی علی الحج و العمرة
و روایتست از امام جعفر علیه السلام که هرگاه که چهل کس جمع شوند

دعا کنند خدای تعالی البته دعای ایشان قبول میکند و اگر چهار
کس باشند هر یکی ده بار دعا کنند آن نیز مستجاب میشود و اگر یکی
چهل بار دعا کند خدای تعالی آنرا قبول میکند و هم آنحضرت فرموده
که پدرم هرگاه که از چیزی غمگین می شد عورتان و اطفال را جمع میفرمود
دعا میکرد و ایشان آمین میگفتند و نیز فرموده اند که دعا محجوبست
مادام که صلوات بر محمد و آل محمد نفرستند و روایتست از حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله که فرمود که در مجلسی که جماعتی صحبت دارند
و ذکر خدا نکنند و صلوات بر من و آل من نفرستند آن صحبت وبال
و حسرتست بر ایشان روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلام
که فرمودند که دعای پنج کس مستجابست کسی که در راه مکه الله باشد
و کسی که بغزا رود و کسی که بیمار باشد و هم از آنحضرت روایتست که
فرمود که پدرم فرمود که چند کسند که دعای ایشان مردود نیست
یکی امام عادل دیگری مظلوم که خدای تعالی در جواب او میگوید که
داد ترا از ظالم میستانم و اگر چه بعد از مدتی باشد دیگر دعای فرزند
صالح جهة مادر و پدر و دعای پدر صالح جهة فرزند و مومنی که از برای
برادر مومن طلب حاجت کند خدای تعالی مستجاب میکند و نیز از آنحضرت

روایتست که فرمود که از دعای مظلوم پرهیز کنید که دعای او با آسمان
میرسد و روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلام که شخصی سوال
کرد که من دو آیه در کتاب الله می یابم که انچه از و می طلبم نمی یابم
آنحضرت فرمود که کدامست گفت ادعونی استجب لکم یعنی دعا کنید
که مستجاب کنم و حال آنکه من دعا میکنم و مستجاب نمیشود امام جعفر
علیه السلام فرمود که گمان تو اینست که حق سبحانه و تعالی خلاف
وعده کند آنکس گفت یا امام من سر این نمیدانم امام جعفر علیه السلام
فرمود که من ترا آگاه کنم از سر این و این آنست که دعا مشروطست
بآنکه اول تحمید و تمجید حق تعالی کنید و ذکر نعمتهای حق تعالی کرده شکر
بجای آورید پس صلوات فرستید بعد از آن یاد گناهان خود کرده
و اقرار بآن کرده استغفار کنید هر که چنین کند و دعا کند در چیزی که
صلاح باشد البته مستجاب گردد بعد از آن امام علیه السلام گفت
که آیه دیگر کدامست گفت و ما انفقتم من شی فهو یخلفه یعنی آنچه صدقه
میکنید خدای تعالی عوض میدهد و حال آنکه ما صدقه میکنیم و عوض نمی
یابیم حضرت گفت که گمان تو آنست که خدای تعالی خلاف وعده خود
میکند گفت نه حضرت فرمود پس چه خیال کرده گفت یا امام سر این

نیندانم فرمود که اگر مال از جهة حلال پیدا کنید و صدقه دهید
خدای تعالی عوض میدهد سلمان فارسی رحمة الله علیه از حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله روایت میکند که فرمود خدای
تعالی شرم میدارد از کسی که دستها بجانب او بردارد و اورا نا
امید گرداند **فصل دوم** در دعایی چند که بشب و روز تعلق
دارد از دعاهای مختار روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلام
که فرمود که هر که ده نوبت قبل از طلوع آفتاب و بعد از غروب او
بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت
وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر کفارت گناهان او
میشود در آن روز و هم آنحضرت فرموده است که نوح علیه السلام
در صبح و شام این دعا را میخواند اللهم انی اشهدک انه ما اصبح و
امسی بی من نعمة و عافیة فی دینی و دنیای فمنک لا شریک لک لک الحمد و لک
الشکر بها علی حتی ترضی و بعد الرضا و ازین جهة خدای تعالی او را
عبدا شکورا خوانده و روایتست از آنحضرت علیه السلام که چون
از نماز سنت صبح فارغ می‌شد دست بجانب آسمان بر میداشت
و میفرمود اصبحنا و اصبح الملک لله اللهم انا عبیدک و ابناء عبیدک اللهم

احفظنا

احفظنا من حیث نحتفظ و من حیث لا نحتفظ اللهم احرسنا من حیث
نحترس و من حیث لا نحترس اللهم استرنا بالغنی و العافیة اللهم
ارزقنا العافیة و ارزقنا الشکر علی العافیة و شخصی از امام جعفر علیه
السلام روایت میکند که فرمود که شیعه ما را پناه و دستی نیست
اگر در دریا باشد و اگر در صحراهای خالی یا در میان شیران و گرگان
و دزدان و دشمنان جن و انس و هر کس که هر صباح سه بار این دعا
بخواند که اصبحت اللهم معتصما بذمامک المنیع الذی لا یطاول و لا یحاول
من شر کل غاشم و طارق من سائر ما خلقت و ما خلقت من خلقک الصامت
و الناطق فی جنة من کل مخوف بلباس سابغة و لاء اهل بیت نبیک محمد
علیهم السلام محتجبا من کل قاصد لی الی اذیة بجدار حصین الاخلاص
فی الاعتراف بحقهم و التمسک بحبلهم موقنا بان الحق لهم و معهم و فیهم و بهم
اوالی من والوا و اجانب من جانبوا و احارب من حاربوا و صلی الله
علی محمد و آل محمد و اعذنی اللهم بهم من شر ما اتقیه یا عظیم یا عظیم حجزت
الاعادی عنی ببدیع السموات و الارض انا جعلنا من بین ایدیهم سدا
و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و لا حول و لا قوة الا
بالله العلی العظیم و در محل شام سه بار بخواند و بجای اصبحت امسیت

میدانم فرمود که اگر مال از جهة حلال پیدا کنید و صدقه دهید
خدای تعالی عوض میدهد سلمان فارسی رحمة الله علیه از حضرت
رسالت صلی الله علیه وآله روایت میکند که فرمود خدای
تعالی شرم میدارد از کسی که دستها بجانب او بردارد و او را نا
امید کرداند

فصل دوم

در دعایی چند که بشب و روز تعلق
دارد از دعاهای مختار روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلام
که فرمود که هر که ده نوبت قبل از طلوع آفتاب و بعد از غروب او
بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت
وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر کفارت گناهان او
میشود دران روز و هم آنحضرت فرموده است که نوح علیه السلام
در صبح و شام این دعا را میخواند اللهم انی اشهدک انه ما اصبح و
امسی بی من نعمة و عافیة فی دینی و دنیای فمنک لا شریک لک الحمد ولک
الشکر بها علی حتی ترضی وبعد الرضا و ازین جهة خدای تعالی او را
عبد الشکور را خوانده و روایتست از آنحضرت علیه السلام که چون
از نماز سنت صبح فارغ می شد دست بجانب آسمان برمیداشت
ومیفرمود اصبحنا واصبح الملک لله اللهم انا عبیدک وابناء عبیدک اللهم

احفظنا

احفظنا من حیث نحتفظ ومن حیث لا نحتفظ اللهم احرسنا من حیث
نحترس ومن حیث لا نحترس اللهم استرنا بالغنی والعافیة اللهم
ارزقنا العافیة وارزقنا الشکر علی العافیة و تحقیق از امام جعفر علیه
السلام روایت میکند که فرمود که شیعه ما را پناه و دوستی ماست
اگر در دریا باشد و اگر در صحراهای خالی یا در میان شیران و گرگان
درنده و دشمنان جن وانس و هر کس که هر صباح سه بار این دعا
بخواند که اصبحت اللهم معتصما بذمامک المنیع الذی لا یطاول ولا یحاول
من شر کل غاشم و طارق من سائر ما خلقت و ما خلقت من خلقک الصامت
والناطق فی جنة من کل مخوف بلباس سابغة و لاء اهل بیت نبیک محمد
علیهما السلام محتجبا من کل قاصد لی الی اذیة بجدار حصین الاخلاص
فی الاعتراف بحقهم والتمسک بحبلهم موقنا بان الحق لهم ومعهم وفیهم وبهم
اوالی من والوا واجانب من جانبوا واحارب من حاربوا وصلی الله
علی محمد وال محمد واعذنی اللهم بهم من شر ما اتقیه یا عظیم یا عظیم حجزت
الاعادی عنی ببدیع السموات والارض انا جعلنا من بین ایدیهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم و در محل شام سه بار بخواند و بجای اصبحت امسیت

بگوید در پناه خدا باشد روایتست از حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام که فرمود یکی از یاران که از خود و فاطمه علیها السلام حکا
حکایتی بگویم گفت بلی فرمود که جمیع کارهای خانه فاطمه علیها السلام
خود میکرد تا خانه جاروب کردن و آتش پختن این بحضرت
رسالت صلی الله علیه و آله معروض شد فرمود که ترا چیزی تعلیم
کنم که از خدمتکاری ثنگ نباشی در هر صبح سی و چهار بار الله اکبر و سی
و سه بار الحمد لله و سی و سه بار سبحان الله بگو پس حضرت فاطمه
علیه السلام سر سوی آسمان کرد و فرمود که راضی شدم از خدا
و رسول خدا روایتست از امام جعفر علیه السلام که فرمود که موسی
علیه السلام هرگاه که نماز میکذارد روی از قبله نمی گردانید تا
طرف روی راست بر خاک نمی مالید و حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرموده است که خدای تعالی وحی فرستاده بحضرت موسی
علیه السلام که آیا میدانی که چرا ترا از میان خلق برگزیدم و با تو
سخن گفتم موسی علیه السلام گفت نه حضرت خداوند تعالی فرمود در
میان بندگان بسیار طلب کردم از تو در عبادت خود خوارتر
ندیدم که هرگاه که نماز کردی روی خود بر خاک مذلت نهادی

وامام

علیه السلام

امام جعفر علیه السلام فرمود که بنده هرگاه که سجده کند و بگوید
یارب یارب یارب تا آن زمان که نفسش بگیرد حضرت خداوند
فرماید لبیک ای بنده چه حاجت داری روایتست از حضرت
امام جعفر علیه السلام که هر مسلمانی میباید که بعد از نماز سجده شکر
بکند که موجب تمامی نماز و رضای خدا و تعجب ملایکه است و فرمود
که بنده هرگاه که نماز کند و بعد از آن سجده شکر کند خدای تعالی میان
او و ملایکه رفع حجاب میکند و با ملائکه میگوید به بینید که بنده من ادای
فرض نمود و بعد از آن سجده شکر کرد و حضرت امام زین العابدین
علیه السلام در سجده این دعا میخواند که اللهم ان کنت قد عصیتک فانی
قد اطعتک فی احب الاشیاء و هو الایمان بک منا منک علی لا
علیک و ترکت معصیتک فی بعض الاشیاء الیک و هو ان ادعو لک
ولدا و ادعو لک شریکا منا منک علی لا منی منی علیک و عصیتک فی
اشیاء علی غیر وجه مکابرة و لا معاندة و لا استکبار عن عبادتک
و لا جحود لربوبیتک و لکن اتبعت هوای و استزلنی الشیطان بعد
الحجة و البرهان فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم و ان تغفر لی و ترحمنی
فبجودک یا ارحم الراحمین و حضرت امام جعفر علیه السلام با شخصی

گفت که هرگاه که ترا غمی برسد دست خود را بر موضع سجود خود بمال و
بعد از آن بطرف چپ روی بکش بجانب پیشانی و از جانب پیشانی
بطرف راست روی و سه نوبت بگو بسم الله الذی لا اله الا هو
عالم الغیب والشهاده هو الرحمن الرحیم اللهم اذهب عنی الغم والحزن
قول در دعای چند که تعلق بحال خواب و بیداری دارد در روایت
از حضرت امام جعفر علیه السلام که فرمود که هرکس که وضو سازد
و در جامه خواب در آید آن جامه خواب حکم مسجد دارد و همچنانست
هرگاه که داند که وضو دارد پس چون با وضو باشد در جامه خواب
همیشه در نماز و ذکر خدای تعالی است و هم از آنحضرت روایتست که فرمود
که چون چراغ نزد تو در آورند بخوان اللهم اجعل لنا نورا نمشی به فی الناس
ولا تحرمنا نورک یوم نلقاک واجعل لنا نورا الکف نور لا اله الا انت
هرگاه که چراغ را بنشانند این دعا بخواند که اللهم اخرجنا من الظلمات
الی النور و از حضرت امام جعفر علیه السلام روایتست که فرمود
که هرکه ترا در وقت خواب پریشانی رخ نماید قل اعوذها و آیه الکرسی
بخوان و هم از آنحضرت روایتست که فرمود که در وقت خواب قل هو الله
احد و قل یا ایها الکافرون بخوانید که قل یا ایها الکافرون بسبب دوری

شرکست و قل هو الله احد موجب قرب خدای تعالی است و نیز آنحضرت
فرموده که هرکس که در وقت خواب این دعا بخواند که الحمد لله الذی
علا فقهر والحمد لله الذی بطن فخبر والحمد لله الذی ملک فقدر والحمد لله الذی
یحیی الموتی ویمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر از گناه پاک میشود همچنانکه
از مادر بوجود آمده و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که هرکس که
در وقت خواب کردن سوره الهیکم بخواند از عذاب قبر محفوظ باشد
و هرکس که او را در شب جزعی روی نماید این دعا بخواند اعوذ
بکلمات الله من غضبه و من عقابه و من شر عباده و من همزات الشیاطین
وان یحضرون روایتست که هرکس که از فرزند ترسیده در وقت خواب
قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا آخر سوره بخواند روایتست از حضرت
امام جعفر علیه السلام که فرمود که هرگاه که از جنابت یعنی بوجه احتلام
ترسید چون در جامه خواب در آید این دعا بخواند که اللهم انی اعوذ
بک من الاحتلام و من سوء الاحلام و من ان یتلاعب بی الشیطان
فی الیقظه والمنام و هرکس که از بیداری ترسد در خواب این دعا بخواند
سبحان الله ذی الشان دائم السلطان عظیم البرهان کل یوم هو فی شان
بعد از ان بگوید یا مشبع البطون الجائعه یا کاسی الجسوم العاریه یا ساکن

العروق الضاربة یا مسوم العیون الساهرة سکن عروقی الضاربة
واعین لیعنی نوما عاجلا دعای دیکر جهة بیداری یکبار آیة الکرسی بخواند
دیکر اذ یغشیکم النعاس آمنة منه دیکر وجعلنا نومکم سباتا تا آخر آیه
وهرکس که از دزد وآمدن خانه بترسد در وقت خواب این آیه بخواند
ان الله یمسک السموات والارض تا آخر از امام محمد باقر علیه السلام
مرویست که فرمود که هرکس که این کلمات بخواند که اعوذ بکلمات
الله التامات التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ذرا ومن شر ما
برا ومن شر کل دابة الا هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم
از همه کزندها ایمن باشد واز ائمه علیه السلام مرویست که هرکاه
که در بنات النعش نکاه کنید ودر میان او سه ستاره خورد است
که عرب آن را سها کویند وببینید سه نوبت این دعا بخواند اللهم رب
صل علی محمد وال محمد وعجل فرجهم سلمنا من شر کل ذی شر از شر جمیع
کزندها ایمن باشد از امام جعفر علیه السلام روایتست که فرمود که هر
کس که آخر سورة الکهف بخواند قل انما انا بشر مثلکم یوحی تا آخر وقت
خواب کردن هرکاه که خواهد بیدار شود وحضرت رسالت صلی الله
علیه واله هرکاه که تکیه میکردند دست راست بسینه روی می نهاد

از طرف راست وچون از خواب برمیخزد این دعا بخواند الحمد
لله الذی احیانا بعد ما اماتنا والیه النشور الحمد لله الذی رد علی روحی لاعبده
واعبده وهرکاه که نظر در آسمان کنی این دعا بخوان که یا نور النور
یا مدبر الامور یا من یلی التدبیر ویمضی المقادیر امض مقادیری بی
بذا الی السلامة والعافیه بعد از ان پنج آیه از سورة آل عمران بخواند
از ان فی خلق السموات والارض واختلاف اللیل والنهار تا لا تخلف
المیعاد وامام جعفر صادق علیه السلام فرموده است که چون آواز
خروس شنوید این دعا بخوانید سبوح قدوس ربنا ورب الملک
والروح سبقت رحمتک غضبک لا اله الا انت سبحانک وبحمدک عملت
سوا وظلمت نفسی فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت وفرموده
پنج خصلت از خروس بیاموزید محافظت اوقات نماز وغیرت
کزینکذارد وخروس دیکر با مرغان او نزدیکی کند وسخاوت که دانه
را بمرغان رها میکند وجنک وشجاعت ومردی وفرمود که از کلاغ
سه خصلت فراکیرید پوشیده جماع کردن وصبح زود بطلب رزق
رفتن واز بد حذر کردن روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلام
که فرمود که انکس که پیاده بمسجد رود وبر هیچ تر وخشکی پای ننهد

که هفت طبقهٔ زمین جهت او تسبیح کنویند و در توریة نوشته است
که بشارة دهید جماعتی را که پیاده بمسجد روند بنوری تابان در
حشر و حضرت رسالت صلی الله علیه وآله فرموده است که خدای
تعالی فرموده که مراد در زمین خانهایست خوشا اگر خانه او مسجد باشد
و خوش حال بندهٔ که در خانهٔ خود وضو سازد و بعد ازان بخانهٔ
من در اید یعنی بمسجد آید پس چون بمسجد در اید پای راست پیش نهید
و بکوید بسم الله و بالله و من الله و الی الله و خیر الاسماء کلها لله توکلت
علی الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم صل علی محمد و آل محمد
وافتح لی باب رحمتک و توبتک واغلق عنی ابواب معصیتک واجعلنی
من زوارک وعمار مساجدک وممن یناجیک باللیل والنهار ومن
الذین هم فی صلوتهم خاشعون وادحر عنی الشیطان الرجیم وجنود
ابلیس اجمعین بعد ازان ایة الکرسی و قل اعوذها بخواند و هفت بار
سبحان الله و هفت بار الحمد لله و هفت بار الله اکبر و هفت بار
لا اله الا الله بکوید و در مسجد نشیند تا دو رکعت نماز تحیة المسجد بکزارد
و چون روی بقبله آورد و بکوید اللهم الیک توجهت و رضاک طلبت
و ثوابک ابتغیت و بک آمنت و علیک توکلت اللهم صلی علی محمد وال

محمد وافتح مسامع قلبی لذکرک و ثبتنی علی دینک ولا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی
وهب لی من لدنک رحمة انک انت الوهاب قول نزد شنیدن اذان
چون بکوید موذن الله اکبر تو هم بکو الله اکبر و چون بکوید اشهد ان لا
اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله پس تو نیز بکو و انا اشهد ان لا
اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله اکفی بها عن کل من ابی و جحد و
اعین بها من اقر و شهد و بتحقیق روایت کرده شده که چون موذن
بکوید اشهد ان محمدا رسول الله پس تو نیز بکو صلی الله علیه وآله الطیبین
الطاهرین اللهم اجعل علی برا و مودة آل محمد فی قلبی مستقرا وادر
علی الرزق درا چون موذن بکوید حی علی الصلوة حی علی الفلاح تو
نیز بکو لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم روایتست که هر که اذان را
بشنود و بکوید همچنانکه موذن میکوید حق سبحانه و تعالی رزق او
زیاده میکرداند قول نزد طلوع فجر چون صبح بر اید و تو نظر کنی بسوی
او پس بکوی در ان حال که روی بسوی آسمان کرده باشی اللهم
انت ربنا و ولینا و صاحبنا فصل علی محمد و آل محمد و تفضل علینا بما انت
اهله و انقذنا مما نحن اهله اللهم بنعمتک تتم الصالحات فصل علی محمد و آل
محمد و اتممها علینا بعد ازان بکوید یا خالقه من حیث لا اری و مخرجه من

حیث اری صلی الله علی محمد وال محمد واجعل اول یومنا هذا صلاحا
واوسطه فلاحا وآخره نجاحا بعد از ان بگوید الحمد لله فالق الاصباح
سبحان الله رب المساء والصباح اللهم صبح ال محمد برکة وعافیه وسرور
وقرة عین ورزق واسع اللهم انک تنزل فی اللیل والنهار ما تشاء
فانزل علی وعلی اهل بیتی من برکة السموات والارض رزقا واسعا
تغنینی به عن جمیع خلقک قول نزد اذان اللهم انی اسئلک باقبال
نهارک وادبار لیلک وحضور صلواتک واصوات دعاتک ان
تصلی علی محمد وال محمد وان تتوب علی انک انت التواب الرحیم
قول در میان اذان واقامت چون فارغ شوی از اذان پس
سجده کن وبگو لا اله الا انت ربی سجدت لک خاضعا خاشعا ذلیلا
وصل علی محمد وال محمد واغفر لی وارحمنی وتب علی انک انت التواب
الرحیم دعای دیگر اللهم اجعل قلبی بارا ورزقی دارا واجعل لی عند قبر
رسولک صلواتک واله مستقرا وقرارا فرمود پیغمبر صلی الله علیه
واله دو ساعتست که دران دو ساعت وقت اذانست برای نماز
ویکی وقت صف بستن است در غزا با کفار بعد از سجده چون فارغ
شوی از سجده پس بگو سبحان من لا یعید معامله سبحان من لا ینسی

من ذکره سبحان من لا یخیب سائله سبحان من لیس له حاجب
یغشی ولا بواب یرشی ولا ترجمان ینادی سبحان من اختار
لنفسه احسن الاسماء سبحان من فلق البحر لموسی سبحان من لا یزداد
علی کثرة العطاء الا کرما وجودا سبحان من هو هکذا لا هکذا غیره
فصل ۲ در فضیلت نماز روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که
فرمود که رسول صلی الله علیه وآله هیچ نمازی نیست که حاضر شود
وقت او مگر انکه ندا کند فرشته میان مردم که یا خلایق برخیزید
بسوی آتشهایی که برافروخته آید بر پشت خود پس فرونشانید
آنرا بنمازهای خود همچنانکه خدای تعالی فرموده است ان الحسنات
یذهبن السیئات روایتست از ابی یعفور که گفت مرا ابی عبد الله ۴
که چون بگذاری نماز را بگذار چون نماز آنکسی که نماز وداع میکند
بتوجه تمام میگذارد تو نیز نماز بتوجه تمام بگزار بعد از ان بگردان نظر
خود را بموضع سجود چنانکه تو ندانی که بچپ وراست تو کیست اگر
چنین کنی نماز خود را مستحسن میگردانی تحقیقا بنیکو بهیا ورفع میکنی
بدیهار او دیگر بدانکه تو پیش کسی واقع شده که او ترا می بیند و
تو او را نمی بینی روایتست هم ازو علیه السلام که فرمود نماز کننده

را سه خصلت چون برخیزد در نماز خود فرو ریزد خیر او از آسمان
دیگر ملکی گرد او بر می آیند از قدم تا آسمان دیگر فرشته ندا میکند
و میگوید که ای نمازکننده اگر تو بدانی که مناجات با که داری هرگز
التفات نکنی بغیر دیگر روایتست از امام جعفر علیه السلام که گفت کسی
که دو رکعت نماز بگذارد و بداند که چه میگوید دران دو رکعت نماز
بگذارد و بداند که چه میگوید دران دو رکعت نماز بعد ازان نباشد
میان او و میان حق جل و علا گناهی الا آنکه بیامرزد گناهان اورا
روایتست از امیر المؤمنین علی علیه السلام که فرمود که رسول
صلی الله علیه واله دو رکعت نماز سبک بتفکر بهترست از تمام قیام
روایتست از امام جعفر علیه السلام که گفت چون بندهٔ شروع
کند بنماز حق سبحانه و تعالی اقبال کند بسوی او بوجه کریم دیگر موکل
گرداند براو ملکی را و بردارد قرآن را ازو چون بندهٔ از نماز خود باز
گردد و دیگران بنده را تفویض میکند بفرشته و چون بندهٔ اقبال
کند بسوی نماز خود حق سبحانه و تعالی نیز اقبال میکند بسوی او
بوجه کریم تا آنکه مرتفع شود نماز او و کامل اگر سهو کند در نماز یا غایب
شود یا مشغول شود بغیر نماز برداشته شود ازو نماز یعنی ازو

نمازش آنمقدار که توجه بغیر نماز کرده است و هرگز داده نشود
بدل غافل چیزی از خیر روایتست از امام جعفر علیه السلام
که فضیلت وقت اول بر آخر همچون فضیلت آخرتست بر دنیا
قول در ذکر بعد از فجر روایتست از امام حسین بن علی علیه السلام
که فرمود که شنیدم از پدرم علی ابن ابی طالب علیه السلام که گفت
رسول صلی الله علیه واله فرمود که هر بندهٔ مسلمانی که بنشیند در نماز
گاه خود که نماز صبح گزارده و ذکر الله تعالی بگوید تا آنکه آفتاب طلوع
کند میباشد اورا اجر کسی که طواف کند بیت الله را و دیگر گناهان
او مغفور باشد و چون بنشیند دران نمازگاه تا آنکه بگذرد ساعتی
که حلال باشد در و نماز بعد ازان دو رکعت نماز بگذارد یا چهار
رکعت آمرزیده شود او را آنچه گذشته و دیگر باشد اورا از
اجر آنکس که طواف مکه کند روایتست از جابر و از ابی جعفر
علیه السلام که فرمود رسول صلی الله علیه و آله که حق جل و علا
میفرماید یا بنی آدم یاد کن مرا بعد از نماز صبح و بعد از عصر ساعتی
پس کفایت کنم من مهم ترا قول در آنچه که مخصوصست در عقب صلوة
فجر چون سلام دهی فریضه صبح را آنکه سه بار بگوی و دیگر بگو

لا اله الا الله محمد رسول الله الها واحدا ونحن له مسلمون لا اله
الا الله و لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین ولو کره الکافرون لا اله
الا الله ربنا ورب آبائنا الاولین لا اله الا الله وحده وحده وحده
انجز وعده ونصر عبده وغلب الاحزاب وحده فله الملک وله الحمد
یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم
اهدنی لما اختلف فیه من الحق باذنک انک تهدی من تشاء الی صراط
مستقیم بعد از ان بگو سه بار استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
ذو الجلال والاکرام واتوب الیه بعد از ان بگو اللهم اهدنی من
عندک وافض علی من فضلک وانزل علی من برکاتک سبحانک لا اله
الا انت اغفرلی ذنوبی کلها جمیعا فانه لا یغفر الذنوب الا انت بعد
از ان تسبیح کن تسبیح زهرا علیها السلام واین سی و چهار تکبیر است
و سی و سه تحمید است و سی و سه تسبیح است ابتدا بتکبیر است بعد
از ان تحمید بعد از ان تسبیح روایتست از امام جعفر علیه السلام
که تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در عقب هر نمازی دوستر
است من از هزار رکعت نماز در هر روز و دیگر فرمودند که کسی که تسبیح کند
الله تعالی را در عقب نماز فریضه تسبیح فاطمه را صد بار و تابع گرداند

با و لا اله الا الله را آمرزیده گردد گناههای او و سزاوارانست
که آماده شود برای تسبیح فاطمه تسبیح تربت امام حسین علیه السلام
بتحقیق روایت کرده شده از امام جعفر علیه السلام که فرمود که هر کس
که بگرداند آن تسبیح که از تربت امام حسین است علیه السلام یکبار
با استغفار یا بغیر آن نوشته شود او را هفتاد بار و سجود بر ان
بدرد هفت حجاب را و دعایی دیگر و آن دعاییست که روایت آنرا
ابن عمار از ابی عبد الله علیه السلام کرده و دعا اینست که بسم الله
الرحمن الرحیم وصلی الله علی محمد واهل بیته الطاهرین الاخیار الا
تقیاء الابرار الذین اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا وافوض
امری الی الله وما توفیقی الا بالله علیه توکلت ومن یتوکل علی الله
فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا ما شاء الله ما کان
حسبنا الله ونعم الوکیل واعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم
ومن همزات الشیاطین واعوذ بک رب ان یحضرون ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم الحمد لله رب العالمین کثیرا کما هو اهله ومستحقه وکما
ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله علی ادبار اللیل واقبال النهار الحمد لله الذی
اذهب عنا باللیل مظلما بقدرته وجاء بالنهار مبصرا برحمته خلقا جدیدا و

في عافية وسلامة وستره كفاية وجميل صنعه مرحبا بخلق الله
الجديد واليوم العتيد والملك الشهيد مرحبا بكما من ملكين كريمين حيا
كما الله من كاتبين حافظين اشهدا كما فاشهدا لي واكتبا شهادتي هكذا حتى
القى بها ربي اني اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان
محمدا عبده ورسوله ارسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين
كله ولو كره المشركون وان الدين كما شرع والاسلام كما وصف
والقول كما حدث وان الله هو الحق والرسول حق والقرآن حق
والموت حق ومسائلة منكر ونكير في القبر حق والبعث حق والصراط
حق والميزان حق والجنة حق والنار حق والساعة آتية لا ريب فيها
وان الله باعث من في القبور فصل على محمد وال محمد واكتب اللهم
شهادتي عندك مع شهادة اولي العلم بك يا رب ومن ابى ان يشهد لك
بهذه الشهادة وزعم ان لك ندا او لك ولدا او لك صاحبة او لك
شريكا او معك خالقا او رازقا فانا بريء منه لا اله الا انت تعاليت
عما يقول الظالمون علوا كبيرا واكتب اللهم شهادتي مكان شهادتهم
واحيني على ذلك وامتني عليه وابعثني عليه وادخلني برحمتك في عبادك
الصالحين اللهم صلى على محمد وال محمد وصبحني منك صباحا صالحا مباركا

ميمونا

ميمونا لا خازيا ولا فاضحا اللهم صل على محمد وال محمد واجعل اول يومي
هذا صلاحا واوسطه فلاحا وآخره نجاحا واعوذ بك من يوم اوله
فزع واوسطه جزع وآخره وجع اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني
خير يومي هذا وخير ما فيه وخير ما قبله وخير ما بعده واعوذ بك من شر
ما فيه وشر ما قبله وشر ما بعده اللهم صل على محمد وال محمد وافتح لي باب
كل خير فتحته على احد من اهل الخير ولا تغلقه عني ابدا واغلق باب كل شر
فتحته على احد من اهل الشر ولا تفتحه علي ابدا اللهم صل على محمد وآل محمد
واجعلني مع محمد وال محمد في كل موطن ومشهد ومقام ومحل ومرتحل
وفي كل شدة ورخاء وفي كل عافية وبلاء اللهم صل على محمد وآله واغفر لي
مغفرة تغفر ما جرما لا ابقيا لي ذنبا ولا خطيئة ولا اثم اللهم اني استغفرك
من كل ذنب تبت اليك منه ثم عدت فيه واستغفرك لما اردت
به وجهك فخالطه ما ليس لك فصل على محمد وآله واغفر لي يا رب ولوالدي
وما ولدا وما ولدت وما توالد وامن المؤمنين والمؤمنات
الاحياء منهم والاموات ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل
في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤف رحيم الحمد لله قضى عني صلوة
كانت على المؤمنين كتابا موقوتا ولم يجعلني من الغافلين بعد ان

سه بار یا چهار بار در عقب نماز صبح پیش از آنکه سخن گوید بگوید
الحمد لله ومنتهی الرضا وزنة العرش بعد از آن بگوید اللهم انی اسئلک
بسئلة العبد الذلیل ان تصلی علی محمد وال محمد وان تغفر لنا ذنوبنا
وتقضی لنا حوائجنا فی الدنیا والاخرة فی یسر منک وعافیة مرویست که
چون از تعقیب فجر فارغ شوی پس بخوان قل هو الله احد صد بار
دیگر بگو استغفر الله واتوب الیه صد بار دیگر بگو لا اله الا الله الملک
الحق المبین صد بار دیگر بگو سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر صد بار دیگر بگو ما شاء الله کان لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم صد بار دیگر بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم صد بار دیگر اسئل الله العافیه صد بار استجیر بالله من النار
صد بار اسئل الله الجنة صد بار اسئل الله الحور العین صد بار اللهم
قد رضیت بقضائک وسلمت لامرک اللهم اقض لی بالحسنی واکفنی
ما اهمنی صد بار اللهم وسع علی رزقی وامدد لی فی عمری واغفر لی ذنوبی
واجعلنی ممن ینتصر به لدینک اگر صد بار میسر نشود ده بار بخواند بعد از آن
بگو پانزده بار لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا وصدقا لا اله
الا الله محمد رسول الله عبودیة ورقا دیگر سبحان الله العظیم وبحمده

استغفر الله واسئله من فضله فرمود رسول صلی الله علیه واله وسلم
مهاجرات را بر شما باد تسبیح وتهلیل وتقدیس غافل مشوید از حق
تا مستحق نسیان ورحمت نشوید بشمارید بانگشتها بتحقیق که انگشتان
سؤال کرده خواهند شد وبنطق خواهند درآمد روایت است
از امام جعفر علیه السلام که فرمود که کسی که گذارد صلوة فجر را ودیگر
مکث کند تا آنکه آفتاب بر آید این بهتر است از آنکه تردد کند در باب رزق
یک ماه در بیرون آمدن از مسجد هر گاه که خواهی که بیرون آیی از
مسجد بگو اللهم دعوتنی فاجبت دعوتک وصلیت مکتوبتک وانتشرت
فی ارضک کما امرتنی فاسئلک من فضلک العمل بطاعتک واجتناب
معصیتک والکفاف من الرزق برحمتک قول در بازگشتن از نماز
گاه چون برخیزی از نماز صبح ویا از هر نماز بگو سبحان ربک رب العزة
عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین بتحقیق
روایت کرده شده از امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود که هر کس
که خواهد خیر را دریابد بکیل عظیم در آخر هر قول بگوید سبحان ربک رب
العزة تا آخر مقدم دار پای چپ را در وقت بیرون آمدن از مسجد
اللهم صل علی محمد وال محمد وافتح لنا باب فضلک ورحمتک یا ارحم الراحمین

وجهد کن که سخن نگنی پیش از طلوع شمس دیگر مشغول باش بد عالی
دیگر بقرات قرآن وتحقیق روایتست از نبی صلی الله علیه و آله که فرمود
که کسی که بنشیند در نمازگاه خود از نماز فجر تا برآمدن آفتاب حق
سبحانه و تعالی او را از آتش دوزخ نگاه دارد در روایتست
از امیر المؤمنین علی علیه السلام که میفرمود که بخدا که ذکر حق بعد از
نماز صبح تا طلوع آفتاب سریع ترست در طلب رزق از تردد بسیمه
در روی زمین روایت کرد جابر از ابی جعفر علیه السلام که فرمود
که لشکر ابلیس شب نمی خوابند مگر از حین غروب آفتاب تا وقت
غروب شفق و لشکر روز از وقت طلوع صبح تا وقت برآمدن
آفتاب هیچ دعا و عبادتی نیست که مستجاب نشود و درین
دو وقت دیگر مذکور شد که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که زیاده
کنید ذکر حق را درین دو ساعت بدرستی که درین دو ساعت
وقت غفلت جنود ابلیس است دیگر فرمود امام جعفر علیه السلام
که خواب صبح شومست رد میکند رزق را و زرد و قبیح میکند روی را
و تغیر میدهد لون را و خواب صبح هر شومیست پس تحقیق
که تقسیم رزقها از طلوع صبح تا وقت برآمدن آفتابست البته بپرهیز

ازان

ازان خواب فرمود امام ابی جعفر علیه السلام که خواب در اول
روز بدست خواب در وقت چاشت غنیمت خواب بعد از عصر حماقت
خواب میان شام و خفتن حرام میکند رزق را دیگر گفت امام
رضا علیه السلام درین قول خدای عز و جل که فالمقسمات امرا ملکان
یقسم می کنند رزقهای بنی آدم را از وقت طلوع فجر تا وقت برآمدن
آفتاب هر کس که خواب درین وقت کند محرومست از رزق روایتست
از معمر بن خلاد که حضرت ابو الحسن رضا علیه السلام در وقتی که
در خراسان داشت چون نماز صبح میگذارد می نشست در نماز
گاهش تا وقت برآمدن آفتاب بعد ازان مسواک میکردند بعد ازان
می آوردند کندر را و میخاویدند بعد ازان تلاوت قرآن مشغول
میشدند **فصل سیوم** در بیان ذکر و صلوات بر نبی علیه الصلوة
الله دیگر در بیان استغفار و گریه و تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر
روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که التفات کرد رسول صلوات
الله علیه و آله بسوی اصحابش گفت پناهی میخواهید اصحاب گفتند
یا رسول الله این پناه از دشمنست فرمودند لیکن این پناه از آتشست
بگویید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر که آثار و شافع

این کلمات روز قیامت از چپ و راست و از پس و پیش
بر شما خواهد پوست اینها اند خیرات باقیه روایتست از ابی بصیر
از ابی عبد الله علیه السلام که فرمود که رسول صلی الله علیه و اله با صحاب
خود روزی گفت آیا اگر جمع کنید انچه پیش شماست از جامه و آلات
بعد از ان بنهید بعضی بر بعضی دیگر آیا می پسندید که با سمان می رسد
اصحاب گفتند که نه یا رسول الله آنحضرت فرمود آیا شما را دلالت
کنم بر چیزی که اصل او بر زمینست و فرع او در آسمان اصحاب گفتند
بلی یا رسول الله فرمود آنحضرت بگوئید یکی از شما چون فارغ شود
از نماز فرض سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر سی
بار تحقیقا اصل اینها در زمین است و فرع اینها در آسمان و اینها
که دفع میکنند از افتادن و سوختن و از غرق شدن و از افتادن
در چاه و از خوردن جانوران درنده و از بلاهای که نازل میشود
از آسمان بر بنده در آن روز روایتست از ابی عبد الله از پدر
خود از آبا عظام خود علیهم السلام که گفت که رسول صلی الله علیه
واله فرمود که چهار چیز است که هر کس را که می باشد آن چهار چیز در انکس
حق سبحانه و تعالی انکس را از اهل جنت میکرداند یکی آنست

که عصمت او شهادت ان لا اله الا الله باشد دوم انکس
که هرگاه که حق سبحانه و تعالی نعمتی باو کرامت فرماید او در مقابله
نعمت الحمد لله بگوید سیوم انکس که چون گناهی کند در عقب
استغفر الله بگوید چهارم کسی که چون باو مصیبتی برسد بگوید انا
لله و انا الیه راجعون روایتست از ابی عبد الله علیه السلام از آبا
خود و از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود بیامدند فقرا بسوی رسول الله
و گفتند یا رسول الله هست اغنیا را بندها که آزاد میکنند ما را نیست
دیگر ایشان را استطاعت حج هست و ما را نیست دیگر ایشان را
مال و نعمت هست که تصدق میکنند در راه حق ما را نیست بعد از ان
حضرت فرمود که هرگاه که کسی صد بار تکبیر کند یعنی الله اکبر بگوید این
افضلست از آزاد کردن بنده و کسی که صد بار سبحان الله بگوید
این افضلست از صد قربان کردن دیگر کسی که صد بار الحمد لله بگوید
افضلست از اسب دادن در راه خدا با زین و لجام دیگر هرگاه که کسی
صد بار بگوید لا اله الا الله افضلست از روی عمل در ان روز مگر انکه
کسی زیاده کند فقرا گفتند یا رسول الله بتحقیق که رسیدند اغنیا
باینچیز که تو گفتی فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله این فضل حقست میدهد

هر کس را که میخواهد دیگر فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که سبحان الله
والحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر گفتن دوستتر است بمن از ان
چیزهای که آفتاب بآن تابنده است روایت است
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت رسول صلی الله علیه و آله
حمد میکرد الله تعالی را در هر روزی سیصد و شصت بار بعدد رگ
های جسد و میگفت الحمد لله کثیرا علی کل حال و در حدیث دیگر
چون شب میشد میگفت مثل این و فرمود پیغمبر صلی الله علیه
و آله که اول کسی که خوانده میشود بسوی جنت آنکسانند که حمد میکنند
الله تعالی را در حال مسرت و مضرت پرسیدند که بوستان
جنت کجاست آنحضرت فرمود که ریاض بهشت مجلس های ذکر است
دریابید مجلس ذکر را پس صباح کنید و شبانگاه کنید
در ذکر الله تعالی فرمود امام جعفر علیه السلام که شکر هر نعمت
هر چند بزرگ باشد آنست که تو حمد کنی خدا را و فرمود انعام نکند خدای
تعالی بر هیچ بندهٔ مومن هر چند بزرگ باشد حمد خدا گوید بر آن
نعمت روزی بگریخت استر ابی جعفر علیه السلام میان مکه و مدینه
گفت ابی جعفر علیه السلام اگر الله تعالی استرم رد کند بمن او را

شکر عظیم گویم بعد از آنکه بگرفت آن استر را الحمد لله رب العالمین
سه بار پس گفت شکر الله سه بار باز روایت است از ابی حمزه
از پیغمبر صلی الله علیه و آله که خبر دهم ترا بحمدی که کفایت کند ترا از
جمیع حمد من گفتم بلی یا رسول الله فرمود بگو اللهم لک الحمد بمحامدک
کلها علی جمیع نعمک کلها حتی ینتهی الحمد الی ما یحب ربنا و یرضی روایت
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت هر کس که بگوید چهار بار در وقت
صبح الحمد لله رب العالمین بتحقیق که ادا شکر آن روز کرد اگر کسی در اول شب
الحمد لله بگوید بتحقیق که ادا کرد شکر شب روایت از زید شحام
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت هر کس که الحمد کما هو اهله بگوید
مشغول میکنند کاتبان آسمان را من گفتم چون مشغول میشوند کاتبان
آسمان گفت که میگویند اللهم انا لا نعلم الغیب یعنی پروردگارا ما غیب
نمیدانیم پس گفت الله سبحانه و تعالی بنویسند حمد او را همچنانکه گفت
بندهٔ من و بر منست ثواب او روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هرگاه که کسی بگوید الحمد
لله بمحامده کلها ما علمنا و ما لم نعلم علی کل حال حمداً یوافی نعمه و یکافی
مزیده علیّ و علی جمیع خلقه میفرماید الله تبارک و تعالی رسیدند

من برضای من هم بر پایانم بندهٔ خود را برضای وی روایتست
که بیامد شخصی بخدمت ابی عبد الله علیه السلام گفت فدای تو باد
پدر و مادرم بدرستی که من مردی پیرم تعلیم کن مرا دعایی جامع فرمود
ابی عبد الله علیه السلام که بگو حمد خدا را تحقیقا تو چون حمد او بگویی حق سبحانه
و تعالی نیز حمد ترا قبول فرماید روایتست از علی علیه السلام که فرمود
رسول صلی الله علیه و آله در بنی سیصد و شصت رگست صد و هشتاد
ساکنست اگر خیانکه متحرک شوند هلاک شوند فرمود که پیغمبر صلی الله
علیه و آله هر روز چون بامداد میشد سیصد و شصت نوبت میفرمود
الحمد لله رب العالمین کثیرا طیبا علی کل حال **قول در تمجید** روایتست
از زراره که من گفتم با ابی جعفر علیه السلام که کدام عمل از عملها
دوستر ست بخدا فرمود تمجید روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
که فرمود بدرستی که الله تعالی تمجید میکند نفس خود را یعنی حمد خود
میگوید در هر شبانروزی سه بار هر کس که تمجید الله سبحانه و تعالی
بالخیر کند و تمجید نفس خود میکند بمجد یعنی حمد گو دمی گوید بعد از ان
آنکس از حال سعادت بشقاوت میگردد روایتست از پیغمبر صلی الله علیه
و آله که فرمود دعایی را که پیش از تمجید نیست گفتم آدمی ان چه اجر نیست

از تمجید چه چیز است بگو اللهم انت الاول فلیس فوقک شی وانت البا
فلیس دونک شی وانت العزیز الحکیم **قول در باب تسبیح** روایتست از
یونس ابن یعقوب گفت که من گفتم با ابی عبد الله علیه السلام که کسی
که صد بار سبحان الله بگوید آیا باشد از آنکسانی که ذکر الله سبحانه
و تعالی بسیار میکویند ابی عبد الله علیه السلام فرمود بلی روایتست
از ابی جعفر علیه السلام که فرمود که کسی که سبحان الله بلی تعجب
بگوید حق سبحانه و تعالی مرغی از ان می آفریند که آن مرغ را جناحی
باشد و زبانی و تسبیح کند الله تعالی را از برای او و در چنین تا روز
قیامت و ثواب از آنکس باشد والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر
نیز مثل اینست روایتست از امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود که تسبیح
نیمه میکند میزان را و حمد پر میکند آنرا والله اکبر پر میکند میان زمین و آسمانرا
و هم آنحضرت فرموده که هر کس که بگوید در حین شبانگاه فسبحان
الله حین تمسون و حین تصبحون وله الحمد فی السموات والارض وعشیا و
حین تظهرون فوت نشود از و چیزی که دران شب باشد و بگردد
از و جمیع شر و هر گاه که کسی بگوید مثل این در بامداد فوت نشود از و چیزی
که دران روز پیدا شود و بگردد از و جمیع شر **قول در تهلیل** روایتست از

ابن عباس رضی الله عنه از پیغمبر صلی الله علیه و آله که نیست کلمهٔ دوستر
بسوی عز و جل از کلمهٔ لا اله الا الله نیست هیچ بنده که بگوید لا اله الا الله
و آواز خود بکشد مگر آنکه فرو ریزد گناهای او در زیر قدمهاش
همچنانکه فرو میریزد برگهای درخت روایتست از سکونی که امام جعفر
صادق علیه السلام از آبای خود گفت که فرمود رسول صلی الله
علیه و آله که بهترین عبادت گفتن کلمهٔ لا اله الا الله است از کتاب عیون
الاخبار روایتست از امام رضا علیه السلام که گفت فرمود رسول
صلی الله علیه و آله بدرستی که حق ستونی آفریده است از یاقوت
سرخ سر او در تحت عرشست پایین او در پشت ماهی که در زمین هفتم است
چون بنده بگوید لا اله الا الله بلرزد عرش دیگر بحرکت آید
آن ستون و ماهی پس بگوید الله سبحانه و تعالی ای عرش ساکن
شو بگوید من ساکن نمیشوم تا آنکه بیامرزی گوینده این کلمه را
پس الله سبحانه و تعالی بگوید گواه باشید ای ملائکهٔ سموات سبعه که
که آمرزیدم گوینده این کلمه را روایتست از حضرت رسالت صلی
الله علیه و آله که فرمود که تلقین مردگان خود را در وقت مردن بعد
از ان در قبر کلمهٔ لا اله الا الله بگوید که گناهان او را نیست کرداند جامعی

گفتند یا رسول الله اگر حال صحت گفته شود گناهان او آمرزیده شود
فرمود لا اله الا الله سبب رستگاری مؤمنست در حال حیوة و
در حال مردن و در روزی که از گور بر میخیزد و هم فرموده است
که هر کس که کلمهٔ لا اله الا الله آنست که این شخص از همه خرابهای دنیا
و نیز آنحضرت صلی الله علیه و آله فرموده است که از من و انبیا
که پیش از من بوده اند کلمهٔ بهتر از لا اله الا الله صادر نشده قول
ذکر تکبیر روایتست از حضرت امام زین العابدین علیه السلام
که فرموده که هر کس که از اول شب صد بار کلمهٔ لا اله الا الله بگوید
همچنانست که صد بنده آزاد کرده است و روایتست از حضرت
امام علیه السلام که فرمود که هر که لا حول و لا قوة الا بالله
نود و نه بار بگوید خدای تعالی نود و نه بلا از و بگرداند و روایتست
از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله که هر کس که صباح از خانه بیرون
رود و بگوید بسم الله لا حول و لا قوة الا بالله توکلت علی الله دو
ملک ندا میکنند که مهمات تو جمیع ساخته و ایمن شدی از هر بدی و
راه راست یافتی درین حالت شیطان گوید من چه توانم کرد با بندهٔ
که مهمات او کفایت شد و از هر شری ایمن شد و راه راست یافت

روایت از امام جعفر علیه السلام که هر که ده بار یا الله یا الله
بگوید خداوند تعالی او را جواب دهد و گوید لبیک لبیک چه حاجت داری
و هر که ده بار بگوید یارب یارب خدا او را جواب دهد و گوید چه حاجت
داری و هر کس که هفتاد بار بگوید ماشاء الله لا حول ولا قوة الا بالله
خدای تعالی هفتاد بلا ازو بگرداند و هم آنحضرت فرموده که کسی که روزی
سی بار لا اله الا الله الملک الحق المبین بگوید غنا باو رو آرد و فقر ازو
رو بگرداند و در بهشت بروی او گشاده شود و روایتست از حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله که فرمود که خانه که در و ذکر میکنند مثل کسیست
که زنده باشد و خانه که در و ذکر نمیکنند مثل شخصیست که مرده باشد
و هم آنحضرت فرموده است که هیچ جماعت بذکر خدا مشغول نمیشوند
که ملائکه گرد ایشان فرو نمیگیرند و خدای تعالی پردهٔ رحمت می پوشاند
و سکون و آرام در میان ایشان نمیفرستد و در میانهٔ ملائکه او را
یاد نمیکند شخصی از آنحضرت صلی الله علیه و آله سؤال کرد که از سخنها بکدام
مشغول شود فرمود باید دائم بذکر خدای تعالی مشغول باشی قول
صلوات بر نبی و آل او علیهما السلام روایتست از حضرت امام
جعفر علیه السلام که فرمود که هر گاه که نام حضرت رسالت صلوات

الله علیه و آله بشنوی بر وصلوات بفرست هر کس که یکبار بر حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله صلوات فرستد خدای تعالی بر وهزار
رحمت کند و هزار صف از ملائکه جهة او طلب آمرزش نمایند از
حضرت خداوند تعالی و جمیع مخلوقات بر و صلوات فرستند پس
تقصیر مکنید در صلوات بر آنحضرت و آل او صلوات الله علیهم مگر جاهل
مغروری و خدای تعالی ازو بیزارست و روایتست از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که من در روز قیامت پیش میزان
خواهم بود هر که صلوات بر نبی و آل او فرستاده باشد و گناهان
او زیاده باشد بر حسنات صلواتی که بر من فرستاده باشد
بر پلهٔ نیکوئی مینهم تا آن زمان که نیکوئیها بر بدی زیاده شود و روایتست
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود که هیچ دعائی بی صلوات
بر نبی و آل او علیهم السلام باسمان نمی رسد و حضرت امام جعفر علیه
السلام فرموده که هر که بر حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله یکبار
صلوات فرستد خدای تعالی صد حسنه در نامهٔ اعمال او مینویسد هر که
بگوید صلی الله علی محمد و اهل بیته هزار حسنه جهة او مینویسند و روایتست
از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله که فرمود که نزدیکترین مردم

در روز قیامت با کسی است که بر من صلوات بسیار فرستاده
باشد و فرمود که بخیل کسی است که نام من بشنود و بر من و آل من صلوات
نفرستد و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله فرمود که هرگاه که صلوات فرستید آواز بلند کنید
که آن نفاق را ببرد و قول در استغفار و گریه کردن روایت از
حضرت امام جعفر علیه السلام که فرمود که حضرت رسالت صلی
الله علیه و آله فرموده که هر که در محل خواب صد بار استغفر الله بگوید
همچنانکه برگ از درختان فرو میریزد گناهان او فرو ریزد و پاک
از گناه خواب کند و صبح پاک برخیزد و شخصی از آنحضرت یعنی امام محمد
تقی علیه السلام التماس کرد که مرا چیزی تعلیم کن که با آن قیام نمایم
در دنیا و آخرت با شما باشم آنحضرت فرمود که [illegible] بسیار بگو
و استغفر الله بسیار بگو و آنحضرت علیه السلام فرمود که حضرت
رسالت صلوات الله علیه و آله فرمودند که خوش حال آنکس که
در روز قیامت در نامهٔ اعمال خود پایین هر گناهی استغفر الله یابد
و هم حضرت امام علیه السلام فرموده است که هر کس که استغفر الله
بسیار بگوید نامهٔ اعمال او در روز حشر درخشان باشد روایت

از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه که شنید که شخصی
استغفر الله میگفت فرمود که میدانی که معنی استغفر الله چیست بدانکه
مرتبهٔ معتبر است و در استغفار شش چیز میباید اول پشیمانی از آنچه
گذشته است دوم عزم کردن که به گناه باز نگردد سوم
ادا کردن حقوق مردم چهارم تلافی آنچه از عبادات فوت شده
باشد پنجم گداختن بدنی که از لقمهای حرام فربه شده باشد بمرتبهٔ که پوست
و استخوان بماند ششم آنکه جسم را الم و تلخی طاعت بچشانی همچنانکه شیرینی
معصیت چشانیده بعد از آن استغفر الله بگویی روایت است از حضرت
امام جعفر علیه السلام که هر کس که بعد از نماز فرض پیش از آنکه روی
از قبله بگرداند استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذا الجلال
والاکرام و اتوب الیه سه بار بگوید خدای تعالی گناهان او را بیامرزد
و اگرچه برابر کف دریا باشد و روایت از امیر المؤمنین علیه السلام
که فرمود چشم اشکبار و دل ترسان از خدا نشانهٔ رحمت از خدای
تعالی هرگاه که شما را این دو صفت حاصل شود دعا کنید و فرمود که
اگر در میان جماعتی یک شخص را دیده گریان باشد خدای تعالی
بجهت او بر همه رحمت کند و فرمود که اگر شما را گریه نیاید خود را بصورت

مردم گریان برابر دیده روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلام
که فرمود که هیچ چیز نیست که بوزن وکیل در نیاید مگر آب چشم که خدای
تعالی از آتش دوزخ نگاه میدارد چشم پر آب و چون از دیده فرو ریزد
قطرهٔ آب روی بدی نه بیند در دنیا و آخرت که قطرهٔ از آب چشم دریای
آتش فرو می نشاند روایتست از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
که پیش پدرش امام زین العابدین علیه السلام فرمود آنحضرت
را بعبادت در مرتبهٔ یافت که هیچکس بآن مرتبه نرسیده و رنگ مبارکش
از بیخوابی زرد گشته و کنارهای چشمش از گریه مجروح شده و پیشانی
مبارکش از کثرت سجده همچون پینه شتر شده و پا و قدمهای
آنحضرت از بسیاری ایستادن جهة نماز آماس کرده امام محمد باقر
علیه السلام که پیش پدرش میفرماید که چون آنحضرت را بآن حال
دیدم خود را از گریه نتوانستم نگاه داشتن که رحم آمد مرا بر حال آنحضرت
علیه السلام بسیار گریستم و آنحضرت در من نگاه میکرد و متفکر بود
در حال من بعد از لحظهٔ روی مبارک بمن کرد و فرمود ای فرزند بعضی
از آن کتابها که احوال عبادتهای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
در آنجاست بیاور حضرت امام محمد باقر علیه السلام میفرماید که

کتاب از جهة آنحضرت بیاوردم در آنجا ساعتی نگاه کرد و از آنجا
دعایی بخواند بعد از آن کتاب را بنهاد و غمناک گشته فرمود چه کس
میتواند که مثل امیرالمؤمنین علیه السلام عبادت کند و حضرت امام
زین العابدین علیه السلام هرگاه که وضو میساخت رنگ مبارکش
متغیر میشد پرسید که سبب این تغیر چیست فرمود میدانید که بخدمت
که قیام خواهم نمود و روایتست از امام موسی علیه السلام از ترس
خدای تعالی چندان میگریست که محاسن مبارکش پر آب میشد و قول
در نماز استخاره حضرت امام جعفر علیه السلام میفرماید که هرگاه قصد
کاری کنید با هیچکس مشورت نکنید تا با خدای تعالی مشورت کنید بعضی
گفت یا امام چگونه با پروردگار خود مشورت کنیم فرمود که صد بار بگو
استخیر الله بعد از آن با مردم مشورت کن که خدای تعالی خیر ترا بر
زبان مردم جاری میگرداند و هم آنحضرت فرمود که هرگاه که قصد کاری
کنید شش پاره کاغذ بردارید و در سه پاره کاغذ بنویسید بسم الله
الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم و نام خود و پدر و مادر خود آنجا
بنویسید و بعد از آن کلمهٔ افعل بنویسید و در سه دیگر همین بنویسید
و بجای افعل لا تفعل بنویسید بعد از آن در زیر جای نماز بنهید و

دو رکعت نماز بگزارید و چون از نماز فارغ شوید سجده کنید و در آن
سجده صد بار بگوید استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة بعد ازان راست
بنشیند و بگوید اللهم یسر لی فی جمیع اموری فی یسر منک و عافیة
بعد ازان دست بران کاغذها زنید و بهم براورید و یکی ازان بیرون
کشید و بعد ازان یکی دیگر و همچنین اگر سه کاغذ پی در پی افعل بیرون
آید آن کار بکنید و اگر سه کاغذ پی در پی لا تفعل براید ترک کنید
و اگر یکی افعل و یکی لا تفعل بیرون آید آن کار بکنید و اگر پنج تا لا
تفعل باشد تا پنج پاره بیرون کشید اگر پنجم افعل باشد آن کار
بکنید و اگر پنجم لا تفعل باشد ترک کنید و ششم را حاجت بیرون آوردن
نیست قول در تفال بکلام می باید که نماز جعفر طیار بگذارد و چون فارغ
شود دعای آنحضرت بخواند پس مصحف را بگیرد و پس نیت کند فرج
آل محمد را اولا و آخرا پس بگوید که اللهم ان کان فی قضائک و قدرک
ان تفرج عن ولیک و حجتک فی خلقک فی عامنا هذا و شهرنا هذا فاخرج
لنا راس آیة من کتابک فنستدل بها علی ذلک بعد ازان مصحف بگشاید
و هفت ورق بشمارد و بنگرد که در سطر یازدهم چه حال مینماید بعد ازان
یکبار دیگر جهة حاجت خود بگشاید و بهمین طریق ورق بشمارد و حال

خود بداند و روایتست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود
که هر که بیرون رود از خانه و نگین انگشترین را از پشت دست بکف
دست بگرداند و سورهٔ انا انزلناه بخواند بعد ازان بگوید آمنت بالله
وحده لا شریک له آمنت بسر آل محمد و علانیتهم در آن روز باو مکروهی
نرسد روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلام که فرمود که چون
یکی از شما حاجتی میشود میطلبد طبیب را و چیزی باو می بخشد و چون
بپادشاه کاری می افتد دربان او عطایی میدهد پس اگر کسی را
مهمی پیش آید توجه بحضرت عزت کند و وضو بسازد و چیزی کم باید
بصدقه دهد پس بمسجد رود و دو رکعت نماز بگذارد و خدا را حمد و ثنا
گوید و صلوات بر نبی و اهل بیت او علیهم السلام فرستد پس بگوید
که اللهم ان عافیتنی مما اخاف من کذا و کذا پس بدهد خدام او را در
نماز دیگر وقتی که نصف شب در آید غسل کن و دو رکعت نماز بگذار در
رکعت اول فاتحة الکتاب و سورهٔ اخلاص پانصد بار بخواند و در
رکعت دوم الحمد مثل آن بخوان از اخلاص و چون از قرائت
رکعت دوم فارغ شوی آخر سورهٔ حشر و شش آیه از اول سورهٔ
حدید بخوان و بعد ازان بگو در حالت که ایستاده باشی ایاک نعبد

و ایاک نستعین یکبار نوبت پس رکوع و سجود کن و تشهد بخوان
و ثنای خدای تعالی بگو پس اگر قضای حاجت تو نشود در باره دوم
خواهد شد و الا در نوبت سوم نماز دیگر ابی عبدالله علیه السلام
گفت که چون ترا حاجتی و مهمی بخدای تعالی شود سه روز متوالی چهار
شنبه و پنجشنبه و جمعه روزه گیرد و در روز جمعه غسل کند و جامه نو پوشد
و بر خانه بلندتر از خانه خود بیرون رود و دو رکعت نماز در و بگذارد
و دو دستها بسوی آسمان بردارد و بگوید که اللهم انی حللت بساحتک
لمعرفتی بوحدانیتک و صمدیتک و انه لا قادر علی حاجتی غیرک فقد علمت
یا رب انه کلما تظاهرت نعمک علی اشتدت فاقتی الیک و قد طرقنی
هم کذا و انت بکشفه عالم غیر معلم واسع غیر متکلف فاسئلک باسمک الذی
وضعته علی الجبال فنسفت و علی السماء فانشقت و علی النجوم فانتشرت و
علی الارض فسطحت و اسئلک بحق الذی جعلته عند محمد و عترته ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تقضی حاجاتی و ان تیسر لی عسیرها و تکفینی مهمها
فان فعلت فلک الحمد و ان لم تفعل فلک الحمد غیر جایر فی حکمک و لا متهم
فی قضائک و لا خایف فی عدلک و روی خود را بر زمین بنه و بگو اللهم
ان یونس ابن عبدک فی بطن الحوت فاستجبت له و انا عبدک فاستجب

لی ابو عبدالله علیه السلام فرمود که هرگاه که مرا حاجتی میشود این
دعا میخوانم و رجوع میکنم حاجت روا میشود نماز دیگر منقولست از امام
رضا علیه السلام که گفت چون ترا امر سختی رسد دو رکعت نماز بگزار
در رکعت اول فاتحه الکتاب و آیة الکرسی و در دوم فاتحه و انا انزلناه
پس مصحف بردار و بر بالای سر خود بر و بگو اللهم بحق من ارسلته الی
خلقک و حق کل آیة فیه و بحق کل من مدحته فیه علیک و بحقک علیک و لا
نعرف احدا اعرف بحقک منک یا سیدی یا الله ده نوبت تا برسی بامام
حق که امام زمانست هنوز از جای خود برنخاسته باشی که حاجت
تو روا شود نماز دیگر مقاتل ابن مقاتل گفت که گفتم بامام رضا علیه السلام
که جانم فدای تو باد تعلیم کن دعایی جهت قضاء حاجتها پس گفت وقتی
که ترا بخدای تعالی حاجت و مهمی باشد غسل کن و پاکترین جامهای خود را
بپوش و از بوی خوش بوی کن و بیک السماء ظاهرا دو رکعت نماز
بگذار و بخوان فاتحه الکتاب و قل هو الله احد را پانزده بار پس رکوع
کن و پانزده بار بخوان بر مثال نماز تسبیح لیکن در این نماز قرائت
پانزده نوبتست پس سجده کن و در سجده بگو اللهم ان کل معبود من لدن
عرشک الی قرار ارضک فهو باطل سواک فانک انت الله الحق المبین

اقض حاجتی کذا وکذا الساعة الساعة والحاح کن در مراد خود چون حاجت
روا شود بگذار شکر روایت میکند هارون ابن خارجه از ابی عبدالله
علیه السلام که او گفت در نماز شکر که وقتی که خدای تعالی ترا نعمتی
دهد دو رکعت نماز بگزار و در رکعت اول فاتحة الکتاب و قل هو الله
احد بخوان و در رکعت دوم فاتحة و قل یا ایها الکافرون و در رکوع
و سجود بگو الحمد لله شکرا شکرا و حمدا و در رکوع و سجود در رکعت دوم
بگوی الحمد لله الذی استجاب دعایی و اعطانی مسئلتی از کتاب
روضة الواعظین منقولست قال الصادق علیه السلام العافیة نعمة
خفیة اذا وجدت نسیت فاذا فقدت ذکرت والعافیة نعمة یعجز عنها الشکر
یعنی عافیت نعمتی است خفی وقتی که عافیت یافت شود فراموش کرده
میشود و وقتی که عافیت نباشد یاد کرده می آید و عافیت نعمتیست
که شکر از وی عاجزست قال زین العابدین علیه السلام من
قال الحمد لله فقد ادی شکر کل نعمة لله عز وجل یعنی هر که الحمد لله گوید
پس ادا کرده باشد شکر جمیع نعمتهای خدای عز وجل هر گاه که در نفس
خود احساس فترتی کنی پس در آن وقت ترک مکن نماز عفو را
وآن دو رکعتست در هر رکعتی الحمد لله و انا انزلناه یکبار و بعد از قرائت

پانزده بار بگو رب عفوک پس رکوع کن و آنرا ده بار
بگوی و نماز را تمام کن مثل نماز جعفر علیه السلام نماز دیگر منقولست از
امام جعفر علیه السلام که هر مؤمن تمر علیه اربعون صباحا الا احدث
نفسه فلیصل رکعتین و یستعید بالله من ذلک یعنی نیست هیچ مومن
که بر وی چهل صباح بگذرد الا آنکه با نفس خود سخن گوید پس باید
که دو رکعت نماز بگزارد و بخدای تعالی پناه طلبد مرویست از امام جعفر
علیه السلام شکی آدم الی الله عز وجل حدیث النفس فنزل علیه جبرئیل
فقال قال لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم دیگر منقولست از
امام محمد باقر علیه السلام که مردی آمد پیش نبی علیه الصلوة والسلام
و شکایت کرد از وسوسه و از حدیث نفس و از دین و از عیال
پس رسول صلی الله علیه وآله او را گفت بگو توکلت علی الحی الذی
لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم
یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا پس آن مرد چند بار تکرار کرد دیری
نشد که باز آمد پیش نبی صلی الله علیه وآله و گفت یا رسول خدای
تعالی برد از من وسوسه و ادا کرد دین مرا و مرا غنی گردانید نماز استغفار
و طلب رزق یعنی طلب آمرزش و طلب رزق منقولست از نبی صلی

پانزده

علیه و آله که گفت وقتی که در معاش خود تنگی یابید ترک مکنید نماز استغفار
را و آن دو رکعت است در هر رکعتی الحمد و انا انزلناه یک نوبت پس قرائت
پانزده بار بگو استغفر الله پس رکوع کن و بگوی استغفر الله ده نوبت
برمیایات نماز جعفر علیه السلام که کار تو بصلاح می آید انشاء الله تعالی
دیگر منقولست از امام جعفر علیه السلام که گفت دو رکعت نماز بگذارد و
سلام بده و سجده کن و حمد و ثنای خدای تعالی بگوی و صلوات
بر محمد و آل محمد بفرست و بگوی یا محمد یا علی یا جبرئیل اکفیانی مما انا فیه
فانکما کافیانی احفظانی باذن الله فانکما حافظان صد نوبت و هر که
بر قدح سی و پنج نوبت سوره انا انزلناه بخواند و بر جامه خود افشاند
همیشه در وسعت باشد تا آنکه که جامه کهنه شود و دیگر منقولست از امام رضا
علیه السلام که گفت بگذارد دو رکعت نماز در هر رکعتی الحمد یکبار و انا
انزلناه سیزده بار چون فارغ شود سجده کند و بگوید اللهم یا فارج
الهم یا کاشف الضر و مجیب دعوة المضطرین رحمن الدنیا و رحیم الآخرة
صل علی محمد و آل محمد و ارحمنی رحمة تغنینی بها عن غضبک و سخطک و تغنینی
بها عن رحمة من سواک پس خد راست خود بر زمین نهد و بگوید یا مذل
کل جبار عنید و معز کل ذلیل قد و حقک بلغ المجهود منی فی امر کذا فرج عنی

پس خد چپ بر زمین نهد و بگوید مثل این باز عود بسجده کند و بگوید
مثل این حق سبحانه و تعالی او را از غم برهاند و حاجتش روا کند و دیگر
منقولست از امیر المؤمنین علیه السلام که گفت دو رکعت نماز بگذارد
و در رکعت اول الحمد و قل هو الله احد یکبار پس تشهد بخواند و سلام
بدهد و بدعای فرج دعا کند و بگوید اللهم یا من لا تراه العیون و لا تخالطه
الظنون یا من لا یصفه الواصفون یا من لا یغیره الدهور یا من لا تخشی
الدوائر یا من لا یذوق الموت یا من لا یخشی الفوت یا من لا یضره
الذنوب و لا ینقصه المغفرة یا من یعلم مثاقیل الجبال و کیل البحور و عدد
الامطار و ورق الاشجار و دبیب الذر و لا یواری منه سماء و لا ارض
ارضا و لا بحر ما فی قعره و لا جبل ما فی وعره و یعلم خائنة الاعین و ما تخفی
الصدور و ما اظلم علیه اللیل و اشرق عنه النهار اسئلک باسمک
المکنون الذی فی علم الغیب عندک استخلصته لنفسک و اشتققت
منه اسمک فانک انت الله لا اله الا انت وحدک لا شریک لک
الذی اذا دعیت به اجبت و اذا سئلت به اعطیت و اسئلک بحق
انبیائک المرسلین و بحق حملة عرشک و بحق ملائکتک المقربین و بحق جبرئیل
و میکائیل و اسرافیل و بحق محمد و آل محمد و ان تجعل خیر عمری آخره و خیر

اعمالی خواتیمها واسئلک مغفرتک ورضوانک یا ارحم الراحمین دیگر
نماز بتول علیها السلام دو رکعت نماز بگذارد پس سجود کند صد بار
بگوید یا فاطمه و خد راست بر زمین نهد مثل این گوید و خد چپ بر زمین
نهد و مثل این بگوید پس سجده کند و در سجده صد و ده نوبت بگوید یا فاطمه
پس بگوید یا آمنا من کل شئ وکل شئ منک خائف حذر اسئلک یا آمنا
من کل شئ وخوف کل شئ منک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تعطینی
امانا لنفسی واهلی ومالی وولدی حتی لا اخاف احدا ولا احذر من شئ
ابدا انک علی کل شئ قدیر دیگر نماز مظلوم دو رکعت نماز بگذارد و بخواند
از قرآن آنچه خواهی وصلوات بر محمد وآل بفرست آن قدر که بتوانی
پس بگو اللهم ان لک یوما تنتقم فیه للمظلوم من الظالم لکن هلعی وجزعی
لا یبلغان بی الصبر علی اناتک وحلمک وقد علمت ان فلانا ظلمنی واعتدی
علی بقوته علی ضعفی فاسئلک یا رب العزة وقاصم الجبابرة وناصر المظلومین
ان تریه قدرتک اقسمت علیک یا رب العزة الساعة الساعة
دیگر محمد بن الحسن الصفار مرفوعا گفت که گفتم امام را علیه السلام که
فلانکس ظالم منست گفت اسباغ وضو کن و دو رکعت نماز بگذار
وخدا را ثنا کن وصلوات بر محمد وآل محمد بفرست و بگو که اللهم ان

فلانا ظلمنی وبغی علی فابتله بفقر لا تجبره وبسوء لا تستره پس گفت که چون چنین
کردم رسید او را یعنی بلا روشن در حدیث آمده است ما من
مؤمن ظلم فتوضی وصلی رکعتین ثم قال اللهم انی مظلوم فانتصر وسکت
الا عجل الله تعالی له النصر یعنی هیچ مومنی نیست که مظلوم شده باشد
پس وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد پس گوید اللهم انی مظلوم
فانتصر و خاموش شود مگر آنکه خدای تعالی او را بتعجیل نصرت دهد
دیگر مرویست که علی ابن الحسین را علیه السلام چون امری پیش آمدی
پاکترین جامهای خود را پوشیدی و اسباغ وضو کردی و بر بالای
بام خود رفتی و بعد از آن چهار رکعت نماز بگزاردی در رکعت اول
الحمد و اذا زلزلت و در رکعت دوم الحمد و اذا جاء نصر الله و در سیوم
الحمد و قل یا ایها الکافرون و در چهارم الحمد و قل هو الله
احد بعد از آن دستها بر آسمان برداشتی و بگفتی اللهم انی اسئلک
باسمائک التی اذا دعیت بها علی ابواب السماء للفتح انفتحت و اذا دعیت
علی مضایق الارضین للفرج انفرجت واسئلک باسمائک التی اذا دعیت
بها علی ابواب العسر للیسر تیسرت واسئلک باسمائک اذا دعیت بها
علی القبور للنشور انتشرت صلی الله علی محمد وال محمد واقلبنی بقضاء حاجتی

حضرت علی ابن الحسین علیهما السلام فرموده و الله که قدم برندارد
باشد که قضای حاجت او شود دیگر مرویست از صادق علیه السلام
که گفت دو رکعت نماز بگذار بهر کیفیت که باشد پس این دعا بخواند
اللهم بثت رجاک فی قلبی و اقطع رجاک من سواک عنی حتی لا ارجو
الا ایاک و لا اثق الا بک دیگر منقولست از امیر المؤمنین علیه السلام
که گفت که وقتی که فرزند خواهی وضو تمام بساز و دو رکعت نماز
بر وجه احسن بگذار و بعد از نماز سجده کن و هفتاد و یکبار بگو استغفر الله
بعد از ان با زن جمع شو و بگو اللهم انی اسئلک ان ترزقنی ولدا الا تمیه
باسم نبیک علیه السلام بتحقیق الله تعالی فرزندی دهد پس فرمود
که امر کردم ترا بطهارت زیرا که خدای فرموده است ان الله یحب
المتطهرین یعنی خدای دوست میدارد طهارت کنندگان را و امر
کردم بنماز زیرا که شنیدم که رسول صلی الله علیه و آله فرموده اقرب
مایکون العبد من ربه اذا راه راکعا و ساجدا یعنی نزدیک تر بودن
بنده بخدای وقتیست که او را راکع و ساجد بیند و امر کردم ترا باستغفار
کردن زیرا که خدای تعالی فرموده است استغفروا ربکم انه کان غفارا
یرسل السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین یعنی طلب امرزش

کنید از خدای که او بغایت آمرزنده است میفرستد ابر کثیر المطر و
عطا میکند شما را از زینت دنیا از مال و فرزند و جای دیگر خطاب
فرمود با نبی صلی الله علیه و آله ان تستغفر لهم سبعین مرة فلن یغفر الله
لهم یعنی اگر استغفار کنی برای منافقان هفتاد بار هرگز ایشانرا خدای
نیامرزد پس امر کردم ترا که هفتاد و یکبار بگویی دیگر نمازی که پدر
از برای فرزند گذارد چهار رکعتست در رکعت اول الحمد یکبار و
ده بار ربنا و اجعلنا مسلمین لک من ذریتنا امة مسلمة لک و ارنا
مناسکنا و تب علینا انک انت التواب الرحیم و در رکعت دوم الحمد
و ده بار یا رب اجعلنی مقیم الصلوة و من ذریتی ربنا و تقبل دعا
ربنا اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب و در رکعت
سیوم الحمد یکبار و ده بار ربنا هب لنا من ازواجنا تا آخر آیه
و در رکعت چهارم الحمد یکبار و ده بار رب اوزعنی ان اشکر
نعمتک التی انعمت علی و علی والدی و ان اعمل صالحا ترضیه و اصلح
لی فی ذریتی انی تبت الیک و انی من المسلمین چون سلام دهد ده
بار بخواند ربنا هب لنا تا آخر دیگر نماز فرزندان از جهت والدین
دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول فاتحة الکتاب و ده بار رب

اغفرلی ولوالدی وللمؤمنین یوم یقوم الحساب و در رکعت دوم
فاتحة الکتاب و ده بار رب اغفرلی ولوالدی ولمن دخل بیتی مومنا
وللمؤمنین والمؤمنات و بعد از سلام ده بار بگوید رب ارحمهما تا
آخر آیه دیگر نماز جهة ادای قرض چهار رکعت بگذارد و در رکعت اول
الحمد یکبار و معوذتین ده بار قل هو الله احد ده بار و در رکعت دوم
الحمد یکبار و آیة الکرسی ده بار و قل یا ایها الکافرون ده بار و آمن
الرسول ده بار چون سلام دهد تسبیح کند چنانچه مسبت است
وان تسبیح اینست سبحان الله الابد سبحان الله الواحد الاحد
سبحان الله الفرد الصمد سبحان الله رفع السموات بغیر عمد المتفرد بلا
صاحبة ولا ولد و در رکعت سیوم الحمد یکبار و الهکم سه بار
والعصر سه بار و انا اعطیناک سه بار و در رکعت چهارم الحمد
یکبار و انا انزلناه سه بار و اذا زلزلت سه بار چون سلام
دهد سجده کند و در سجده تسبیح کند چنانچه گفته والله اعلم بالصواب
از برای ختم قرآن مرویست از امیر المؤمنین علی علیه السلام
که فرمود که امر کرد مرا حبیب من رسول صلی الله علیه و آله که نزد
ختم قرآن این دعا بخوان اللهم انی اسئلک اجابت المخبتین واخلاص

الموقنین

الموقنین و مرافقة الابرار و استحقاق حقایق الایمان والغنیمة من
کل بر والسلامة من کل اثم و وجوب رحمتک و عزائم مغفرتک و
الفوز بالجنة والنجاة من النار در نوادر ادعیه از ابی
بر گرفتن مصحف ابو عبدالله علیه السلام چون قصد قرآن خواندن
کردی پیش از آنکه مصحف بردارد این دعا خواندی که اللهم انی
اشهد ان هذا کتابک المنزل من عندک علی رسولک محمد بن عبدالله
وکلامک الناطق علی لسان نبیک جعلته هادیا منک الی خلقک
وحبلا متصلا فیما بینک و بین عبادک اللهم انی نشرت عهدک و کتابک
اللهم فاجعل نظری فیه عبادة و قرائتی فیه فکرا و فکری فیه اعتبارا واجعلنی
ممن اتعظ ببیان مواعظک فیه واجتنب معاصیک ولا تطبع عند قرائتی
علی قلبی ولا علی سمعی ولا تجعل علی بصری غشاوة ولا تجعل قرائتی قراءة
لا تدبر فیها بل اجعلنی اتدبر آیاته و احکامه آخذا بشرایع دینک ولا
تجعل نظری فیه غفلة ولا قرائتی هذرا انک انت الرؤف الرحیم دعا
بعد قرائت اللهم انی قد قرات ما قضیت من کتابک الذی انزلت
علی نبیک الصادق صلی الله علیه و آله فلک الحمد ربنا اللهم اجعلنی ممن یحل
حلاله و یحرم حرامه و یؤمن بمحکمه و متشابهه واجعله انسا فی قبری و

فی حشری واجعلنی ممن تحرّ فیه بکل آیة قراها درجة فی اعلی علیین آمین
برب العالمین دیگر هرگاه که قرائت عزائم قران خوانده شود سامع
را و قاری را سجده واجبست در سجدهٔ تلاوت تکبیر نیست و دعا اینست
لا اله الا الله حقا لا اله الا الله ایمانا و تصدیقا لا اله الا الله عبودیة
و رقا لا مستنکفا و لا مستکبرا انا عبد ذلیل خایف مستجیر بعد ازان
سر بر دارد و تکبیر بگوید خواص قرائت قرآن من قرأ مائة آیة من
ای آیة القرآن شاء ثم قال سبع مرات یا الله فلو دعا علی الصخر قلعها
یعنی هر که صد آیه از قرآن از هر آیه که خواهد بخواند بعد ازان هفت بار
یا الله گوید اگر بر سنگهای بزرگ خواند قلع کند منقولست از معاذ جبل
که گفت مرا روزی رسول صلی الله علیه و آله نزد عبد الله ابن سلام
فرستاد پس حاضر شد و نزد رسول صلی الله علیه و آله و سلم جمعی
از اصحاب بودند پس رسول صلی الله علیه و آله فرمود که یا عبد الله
خبر ده مرا از ده کلمه که خدای عز و جل تعلیم ابرهیم کرد روزی که اورا
در آتش انداختند آیا در توریة این کلمات را یافتی عبد الله
گفت که پدر و مادرم فدای تو باد در باب آن کلمات آیا چیزی بر
تو نازل شده که من در توریة ثواب آن کلمات یافته ام و آن

کلمات

کلمات را نیافتم وان ده دعاست که دران اسم اعظم است
بعد ازان رسول صلی الله علیه و آله فرمود که آیا این کلمات را خدا
بموسی تعلیم کرده است عبد الله گفت که غیر ابرهیم خلیل را تعلیم نکرده است
بعد ازان نبی صلی الله علیه و آله فرمود که چه یافتی ثواب این کلمات
در توریة عبد الله گفت یا رسول الله کرا استطاعت آنست که
بثواب این کلمات برسد لیکن در توریة نوشته یافتم که هیچ بنده
نیست که خدای تعالی برو منت کرده و این کلمات در قلب او نهاده
باشد انکه نور را در بصر و یقین را در قلب او نهاده باشد و سینه او
برای ایمان گشاده باشد و از برای او نوری از مجلس او تا عرش
تابان کرده اند و مباهات کند با او ملائکه روزی دو بار و حکمت
بزبان او جاری گرداند و حفظ کلام را روزی او گرداند اگرچه
او بران حریص نباشد و اورا بعلم دین عالم سازد و محبت او
در دل بندگان خود جا دهد و ایمن گرداند اورا از عذاب قبر و فتنه
دجال و بزرگترین فزع روز قیامت و اورا با شهدا حشر کند و عطا کند
اورا آنچه عطا کرده است انبیا را و نترسد گاهی که مردم بترسند
و محزون نشود گاهی که مردم محزون شوند و اورا از صدیقان

نویسند چون او را خبر کنند دل او مطمئن شده باشد و از جملهٔ
کسانی باشد که با ابراهیم علیه السلام حله پوشیده باشد و هر چه
دعوات از خدا خواهد عطا دهد و هر سوگند که بخدا خورده است رد
سپارند و همسایهٔ خدای تعالی در خانهٔ جلال بود و او را اجر
دهند که از روز آفریدن دنیا شهید شده پس نبی علیه الصلوات
والسلام گفت یا ابن سلام خانهٔ جلال کدام است گفت جنات
عدن که موضع عرش رحمانست ابن سلام گفت یا رسول الله
ما را تعلیم کن و بر ما منت نه چنانکه خدا بر تو منت نهاد پس نبی صلی
الله علیه و آله گفت که خدای را سجده کنید پس همه سجده کردند
چون سر از سجده برداشتند نبی صلی الله علیه و آله فرمود بگویید
یا الله یا الله یا الله انت المرغوب منک جمیع خلقک یا نور النور
انت الذی احتجبت دون خلقک فلا یدرک نورک نورٌ یا الله یا الله
انت الرفیع الذی ارتفعت فوق عرشک من فوق سمائک فلا یصف
عظمتک احد من خلقک یا نور النور قد استنار بنورک اهل سمائک
واستضاء بضوئک اهل ارضک یا الله یا الله یا الله انت الله الذی
لا اله غیرک تعالیت عن ان یکون لک شریک وتعظمت عن ان یکون

لک ولد وتکرمت عن ان یکون لک شبیه وتجبرت عن ان یکون
لک ضد فانت الله المحمود بکل لسان وانت المعبود فی کل مکان
وانت المذکور فی کل اوان وزمان یا نور النور کل نور خامد لنورک
یا ملیک کل ملیک یفنی غیرک یا دائم کل حی یموت غیرک یا الله یا الله
یا الله الرحمن الرحیم ارحمنی رحمةً تطفی بها غضبک وتکف بها عذابک
وترزقنی بها سعادة من عندک وتحلّنی بها دارک التی تسکنها خیرتک
من خلقک یا ارحم الراحمین یا من اظهر الجمیل وستر القبیح یا من لا
یؤاخذ بالجریرة ولم یهتک الستر یا عظیم العفو یا حسن التجاوز یا واسع
المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة یا صاحب کل نجوی ویا منتهی کل شکوی
یا کریم الصفح یا عظیم المن یا مبتدی النعم قبل استحقاقها یا ربّاه ویا سیداه
ویا املاه ویا غایة رغبتاه اسئلک یا الله یا الله یا الله ان لا تشوی
خلقی فی النار. عبد الله سلام گفت یا رسول الله بگفت چیست ثواب
کسی که این کلمات را گوید گفت هیهات هیهات اگر ملک هفت آسمان
و هفت زمین گرد شوند که وصف این کلمات کنند تا روز قیامت
نتوانند که از هزار جزو او را یک جزو وصف کنند و رسول صلی الله علیه
و آله فرمود که این کلمات را ثواب و فضیلت بسیار است که [illegible]

آن درین کتاب نمیکنجد ترین قدر اختصار کردیم از خوف تطویل
دیگر هر که خواهد که از خانه خود بیرون رود در وقت بیرون آمدن
کوید بسم الله و بالله ولا حول ولا قوة الا بالله توکلت علی الله
والحمد و قل اعوذها و قل هو الله احد و اية الكرسی بخواند از پس
و پیش و چپ و راست او فرشته درآیند و چون بخانه باز آید
بکوید بسم الله و بالله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد
ان محمد عبده و رسوله پس سلام دهد بر اهل خانه اکر باشند اهلی
و اکر در خانه کسی نباشد بجای سلام کوید السلام علی محمد خاتم
النبیین و آله الهادین المهدیین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین
و چون در بازار رود بکوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله دیکر دعای حضرت امیر المؤمنین
جهة طلب حاجت لا اله الا الله وحده لا شریک له الحلیم الکریم لا اله
الا الله وحده لا شریک له العلی العظیم الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات
یا هو یا من هو هو یا من لیس هو الا هو یا من هو الا هو نقلست
از ابی عبد الله علیه السلام که کفت چون پدرم را حاجتی بودی سجده
کردی بی قرائت و رکوع پس کفتی هفت نوبت یا ارحم الراحمین

پس حاجتک رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود یا علی هر گاه
که از منزل خود بیرون آیی بقصد حاجتی اية الكرسی بخوان که حاجت
تو بر آید انشاء الله منقولست از امام جعفر صادق علیه السلام که
کفت هر که در پی حاجتی رود بی وضو اکر حاجت او روا نشود ملامت
نکند الا نفس خود را از کتاب عیون الاخبار منقولست از امام رضا
علیه التحیة و الثنا که او روایت کرد از آبای خود از امیر المؤمنین علیه
السلام که کفت چون کسی را حاجتی بود صباح روز پنجشنبه
در طلب او رود و چون از خانه بیرون رود آخر سوره آل عمران
و اية الكرسی و انا انزلناه و فاتحة الکتاب بخواند که حوایج دنیا و آخرت
او روا شود و نیز منقولست از امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود
که هرگاه که کسی زانوها و ساعدهای خود را برهنه کند و بر زمین نهد
و پشت پای را بر زمین نهد پس دعا کند دیکر کفت امیر المؤمنین
علیه السلام پسر خود را که هرگاه که نازل شود بتو امر عظیمی در دین
یا در دنیا وضو بساز و دستها بر دار و بکو یا الله یا الله هفت
بار که مستجاب شود دیکر از ابو الحسن اول علیه السلام منقولست
که کفت هیچکس نیست که او را غمی و کربی رسد پس سپر خود را

بآسمان بردارد و سه بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم مگر آنکه
غم و کربت او زایل شود منقولست از حسین بن خالد که گفت مرا
در بغداد سیصد هزار درهم دین شد و مرا چهار صد هزار دیگر دین
بود و قرضخواهان مجال نمیدادند قادر نبودم که نزد امیر المؤمنین
علیه السلام روم و احوال خود عرض کنم پس کتابتی نوشتم
و دران وصف حال خود کردم که مرا قرض چند است و مالی نیست
پس جواب نوشت که بگو در پس هر نمازی اللهم انی اسئلک
یا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت ان ترحمنی بلا اله الا انت اللهم
انی اسئلک یا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت ان تغفر لی بلا اله
الا انت سه نوبت اعاده کن بعد از هر نماز فریضه که حاجت تو
قضا شود ان شاء الله تعالی راوی گوید که برین مداومت کردم و
که چهار ماه نگذشت که دین من قضا شد و صد هزار درهم دیگر فاضل
آمد منقولست از رسول صلی الله علیه و آله وقتی که بترسی از کسی و
خواهی که دفع شر او کنی طلب هلال کن چون هلال را ببینی پس در
باشد در حال که اعتماد بر قدمها کنی و بر وجه خطاب بهلال بگو
ایود احدکم ان یکون لک جنة من نخیل و اعناب تجری من تحتها الانهار

له فیها من کل الثمرات واصابه الکبر وله ذریة ضعفاء فاصابها اعصار
فیه نار فاحترقت پس ایما و اشارت بکله فاحترقت بجانب خانه
آنکس کرد از و میترسی و او ایذاء تو میکند و سه نوبت بگوی فاحترقت
اللهم طمه بالبلاء طما و غمه بالغماء غما وارمه بحجارة من سجیل وطیرک الابابیل
یا علی یا عظیم پس در شب دوم و سیوم ماه مثل این بگوی و چون
در ماه اول مراد حاصل شود در ماه دوم و سیوم مثل این عمل کن
البته در ماه چهارم احتیاج این عمل نخواهد شد باذن الله دیگر مردی
نزد امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از ظالمی که برو ظلم
کرده بودند فرمود که بگو یا ناصر المظلوم البغی علیه ان کان ابن فلان
ظلمنی و بغی علی فابتله بفقر لا تجبره و بلاء لا تستره و هر کس که سه نوبت
بر ظالم خود این دعا کند در پیشانی او علامت بلا ظاهر شود و بعد از ان
بفقر مبتلا شود دیگر چون نزد سلطان روی بگوی خیرک خیرک و دیگر
هرگاه که نزد سلطان روی بگوی خیرک بین عینیک و شرک تحت
قدمیک و انا استعین بالله علیک منقولست از حضرت امام رضا علیه
السلام که هرگاه کسی دعا کند بر دشمن خود پس بگوید اللهم اطرقه
ببلیة لا اخت لها وابح حریمه یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء اصل

علی محمد وآل محمد واکفنی مؤونته بلا مؤونة منقولست که چون از کسی بترسی
بگوی حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم امتنع
بحول الله وقوته من حولهم وقوتهم وامتنع برب الفلق من شر ما خلق
ما شاء الله لا قوة الا بالله منقولست از حضرت امام رضا علیه السلام
که کسی نزد ابو عبد الله شکایت کرد از فقر فرمود که بانگ نماز بگوی
چنانچه موذن گوید وقتی که آواز اذان بشنوی از امام جعفر علیه
السلام مرویست که بگو ان کان رزقی فی السماء فانزله وان کان
فی الارض فاظهره وان کان بعیدا فقربه وان کان قریبا فاعطنیه
وان کان قد اعطیته فبارک لی فیه وجنبنی علیه المعاصی والردا
منقولست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت چون در سفر و صحرا
باشی واز جن وآدمی بترسی دست راست را بر سر نه و
باواز بلند بخوان افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی الارض
طوعا وکرها والیه ترجعون مرویست در خاصیت این آیه چون چهار
پایی بد لجام بود در گوش او این آیه بخوان وبگوی اللهم سخرها وبا
فیها بحق محمد وال محمد وسوره انا انزلناه بخوان امیر المؤمنین علی علیه
السلام فرمود که هرگز چهار پای من بسر در نیامد پرسیدند که سبب

چی

چیست فرمود زیرا که هرگز در زراعت زاندم منقولست از ابی عبد الله
علیه السلام که چون از شیر بترسد که مضرت باو وگوسفندان او رساند
پس دایره بر ایشان بکشد واین دعا بخواند اللهم رب دانیال
والجب رب کل اسد مستاسد احفظنی واحفظ علی غنمی منقولست از
نبی صلی الله علیه وآله که گفت یا علی هرگه که شیر ببینی وکار بر تو دشوار
شود پس باز تکبیر بگوی وبگوی الله اکبر واجل واعز واعظم من کل شیء
واکبر واعز من خلقه واقدر اعوذ بالله من شر ما اخاف واحذر شر شیر
کفایت شود کسی که از سگ یا از سبعی دیگر بترسد بگوید قل للذین آمنوا
یغفروا للذین تا آخر آیه واذا قرأت القرآن جعلنا تا آخر آیه وجعلنا علی
قلوبهم اکنة تا آخر آیه منقولست که نبی صلی الله علیه وآله فال خوب را خوب
میداشت وفال بد را مکروه وامر میفرمود که کسی که چیزی ببیند و شوم
دارد بگوید اللهم لا یأتی الخیر الا انت ولا یدفع السیئات الا انت
ولا حول ولا قوة الا بک دیگر منقولست از امام جعفر علیه السلام
که پیش منصور رفت واو را غضب سخت بود واین دعا بخواند غضب او
ساکن شد یا عدتی عند کل شدتی ویا غوثی عند کل کربتی احرسنی بعینک
التی لا تنام واکنفنی برکنک الذی لا یرام دعا بخواند بر قفل و بندها

وحلقها قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تا آخر آیه از دزد ایمن
شود و منقولست از امام جعفر علیه السلام که گفت چون کسی را غضب
آید و ایستاده باشد بنشیند غضب او زایل شود و هر که غضب
کند بر خویش دست بر او بمالد غضب او ساکن شود و هم ازو منقولست
که در وقت غضب این دعا بخواند اللهم اذهب عنی غیض قلبی واغفر لی
ذنبی واجرنی من مضلات الفتن اسئلک رضاک واعوذ بک من
سخطک اسئلک جنتک واعوذ بک من نارک اسئلک الخیر کله واعوذ
بک من الشر کله اللهم ثبتنی علی الهدی والصواب واجعلنی راضیا
مرضیا غیر ضال ولا مضل حدیث قدسی واردست که یا ابن آدم
اذکرنی حین تغضب اذکرک حین اغضب فلا امحقک فیمن امحق
یعنی ای فرزند آدم مرا یاد کن چون ترا غضب آید که ترا یاد کنم چون
مرا غضب آید پس ناپدید نکردانم ترا در میان کسانی که ایشانرا
از غضب ناپدید میکنم قال ابو عبد الله علیه السلام من کف غضبه
عن الناس کف الله غضبه یوم القیامة یعنی هر که غضب خود از مردم
باز دارد خدای تعالی غضب خود از و باز دارد روز قیامت و نیز
در غضب صلوات بر نبی و آل فرستد و بگوید یذهب غیظ قلوبهم

اللهم اغفر ذنبی واذهب غیظ قلبی واجرنی من الشیطان الرجیم و
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم منقولست که مردی از وحشت
پیش رسول الله صلی الله علیه و آله شکایت کرد گفت بسیار
بگوی سبحان الله ربی الملک القدوس رب الملئکة والروح خالق
السموات والارض ذی العزة والجبروت خدای تعالی وحشت او
زایل گرداند منقولست که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که
این دعا کند اللهم انی عبدک وابن عبدک وابن امتک ناصیتی بیدک
ماض فی حکمک عدل فی قضائک اسئلک بکل اسم هو لک سمیت
به نفسک او انزلته فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استأثرت
به فی علم الغیب عندک ان تجعل القرآن ربیع قلبی و نور صدری وجلاء
حزنی وذهاب همی و نقلست که هر که مبتلا ببلایی ببیند باید که بخفیه
بگوید الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به ولو شاء فعل گفت هر که این
دعا بخواند هرگز بوی این بلا نرسد قال رسول الله صلی الله علیه
و آله اذا رایت اهل البلاء فاحمدوا الله فلا تسمعوهم فان ذلک یحزنهم
یعنی هر وقتی که اهل بلایی را ببینید حمد و ثنای خدا را بگوید
و ایشانرا مشنوانید که غمگین میکردند منقولست که علی ابن الحسین

علیهما السلام وقتی که جنازه دیدی گفتی الحمد لله الذی لم یجعلنی
من السواد المخترم و نیز گفت الحمد لله الذی تعزز بالقدرة وقهر
العباد بالموت منقولست که هر کرا مهمی پیش آید و خواهد که بداند
که وجه حیله در و چیست وقتی که بخوابگاه خود رود این دو سوره
واللیل اذا یغشی والشمس وضحیها را هر یکی هفت نوبت بخواند وجه حیله
در خواب بوی نمایند دیگر از رسول صلی الله علیه وآله منقولست که
اللهم انی اسئلک العافیة وشکر العافیة وتمام العافیة فی الدنیا والآخرة
دیگر قال رسول الله صلی الله علیه وآله من رای یهودیا او نصرانیا
او مجوسیا او واحدا علی غیر ملة الاسلام فقال الحمد لله الذی
فضلنی علیک بالاسلام دینا وبالقرآن کتابا وبمحمد نبیا وبعلی
اماما وبالمؤمنین اخوانا وبالکعبة قبلة لم یجمع الله بینه وبینه فی النار یعنی
هر که جهودی را یا ترسایی را یا مجوسی یا غیر ملتی ببیند الحمد لله تا بالکعبة
قبلة بخواند خدای تعالی ایشانرا باهم در آتش جمع نکند دیگر در
جد در سؤال و مستحبست دعا کننده را جد کردن در سوال و مستحب
دعا کننده را جد کردن در سوال که نبی صلی الله علیه وآله فرمود
لا احدکم اللهم اغفر لی ان شئت اللهم ارحمنی ان شئت ولیعزم المسئلة

فانه

فانه لا مکره له یعنی باید که هیچ یک از شما در دعا نگوید خدای تعالی بیامرز
مرا اگر خواهد بلکه باید در دعا جد کند زیرا که خدای تعالی را هیچ مکره نیست
و وقتی که دعا مستجاب شود باید که بگوید الحمد لله الذی بعزته تتم الصالحات
و چون در اجابت توقف شود باید که بگوید الحمد لله علی کل حال و
مکروهست که دعا کننده در اجابت دعا تعجیل کند باید که بر دعا مداومت
نماید و پشیمان و ملول نشود زیرا که نبی صلی الله علیه وآله فرمود که دعای
بنده مستجاب میشود مادام که تعجیل نکند و نگوید که دعا کردم و مستجاب
نشد هر گاه که قصد حاجتی کنی این دعا را بگوی اللهم انی اسئلک
باسمک الاعلی الاکبر الاعز الاجل الاعظم الاکرم ان تفعل بی کذا
دیگر مرویست از نبی صلی الله علیه وآله که مر امیر المؤمنین علی علیه السلام
را گفت هر گاه که در مهم بلائی افتی این دعا را بگو تا بلا دفع شود بسم الله الرحمن
الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ایاک نعبد وایاک
نستعین پس بدرستی که خدای تعالی دفع کند بلا را روایت است
از علی ابن الحسین علیهما السلام که سالی در عقب هر نماز دعا میکردم
که خدای تعالی مرا اسم اعظم تعلیم کند روزی نماز صبح گذاردم نشسته
خواب در چشم غالب شد مردی پیش خود ایستاده دیدم بمن

گفت از خدا اسم اعظم میخواهی گفتم بلی گفت بگو اللهم انی اسئلک باسمک
الله الله الله الله الله الذی لا اله الا هو رب العرش العظیم گفت که و الله
که دعا نکردم باین دعا برای چیزی الا انکه روا شود دعا چون آواز رعد
بشنوی و صاعقه بینی بگو اللهم لا تقتلنا بغضبک و لا تهلکنا بعذابک و
عافنا من ذلک چون باران آید بگوی صیبا هنیا روایتست از صادق
علیه السلام که گفت چون باد وزد تکبیر بسیار بگوی و بگوی اللهم
انی اسئلک خیر ما جاءت به الریاح و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها
و شر ما فیها اللهم اجعلها علینا رحمة و علی الکافرین عذابا و صلی الله علی
محمد و آله منقولست از ابی جعفر علیه السلام که چون خواهی که زراعت
کنی قبضه تخم بردار بدست خود و روی بقبله کن و سه بار بگو ا انتم تزرعونه
ام نحن الزارعون پس بگوی اللهم اجعله حبا مبارکا و ارزقنا فیه السلامة
و التمام و اجعله حبا متراکبا و لا تحرمنی خیر ما ابتغی و لا تفتنی بما منعتنی بحق
محمد و آله الطیبین پس این قبضه را بیفشاند دیگر دعای در وحدت
یا ارض ربی و ربک الله اعوذ بالله من شرک و شر ما فیک و شر ما خلق
الله فیک و من شر ما یدب علیک اعوذ بالله من شر کل اسد و اسود
و حیة و عقرب و من ساکن البلد و من شر والد و ما ولد الا غیر دین الله

یعقون و له اسلم من فی السموات والارض طوعا و کرها و الیه یرجعون
الحمد لله بنعمته و حسن بلائه علینا اللهم صاحبنا فی السفر و افضل علینا
فانه لا حول و لا قوة الا بالله بعد از ان سوره الحکیم تا آخر بخواند
هیچ درنده و برنده و عقرب گزنده بوی زیان نرساند اگرچه بر بالای مار
خفته باشد در عطسه منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که هر کس
که هر کس عطسه بشنود و حمد و ثنای خدای گوید و صلوات بر رسول
و اهل بیت او صلی الله علیه و آله فرستد هرگز چشم و دندان او درد
نکند بعد از ان گفت اگر بشنود و میان ایشان دریایی باشد باید
که ترک نکند منقولست از امیر المؤمنین علیه السلام که گفت هر که را عطسه
آید و بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال هرگز درد گوش و دندان
نیابد منقولست از ابی جعفر علیه السلام که چون کسی را سه بار عطسه
آید تشمیت کن یعنی حمد و ثنای بگوی و چون بعد از ان عطسه دهد ترک
کن نقلست از امیر المؤمنین علیه السلام از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله نقل کرده که چون برادر شما را عطسه آید و شما ترک
تشمیت او بکنید روز قیامت بر شما دعوی کند و برای او حکم خواهد
شد و رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون کسی عطسه دهد و

او را علتی باشد که خواند الحمد لله گفتن و سکوت کند ملکه از جانب
او الحمد لله رب العالمین گویند و اگر الحمد لله رب العالمین گوید
ملئکه گویند یغفر الله لک یعنی خدای بیامرزد ترا نقلست از نسیم خادم
حسن ابن علی العسکری که گفت بعد از ولادت صاحب الزمان
علیهما السلام شبی پیش او رفتم مرا عطسه آمد و بمن گفت یرحمک الله
نسیم گوید که شاد شدم باین گفتن بعد از آن گفت بشارت
دهم ترا بعطسه گفتم بلی آنحضرت فرمود عطسه امانست از مرگ تا سه روز
نقلست از ابی مریم که شخصی نزد ابی جعفر علیه السلام عطسه زد ابو جعفر
فرمود خوب چیزیست عطسه در راحت بدنست که باید که در وقت عطسه
خدایرا یاد کنند و صلوات بر نبی و آل او فرستند گفتم محدثان
عراق روایت میکنند که در سه موضع صلوات نمی باید فرستاد
در وقت عطسه و در وقت ذبح و در وقت جماع پس ابی جعفر علیه
السلام فرمود که ای بار خدایا اگر این جماعت دروغ گفته باشند شفاعت
محمد صلی الله علیه و آله و سلم ایشان را روزی مکن منقولست از ابی
عبد الله علیه السلام که گفت هر که عطسه کسی بشنود گوید الحمد لله علی
کل حال ما کان من امر الدنیا و الآخرة و صلی الله علی محمد و آله درد دندان

خود درد دندان نه بیند و نیز امام جعفر صادق علیه السلام نقل میکنند که چون
کسی عطسه دهد الحمد لله گوید آن دو فرشته که موکلند بر او گویند رب العالمین
کثیرا لا شریک له و چون عطسه کننده بگوید رب العالمین کثیرا لا شریک له دو
ملک گویند صلی الله علی محمد و چون او بگوید صلی الله علی محمد ملکان گویند
و علی آل محمد و چون آدمی آنرا گوید دو ملک گویند رحمک الله مرویست
از امیر المومنین علی ابن ابی طالب در حدیثی طویل که چون یکی از شما عطسه
دهد و الحمد لله بگوید پس تشمیت کنید او را پس اگر او یرحمکم الله بگوید شما
بگویید یغفر الله لکم و یرحمکم زیرا که خدای تعالی در کلام مجید فرموده و اذا حییتم
بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها یعنی که چون بشما تحیتی فرستند شما بهتر از آن
فرستید یا همان باز پس فرستید منقولست از عبد الله ابن یعفور که گفت حاضر
شدم در مجلس ابو عبد الله علیه السلام کسی عطسه زد و ابو عبد الله علیه السلام
فرمود رحمک الله اهل مجلس گفتند آمین پس ابو عبد الله علیه السلام عطسه
زد اهل مجلس خجل شدند یعنی دعا نکردند پس ابو عبد الله علیه السلام فرمود
که بگویید اعلی الله ذکرک و در روایت دیگر منقولست از ائمه علیهم السلام
که چون کسی را عطسه آید باید که انگشت سبابه را بر سر بینی نهد و بگوید الحمد
لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین رغم انفی لله رغما داخرا

صاغراً غیر مستنکف ولا مستحسر و چون دیگری عطسه زند بگوید یرحمک الله
یکبار یا دو بار یا سه بار باز چون از سه بار زیاده شود بگوید شفاک الله
پس در تسمیت مرد مومن بگوید یرحمک الله و در زن مومنه عافاک الله
و در کودک بگوید زرعک الله و جهة بیمار بگوید شفاک الله و از برای ذمی
بگوید بارک الله و نبی و امام را صلی الله علیک بگوید و چون رد کند بگوید
یغفر الله لنا ولکم روایت میکند ابو بصیر از ابو عبدالله علیه السلام که بسیار
عطسه رهاند صاحب عطسه را از پنج چیز اول جذام دوم باد خبیث در سر
و روی سیوم نزول آب در چشم چهارم سده در خیشوم پنجم بر آمدن
موی در چشم ابو عبدالله علیه السلام فرمود که چون عطسه زیاده شود
وخواهی که کم گردد اندکی روغن مرزنجوش در دماغ کن راوی گوید پنج
روز چنین کردم عطسه از من رفت و هم از او منقولست که گفت عطسه در
مرض امانست از مرگ و در ان مرض و گفت که خمیازه از شیطانست و
عطسه از رحمن و هم از ابی عبدالله علیه السلام منقولست که رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که بدرستی و راستی که عطسه مریض دلیل
عافیتست و راحت بدن و دفع فراموشی نکوئی از ابی عبدالله علیه
السلام نقل کرده که چون شیطان ترا چیزی فراموش گرداند دست

خود را بر پیشانی خود بنه و بگو اللهم انی اسئلک یا مذکر الخیر و فاعله والآمر
بها ان تصلی علی محمد و آل محمد و تذکرنی ما انسانیه الشیطان الرجیم

باب یازدهم در آداب مریض و علاج مرض و آنچه بدان متعلقست

و در ان پنج فصلست این باب را اختیار کرده شده از طب ائمه علیهم السلام
و از مجموع دعوات پدرم طول الله عمره **فصل اول** در آداب مرض
و علاج مرض و ثواب مریض و ثواب کسی که پرسش مریض کند روایت
میکند ابو عبدالله علیه السلام از رسول صلی الله علیه و آله که گفت حمی
اند مرگست یعنی خبر دهنده مرگست و زندان خداییست در زمین و گرمی
او از جهنم است حظ هر مومنست از آتش رسول صلی الله علیه و آله و
که در بدن مبارک خود حرارت تب میدیدند تبها بخدا می آوردند پس گفتند
یا رسول الله از ان باکی نیست فرمودند که چون خدای تعالی خواهد کو
چک را بزرگ میکند و بزرگ را کوچک کند میکند منقولست از ابی عبدالله
علیه السلام که گفت هیچ مرضی و صداعی نیست مگر بسبب گناه چنانکه در کتاب
کریم وارد است وما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم و یعفو عن کثیر یعنی
هر مصیبتی که بشما میرسد آن مصیبت بسبب کسب دست شماست و از
بسیاری عفو میکند علی بن الحسین علیهما السلام فرمود نعم الوجع

الحمی یعطی کل عضو قسط من البلاء ولا خیرة فیمن لا یبتلی یعنی خوش و دوست
حمی که عطا میکند بهر عضوی قسط او را از بلا و هیچ خیری در کسی نیست
که نیست ببلا مبتلا و هم از آنحضرت منقولست که چون کسی را حمی شود
گناهان او چون برگ درخت میریزد و در بستر نالهٔ او تسبیح است
و آواز تهلیلست و گردیدن او در فراشش بکسی ماند که در غزا شمشیر
زند منقولست از علی ابن الحسین علیهما السلام که گفت حمی شبی کفارت
گناهان یکساله است بجهت آنکه الم تب در بدن یکسال باقی و موثر می ماند
و حضرت ابی عبد الله علیه السلام فرمود که تب یک شبی کفارت گناهان
پیش و پس آن شبست و هم از آنحضرت علیه السلام منقولست که هر که
شبی خسته شود و بقبول آن تملق کند و شکر او را ادا کند کفارت
گناهان شصت سالهٔ او گردد راوی گوید پرسیدم که قبول او چیست
گفت صبر کردن بر دردی که در آن خستگی است منقولست از محمد باقر علیه
السلام که گفت بیداری یکشب در مرض افضلست از عبادت یکساله و
نقل میکند از یکی از ائمه علیهم السلام که بیداری یکشب از مرض با وجع
فاضلترست و بزرگتر پیش خدای از روی اجر از عبادت سال و حمی دو شب
برابری میکند با عبادت شصت سال و حمی سه شب برابر است با عبادت

هفتاد سال و حمزه گفت که پرسیدم اگر بهفتاد سالگی نرسد گفت
پدر و مادر او را باشد گفتم اگر پدر و مادر باقی نباشد گفت خویشان او را
باشد گفتم اگر خویشان او هفتاد ساله نشوند گفت همسایهٔ او را بود
منقولست از امام رضا علیه السلام که گفت مرض مومن را پاک شدن
و رحمتست و کافر را عذاب و لعنت و مرض با مومن می باشد تا آنکه
در وی هیچ گناه نماند از ابی عبد الله علیه السلام که گفت درد سر
یکشب محو میکند همه گناهان مگر گناه کبیره را ابو ابراهیم علیه السلام روایت
میکند از رسول صلی الله علیه و آله و سلم که گفت مریض را چهار خصلتست
اول رفع قلم از وی دوم امر خدای تعالی ملک را که بنویسد هر فضل را
که کرده باشد در صحت سیوم بیرون آوردن مرض گناهان را از هر عضوی
که در جسد اوست چهارم آنکه اگر بمیرد آمرزیده میرد و اگر زنده آمرزیده
میزید روایتست از نبی صلی الله علیه و آله که گفت چون مسلم مریض گردد
خدای تعالی در دیوان بنده را دوست دارد و نظر میکند بسوی او و یک
تحفه از سه تحفه میفرستد یا حمی یا درد سر یا درد چشم منقولست از کاظم
علیه السلام که گفت چون مومن مریض شود خدای عز و جل باصحاب
شمال وحی کند که منویسید گناهان بندهٔ مرا مادام که در بند و زندان

منت و با صحاب بیین وقی کند که بنویسید حسنات بندهٔ مرا که در صحت او
مینوشتید در صبر در علت روایت میکند ابو جعفر علیه السلام از رسول
صلی الله علیه و آله که خدای عز و جل میفرماید که چون بندهٔ خود را مبتلا کردانم
و او صبر کند و تا سه روز نزد جمعی که بعیادت آیند شکایت نکند از بیماری
کوشتی بهتر از کوشت او و پوستی بهتر از پوست او و خونی بهتر از خون او
عوض دهم و اکر بمیرانم برحمت خودش برسانم و اکر عافیت دهم او را از
کناهش پاک سازم منقولست از نبی صلی الله علیه و آله که بنده را مصیبتها
میرسد تا آنکه بر زمین میرود و بر وی هیچ کناهی نماند ابو عبد الله علیه السلام
فرمود که عیادت کنید خستکان را و از ایشان دعا طلب نمایند که دعای ایشان
برابر دعای ملایکه است و هر که یکشب مریض کردد و آن مرض را قبول
نماید حق سبحانه و تعالی مرض او را با عبادت شصت سال منویسید
پرسیدند که قبول او چیست فرمود از درد خود بهیچکس شکایت نکردن
ابو عبد الله علیه السلام فرمود که شکایت آنست که مریض کوید مبتلا شده ام
ببلایی که هیچکس مبتلا نشده و مصیبتی دیدم که هیچکس ندیده و شکایت آن نیست
که بکوید که دوشینه بیداری کشیدم و امروز تب دارم امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود که در مرض هیچ اجری نیست ولیکن هیچ کناهی نیست که مرض آنرا محو

نمیکند و نیست اجر مکر بقول زبان و عمل بدست و پای و خدای تعالی
بسبب صدق نیت و خلوص سیرت بسیاری از بندکان را ببهشت
میبرد منقولست که نبی صلی الله علیه و آله فرمود که حق مسلمان بر مسلمان
آنست که هرکاه که بمسلمانی رسد سلام دهد و چون خسته شوند
پرسش کنند و چون بمیرند مشایعت جنازه کنند بدرستی که رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که تمام عیادت مریض آنست که دست خود را
بر مریض نهند و بکویند که چونی و صباح چون شد و شب چون کذشت و تمام
تحیت شما مصافحه است منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که کفت
باید که مریض یاران خود را از مرض خود خبر کند که عیادت او کنند تا او
و یاران اجر کنند پرسیدند که اجر یاران بسبب پرسش مریض است
اما اجر مریض بچه سبب باشد کفت بسبب آنکه مریض از برای یاران حسنات
میبرد پس باین سبب برای مریض حسنه مینویسند و ده درجه رفع میشود
و ده کناه رفع می کردد و باید که اولیای میت یاران میت را اعلام کنند
تا برای ایشان کسب اجر و برای میت دعا و استغفار شود و حضرت
ابو الحسن علیه السلام روایت میکند که امیر المؤمنین علیه السلام عیادت
کرد صعصعة بن صوحان را و کفت که یا صعصعه مفاخرت مکن بر یاران خود

بامگر من ترا عیادت کنم و نظر کن که کار تو بنوز رسید و باید که ترا اهل از
راه ببرد منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
درد چشم را پرسش نیست و عیادت مریض پیش از سه روز نیست و
بعد از آن روزی عیادت کنید و روزی نکنید و چون مرض دراز گشت
مریض را با عیالش بگذارید امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که هر کس
که عیادت مریض کند تخفیف کند او را نزد خدای تعالی اجر عظیمست مگر آنکه
مریض او را دوست دارد و نشستن او را خواهد و ازو سوال کند و نیز
فرمود از تمام عیادت مریض است یکدست او را بر دست دیگر یا بر پیشانی
او نهند منقولست از حضرت امام جعفر علیه السلام که گفت چون روز قیامت
شود خدای تعالی بندۀ از بندگان را خطاب کند و گوید یا مؤمن چه منع کرد
ترا که عیادت من نکردی وقتی که من مریض شدم پس آن بنده گوید
تو خدای منی و من بندۀ توام تو حی و قیومی و ترا درد و الم نمیرسد پس
خدای تعالی گوید هر که مؤمنی را برای من عیادت کند مرا عیادت کرده است
پس گوید آیا می شناسی فلان بن فلان را گوید بلی یا رب گوید چه
مانع شد ترا در عیادت او و اگر تو او را عیادت میکردی مرا عیادت
کرده بودی و مرا نزد او می یافتی و اگر از من سوال میکردی حاجت

ترا روا میکردم و رد نمیکردم حضرت ابو الحسن علیه السلام فرمود که
چون کسی از شما مریض شود باید که اجازت دهد که مردم نزد او در آیند
که هیچکس نیست که او را دعایی مستجاب نیست مرویست از نبی صلی الله
علیه و آله که عیادت سلمان رضی الله عنه کرد و گفت یا سلمان کشف
الله ضرک و غفر ذنبک و حفظک فی دینک و بدنک الی منتهی اجلک منقولست
از امام جعفر صادق علیه السلام که روایت میکند که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله عیادت سلمان فارسی کرد و گفت یا سلمان در علت
تو سه خصلت است تو بذکر خدای تعالی مشغول و دعای تو مستجاب و این
علت ترا گناهی نمیگذارد الا آنکه محو میکند متعک الله بالعافیه الی انقضا
اجلک روایتست از نبی صلی الله علیه و آله که فرمود که عیادت سه نوبت
و تعزیت یکنوبت منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت هر مؤمنی
که عیادت برادر خود کند در مرض او پس اگر صباح باشد هفتاد هزار ملک
مشایعت او کنند و چون بنشیند پیش مریض غریق رحمت خدای
شود و تا شبانگاه ملکه برای او استغفار کنند و اگر شبانگاه باشد
مثل این تا صباح منقولست از امام ابو جعفر علیه السلام که گفت موسی
نبی علیه السلام در مناجات گفت با خدای یا رب تا چه مرتبه است مرد

عیادت کنندگان مریض گفت هر که عیادت مریض کند ملکی را بر وی موکل
گردانم در قبر که تا قیامت عیادت او کند منقولست از امام جعفر صادق
علیه السلام که رسول صلی الله علیه وآله فرمود که چون عیادت مریض کند
منادی از آسمان باسم او ندا کند که ای فلان خوش باش و خوش
باد آمدن تو و نیز فرمود که اجر بزرگست در عیادت مریض کسی را که در نشستن
پیش مریض تخفیف نماید و نیز فرمود که چون عیادت مریض کنید دعا کنید که
دعای آنکس مثل دعای ملائکه است و نیز فرمود که هر که در راه خدای
مریض را عیادت کند هر دعایی که مریض در بارهٔ او کند البته مستجاب گردد
امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود آنچه در مرض بگوید که میرسد کفارت
پدر و مادر است روایت میکند غلامی از غلامان امام جعفر علیه السلام
که غلامی دیگر خسته شده بود با جمعی از غلامان بعیادت میرفتم خواجهٔ ما
امام جعفر علیه السلام مقابل آمد و گفت کجا خواهید رفت گفتیم بعیادت
غلامی خسته آنحضرت فرمود که توقف کنید توقف کردیم فرمود آیا با شما
سیبی یا بهی یا ترنجی یا قدری از بوی خوش یا قطعهٔ از عود هست گفتیم
با ما هیچ از اینها نیست فرمود که نمیدانید که مریض راحت میکند که برای
او چیزی میبرند منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که

دوا کنید

دوا کنید که خدای تعالی فرمود که هیچ دردی نازل نشده که
با او دوای نازل نشده و نیز فرموده که موت مردم بگناه بیشتر است
که از موت باجل و حیوة مردم بنکویی بیشتر است از حیوة بعمر و هم فرمود
که هیچ عاملی نیست مگر از گناه و عفو خدا از گناه بیشتر است و هم فرمود
که دو کس معلولند تن درستی که بد خو کرده باشد و خسته که دوا
حفظ کرده باشد و هم مرویست که از دوا پرهیز کن آنقدر که بدن تو
تحمل کند درد را چون تحمل نتوانی پس دوا کن روایتست که ابو عبد الله
علیه السلام فرمود که نبی از انبیا را مرضی عاید شد گفت دوا نمیکنم تا
آنکس که مرا مریض گردانید شفا کرامت کند پس خدای تعالی وحی فرستاد
که شفا از منست تا دوا نکنی شفا ندهم منقولست از امام رضا علیه السلام
که اگر مردم طعام اندک خورند بدن ایشان صحیح باشد و منقولست از ابی
عبد الله علیه السلام که پرهیز کردن از چیزی ترک آن نیست بلکه پرهیز
کردن کم کردنست منقولست از امام محمد باقر علیه السلام که پرهیز
کردن راس دواست و معده خانهٔ دردست و بدن تو بآنچه معتاد
گردانی معتاد میشود و منقولست از رسول صلی الله علیه وآله که فرمود
کسی میرد و وصیت نکند آنچنانست که کافر مرده باشد و هم منقولست

از انحضرت که نباید کسی را شب خواب کرد الا انکه وصیت او زیر سر او
باشد و نیز منقولست از رسول صلی الله علیه و آله که هر کس که نیکو وصیت
نکند در عقل و مروت او نقصانست منقولست از امیر المؤمنین علی علیه
السلام که فرمود که هر که وصیت کند وایمان نرسد و مضرت بکسی
نرساند آن چنانست که با آن وصیت تصدق کرده باشد روایتست
از امام جعفر علیه السلام که فرمود که بر هر مسلمانی وصیت کردن حقست
و هم فرمود که هر که در وقت مردن برای خویشان که میراث نمیبرند و
صیت نکنند هر آینه ختم عمل خود بمعصیت کرده باشد فصل دوم
در طلب شفا بقرآن مجید رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که بسبب
قرآن شفا نطلبد خدای تعالی او را شفا ندهد منقولست از امام جعفر علیه
السلام که هر که صد آیه قرآن بخواند از هر آیات که خواهد پس هفت
بار بگوید یا الله اگر بر سنگ خاره دعا کند کنده شود منقولست از امام
ابو الحسن علیه السلام که هر گاه که از کسی بترسی پس صد آیه از قرآن
بخوان از هر جا که خواهی پس سه نوبت بگو اللهم اکشف عنی البلاء منقولست
از موسی کاظم علیه السلام که در قرآن شفا از هر دردی هست در فضیلت
سوره های قرآن منقولست از امام محمد باقر علیه السلام که هر کرا علتی

عارض

عارض شود هفت نوبت سورهٔ فاتحة الکتاب بخواند و اگر ساکن نشود
هفتاد نوبت بخواند ساکن گردد و منقولست از نبی صلی الله علیه و آله
که خواندن فاتحة الکتاب هفتاد نوبت شفای همه دردهاست پس
اگر کسی صد بار بخواند اگر روح از بدنش رفته باشد باز آید منقولست
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت اگر هفتاد بار الحمد بر مرده بخوانی
و روح در بدن او باز نیاید عجب باشد منقولست از امام محمد باقر علیه
باقر
السلام که هر گاه که نفس ترا علتی باشد و از ان ترسی سورهٔ انعام
بخوان که ترا از ان علت مکروهی نرسد و منقولست که فرمود که هر که
سورهٔ نحل را هر ماه بخواند هفتاد نوع از انواع بلا که آسانتر آن جنون
و جذام و برصست از و بگردد و در روایتی دیگر آنست که از برای احتراز
از ابلیس و لشکر و تابعان او بخواند و هم انحضرت فرموده که سورهٔ
لقمان را هر که هر شب بخواند حق سبحانه و تعالی در ان شب ملکه را بر و موکل
گرداند که او را محافظت نماید از ابلیس و لشکر او تا صبح و هر که در روز
بخواند خدای تعالی او را محفوظ دارد از ابلیس و لشکر او تا شب و
همچنین مرویست از امام ابی عبد الله علیه السلام که هر چیزی را دلیست
و دل قرآن یس است هر که سورهٔ یس را بخواند پیش از انکه شب شود

تا بشب از جملهٔ مرزوقان باشد و محفوظان و هر که در شب پیش از
خواب بخواند خدای تعالی هزار ملک موکل او کرداند که او را محافظت
نمایند از شیطان و از هر آفت و اکر درین روز بمیرد حق سبحانه
و تعالی او را بهشت برد منقولست از امام ابی عبد الله علیه السلام
که کفت بنویسید از برای تب ربع و صداع و ببندد بر هر کس که
خواهد و هفت کره بر بند زند و بر هر کرهی فاتحة الکتاب بخواند و بندد
بر هر کس که تب دارد و بپا و یزند بر بازوی راست بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین تا آخر سوره و معوذتین و قل هو الله احد تمامی
بسم الله الرحمن الرحیم رب الناس اذهب الباس واشفه
یا شافی فانه لا شفاء الا شفائک شفاء لا یغادر سقما بیدک الخیر انک علی
کل شی قدیر و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین بسم الله
الرحمن الرحیم قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم کذلک صاحب
کتابی هذا برحمتک یا ارحم الراحمین بسم الله الرحمن الرحیم و له
ما سکن فی اللیل والنهار و هو السمیع العلیم اسکن ایها الصداع والالم
بعزة الله اسکن بقدرة الله اسکن بجلال الله اسکن بعظمة الله اسکن
بلا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم

مع الآی الاربع خروجه

و ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات
ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه
من الغم و کذلک ننجی المؤمنین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
حسبنا الله و نعم الوکیل و صلی الله علی محمد و آله و سلم تسلیما از برای دفع
تب نقلست که بعضی از اصحاب امام ابو عبد الله علیه السلام را تب کهنکی
یا تب عارض شده بود امام ابی عبد الله علیه السلام فرمود که کفن یا
تمه پیراهنت و سر خود بکریبان فرو بر و بانک نماز و قامت بکوی و هفت
نوبت الحمد بخوان کفت همچنین کردم کویا از بند خلاص شدم و نیز از
برای دفع تب امام ابی عبد الله علیه السلام فرمود که فرو بر سر خود را در جیب
خود و بانک نماز بکو و اقامت و بخوان فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و معوذتین
و بکو اعیذ نفسی بعزة الله و بقدرة الله و عظمة الله و سلطان الله
و بجمال الله و بجمع الله و برسول الله و بعزته صلی علیه و آله و سلم
و علیهم بولاة امر الله من شر ما اخاف و احذر و اشهد ان الله علی
کل شی قدیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی
محمد و آل محمد و آله اللهم اشفنی بشفائک و داونی بدوائک و عافنی من
بلائک و روایتی دیکر آنست که کفت داخل کن سر خود را در جیب خود

از بهر الله ...

و بانگ نماز و قامت بگو و فاتحة الکتاب و معوذتین بخوان و قل هو الله
احد سه بار و آخر سورهٔ حشر را سه بار و بگو اعیذ نفسی چنانکه گذشت
منقولست از حماد که گفت که چون تب من دراز کشید ابو عبد الله علیه
السلام گفت که بنویس آیة الکرسی را در ظرفی و بجرعهٔ آب بشوی
و بخور و مثل آن مرویست از بعضی از صادقین که قدری از تربت
امام حسین علیه السلام را با آب حل کن و در جام زجاجی بقلم آهنین
بنویس بنویس و بکسی که او را الم حادث شده باشد بده تا بخورد سلام
قولا من رب الرحیم حسبی الله نعم الوکیل طه ما انزلنا علیک القرآن
لتشقی الا تذکرة لمن یخشی ان الله یمسک السموات والارض تا آخر
تا آخر آیه یرید الله ان یخفف عنکم الآن خفف الله عنکم قلنا یا نار کونی
بردا و سلاما علی ابرهیم اردد عن فلان بن فلان الحر والبرد والبلبلة
وجمیع الالام والاسقام والاعراض والامراض والاوجاع والصداع
طسم طس باسماء الله حم عسق کذلک یوحی الیک والی الذین من قبلک
الله العزیز الحکیم ولا حول ولا قوت الا بالله العلی العظیم والحمد لله رب
العالمین والصلوة علی سیدنا محمد النبی وآله الطاهرین یا من یزول
الجبال ولا یزول وصل علی محمد وآل محمد وانزل کلما بفلان بن فلان

من اول

من مرض وسقم والم انک علی کل شیء قدیر وحسبنا الله وحده
وصلوة علی سیدنا محمد النبی وآل محمد اجمعین مثل آن بنویس بر کاغذ
و بیاویز بر مریض و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناک الا
مبشرا و نذیرا و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و ما محمد
الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم
و من ینقلب علی عقبیه و آمنوا بما نزل علی محمد و هو الحق من ربهم کفر عنهم
سیاتهم و اصلح بالهم ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولکن رسول
الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شیء علیما محمد رسول الله والذین
والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا یبتغون فضلا من
الله و رضوانا سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذلک مثلهم فی التوریة
و مثلهم فی الانجیل و مبشرا برسول یاتی من بعدی اسمه احمد فلما
جاءهم بالبینات قالوا هذا سحر مبین ولو ان قرانا سیرت به الجبال
او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا الملک لله الواحد
القهار پس بگوید بسم الله المکتوم علی ساق العرش جهت تب
بنویسد و بیاویزد بر بازوی دست راست بسم الله الرحمن الرحیم
ولو آن قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی

بل لله الامر جمیعا یا شافی یا کافی یا معافی و بالحق انزلناه وبا
الحق نزل بنویسد برکتف او بسم الله الرحمن الرحیم الم نشرح لک
صدرک تا آخر لا باس لا باس رب الناس اذهب الباس اشف انت
انت الشافی لا شفاء الا شفاءک قال رب انی وهن العظم منی واشتعل
الراس شیبا و لم اکن بدعائک رب شقیا باسم فلان بن فلان
جهة دفع تب سپرد بسم الله الرحمن الرحیم مرج البحرین یلتقیان بینهما
برزخ لا یبغیان وجعل بینهما برزخا وحجرا محجورا یا نار کونی بردا وسلاما
علی ابرهیم الا ان حزب الله هم الغالبون ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا
المرسلین انهم لهم المنصورون وان جندنا لهم الغالبون **از برای تب ربع**
از امام حسن عسکری علیه السلام مرویست که بنویس بر ورق یا نار
کونی بردا وسلاما علی ابرهیم و بیاویز بر کسی که تب دارد وقتی که
اورا تب بگیرد و بنویس این آیه را و بر بازوی او بندد قل الله اذن
لکم ام علی الله تفترون طلط طلطلط و بگو بستم بنام خدای تعالی
تب فلان کس را و بر پای چپ او بندد دیگر به بستن آن الم
تر الی ربک کیف مد الظل ولو شاء لجعله ساکنا ثم جعلنا الشمس علیه
دلیلا **از برای درد شقیقه** منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که

آیات قرآنی بخوانند ولو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت
به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا تکاد السموات یتفطرن منه
وتنشق الارض وتخر الجبال هدا وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم
سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ویا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض
الماء وقضی الامر واستوت علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین
مثل آن فمن کان منکم مریضا او به اذی من راسه ففدیة من صیام او
صدقة او نسک ید الله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه و
من اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما اسکن سکنتک یا وجع الرا
بالذی یسکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم **از برای درد سر**
وغیر آن منقولست از امام جعفر صادق علیه السلام که هرکرا درد سر
وغیر درد سر باشد پس دست خود بران موضع نهد و بگوید اسکن سکنتک
بالذی سکن له ما فی السموات اللیل والنهار وهو السمیع العلیم منقولست
که مردی شکایت کرد نزد امام جعفر صادق علیه السلام از درد سر
گفت بنه دست خود را بر موضعی که درد میکند و بخوان آیة الکرسی و فاتحة
الکتاب و بگو الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر اجل واکبر مما اخاف
واحذر اعوذ بالله من عرق نعار اعوذ بالله من حر النار **از برای درد سر**

روایت کرد عمر بن حنظله که شکایت کردم پیش امام ابی جعفر علیه
السلام از درد سر که مرا می شد گفت وقتی که ترا درد سر شود دست بسته
خود را بر میان سر خود بگذار و بگو لو کان معه آلهة کما یقولون اذا لابتغوا
الی ذی العرش سبیلا و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرسول
رایت المنافقین یصدون عنک صدودا از برای درد شقیقه منقولست
از امام رضا علیه السلام بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد
اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب ربنا انک جامع
الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد و بنویس اللهم انک
لست باله استحدثناه تا آخر زود باشد که این دعا در فصل رابع مذکور
شود بعد ازین ان شاء الله تعالی منقولست از امام جعفر صادق
علیه السلام که وقتی که در کسی کاهلی یا درد سری باشد یا چشمی رسیده
باشد دستها بگشاید و سوره فاتحة الکتاب و معوذتین بخواند پس
دست خود را بر روی خود مالد درد وی که داشته باشد زایل شود
عمر بن ابراهیم گفت که شکایت کردم پیش امام رضا علیه السلام از
درد سر بسیار و از زخمی که عارض می شد مرا که بسبب آن می یافتم
مرضی شبیه بجنون فرمود که این علف که برگ او پیچیده است و آنرا

لبلاب

لبلاب میکوبند بکوب و بر سر خود بنه و بفرمای که بر سر کودکان خود
بنهند که نافعست باذن الله تعالی راوی گوید که چنین کردم وجع ساکن
شد هم از آنحضرت منقولست در درد سر که بجا زنگ کنند
افسون شقیقه بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا
وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب اگر خوش نشود بگیر یک
نخود سفید و نیمی و بکوبد چنانکه نرم شود و بخوان بر آن قل هو الله احد
را سه بار و بر ریش دهد تا بخورد شکایت کرد شخصی از اهل مرو نزد
ابو عبد الله علیه السلام از درد سر گفت نزدیک شو بمن پس دست
راست بر سر او مالید و بخواند ان الله یمسک السموات و الارض ان
تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا
عمار گفت شکایت کردم نزد امام ابو عبد الله علیه السلام از
باد شقیقه گفت چون از فریضه فارغ شوی انگشت سبابه راست
میان دو چشم خود بنه و هفت نوبت بگو یا حنان اشفنی و انگشت
را بر ابروی راست بمال بعد از آن بگو یا حنان یا منان اشفنی
پس آن انگشت را بر ابروی چپ بمال بعد از آن کف دست را
را بر میان سر خود بنه و بگو یا من سکن له فی اللیل و النهار و ما فی

السموات والارض صلی الله علیه وآله وسکن مابی از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام منقولست که آنحضرت فرمود هر کس را که درد
چشم باشد آیة الکرسی بر چشم خود خواند و در دل خود بگذراند که
صحت می یابد بدرستی و راستی که ببرکت آن صحت می یابد منقولست
که هر کس که هر روز این آیت بخواند فجعلناه سمیعا بصیرا چشم او از آفة
سالم باشد و همچنین اگر سه نوبت آیه فکشفنا عنک غطاءک فبصرک
الیوم حدید و آیه ولو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی
یبصرون بر آب بخواند و روی خود را بآن آب بشوید چشم او از آفات
سالم باشد روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که حضرت مصطفی
صلی الله علیه وآله نظر بسلمان کرد و سلمان را درد چشم بود فرمود خرما
مخور و بجانب چپ خواب مکن و همچنین هر که آیه الله نور السموات والارض
تا آخر آیه الله نور السموات والارض تا آخر آیه و ان یکاد الذین
کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون و ما هو
الا ذکر للعالمین بگل تربت امام حسین علیه السلام و آب زمزم بر
جامی نویسد و آن جام بشوید و در شیشه کند و میل در چشم کشد
شفا یابد از برای دفع شب کوری منقولست از ابو یوسف مصعب که

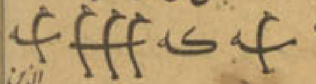
گفت بعضی بحضرت مرتضی علیه السلام از زحمت شب کوری شکایت
کردم و التماس کردم که بمن تعلیم کن چیزی که دفع شب کوری شود
آنحضرت فرمود که آیه الله نور السموات والارض تا آخر بجامی بنویس
و بشوی و در شیشه کن و در چشم بکش چنان کردم که از سه میل
بودم که بهتر از آن شد که بود و همچنین منقولست که اگر آیه کان لم یسمعها
کان فی اذنیه وقرا ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا
هفت بار بر روغن یاسمن یا بنفشه بخواند و در گوش چکاند درد گوش
را نافع باشد از برای درد دندان سه نوبت فاتحة الکتاب و سه نوبت قل
هو الله احد بخواند و بگوید یا ضرس [بالحجارة] تسکن ام [بالنار] تسکین
ام باسم الله تسکین اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی السموات
و ما فی الارض و هو السمیع العلیم قال من یحیی العظام و هی رمیم الی
بکل خلق علیم اخرج منها فانک رجیم و لتخرجنهم منها تا آخر آیه فخرج منها خائفا
یترقب و همچنین بنویس بزبان تیک و دندانی که درد میکند بران بنهد
بسم الله لکل نبإ مستقر و سوف تعلمون اتی امر الله فلا تستعجلوه سبحانه
و تعالی عما یشرکون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی و یریکم
آیاته لعلکم تعقلون من یحیی العظام و هی رمیم قل یحییها الذی انشاها

اول مرة وهو بکل خلق علیم **از برای بستن درد دندان** سه نوبت فاتحة
الکتاب ومعوذتین بر میخ آهنی بخوان بعد از ان آیه من یحیی العظام
وهی رمیم تا بکل خلق علیم بخوان بعد از ان بگوید یا ضرس فلان بن
فلان اکلت الحار والبارد فبالحار سکنتک ام بالبارد سکنتک بعد
از ان بخوان وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم شدد
واهدا الضرس من فلان بن فلان باسم الله العظیم بعد از ان بر دو
زند و بگوید یا الله یا الله یا الله وهمچنین یک برگ سبزی بردارد
وبر ان نویسد الذی جعل لکم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون
بعد از ان بر ان دندان نهد که درد میکند و چند قدمی برود و آن برگ
سبز را بر پس سر خود اندازد و باز پس نگاه نکند درد دندان ساکن
از برای دفع خون از بینی منها خلقناکم تا آخر یومئذ یتبعون الداعی تا آخر
وقیل یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی تا آخر آیه ومن یتق الله یجعل له
مخرجا تا آخر آیه وجعلنا من بین ایدیهم سدا تا آخر آیه وهمچنین اگر آیه قیل
یا ارض ابلعی را تا آخر آیه بر پیشانی آنکس که خون از بینی او آید بهمین
خون یا بزعفران بنویسد ساکن گردد **از برای دفع زکام** مرویست
از حضرت مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم که آنحضرت فرمود که زکام

لشکریست از لشکرهای خدای تعالی که خدای تعالی او را بر سر زخمها
می فرستد و زکام زخمها را فرو می آورد و منقولست از امام ابی
عبد الله الحسین علیه السلام که روغن بنفشه را در پنبه بردارند
و در محل خواب در مقعد نهند از برای دفع زکام نافع باشد انشاء الله
از برای دفع وسوسه دل بگوید فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله
وقل اعوذها بخواند نافع باشد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود که هر کس که شیطان او را وسوسه دهد اعوذ بالله من الشیطان
الرجیم بگوید و بزبان و دل بگوید آمنت بالله و رسله مخلصا له الدین
افسون **از برای درد دل** بخواند بر آب و بیاشامد لئن انجیتنا من هذه
لنکونن من الشاکرین سیهزم الجمع تا ادبر وان الله یمسک السموات
والارض تا غفورا و همچنین این آیه را بر آب بخواند و بنوشد و بنویسد
و بر گردن اندازد و بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ
هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک لا تخلف المیعاد الذین آمنوا وتطمئن
قلوبهم بذکر الله تا حسن مآب لئن انجیتنا من هذه لنکونن من
الشاکرین **از برای دفع دلتنگی** معده روز صباح یکنوبت و شب یکنوبت
سوره الم نشرح تا آخر بخواند منقولست از حضرت امام حسین علیه السلام

اگر شخصی از درد سینه نزد آنحضرت شکایت کرد آنحضرت فرمود که قرآن
بخوان و شفا از ان بطلب که حضرت حق سبحانه و تعالی فرموده که
در قرآنست شفای درد سینها و همچنین آیه واذ قتلتم نفسا فادارأتم
فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی
ویریکم آیاته لعلکم تعقلون بخواند نافع باشد ازبرای دفع درد شکم
سوره قل هو الله احد و بسم الله الرحمن الرحیم قل یحییها الذی انشأها اول
مره و هو بکل خلق علیم ولو ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به
الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا بنویسد و بر وی آویزد و بر
وی این آیه بخواند بسم الله الرحمن الرحیم ما اصابکم من مصیبة فی الارض
ولا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبراها ان ذلک علی الله یسیر هذا
ان خصمان اختصموا فی ربهم فالذین کفروا قطعت لهم ثیاب من نار یصب
من فوق رؤسهم الحمیم یصهر به ما فی بطونهم والجلود فتعالی الله الملک الحق
لا اله الا هو رب العرش الکریم لا اله الا هو وحده لا شریک له له الملک
وله الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت ابدا بیده الخیر و هو علی کل شیء
قدیر و همچنین بگوید بسم الله الرحمن الرحیم وذا النون اذ ذهب
مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت

سبحانک انی کنت من الظالمین و فاتحة الکتاب هفت نوبت بخواند نافع
باشد و همچنین بخواند لئن انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین ان
الله بالناس لرؤف رحیم وننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین
ولا یزید الظالمین الا خسارا ازبرای درد پشت شهد الله انه لا اله الا هو
تا سریع الحساب ازبرای دفع تب و بستن بول مرد و پای را بشوید
و بنویسد ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی
الماء علی امر قد قدر وحملناه علی ذات الواح ودسر تجری باعیننا جزاء
لمن کان کفر نافع باشد نقلست از حمران که گفته که نوشتم بحضرت
امام نقی علیه السلام که جان من فدای تو باد نزد ما شخصی هست از
دوست داران شما امام نفیس خادم و حبس بول دارد و التماس
دعایی دارد از شما که برکت آن شفا یابد آنحضرت فرمود که خدای
تعالی دفع مضرت تو بکند و از تو مکروهات دنیا بردارد مبالغه بسیار
فرمود بر آنکس که باید که قرآن بسیار بخواند که برکت آن شفا یابد
افسون درد بچه دان بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله الذی باذنه
قامت السموات والارض قالت مریم بنت عمران لم یضرها وجع الارحام
کذلک یشفی الله فلانه بنت فلان من وجع الارحام و من وجع عرق

الارحام اسلم اسلم ببسم الله الحی القیوم ببسم الله المستعان بالله علی
ما هو کائن وعلی ما قد کان اشهد ان الله علی کل شیء قدیر وان الله
قد احاط بکل شیء علما 
 سه ۷ بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله والذین
معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا یبتغون فضلا من الله
ورضوانا تا آخر آیه اجیبوا عزمت علیکم یا معشر الکلام بعزایم الله السید
التی یزعق الارواح والاجساد ولا یبقی روح ولا فواد اجیبوا ببسم الله
الذی قال للسموات والارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین
صل علی محمد النبی وآله الطاهرین واقرا انت چیک وچین نفسک ان
شاء الله تعالی یعنی بخوان این دعا را چنانچه خود بشنوی شفا یابی
دفع غلبه پیشاب در خواب روایتست از ائمه علیهم السلام که بستانند وقند
سعد یک قدر زعفران وهر یک جدا بکوبد و سعد را به والای بپخته
به پزد وبهم بیامیزد وبعسل صاف خمیر کند وکلولها ازان بسازد ودر
جام آهنی بزعفران بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم ان الله یمسک السموات
والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا
تمام جام را ازین بنویسد [illegible] نوبت وبا آب سرد بشوید وبریزد

در شیشه پاک وورق آهو بستانند وبعد از بر وبنویسد این آیه را
وفاتحة الکتاب وقل هو الله احد سه باره وقل اعوذها وآیة الکرسی
وآخر سوره حشر وآخر سوره بنی اسرائیل بعد ازان بنویسد بسم الله
الرحمن الرحیم ان الله یمسک السموات والارض تا آخر آیه وبنویسد
یا من هو کذا الا هکذا عزیره امسک عن فلان بن فلان ما یجد عن غلبة
البول واین تعوید را بر زانوهای او بندد اگر زن باشد واگر مرد باشد
بر رانها وسر ذکر او بندد واز ان کلولها که خمیر سعد وزعفران ساخته
بود وقتی که بجانه خواب میرود بعد ازان آب که اینها با آن
شسته حل کند وبیاشامد وباید که آب کم خورد پس ناگاه بام الله
برود مرض غلبه بول ازو انشاء الله تعالی وباید که تعوید ازو
بگشاید تا بول تر نشود واز برای خلاصی حامله بنویسد وبر ساق زن
حامله بندد بسم الله وبالله محمد رسول الله کانهم یوم یرونها لم یلبثوا
الا عشیة او ضحیها اذا السماء انشقت واذنت لربها وحقت واذا الارض
مدت والقت ما فیها وتخلت ولبثوا فی کهفهم ثلثمائة سنین وازدادوا تسعا
اخرج باذن الله وقدرته [illegible] البطن الطیبة الی الارض الطیبة
منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری اخرج باذن الله

وبقدرته واسمه الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء
وهو السمیع العلیم العزیز الوهاب کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة
او ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار
بلاغ فهل یهلک الا القوم الفاسقون اولم یر الذین کفروا ان السموات
والارض کانتا رتقا ففتقناهما افلا یؤمنون انما امره اذا اراد شیئا ان یقول
له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون
اذا جاء نصر الله والفتح ورایت الناس یدخلون تا آخر واولات
الاحمال اجلهن ان یضعن حملهن وهمچنین بنویسد بر ورق آهو بر
ران زن حامله بندد هفت نوبت آیه فان مع العسر یسرا و یکنوبت
یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة شیء عظیم تا عذاب الله شدید
بخواند نافع باشد وهمچنین بنویسد بر پهلوی زن حامله بسم الله و
بالله اخرج باذن الله منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری
وتصلی علی النبی وآله صلی الله علیه وآله وسلم وهمچنین بنویسد بسم
الله الرحمن الرحیم فان مع العسر یسرا یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم
العسر ویهیئ لکم من امرکم مرفقا ویهیئ لکم من امرکم رشدا وعلی الله قصد
السبیل ثم السبیل یسره اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا

رتقا ففتقناهما افلا یؤمنون وآیة لهم اللیل نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون
ونفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون کانهم یوم یرون
ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار وببندد بر میان زن حامله
وچون وضع حمل شود بگشاید مرویست که انا انزلناه بنویسید و بشوید
وآن آبرا بخورد او دهد و بر فرج او نیز از ان بپاشند نافع باشد نفلت
که در وقت زائیدن انا انزلناه بخوانند زود وضع شود از برای دفع سپرز
بخواند بر کفهای دست صاحب سپرز سوره اذا جاء نصر الله سه نوبت
بعد از ان آیه ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم
الملائکة الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التی کنتم توعدون سه نوبت
بعد از ان هر دو دست را بر سرش بمالد هفت بار نافع باشد وهمچنین
بنویسد آیه ان الله یمسک السموات والارض تا آخر آیه وانه من سلیمان
وانه بسم الله الرحمن الرحیم و بر محل سپرز ببندد نافع باشد از برای
دفع قولنج روایت میکنند از ائمه علیهم السلام ابرهیم یحیی که سوره فاتحة
الکتاب وقل هو الله احد وقل اعوذ ها را بنویسد و بر پای آن اعوذ
بوجه الله العظیم وبعزة الله التی لا ترام وبقدرة الله التی لا یمتنع منها
من شر هذا الوجع ومن شر ما فیه ومن شر ما احذر منه در لوحی یا در شانه و

... الرحمن الرحیم
استعمال سوره و ...

آسمان بسوزید و بنوشد بناشتا در وقت خواب نافع باشد انشاء الله
از برای قبض شکم بخواند بر روغن و بر شکم خود افشاند و بر خود
مالد بسم الله الرحمن الرحیم ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا
الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر وحملناه علی ذات الواح
ودسر ففتحنا ابواب کل شیء باسم فلان بن فلان اولم یر الذین کفروا
ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء
حی افلا یؤمنون وهمچنین مرویست از حضرت ابی عبد الله علیه السلام
که فرمود بنویسید از جهت پیچ شکم بسم الله المتعلمون الذین لا یعلمون و الذین
یعلمون قاعدون فوق علیین یاکلون نوزا طریا یبیالون صاحبهم من
نور العلوی کذلک یشفی فلان بن فلان اولم یر الذین کفروا ان السموات
والارض تا آخر صفت نوبت العسون کند بعد از آن روغن بران زند
و چون روغن بران ریزند و بجنبد و بمالد و بخورد صاحب زحمت
و به نافع باشد انشاء الله وهمچنین مرویست از ابی عبد الله علیه السلام
که فرمود که اذا السماء انشقت تا القت ما فیها وتخلت یکنوبت و اذا قال
امراه عمران تا آخر آیه وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین بر او
بخواند نافع باشد وهمچنین مرویست از ائمه علیهم السلام که افسون که خوکو

را بر آب خواند بی روغن و بخورد صاحب زحمت و به بعد از آن دست
بر شکم او مالد سه نوبت بگوید یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر
ثم السبیل یسره ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما فاجاءها المخاض
الی جذع النخلة والله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا کذلک
اخرج ایها اللوی باذن الله عز وجل از برای دفع بواسیر مرویست از
حضرت امام رضا علیه السلام که شخصی بآنحضرت از بواسیر شکایت
کرد فرمود که سوره یس را بعسل بنویس و بآب بشوی و بخورد **از برای**
دفع افلاج و غیر آن منقولست که شخصی نزد حضرت امام محمد باقر علیه
السلام رفت و گفت که مرا دختریست که گاهی در پای وی
سستی و بیخبری میشود که نزدیک میشود که بمیرد آنحضرت فرمود که
در وقتی که حایض باشد پیش چه تو عسل سه روز بخورد و او بده که نافع
باشد و آنحضرت فرمود که بر فالج و قولنج و بادها از بهر زحمتی فاتحة الکتاب
وقل هو الله احد وقل اعوذها و کانه بعد از آن اعوذ بوجه الله العظیم
وعزته التی لا ترام وقدرته التی لا ترام وقدرته التی لا یمتنع منها شیء
من شر هذا الوجع ومن شر ما فیه ومن شر ما احذر یا رب شانه یا بر لوح نو بنویسد
و بآب باران بشوید و بناشتا بخورد و وقت خواب کند باشد انشاء الله

از برای جرب و قوبا و دمل بخوانند بر او و بنویسند بران بسم الله الرحمن
الرحیم ومثل کلمة خبیثة تا آخر آیه منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها
نخرجکم تارة اخری الله اکبر وانت لا تکبر الله ابقی وانت لا تبقی والله
علی کل شیء قدیر کسی که پیدا شود در وی در بهاق او یا شقاق یا بهق
بنویسد بران ولقد خلقنا السموات والارض وما بینهما فی ستة
ایام وما مسنا من لغوب وبنویسد بر محل بهق وان من شیء الا
عندنا خزاینه وما ننزله الا بقدر معلوم هل یسمعونکم اذ تدعون او ینفعونکم
او یضرون و نقلست از حضرت امام رضا علیه السلام که خوردن
خربزه ناشتا فالج می آورد و منقولست که بخوانند بران و بنویسند و بران
بندد بسم الله الرحمن الرحیم یمحوا الله ما یشاء ویثبت وعنده ام
الکتاب الحمد لله رب العالمین فاطر السموات والارض جاعل الملائکة
رسلا اولی اجنحة مثنی وثلاث ورباع باسم فلان بن فلان از برای
دفع برص و جذام شخصی نزد امام ابی عبد الله علیه السلام از برص
شکایت کرد آنحضرت فرمود که از گل قبر امام حسین علیه السلام با
باران بخورد آنکس چنین کرد نافع بود و مرویست از بعضی اصحاب
ما که در وی سفیدی برص پیدا شده بود حضرت ابو عبد الله علیه السلام

امر کرد بمن سوره یس بعسل بجامی بنویس و بشوی و بنوش چنین
کردم اثر آن تمام برطرف شد و مرویست از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام که فرمود شوربای گوشت گاو با پیه چون خشک دفع
زحمت برص میکند و یونس ابن عمار شکایت کرد نزد آنحضرت از
سفیدی که در اندام او پیدا می شد آنحضرت فرمود که مویز را در
آب نیسان و آن آب بنوش چنین کردم نافع بود از برای
دفع خشکی که آنرا گر میگویند که بر اعضا پیدا می شود وصله نمک بر دارد
و بدان مالد و سه نوبت بران خواند که لو انزلنا هذا القرآن علی جبل
لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله تا آخر سوره و در سوری انغا
و علی الغوز باز کردد و دفع آن زحمت شود منقولست که بر سه جو بخوانند
کرو مثل کلمة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار وان سه
جو را بران دانهها بگردانند بعد از آن در محلی دفن کند در آخر ماه هر گاه
کران جو پا کنده شود آن زحمت برطرف شود و همچنین مرویست که
شخصی از حضرت امام رضا علیه السلام التماس کرد که چیزی بدو تعلیم
فرماید که دفع دانههای اعضا کند آنحضرت فرمود که از برای هر یکی از آن
هفت جو بر دارد و بر جو در آخر ماه هفت نوبت سوره اذا وقعت

تا فکانت هباء منبثا بخواند و یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی
نسفا تا فلا تسمع الا همسا بخواند بعد از ان یکیک از ان جو با بدان و اینها
و آن اعضا بمالد و در وصله کرباس نو بندد و در چاه آن خانه
اندازد میگوید چنین کردم و نظر کردم روز هفتم تا هشتم تمام خوب
شده بود و همچنان کف دست پاک شده بود از برای **دفع مرض** دک
با دا فکندن بخواند اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا
رتقا ففتقناهما و یک انگشت از انگشتهای خود با آواز آورد باسم صاحب
درد نافع باشد **جهة عرق:** بنویس در ان محل در وقت خارش
آن قبل از انکه بیرون آید و یسئلونک عن الجبال تا و لا امتا و صب
بر ان طلا کند و این آیه را نیز بنویسد که او کالذی مر علی قریة و هی خاویة
علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها فاماته الله مایة عام
از برای دفع برص و ما لنا الا نتوکل علی الله و قد هدینا سبلنا و لنصبرن
علی ما اذیتمونا و علی الله فلیتوکل المؤمنین **از برای فزع صبیان** سوره اذا
زلزلت تا آخر فضربنا علی آذانهم تا امدا و آیه شهد الله و قل اعوذ تا آخر
سوره لقد جاءکم تا آخر سوره و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله
بالغ امره نافع باشد و همچنین روایت کرده معمر بن خلاد که گفت که من

با حضرت امام رضا علیه السلام بودم در خراسان پس بمن او کرد
که غالیه بجهت او بسازم چون غالیه پا ختم نظر کرد در ان و تعجب نمود
و گفت یا معمر عین حقت بنویس در ورقه الحمد و قل هو الله احد و قل
اعوذ دوگانه و آیة الکرسی و در شیشه بگذار و همچنین مرویست از امام
ابی عبد الله علیه السلام که فرمود عین حقت و امن شیئی از چشم
زخم تو بر تو و از چشم زخم تو بر غیر تو هرگاه که بترسی از چیزی بگو ما شاء الله
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم سه نوبت و فرمود که هرگاه
که یکی از شما مهماتش مهیا و مرتب شود بنوعی که از ان تعجب کند باید
که در محلی که از خانه بیرون می آیی قل اعوذها بخواند بدرستی که هیچ
مضرت بد و نرسد باذن الله تعالی و همچنین فرمود که هرکس که از
برادر مؤمنی چیزی ببیند که او را تعجب اندازد باید که بارک الله بگوید
که عین حقت و حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود که چشم مرد را
بقبر میفرستد و شتر را بدیک و همچنین فرموده که افسون نیست الا در
زهر گزدم و چشم زخم **از برای دفع خواب** و لما جاء موسی لمیقاتنا
و کلمه ربه قال رب ارنی انظر الیک قال لن ترانی تا و انا اول المؤمنین
بخواند بر آب و بر روی و بر سر و دستهای خود مالد **از برای گریه**

وکم شده مرویست از حضرت امام رضا علیه السلام که آنحضرت فرمود
که هرگاه که از تو چیزی کم شود بگو وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو
تا آخر آیه بعد از آن بگو انک تهدی من الضلالة و تنجی من العمی و ترد الضالة
صل علی محمد و آله و اغفرلی و رد ضالتی و صلی علی محمد و آله و سلم
از برای شفای مرضا مرویست از حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله
که فرمود جبرئیل بمن دوایی تعلیم کرده که با آن بدوایی دیگر محتاج نیستیم
پس گفتند یا حضرت آن دوا کدامست فرمود آب باران قبل از آنکه
بزمین رسد بگیرند و در ظرفی پاک کنند و سورة الحمد را هفتاد نوبت بان
بخوانند و قل هو الله احد و قل اعوذ دوگانه هفتاد بار بعد از آن قدحی
از آن در صباح و قدحی در شب بنوشد بحق آنکسی که مرا بحق بخلق
فرستاده که خدای تعالی آن زحمت را از بدن و استخوان و
رگهای او بیرون کند و همچنین فرمود هفت دانه سیاه تخم و هفت
دانه مرجک و گل قبر امام حسین علیه السلام و هفت قطره عسل
و با آب یا در روغن کنند و فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و قل اعوذ
دوگانه و آیة الکرسی و اول سورة حدید تا و الی الله ترجع الامور
و آخر سورة حشر بران بخوانند نافع باشد منقولست از امام جعفر علیه

السلام

السلام که قال الله تعالی و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین
و حضرت حق فرموده یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس
و حضرة مصطفی صلی الله علیه و آله فرموده که سیاه تخم از هر زحمتی شفاست
الا از مرگ و ما در کوفه اظهار قبری میکنیم که هیچ صاحب زحمت نباشد
که بدان پناه برد الا آنکه ببرکت آن خدای تعالی او را شفا دهد و آن
قبر حضرت امیر المؤمنین علی علیه الصلوة و السلام است

فصل سوم

در شفا جستن بصدقه و دعا و نماز و غیر آن مرویست از حضرت امام
جعفر صادق که آنحضرت از پدران خود علیهم السلام روایت میکند
که حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله فرموده که صدقه مردن بدن را منع
میکند و همچنین فرمود که صدقه و صلة رحم آبادان میکند دیار را و عمر زیاده
میکند و مرویست از امام جعفر صادق علیه السلام که هر کس که در روز
صدقه بدهد در آن روز ببرکت آن صدقه در زیر دیوار و خانه که فرود آید
نماند و از دردها ایمن گردد و بدی نمیرد و اگر در شب صدقه کند از آسیب
ازین بلاها محفوظ باشد و منقولست از حضرة امام ابی جعفر علیه السلام
که فرموده که نیکویی و صدقه درویشی میبرد و عمر را زیاده میکند و
هفتاد علت را دفع میکند و مرویست از معاذ بن مسلم که گفته که من نزد

امام ابی عبد الله علیه السلام بودم که جمعی نزد آنحضرت گفتند مردم
مادر و با دارند فرمود که بیمار خود را بصدقه علاج کنید همچنین فرموده
که بیمار خود را علاج کنید بصدقه و نیست بر شما که جمیع قوت خود را که مالک
ممان باشید بصدقه دهید و بدرستیکه نوشته بقبض روح هر شخص
بملک موت داده میشود چون آن شخص صدقه دهد آن صدقه بدو رد
میشود و اموال خود را نگاه دارید بزکوة دادن و هرکس که زکوة
مال خود داده باشد و بسفر زمین یا دریا رود من ضامن او از تلف
گشتن منقولست از امام موسی کاظم علیه السلام که فرمود که صدقه
بلای مبرم را که از آسمان متوجه باشد دفع میکند منقولست از داود بن
رزین که گفت مرا در مدینه تب شدی پیدا شد خبر بحضرت امام ابی عبد الله
علیه السلام رسید آنحضرت بمن مکتوبی نوشت مضمون آنکه بمن رسید
که ترا تب پیدا شده یک صاع گندم بخر بعد از آن بر پشت خواب کن
و آن گندم بر سینه خود بیفشان و بگو اللهم انی اسئلک باسمک الذی
اذا سئلک به المضطر کشفت ما به من ضر و مکنت له فی الارض وجعلته
خلیفتک علی خلقک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعافینی من علتی
بعد از آن بنشین و گندم از اطراف خود جمع کن و همین دعا بخوان و

از آن گندم بدرسکینی یک مد صدقه کن و همین دعا بخوان داود گفت
چنین کردم گویا که از بند خلاص شدم و بسیاری از مردم بدین
عمل کردند نافع بود منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده
که هیچ چیز رد قضا نمیکند مگر دعا و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرموده که دعا بلا را رد میکند اگرچه بلای مبرم باشد منقولست از امام
ابی الحسن که موسی علیهما السلام فرمود که بر شما باد که دعا کنید
بدرستیکه دعا و طلب از حضرت حق جل و علا رد بلا میکند بر شخصی
مقدر گشته و باقی نمانده الا جاری شدن آن شخص دعا کرده رد بلا
از او میشود منقولست از سلمان فارسی که نقل کرده از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله که آنحضرت فرمود که هیچ چیز عمر را زیاده نمیکند
مگر نیکویی که هیچ چیز عمر را زیاده نمیکند مگر نیکویی و هیچ چیز رد قضا نمیکند
مگر دعا و حضرت امام محمد باقر فرموده و بحضرت امام جعفر صادق علیهما السلام
که هرکس که بپوشاند از خلق بلایی که بدو رسیده باشد و بحق
جل و علا شکایت نکند از آنحضرت حق سبحانه و تعالی لازم آید که
او را از آن بلا خلاص کند منقولست از امام ابی عبد الله علیه السلام
که فرمود که هرکس که پیش از نزول بلا دعا کند چون بلا نازل شود دو

او مستجاب کردد و ملیکه گویند ما این او از را میشناسیم
منقولست از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که فرمود که مرض حمی
را دوایی ست و فرمود مرضی را دعاییست و فرموده دعا افضلترین
دعا صلوات بر حضرت مصطفی و آل او علیهم السلام و بعد از آن دعا
از برای خود و آنچه دوست داری و نزدیکتر وقتی که بنده بخدا نزدیک
باشد وقتیست که در سجده باشد و فرموده دعا افضلترست از خواندن
قرآن بجهة آنکه حضرت حق سبحانه و تعالی در قرآن مجید میفرماید قل
ما یعبؤ بکم ربی لولا دعاؤکم و فرموده که حق سبحانه و تعالی دعای
مؤمن را دیر مستجاب میکند و میگوید بجهة شوقی که بدعای مؤمن
دارد و میفرماید که آوازیست که دوست میدارم شنیدن آنرا و دعای
منافق را زود مستجاب میکند و میگوید که آوازیست که بد می آید شنیدن
آن را منقولست از حضرت امام ابی عبد الله علیه السلام که گفته هر
کسی که از بلایی ترسد و پیش از آمدن آن بلا دعا کند حضرت حق سبحانه
و تعالی آن بلا را بدو ننماید دعای مریض از برای خود مستحبست که
بیمار بسیار بگوید لا اله الا الله یحیی و یمیت و هو حی لا یموت سبحان
الله رب العباد و البلاد و الحمد لله رب العالمین حمدا کثیرا طیبا مبارکا

فیه علی کل حال والله اکبر کبیرا اکبر یا ربنا و جلاله و قدرته بکل مکان
اللهم ان کنت امرضتنی لتقبض روحی فی مرضی هذا فاجعل روحی فی ارواح
من سبقت لهم منک الحسنی و باعدنی من النار کما باعدت اولیائک
الذین سبقت لهم منک الحسنی منقولست از حضرت امام ابی عبد الله
علیه السلام که فرمود که دست بنهید بر موضعی که درد میکند و سه
بار بگوید الله الله الله ربی حقا لا اشرک به شیئا اللهم انت لها و لکل
عظیمه ففرجها عنی منقولست از آنحضرت که فرموده دست بر محلی
که درد میکند بنهید و بگوید سه نوبت که اللهم انی اسئلک بحق القرآن
العظیم الذی نزل من القرآن به الروح الامین و هو عندک فی ام
الکتاب علی حکیم ان تشفینی بشفائک و تداوینی بدوائک و تعافینی
من بلائک و صلی الله علی محمد و اهل بیته منقولست از حضرت امام
جعفر علیه السلام که بگوید بسم الله و بالله کم من نعمة الله عز و جل
فی عرق ساکن و غیر ساکن علی عبد شاکر و غیر شاکر و بعد از نماز
فرض بدست راست محاسن خود را بگیرد و بگوید اللهم فرج کربی و عجل
عافیتی و کشف ضری سه بار و جهد تمام کند که این دعا را با گریه بگوید
منقولست از بعضی اصحاب ائمه علیهم السلام که گفت شکایت کردم

بحضرت ابی عبد الله علیه السلام از دردی که داشتم آنحضرت فرمود
که بگو بسم الله و دست بدان بمال و بگو هفت نوبت اعوذ بعزة الله
و اعوذ بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول
الله و اعوذ باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما اخاف علی نفسی
ناقل می گوید که چنین کردم خدای تعالی مرا از آن درد خلاصی داد
منقولست از آنحضرت که فرموده دست بنهید بر جایی که درد میکند
و بگوید بسم الله و بالله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله لا حول
و لا قوة الا بالله اللهم امسح عنی ما اجد و سه بار دست بر آن بمالد
منقولست از آنحضرت که فرموده که دست بر سر بیمار بنهید بعد از آن
بگوید بسم الله و بالله و الی الله و ما شاء الله و لا حول و لا قوة
الا بالله ابرهیم خلیل الله موسی کلیم الله نوح نجی الله عیسی روح الله
محمد رسول الله صلی الله علیه و علیهم من الارواح و الاوجاع بسم الله
و بالله و عزائم من الله لفلان بن فلان لا یقربه الی کل مسلم و اعیذه
بکلمات الله التامات کلها الذی سال بها آدم فتاب علیه انه هو التواب
الرحیم ایتها الارواح و الاوجاع باذن الله عز و جل لا اله الا الله
الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین بعد از آن آیة الکرسی

و فاتحة الکتاب و قل اعوذ دوگانه و قل هو الله احد و ده آیه از اول
سوره یس بخواند بعد از آن بگوید اللهم اشفنی بشفائک و داونی بدوائک
و عافنی من بلائک و شفاله بحق محمد و آل محمد صلوات الله علیه و علیهم
اجمعین منقولست از امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله را تب گرفت حضرت جبرئیل علیه السلام بعیادت
آنحضرت آمد و گفت بسم الله ارقیک و بسم الله اشفیک و بسم الله من
کل داء یعنیک بسم الله و الله شافیک بسم الله خذها فلتهنیک بسم الله
الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرأن باذن الله نقل میکند سید
ناصح الدین ابی البرکات مشهدی رحمة الله علیه که از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام شنیدم که فرمود که گل قبر امام حسین علیه
السلام شفاست از همه زحمتی هرگاه که کسی خورد بگوید بسم الله و
بالله اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء انک علی
کل شیء قدیر و نیز آنحضرت فرموده که هرکس را که علتی پیدا شود ابتدا
علاج آن بگل قبر امام حسین علیه السلام نماید حق سبحانه و تعالی او را
شفا کرامت فرماید از آن علت مگر آنکه علت مرگ باشد منقولست از
حضرت ابی جعفر علیه السلام که فرموده که از اهل بیمار کسی که مشفق

تر باشد بر دو کف دست بر دهن خود نهد و بگوید بسم الله سه بار بکلمات
الله سه بار بکلمات الله التامات سه بار بعد از ان دست بر سر و روی
بیمار بمالد ببرکت آن شفا یابد نقل میکند زراره از یکی از امام محمد باقر
و امام جعفر صادق علیهما السلام که فرموده که هرگاه که بر سر بیماری
روی بگو هفتاد بار اعیذک بالله العظیم رب العرش العظیم من کل
عرق نعار و من شر حر النار نقل میکند حسین بن ابی نعیم از امام
ابی عبد الله که بعضی از اولاد آنحضرت را بیماری پیدا شده بود و آنحضرت
فرمود که بگوی اللهم اشفنی بشفائک و داونی بدوائک و عافنی من بلائک
فانی عبدک و ابن عبدک منقولست از حضرت مصطفی صلی الله علیه
و آله که بعضی از اصحاب خود را تعلیم فرمود که دست راست خود را
بمحلی که درد میکند بنهید و بگوید بسم الله اعوذ بعزة الله و قدرته من
شر ما اجد و همچنین فرموده که هر کس که بیماری را عیادت کند بگوید
اللهم اشف عبدک ینکی عدوا او یمشی لک الی الصلوة و همچنین منقولست
از آنحضرت که هرگاه که میرفت پیش بیمار میفرمود امح الباس رب الناس
بیدک الشفاء لا کاشف البلاء الا انت اذهب الباس رب الناس
واشف انت الشافی لا شفاء الا شفائک شفاء لا یغادر سقما اللهم

اصلح القلب والجسم واکشف السقم واجب الدعوة و همچنین فرمود که
هر که نزد بیماری رود و بگوید که اسأل الله العظیم رب العرش العظیم
ان یشفیک اگر اجلش نرسیده باشد شفا یابد و همچنین فرموده که بعضی
از اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله بیمار شده بودند آنحضرت افسونی
که جبرئیل علیه السلام بآنحضرت تعلیم فرموده بود تعلیم فرمود افسون
اینست بسم الله ارقیک بسم الله یشفیک من کل ارب یوذیک و من
شر النفاثات فی العقد و من شر حاسد اذا حسد و همچنین فرموده که دست
خود را بر دهن نهد و سه بار بگوید بسم الله بجلال الله بعظمة الله التامات
باسماء الحسنی بعد از ان دست بر جایی نهد که درد میکند و بگوید بسم الله
بسم الله بسم الله بعد از ان هفت بار بگوید اللهم اح بابی شفا یابد و چون
شفا یابد بگوید الحمد لله الذی خلقنی فهدانی و اطعمنی و سقانی و صحح
جسمی و شفانی له الحمد و له الشکر **دعا از برای دفع درد چشم** روایت
میکند محمد بن جعفر جعفی از پدرش که گفت مرا درد چشم بسیار می شد
شکایت کردم بحضرت امام ابی عبد الله علیه السلام آنحضرت فرمود
آیا بتو دعایی تعلیم کنم که در دنیا و آخرت ترا نافع باشد و دفع درد چشم
نیز بکند گفتم بلی فرمود که در عقب نماز صبح و شام بخوان اللهم انی اسئلک

بحق محمد وآل محمد ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل النور فی بصری
والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة فی
نفسی والسعة فی رزقی والشکر ابدا لک ما ابقیتنی و در روایتی دیگر هفت
بار بخواند این دعا بعد از نماز صبح قبل از ان که برخیزد از مقام خود
دعا از برای دشوار زائیدن هر زن که زائیدن برو دشوار باشد این
دعا بر کوزهٔ آب سه بار بخواند و آن زن از ان آب بخورد و بعضی
بر میان دو شانهٔ او و بعضی بر میان پستان های او فشانند زائیدن
برو آسان شود و دعا اینست بسم الله الذی لا اله الا هو الحلیم الکریم
سبحان الله رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین بسم الله الحلیم الکریم
سبحان الله رب السموات و رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین
کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون
دعا از برای دشواری پیشاب ربنا الله الذی فی السماء تقدس اللهم امرک
فی السماء والارض اللهم کما رحمتک فی السماء اجعل رحمتک فی الارض
اغفر لنا حوبنا وخطایانا انت رب الطیبین انزل رحمة من رحمتک و
شفاء من شفائک علی هذا الوجع فلیبرا از برای سنگ مثانه نقلست
از امام جعفر صادق علیه السلام که فرموده که در حینی که نماز شب میکند

در سجده بگوید اللهم انی ادعوک دعاء الذلیل الفقیر الحقیر العلیل دعاء
من اشتدت فاقته وقلت حیلته وضعف عمله والح علیه البلاء دعاء
مکروب ان لم تدرکه هالک ان لم تستنقذه فلا حیلة له فلا تحیطن بی مکرک
ولا تثبت علی غضبک ولا تضطرنی الی الیاس من روحک والقنوط
من رحمتک وطول الصبر علی البلاء اللهم انه لا طاقة لی ببلائک ولا غنی
بی عن رحمتک وهذا ابن حبیبک اتوجه الیک به فانک جعلته مفزعا للخائف
واستودعته علم ما سبق وما هو کائن فاکشف به ضری وخلصنی من
هذه البلیة واعدنی ما عودتنی من رحمتک وعافیتک یا هو یا هو یا من
انقطع الرجاء الا منک از برای شفای علتها سه روز روزه بگیرد
و در روز سوم غسل کند در وقت زوال افتاب و بیرون رود و
وصلای کرباس پاک همراه داشته باشد و چهار رکعت نماز بگذارد و آن
مقدار که تواند قرآن در ان ها بخواند بتضرع و چون از نماز فارغ شود
جامهٔ خود را بیندازد و جانب راست روی خود را بر زمین نهد و بگوید
یا واحد یا ماجد یا کریم یا حنان یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین صل
علی محمد علی محمد واکشف ما بی من ضره ومعرة والبسنی العافیة فی الدنیا
والاخرة وامنن علی بتمام النعمة واذهب ما بی فانه قد اذانی وغمنی

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که نافع نیست الا از برای
کسی که یقین داند که نفع میدهد و برکت آن از آن زحمت خلاص میشود
نماز از برای دفع جمیع بیماری روایت کرده اند ابو امامه از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله که فرموده که بنویسید دعا و آیاتی که بعد از این گفته
میشود در ظرفی پاک بزعفران بعد از آن بشوید سه بار و وضو سازد
همچون وضوئی که برای نماز میکند و سه مشت آب از آن بردارد و
بخورد و بر روی و بدن خود مالد بعد از آن دو رکعت نماز بگذارد
و طلب شفا از خدای تعالی کند و سه روز بدین طریق عمل کند شفا یابد
حسان گفته تجربه کردیم نافع بود و دعا و آیات اینست اعوذ بکلمات
الله التامة و اسمائه کلها عامة من شر السامة والهامة والعین اللامة
و من شر حاسد اذا حسد بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
تا آخر سوره و سوره قل هو الله احد و قل اعوذ دوگانه و سه آیه از
سوره البقره از الهکم اله واحد تا یعقلون و آیة الکرسی و آمن الرسول
تا آخر سوره و ده آیه از اول سوره آل عمران و ده آیه از آخر آل
عمران ان فی خلق السموات والارض و اول آیه از سوره نساء و اول
آیه از سوره المائده و اول آیه از انعام و اول آیه از اعراف و ان

ربکم الذی تا رب العالمین قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله تا
آخر آیه و القی ما فی یمینک تلقف ما صنعوا تا حیث اتی و ده آیه از اول
والصافات نماز بیمار نقل میکند اسمعیل بن محمد عبد الله بن علی ابن
حسین علیهم السلام که گفته که من بیمار شدم بمرتبه که از من ناامید شدند
حضرت ابو عبد الله علیه السلام آمد و جزع و فزع مادرم را دید فرمود
بمادر من که وضو بگیرد و دو رکعت نماز بگذارد و در سجده بگو اللهم انت وهبته
لی و لم یک شیئا فهبه لی هبة جدیدة مادرم چنین کرد و صباح شد
و در من بیماری نمانده بود بمرتبه که هریسه پخته بود و من با مردم از آن خوردم
نماز از برای دفع تب محمد بن حسن صفار گفته که نزد حضرت ابی
عبد الله علیه السلام رفتم و مرا تب گرفته بود و از من پرسید که چیست
ترا که ملول می بینم ترا گفتم جان من فدای تو باد تب دارم فرمود
که هر کس که از شما تب دار شود تنها بخانه رود و دو رکعت نماز بگذارد
و طرف راست روی خود را بر زمین نهد و بگوید ده نوبت یا فاطمه
بنت محمد صلی الله علیه و آله اشفع بک الی الله فیما نزل بی هر کسی که
شفا می یابد انشاء الله تعالی و همچنین دو رکعت نماز بگذارد و در هر
سوره فاتحه سه بار بخواند و آیه الا له الخلق والامر تبارک الله رب

العالمین واین دعا بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اتشفع بنبیک محمد صلی الله
علیه وآله یا محمد استشفع بک علی ربی فی قضاء حاجتی وهو شفاء هذا المریض
یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام
برحمتک استغیث الآن خفف الله عنکم یرید الله ان یخفف عنکم ذلک
تخفیف من ربکم ورحمة بنویسید و بشوید و بخورد تب دارد و چه نافع آید
دو رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار فاتحة الکتاب و سه بار قل هو الله احد
و آیه رب انی وهن العظم منی واشتعل الراس شیبا ولم اکن بدعائک
رب شقیا نماز از برای دفع درد چشم دو رکعتست در هر رکعتی فاتحة الکتاب
یکبار و قل یا ایها الکافرون سه بار و آیه وعنده مفاتح الغیب تا آخر
آیه نماز از برای دفع کوری ابو حمزه ثمالی نقل کرده از حضرت ابی جعفر
علیه السلام که گفته که کوری میگذشت حضرت رسول صلی الله علیه
وآله فرمود که میخواهی که خدای تعالی چشم ترا باز دهد کور گفت بلی آنحضرت
فرمود که وضوی تمام بگیر و دو رکعت نماز بگذار و بگو اللهم انی اسئلک
وارغب الیک واتوجه بنبیک نبی الرحمة یا محمد انی اتوجه بک الی الله ربی
وربک ان ترد علی بصری میگوید مؤذن حضرت رسول صلی الله علیه
وآله نشسته بود که آن کور عود کرد و حضرت حق سبحانه وتعالی بینائی

اورا

اورا باو داد و حضرت رسول صلی الله علیه وآله بسلمان فرمود که یا سلمان
اگر دردی داشته باشی برخیز و نماز بگذار که در نماز شفاست نماز از
برای درد گردن دو رکعتست در هر رکعتی یکبار الحمد لله رب العالمین
و سه بار اذا زلزلت بخواند نماز از برای درد سینه چهار رکعتست در هر رکعتی
الحمد یکبار و بعد از الحمد در رکعت اول الم نشرح یکبار و در رکعت دوم
قل هو الله احد سه بار و در رکعت سوم والضحی یکبار و در رکعت چهارم
یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور نماز از برای دفع قولنج دو رکعتست
در هر رکعتی الحمد یکبار و آیه ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر نماز از برای
آمدن گرفته دو رکعتست در هر رکعتی بعد از الحمد از اول سوره حدید چهار
آیه و آخر سوره حشر از لو انزلنا تا آخر سوره بخواند و بگوید یا من
یکفی منه ولا یکفی منه غیره اجعل الدنیا علی فلان اضیق من مسک جمل حتی ترده
علی نماز از برای درد پا دو رکعتست در هر رکعتی الحمد یکبار و آمن الرسول
تا آخر سوره بخواند نماز از برای وجع لقوه روی دو رکعتست بگزارد
و دست خود را بر روی خود نهد و حضرت رسول صلی الله علیه وآله
وسیله شفاعت سازد بحضرت حق جل و علا و سه بار بگوید بسم الله
الرحمن الرحیم اخرج علیک یا وجع من عین انس وعین جن اخرج علیک

بالذی اتخذ ابرهیم خلیلا وکلم موسی تکلیما وخلق عیسی من روح القدس
لما بدات وطفیت کما طفیت نار ابرهیم باذن الله **نماز از برای پیدا**
شدن گم شده نقلست از امیر المؤمنین علی علیه السلام که دو رکعت نماز
بگذارد و در هر رکعتی سورهٔ یس بخواند و چون فارغ شود از نماز دستها
بردارد بجانب آسمان و بگوید اللهم راد الضالة والهادی من الضلالة
صل علی محمد وآل محمد واحفظ علی ضالتی وارددها الی سالمة یا ارحم الراحمین
من فضلک وعطائک یا عباد الله فی الارض فانها ردوا علی ضالتی
فانها من فضل الله وعطایه وهمچنین منقولست از آنحضرت که فرموده
که بخواند اللهم لا اله الا انت لک السموات ولک الارض وما بینهما فاجعل
الارض علی کذا اضیق من جلد جمل حتی تمکننی منه انک علی کل شیء قدیر
ومنقولست در روایتی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که
فرمود که هر کس که بندهٔ او بگریزد آیة الکرسی مدور بر کاغذی نویسد
و در میان این دعا را بنویسد اللهم السماء لک والارض لک وما بینهما
لک فاجعل ما بینهما اضیق علی فلان من جلد جمل حتی ترده علی
به واین دعا را بخواند وآن کاغذ را به محلی که آن گریخته خوابگاه داشته
دفن کند وسنگی بر بالای آن نهد وهمچنین بنویسد وبخواند اللهم

انت جبار

انت جبار فی السماء وجبار فی الارض وملک فی الارض واله فی
السماء واله فی الارض رد الضالة وتهدی من الضلالة رد علی فلان
ضالته واحفظ **از برای دفع تب** بسم الله ذی العرش والکبریاء والنور
بر سه کاغذ پاره بنویسید چنانکه بتوان خواند بقلم باریک وآن کاغذها
به چه مدور وصاحب تب هر روز بناشتا یکی از آن بخورد نافع
باشد مجربست وهمچنین بر یک وصلهٔ قند بنویسد عدمت باذن الله
وبر یکی دیگر حدثت باذن الله وبر یکی دیگر سکنت باذن الله وصاحب
تب هر روز بناشتای یک وصله از آن قند بخورد وهمچنین بنویسد بر
راست صاحب تب بسم الله یا حی الماضیة المستقضیة بالذی فی السماء
عرشه وبالذی کلم موسی تکلیما واتخذ ابرهیم خلیلا وبعث محمدا بالحق
نبیا کما خرجت من العظم الی اللحم ومن اللحم الی الجلد ومن الجلد الی الارض
فیسکن فیها ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی
محمد وآله وسلم تسلیما وهمچنین بنویسد بر کاغذی وبر ریسمانی ببندد و هفت
گره بر آن ریسمان زند واین آیات را بسم الله الرحمن الرحیم وبالحق
انزلناه وبالحق نزل وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
یا نار کونی بردا وسلاما علی ابرهیم واراد وا به کیدا فجعلناهم الاخسرین

یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن اسکن بقدرت الجبار العظیم
و بقدرت المنان الکریم و قل اعوذ و کوزه نیز بنویسد و بر هر گره فاتحه
بخواند و این تعویذ بدین وجه بر سر صاحب بند و شفا یابد و همچنین
روایتست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود که
حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم تب دار شد جبرئیل علیه السلام
نزد آنحضرت آمد و گفت بسم الله ارقیک یا محمد بن عبد الله علیه السلام
بسم الله اشفیک بسم الله من داء یعنیک بسم الله و الله شافیک بسم
الله خذها فلیهنیک بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرا
ان باذن الله منقولست از حضرت امام رضا علیه السلام که
فرموده که کنیزکی که نزد من بود و منزلتی داشت بمن شکوه کرد
از تب من در خواب شدم شخصی را دیدم که آمد و بمن گفت بگو با کنیزک
که بگوید یا رباه یا سیداه صل علی محمد علی نبیه و اکشف عنی ما اجد که بدیه
که فلان بن فلان از آتش تب باین خلاص شد و همچنین منقولست
از آنحضرت که سه روز در روز اول بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم
لا تخف انک انت الاعلی و در روز دوم بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف
نجوت من القوم الظالمین و در روز سوم بسم الله الرحمن الرحیم

الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین و چهار روز بخورد شفا یابد
نقلست از حضرت امام علیه السلام این تعویذ بجهه تب



فصل چهارم افسونها از برای بیماری روایت از
ایمه علیهم السلام که بنویسد بر ورق آهو و بر صاحب
تب بندد اللهم انی اسئلک بعزتک و قدرتک و سلطانک و ما احاط
به علمک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان لا تسلط علی فلان بن فلان
شیئا مما خلقت بسوء و ارحم جلده الرقیق و عظمه الدقیق من فوره الحریق
یا ام ملدم یا اکلة اللحم و شاربة الدم حرها و بردها من جهنم ان کنت
آمنت بالله الاعظم ان لا تاکلی الفلان بن فلان لحما و لا تمصی له دما
و لا تنهکی له عظما و لا تؤذی علیه غما و لا تهیجی علیه صداعا و ان تنقلی عن شعره
و بشره و لحمه و دمه الی من زعم ان مع الله الها آخر لا اله الا هو سبحانه
و تعالی عما یشرکون **افسون از برای تب یومی** بنویسد بر کاغذ و بر ریسمان
بندد و از جانب راست ریسمان چهار گره کند و از جانب چپ سه گره
کند و بر گردن صاحب تب بندد این دعا را اعیذه بما استعاذ به
موسی و ابرهیم و محمد صلی الله علیه و اله من الحمی و النافض و الغب و العتیق
و الربع و الصداع اللهم کما لم تلد مریم بنت عمران غیر عیسی فلا تذر علی هذا

الانسان من هذه الاورام و الاوجاع الا زعته عنه فلا اقسم بما تبصرون
وما لا تبصرون انه لقول رسول کریم اقسمت علیک لما ترکته و لا تاخذه
ه و سورة قل هو الله و قل اعوذ ها بخواند بعد از ان بگوید اللهم اشف
فلان بن فلان من حمی دیومین و ثلثه ایام و حمی الربع فانک تفعل
ما ترید و تحکم ما تشاء و انت علی کل شی قدیر بسم الله کتبت و بسم الله ختمت
و علیه توکلت و هو رب العرش العظیم و لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم و همچنین ریسمانی از پنبه هفت تاری بسازد و فاتحه و قل
هو الله و قل اعوذ ها بران خواند و هفت گره بران کند و بر گردن
صاحب تب بندد و بعضی گفته اند بر هر گرهی این سورها بخواند و همچنین
حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله فرموده که هر کسی که تب داشته باشد
سه روز غسل کند در هر وقت غسل بگوید بسم الله اللهم انی انما اغتسلت
التماس شفائک و تصدیق نبیک البته شفا یابد و همچنین نقل کرده ابن
عباس رضی الله عنه از حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله که گفته
که حضرت نبی ما را بجهة دفع درد و تب و درد سر تعلیم میداد بسم الله
الکبیر اعوذ بالله العظیم من شر کل عرق نعار و شر حر النار و هر که گوید
دست بردارد و بگوید بسم الله و بالله محمد رسول الله اعوذ بالله و قد

علی ما یشاء من شر ما اجد حرز حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله بجهة
حضرت فاطمه علیها السلام خاصه از برای او و از برای هر مومنی
که اقرار بحق داشته باشد و له ما سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع
العلیم یا ام ملدم ان کنت امنت بالله العظیم و رسوله الکریم فلا تهشمی
العظم و لا تاکل اللحم و لا تشربی الدم اخرجی من حامل کتابی هذا الی
من لا یومن بالله العظیم و رسوله الکریم محمد و علی فاطمة و الحسن و الحسین
علیهما السلام برای تب ربع نقل میکنند ابو عبد الله علیه السلام
که شخصی نزد حضرت امام رضا علیه السلام آمد حضرت امام بدو گفت
چیست ترا که رنگ تو زرد است گفت ربع مرا تشویش میدهد پس آن
حضرت دوات و قلم طلب فرمود و نوشت بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله و بالله ابجد هوز حطی عن فلان بن فلان باذن الله بعد از ان
در آخر آن کاغذ هفت نوبت خاتم سلیمان پیغمبر را نقش کرد و بعد از ان
پیچید و ریسمانی طلب فرمود که آب دهن بدان نرسیده باشد ریسمان
آوردند گرهی بران زد و نزدیک دهن خود آورد و از یکجانب چهار
گره بدان زد و بر هر گرهی فاتحة الکتاب و معوذتین و قل هو الله احد
و آیة الکرسی خواند و بر جانب دیگر پنج گره زد بهمان دستور بر آن

کرسیها خواند و بدان شخص داد و فرمود که بر بازوی راست خود بندد
و آیة الکرسی بخوان و خاتم سلیمان بنویس و با آن جماع مکن و در بعضی
روایتست که کاغذ را پچید و ریسمانی طلب کرد ریسمان تر آوردند فرمود
ریسمان خشک بیاورید گرهی بر میان آن ریسمان زد و بر جانب
راست آن چهار گره زد و بر جانب چپ سه گره و بر هر گرهی فاتحة
الکتاب و معوذتین و قل هو الله احد و آیة الکرسی خواند بعد از آن
بآن شخص داد و فرمود که بر بازوی راست بند و با آن جماع مکن
و همچنین نقل کرده ابو زکریای حضرمی که حضرة ابو الحسن علیه السلام
فرمود که بجهت ربع بر دست راست بنویسد بسم الله جبرئیل و بر دست
چپ بنویسد بسم الله میکائیل و بر پای راست بنویسد بسم الله اسرافیل
و بر پای چپ بنویسد بسم الله لا یرون فیها شمسا و لا زمهریرا و بر
میان هر دو شانه بنویسد بسم الله العزیز الجبار و همچنین برای دفع
تب بنویسد بر شانه راست بسم الله جبرئیل و بر شانه چپ بسم الله میکائیل
و بر شانه راست بسم الله اسرافیل و بر شانه چپ بسم الله لا یرون
فیها شمسا و لا زمهریرا **از برای دفع تب** سه برگ درخت پستانه
و بانام صاحب تب بر یک برگ طیسوما و بر برگ دیگر احوما و بر برگ

دیگر ابراسوما و بسه نوبت در آب اندازد و بر روایتی دیگر حوما طیسوما
ابرسوما **افسون از برای دفع تب** بنویسد و بر بازوی راست بندد بسم الله
الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین تا آخر سوره بسم الله و بالله
اعوذ بکلمات الله التامات کلها التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما
خلق و ذرأ و برأ و من شر السامة و الهامة و العامة و اللامة و من
طوارق اللیل و النهار و من شر فساق العرب و العجم و من شر فسقة
الجن و الانس و من شر الشیطان و شرکه و من شر کل ذی شر و من
شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم ربنا علیک توکلنا
و الیک انبنا و الیک المصیر یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و ارادوا
به کیدا فجعلناهم الاخسرین یا نار کونی بردا و سلاما علی فلان بن فلانه
ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا تا آخر سوره حسبی الله لا اله الا
هو فاتخذه وکیلا و توکل علی الحی الذی لا یموت و سبح بحمده و کفی
به بذنوب عباده خبیرا بصیرا لا اله الا الله وحده لا شریک له صدق وعده
و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده و لا شیء بعده ما شاء الله لا حول
و لا قوة الا بالله کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی عزیز ان
حزب الله هم الغالبون و من یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم

وصلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین **افسون از برای همه دردها** بعضی گفته اند بجهت درد دندان بسم الله وبالله وصلی الله علی محمد واله الطیبین. صنع الله الذی اتقن کل شی انه خبیر بما تفعلون اسکن ایها الوجع بسکنک بالذی سکن له ما فی السموات وما فی الارض وهو العلی العظیم عزمت علیک ایها الوجع بالله الذی اتخذ ابرهیم خلیلا وکلم الله موسی تکلیما وخلق عیسی من روح القدس وبعث محمد بالحق نبیا لما ذهبت عن فلان بن فلانه الی مدة حیوته ولا تعود الیه

حرز طاهیه ملک نجاشی را درد سر بود حضرت رسول صلی الله علیه وآله این حرز فرستاد واو بر کلاه خود دوخت درد سر او ساکن شد وحرز اینست بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الحق المبین شهد الله تا آخر الله نور وحکمة وعز وقوة وبرهان وقدرة وسلطان ورحمة یا من لا ینام لا اله الا الله ابرهیم خلیل الله لا اله الا الله موسی کلیم الله لا اله الا الله عیسی روح الله وکلمته لا اله الا الله محمد رسول الله وصفیه وصفوته صلی الله علی محمد واله اجمعین اسکن سکنک بما سکن له ما فی السموات والارض وسکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم رخا حیث اصاب والشیاطین تا آنجا که الا الی الله تصیر الامور

افسون از برای درد سر بر ورق نویسد و بریسمان بر سر بندد که بسم الله الرحمن الرحیم الم الله لا اله الا هو الحی القیوم تا آخر آیه که ام الکتاب واخر متشابهات ... منها مذ هو ... و همچنین منقولست از حضرت امام ابی جعفر علیه السلام که فرمود بنویسید بر کاغذی وصاحب صداع بر سر بندد از آنجانب که درد میکند اللهم انک لست باله استحدثناه ولا برب یبید ذکره ولا معک شرکاء یقضون معک ولا کان قبلک اله یدعوه ولا نعوذ به ونتضرع الیه وندعک ولا اعانک علی خلقنا من احد فنشک لا اله الا انت وحدک لا شریک لک عاف فلان بن فلانه وصلی الله علی محمد واهل بیته ودر روایت دیگر اسئلک باسمک الذی قام به عرشک علی الماء ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تشفی فلان بن فلانه من الصداع والشقیقة فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین عددا واسئلک باسمک الذی خلقت آدم وانمت خلقه علیه السلام ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تشفی فلان بن فلانه

از برای درد شقیقه بنویسید این کلمات را بر ورق آهو یا کاغذ اگر مرد باشد بر سر بندد واگر زن باشد میان گره موی سرش بندد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله من الارض الی السماء کان هبط جبرئیل فستقبله الاجزع فقال

این بزید قال اذهب الی الانسان فاکل شحم عینیه واشرب من دمه
فقال بالله الذی لا اله الا هو لا تذهب الی الانسان ولا تاکل
شحم عینیه ولا تشرب من دمه انا الراقی والله الشافی وصلی الله علی
محمد واله وسلم **ازبرای درد چشم** بردارد پنبه وتر کند و بر چشم
نهد وبگوید عین الشمس فی لجة البحر یا نار کونی بردا وسلاما علی ابرهیم
وهمچنین سلیمان بن عیسی گفته که رفتم نزد حضرت امام ابی عبد الله
علیه السلام دیدم که درد چشم عظیم داشت غمناک شدم وبیرون
آمدم روز دیگر نزد آنحضرت رفتم اثری از درد چشم آنحضرت نبود
گفتم جان من فدای تو دی روز درد چشم شما را دیدم غمناک شدم
وامروز آمدم ازان اثری ندیدم چه علاج کردید فرمود تعویذ کردم
بتعویذی که دارم گفتم بمن بگو پس نوشت اعوذ بعزة الله اعوذ
بقوة الله اعوذ بعظمة الله اعوذ بجلال الله اعوذ ببهاء الله اعوذ
بجمع الله اعوذ برسول الله صلی الله علیه واله علی ما اجد واخاف
علی عینی واجده من وجع عینی اللهم رب الطیبین فکشفنا عنک غطاءک
فبصرک الیوم حدید فنظر نظرة فی النجوم فقال انی سقیم وصورکم فاحسن
صورکم ورزقکم من الطیبات فتبارک الله احسن الخالقین یا علی یا عظیم

یاکبیر

یا کبیر یا جلیل یا منیع یا فرد یا وتر یا رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین
وان کنت الا واحد الصلوة فی قبری عمار زقنی فی حاجتی امین یا رب
العالمین **ازبرای خون بینی** بخواند وبنویسد وبه بینی آنکس گیرد که خون از
بینی او آید یا من حل الفیل من تبیک الحرام اسکن دم فلان بن فلانه
یا آب یخ بر سر وپیشانی او ریزد ساکن گردد باذن الله تعالی
ازبرای درد دندان منقولست از سکونی که او نقل کرده از حضرت ابی
عبد الله علیه السلام که گفت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده
که هر کس که از درد دندان بزحمت باشد از موضع سجود خاک بردارد
وبمالد بران موضع که درد میکند وبگوید بسم الله والکافی الله ولا حول
ولا قوة الا بالله وهمچنین حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده
که هر کس که دندان او درد کند کاردی یا برگ خرما بردارد وبمالد بر
محلی که درد میکند وهفت بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و
بالله محمد رسول الله ابرهیم خلیل الله اسکن بالذی سکن له ما فی اللیل
والنهار باذنه وهو علی کل شیء قدیر وهمچنین منقولست از ابن عباس
که گفت حضرت مصطفی صلی الله علیه واله فرموده که هر کس که دندان
او درد کند انگشت خود بران نهد واین آیت را هفت بار بخواند هو الذی

انشاکم وجعل لکم السمع والابصار والافئدة قلیلا ما تشکرون
افسون کرد بآن جبرئیل علیه السلام حضرت امام حسین علیه السلام
که جبلی یا آهنی بر دندان نهد و هفت بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
العجب کل العجب دودة تکون فی الفم تاکل العظم وتنزل الدم انا الراقی والله
الشافی والکافی لا اله الا الله والحمد لله رب العالمین واذ قتلتم نفسا
فادارأتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک
یحیی الله الموتی ویریکم آیاته لعلکم تعقلون و همچنین نقل میکند از مفضل
بن عمر که گفت رفتم نزد حضرت امام ابی عبد الله علیه السلام و درد دندان
داشتم شکایت کردم بآنحضرت پس گفت نزدیک شو بمن نزدیک شدم
بآنحضرت پس انگشت سبابهٔ خود را نهاد بر دندانی که درد میکند [illegible]
چیزی خواند علی العود ساکن شد پس بمن گفت درد ساکن
شد یا مفضل گفتم بلی ساکن شد فرمود من گفتم دوست میدارم که این افسون
را بمن بیاموزی فرمود که حضرت فاطمه علیها السلام نزد حضرت رسول
صلی الله علیه وآله رفت واز درد دندان شکایت کرد آنحضرت
انگشت بزرگ خود بر دندان او نهاد و گفت بسم الله الرحمن الرحیم
اسئلک بعزتک وقدرتک وجلالک وقدرتک علی کل شی ان یا مریم

لم تلد غیر عیسی روحک وکلمتک ان تکشف ما تلقی فاطمة بنت خدیجة من
الضر کله تم الدعا فسکن [illegible] ومازدت علیه شیا بعده
یعنی ساکن شد بآن دعا درد دندان حضرت فاطمه علیها السلام
همچنانکه درد دندان تو شفا یافت و من چیزی بران زیاده نکردم و
همچنین مرویست از عطا که نقل کرده از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام که گفت بآنحضرت شکایت کردم از درد دندان فرمود که
هفت بار بران بخواند بسم الله وبالله اسکن بعزة الله الذی
خلقک فانه قادر مقتدر علیک وعلی الجبال [illegible] حتی یأتی
بیک امره وصلی الله علی محمد وآله اجمعین **از برای درد شکم** مرویست
که شخصی نزد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آمد و گفت درد شکم دارم
گفت زن داری گفت بلی گفت از او چیزی طلب کن که دوست دارد
از مال تا بتو بخشد وبآن عسل بخر وآب آسمان بر او بریز و بیاشام
که بدرستی که حضرت حق در کلام مجید فرموده ونزلنا من السماء ماء
مبارکا یعنی ما از آسمان آب مبارک فرستادیم وهم فرموده یخرج
من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس یعنی بیرون می
آید از شکم زنبور عسل که رنگهای آن مختلفست و شفای مردم در آنست

وهم فرمود و فان طبن لکم عن شی منه نفسا فکلوه هنیئا مریئا یعنی اگر
دوست دارند زنان مر شما را از مال خود پس گوارنده باد شما
را چون زید آنرا پس هرگاه که برکت و شفا و گوارندگی جمع شد شفا
می یابد انشاء الله تعالی راوی گوید چنان کردم شفا یافتم ازبرای
درد تهی گاه و پهلو حضرة رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر کس
که از شما درد تهیگاه داشته باشد دست خود را سه بار بر محل درد
مالد و هر بار بگوید اعوذ بعزة الله و قدرته علی ما یشاء من شر ما
اجد و حضرة امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که دست خود را
بر محل درد نهد و بگوید بسم الله و بالله محمد رسول الله صلی الله علیه
و آله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی ما اجد فی
خاصرتی بعد از ان دست بمالد بر محل درد سه بار و بسم الله بگوید
ازبرای باد شکم یونس بن یعقوب گفته که گفتم بحضرة امام ابی عبد الله
علیه السلام که جان من فدای تو باد دردی در شکم منست فرمود
توحید خدای بگو گفتم چون بگویم گفت یا الله یا ربی یا رحمن یا رب الارباب
و یا سید السادات اشفنی و عافنی من کل داء و سقم فانی عبدک و ابن
عبدک انقلب فی قبضتک و همچنین بگوید بسم الله الذی اتخذ ابرهیم خلیلا

و کلم موسی تکلیما و بعث محمدا بالحق نبیا بعد از ان بگو سه بار یا ریح اخرجی
باذن الله ازبرای علت شکم منقولست از امام موسی کاظم علیه السلام
که فاتحة الکتاب و معوذتین و قل هو الله احد بنویسد بعد از ان بنویسد
اعوذ بوجه الله العظیم و عزته التی لا ترام و قدرته لا یمتنع منها من شر هذا
الوجع و من شر ما فیه و شر ما احذر منه برای درد شکم و دیگر دردها دست خود
بر محل درد نهد و هفت بار بگوید اعوذ بعزة الله و قدرته و جلاله من
شر ما اجد و دست راست خود بر محل درد نهد و بگوید سه بار بسم الله
علی بن عیسی نقل میکند که شخصی بحضره امام حسین علیه السلام از زحیر
شکایت کرد آنحضرة فرمود که چون از نماز شب خلاص شوی
بگو اللهم ما کان لی من خیر فمنک لا حمد لی فیه و ما عملت من سوء فقد حذر
تنیه لا عذر لی فیه اللهم انی اعوذ بک ان اتکل علی ما لا حمد لی فیه او امن
ما لا عذر لی فیه ازبرای درد رحم بسم الله و بالله الذی باذنه قامت السموات
و الارض فان مریم بنت عمران التی لم یضرها وجع الارحام کذلک
یشفی الله فلانه بنت فلانه من وجع الارحام و من وجع عرق الارحام
اسکن اسکن بسم الله الحی القیوم بسم الله المستعان بالله علی ما هو کائن
و علی ما قد کان اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط بکل علما

شیٔ علما که سه عه که ااا عه
عه سه ۹ مه بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله والذین
معه اشداء علی الکفار رحماء تا آخر آجیواعزنت علی پا مع الکلام الا
اجابت هذا الخاتم تعزایم الله الشداد التی تزحق الارواح والاجساد
ولا یبقی روح ولا فواد اجب بسم الله الذی قال السموات والارض
ایتیا طوعا او کرها قالتا آتینا طایعین صلی الله علی محمد وآله الطاهرین
واین را آهسته بخوان **از برای دفع خنازیر ودمل** نقلست که بخوانند بر
پ روز بسم الله و بالله الله اکبر الله اکبر و هو بامرک ان لا یکبر سه دفعه
منقولست از حضرة امام رضا علیه السلام که فرمود که کنیزکی داشتم
و بر کردن او خنازیر بیرون آمد شخصی در خواب نزد من آمد و گفت یا علی
بگو با او که بگوید یا رؤف یا رحیم یا رب یا سیدی بگیر مریم آنحضرت فرمود
که آن کنیز گفت خدای عز و جل آن زحمت را از و برداشت **از برای
دفع پیشاب در خواب** بنویسید بورق آهو و بر آن کس آویزد
هف هف هد هد هف هف هات هات ایاله
کف کف هف هفف هفف سهم مسغر لهم
قل هو الله احد الغالب من حیث یستحسر العدو والبلیس شیخ لبنی آدم

کالذی سجد لادم الملئکة باذن الله کریة بنت کریة و ولد فلان بن
فلان ه ه ه ه ه ه سه دت سه دت بسورة سورة صه صه ختمت
بخاتم سلیمان ابن داود و سه رب العالمین **وهمچنین از برای آن و از
برای رجبنخ آب** بسم الله الرحمن الرحیم من محمد رسول الله النبی الامی
العربی الهاشمی المدنی الابطحی التهامی صلی الله علیه وآله الی من حضر الدار
من العمار اما بعد فان لنا ولکم فی الحق سعة فان لم یکن فاجرا مقتحما او داعی
حق مبطلا او من یودی الولدان و یفزع الصبیان و یبکیهم و یولهم علی القرار
فلتوصوا الی اصحاب الاصنام والی عبدة الاوثان ولیخلوا عن القرآن
فی جوار الرحمن و مخاذی الشیطان و عن ایمانهم الغدار وصلی الله علی محمد
وآله **از برای دفع صرع** شهد الله تا آخر آیه وآیة الکرسی و قل اعوذ
تا آخر سوره ان ربکم الله الذی تا آخر آیه لقد جاءکم رسول تا آخر آیه قل
من یکلوکم باللیل والنهار من الشاع والجن والسحرة قل هو الله الواحد
القهار الیوم تجزی کل نفس بما کسبت لا ظلم الیوم ان الله سریع الحساب
لمن الملک الیوم لله الواحد القهار **برای دشوار زاییدن** مرویست از حضرة
امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود بنویس از برای زن کامی
که دشوار زاید بر ورق یا کاشف اللهم یا فارج الهم یا کاشف الغم و رحمن

الدنیا والآخرة ورحیمها ارحم فلانه بنت فلانه رحمة تغنیها بها عن رحمة
جمیع خلقک تفرج بها کربتها وتکشف بها غمها وتیسر بها ولادتها وتقضی
بینهم بالحق وقیل الحمد لله رب العالمین وهمچنین که زایدن برو دشوار
باشد از آدم یا حیوان بخوانید برو یا خالق النفس من النفس ومخلص النفس
من النفس اخلصه بحولک وقوتک وهمچنین بنویسه بردو وصله سفال
که آب ندیده باشد و در زیر پایهای آن زن که زایدن برو دشوار آن
نهند بدرستی که بر و آسان شود وهمچنین بنویسید این شکل را و بر ران
راست آن زن بندد و بنویسید بر کاغذ و بر ران چپ او بندد ومنها
خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری یا خالق النفس من النفس ومخلص
النفس فرج عنها خالقة سویا باذن الله عز وجل و شکل اینست [illegible]
وهمچنین بنویسید این صورت را بر پشت طبق چوبین و زنی که دشوار زاید
بر بالای آن بنشیند بزودی بزاید و در کتابت آن ابتدا باثنین کند از سطر
بالا بعد از ان بثلثه بعد از ان باربعه بعد از ان بثلثه از سطر زیر بعد از ان
باثنین بعد از ان باربعه تا خاصیت او تمام شود دفع رشته می باشد
بپستانند ریسمانی از پشم شتر که کنده باشند از شتر آنکه بکار رو دنیا مغرا
جدا کنند و معنت گره برو زنند و بهر سر گرهی سه بار فاتحة الکتاب بخواند

اخرج نقش بن [illegible] الخلاص

		٢
٢		٧
	١	٦

والمؤمنین ادارک [illegible]

بسم الله الابد الابد المحصی العدد والقرب لما بعد الطاهر عن الوالد العالی
عن ان یولد الملحد لما وعد العزیز لما عد والقوی بلا مدد ولم یلد ولم یولد ولم
یکن له کفوا احد یا خالق الخلیقة یا عالم السر والخفیة یا من السموات بقدرته
مرخاة یا من الارض بعزته مدحوة یا من الجبال باراداته مرساة یا من
به صاحب الغرق من کل آفة وبلیة وصلی الله علی محمد خیر خلقک واشف
اللهم فلان بن فلانه بشفائک و دوائه بدوائک و عافه من بلائک
قادر علی ما تشاء وانت ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد النبی واله دفع
ورم وجراحت منقولست که گفته اند که کاردی بردارد و بر محلی
که درد میکند از جراحت و غیر آن بمالد و بگوید بسم الله ارقیک من الحد
والحدد ومن اثر العود ومن الحجر الملبود ومن العرق العاثر ومن الورم الآخر
ومن الطعام وحره ومن الشراب وبرده بسم الله فتحت وبسم الله
ختمت بعد از ان کارد بر زمین چون میخ فرو برد از برای دفع لکه
منقولست از حضرة امام رضا علیه السلام که فرمود که نظر کند باول
ستاره که شب بیرون آید و نظر تیز کند و قبضه خاک بردارد و بر آن
محل بمالد و بگوید بسم الله وبالله رایتن ولم ارک سوء عود نظر که الله
یمحی اثرک ارفع ما آیلی دفع لکه که بر بدن میشود خطی بدو دبران کشد

وبعد ازان در وسط آن بنویسد بوما یوما رشاتا تا ادعی اصواتا وی
ترتم السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون وهمچنین
صباح ناشتا بنویسد مرتقیة ترتقیة تحتی تحت الطریق وهمچنین صباح
بنویسد مهر تد فتراسد کسر من کرومن سالا ودخشک باذ بحق الملک
القدوس پس **ازبرای آبله** بنویسد وبر بازوی او بندد که بیرون
نیاید واگر آمده باشد بیشتر ازان بیرون نیاید ببی ببی وبالعرعسه القسه در بهالسه قریه
ایسرا ایسر یا دمس وبالوعه وهمچنین بنویسد شکل چهار در چهار راز
ازیدمس آس برای آبله وبرانکس بندد **برای عقرب ومار**
منقولست از حضرت امام جعفر علیه السلام که فرموده که شب بخواند
بسم الله بسم الله وبالله وصلی الله علی محمد وآله اخذت العقارب
والحیات کلها باذن الله تبارک وتعالی بافواهها واذنابها واسماعها
وابصارها وقوتها عنی وعن من احببت الی صحوة النهار ان شاء الله
تعالی وهمچنین منقولست از آنحضرت که بخواند بسم الله وبالله توکلت
علی الله ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم اجعلنی فی
کنفک وفی جوارک وجعلنی فی حفظک واجعلنی فی امنک وهمچنین از آن
حضرت منقولست که فرموده که جماعتی نزد حضرت رسول صلی الله

١٣	٢	٣	١٦
٨	١١	١٠	٥
١٢	٧	٦	٩
١	١٤	١٥	٤

علیه وآله آمدند واز عقربها شکایت کردند آنحضرت فرمود که در
صباح وشب هفت بخوانند اعوذ بکلمات الله التامات کلها التی لا یجاوزهن
من بر ولا فاجر الذی لا یجهر جاره من شر ما ذرا وبرا ومن شر الشیاطین
وشرکه ومن شر کل دابة الا هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم
وحضرة امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که هر کس که در شب
این دعا بخواند من ضامن اویم که تا صبح از شر عقرب وگزنده ایمن باشد
افسون مار بسم الله الرحمن الرحیم خاتم سلیمان ابن داود واخ اخ
وماسکه ملائکه هبوا سو مار و ایار واوا اقوتی فرادی مرمه بسم الله
وبالله انجاتم چون مار چند بار بخوانند مار بایستد وزبان را بیرون
کند پس ماررا بگیرد واگر خواهد که مار در خانه او در نیاید بنویسد بر
چهار قطعه ودر چهار طرف خانه دفن کند بسم الله الرحمن الرحیم محمد وبمحمد
کها واطوه وبیبوب **ازبرای دفع عقرب** منقولست از حضرت ابی عبدالله
علیه السلام که اسحق بن عمار با آنحضرت گفت که من از عقربها میترسم
آنحضرت فرمود که نظر کن بکواکب بنات النعش بستاره میانه که در
پهلوی آن ستاره خردست که عرب انرا سها گوید ودر هر شب از آن
نظر کن وبگو سه بار اللهم رب اسلم صل علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم

و سلمنا اسحق گفت که من هرگز ترک نکردم در مدة عمر خود الا یکروز
و در آن روز مرا عقرب گزید **از برای دفع عقرب** بنویسد در روز پنجم
از اسفندارمذ ماه در حالتی که وضو باشد و سخن نگوید تا از کتابت فارغ
شود و نگاه دارد عقرب او را نگزد بسم الله تحو قرینه رسه ملحه یحر قفتا
قفطا نقط و همچنین نیز روایت کرده اند از حضرة مصطفی صلی الله علیه
و آله این افسون را بجهة مار که فرمود بنویسند و در سوراخ دیوار خانه
نهند بدرستی که هشتاد و دو نیم شود **افسون کیک** بگوید ایها الاسود الوثاب
الذی لا یبالی غلقا و لا بابا عزمت علیک بام الکتاب ان لا تؤذینی
ولا اصحابی الی ان ینقضی اللیل و یجی الصبح بما جاء به والذی یعرف الی ان
یؤب الصبح بما آب **افسون باز آمدن گریخته** منقولست از امام جعفر صادق
علیه السلام که فرموده بنویسد از برای گریخته در ورقی یا کاغذی
بسم الله الرحمن الرحیم ید فلان مغلولة الی عنقه اذا اخرج یده لم یکد
یریها و من لم یجعل الله له نورا فما له من نور بعد از ان بپیچد در جایی
و در میان دو چوب نهد و در دریچهٔ خانهٔ تاریک اندازد و در جایی که
آن گریخته خواب میکرد **برای تعویذ مرضهٔ بهایم** یعنی مرض که بر سم
مرکب عارض میشود بسبب سنگی که بران می آید قطعهٔ پشم که آب

بران رسیده باشد بردارد و تاب دهد و هفت گره بدان زند و بگوید
خرج عیسی بن مریم علی حمار اقمر لم یدخنس ولم یرمض انا ارقیک والله
عز و جل یشفیک و به بندد در محل مرضه نهد **در دفع سحر** محمد عیسی گفته
که از حضرة امام رضا علیه السلام پرسیدم از سحر گفت سحر حق است
و باذن خدا مضرة میرساند پس هرگاه که سحری بتو رسد دست خود را
بردار برابر روی خود و بخوان بران بسم الله العظیم بسم الله العظیم
رب العرش العظیم الا ذهبت وانقرضت منقولست از امام رضا علیه السلام
از چشم زخم پرسیدند فرمود که چشم زخم حقست پس هرگاه که
چشم زخمی بتو رسد دو دست خود را برابر روی خود بردار و الحمد و قل هو الله
و معوذتین بخوان و دستهای خود بر طرف پیشانی خود بمال که نافعست
باذن الله تعالی منقولست از حضرة امام ابی عبد الله علیه السلام که
از آنحضرة پرسیدند از قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
فرمود که لبید بن اعصم یهودی بر رسول الله صلی الله علیه و آله سحر کرد
حضرة جبرئیل علیه السلام هر دو سوره آورد و طلب کرد حضرة مرتضی
علیه السلام را و ریسمانی که دوازده گره بدان بود بدو داد و گفت
بچاه در رو و چون اندرون چاه روی هر آیتی از ان بخوان و گرهی

ازان بگشای پس حضرة مرتضی علی علیه السلام رفت واز چاه بیرون
آمد حضرة مصطفی صلی الله علیه وآله شفا یافت همچنین بجهة آنحضرة سحر کردند
ودر چاه بنی رزیق انداختند مصطفی صلی الله علیه وآله بیمار شد ودر خواب
بود که دو فرشته آمدند یکی پیش سر آنحضرت ویکی پیش پای آنحضرة
نشستند وبدو خبر دادند که ترا سحر کرده اند ودر چاه بنی رزیق در زیر
سنکی نهاده اند در پوست درخت خرما حضرة مصطفی صلی الله علیه
وآله از خواب بیدار شد حضرة مرتضی علی علیه السلام وزبیر وعمار را
فرستاد وایشان آب آن چاه کشیدند وسنکی دران چاه بود بر
داشتند وپوست شکوفهٔ خرما را بیرون آوردند وموی سر آنحضرت
که در شانه کردن جدا شده بود ویازده کره بران زده بودند وسوزنها
بران فرو برده وچند دندانهٔ شانه دران حالت این دو سوره را
جبرئیل علیه السلام آورد واز نزد حضرة حق سبحانه وتعالی وهر یک
آیه که ازان میخواند یک کره ازان موی کشاده میشد وخفتی در حضرة
مصطفی صلی الله علیه وآله پیدا می شد تا آنکه سورها تمام شد آنحضرت
برخاست چنانکه کویا از بند خلاص شده بود وجبرئیل علیه السلام
میکفت بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله ارقیک من کل شر یوذیک

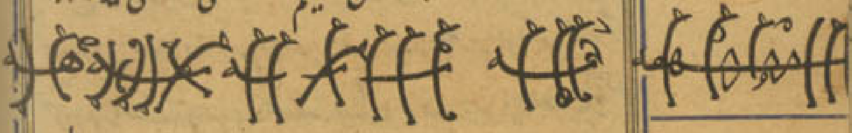
من حاسد وعین والله یشفیک **افسون سحر** بنویسد بر ورق و بیاویزد
بر آنکس که بر وی سحر کرده باشند وقال موسی ما جئتم به السحر ان الله
سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین وآیه فوقع الحق وبطل ما کانوا
یعملون فغلبوا هنالک وانقلبوا صاغرین وهفت بار بکوید سنشد
عضدک تا ومن اتبعکما الغالبون منقولست از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که فرموده که عورتی از حضرة رسول صلی الله علیه وآله
پرسید که من شوهری دارم و تندی وغلیظی دارد ومن عملی کردم
که بر من مهربان شود آنحضرة فرمود که اف لک تجارت وعین تو
بدست و ملائکه زمین وآسمان بر تو لعنت کردند پس آن زن روز
روزه میداشت وشب بیدار می بود وعبادت میکرد و سر خود تراشید
و پوست پوشید خبر بحضرة محمد مصطفی صلی الله علیه وآله رسید
آنحضرة فرمود که این عمل از و مقبول نیست و فرمود که خدا شرک
دانستن بزرکتر از کافریست وسحر وشرک مثل یکدیکرست **افسون**
چشم زخم نقلست از زراره که کفته بدمند در سوراخ راست بینی چهار
بار ودر سوراخ چپ سه بار بعد ازان بکوید بسم الله لا باس
اذهب الباس رب الناس واشف انت الشافی لا یکشف الباس

الا انت و حضرت امام جعفر علیه السلام فرموده که اگر چیزی بر قضا و
قدر پیش می بود چشم زخم می بود و همچنین فاتحة الکتاب بخوانند و بنویسند
بسم الله اعیذ بالله فلان بن فلانه بکلمات الله التامات من شر
ما خلق و ذرا و برا و من کل عین ناظره و اذن سامعة و لسان ناطق
ان ربی علی صراط مستقیم و من شر الشیطان و عمل الشیطان
و خیله و قال یا بنی لا تدخلوا من باب واحد و ادخلوا من ابواب
متفرقة منقولست از معمر بن خلاد که گفته که من با حضرت امام رضا علیه
السلام بودم در خراسان پس امر کرد بمن که جهت او غالیه
بسازم چون ساختم تعجب در ان نظر کرد و او را از ان خوش
آمد پس فرمود که یا معمر بدرستی که چشم زخم حقست بنویس بر رقعه
الحمد و قل هو الله احد و قل اعوذ دو گونه و آیة الکرسی و در غلاف
شیشه نه منقولست از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که فرمود
که چشم زخم حقست هرگاه که از چشم زخم بترسی بگو ما شاء
الله لا قوة الا بالله و بگو که چون یکی از شما نشسته باشد بهیاتی
که بتعجب او باشد هرگاه که از منزل خود بیرون رود قل اعوذ
دو گونه بخواند ببرکت آن هیچ بد بدو نرسد باذن الله تعالی

دفعی

و همچنین آنحضرت فرمود که هر کسی که او را چیزی از برادر خود عجب آید
بارک الله بگوید بدرستی که چشم زخم حقست **تعویذ چشم زخم**
اللهم رب مطر حابس و حجر یابس و لیل دامس و رطب و یابس رد
العین العیان فی کبده و نحره و ماله فارجع البصر هل تری من فطور ثم
ارجع البصر کرتین ینقلب الیک البصر خاسئا و هو حسیر **فصل پنجم**
در بیان احراز حرز امیر المؤمنین علیه السلام از برای کسی که سحر
کرده باشند یا صرع داشته باشد یا خوف زنبر یا سلطان یا شیطان
یا جمیع آنکه مردم از ان ترس داشته باشند و هر کس که بر وی این تعویذ
ببندند دزد و درنده و عقرب و مار و هر چیزی که مضرتی بدو رساند
نرسد و کتابت اینست ای کوش ارس عطیطیطلج یا میططرون
فرمالیوس ما و ماسا ماسو یا طیطا لوش حیطوس شعفیش مشاطعوس
اوطعنوس لطفی کش هذا هذا و ما کنت بجانب الغربی اذ قضینا الی
موسی الامر و ما کنت من الشاهدین اخرج بقدرة الله منها ایها العین
بعزة رب العالمین اخرج منها و الا کنت من المسجونین اخرج منها فما یکون
لک ان تتکبر فیها فاخرج انک من الصاغرین اخرج منها مذؤما مدحورا
ملعونا کما لعنا اصحاب السبت و کان امر الله مفعولا اخرج یا ذی الکرم و

یا منیطرون طرغون فراعون تبارک الله احسن الخالقین یا میا
شرا میا حیا قیوما بالاسم المکتوب علی جبهة اسرافیل اطرد عن صاحب هذا
الکتاب کل جنیة وجنی وشیطان وشیطانة وتابع وتابعة وساحر و
ساحرة وغول وغولة وکل متعبث وعابث یعبث یا ابن آدم ولا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد واله الطیبین



حرحرحرحرحرحرسرحرحلدابل وسرحلدابل
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله سدت افواه الجن والانس
والشیاطین والسحرة والسنة الجن والانس والشیاطین والسلاطین
ومن یلوذ بهم بالله العزیز الاعز وبالله الکبیر الاکبر بسم الله الظاهر
الباطن المکنون المخزون الذی اقام السموات والارض ثم استوی
علی العرش بسم الله الرحمن الرحیم ووقع القول علیهم بما ظلموا فهم
لا ینطقون قال اخسؤا فیها ولا تکلمون وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب
من حمل ظلما وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وجعلنا علی
قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی آذانهم وقرا واذا ذکرت ربک فی القرآن وحده

ولوا علی ادبارهم نفورا واذا قرأت القرآن جعلنا بینک وبین الذین
لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن
خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون الیوم نختم علی افواههم وتکلمنا
ایدیهم وتشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون لو انفقت ما فی الارض جمیعا
ما الفت بین قلوبهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم تعوید امام رضا
بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالرحمن ان کنت تقیا اخسؤا فیها ولا
تکلمون اخذت بسمعک وبصرک بسمع الله وبصره اخذت قوتک وسلطانک
بقوة الله وسلطانه الله الحاجز بینی وبینک بالحجز الانبیاء ورسله
وستر تم من الفراعنة وسطوا تهم جبرئیل عن یمینی ومیکائیل عن
یساری ومحمد امامی والله محیط بی یحجزک عنی ویحول بینک وبینی
بحول الله وقوته وحسبی الله ونعم الوکیل ما شاء الله کان وما لم
یشأ لم یکن وآیة الکرسی نیز بنویسد ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم حرز امیر المؤمنین علیه بسم الله وبالله احترزت بک وتوکلت
علیک وفوضت امری الیک رب انجات ضعف رکنی الی قوة رکنک
مستجیرا بک مستنصرا لک مستغنیا علی ذوی التعزز علی والقهر لی والقوة
علی ضیمی والاقدام علی ظلمی یا رب انی فی جوارک فانه لا ضیم علی جا

رب فاقهر عنی قاهری بقوتک وادمن عنی مستومنی بقدرتک
واقصم عنی ضائمی ببطشک رب واعذنی بعیاذک امتنع عائذک
رب وادخل علی فی ذلک کله سترک ومن یستر بک فهو الامن المحجوب
لا حول ولا قوة الا بالله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک
ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا من یک ذا حیلا فی نفسه او حول
فی تقلبه او قوة فی امره فی شی سوی الله عز وجل فان حولی وقوتی وکل
حیلتی بالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
کل ذی ملک فمملوک لله وکل معتقد قوة ولقدرة الله وکل ظالم فلا محیص
له من عدل الله کل متسلط فنامد لسطوة الله کل شی فی قبضة الله
صغر کل جبار فی عظمة الله ذل کل عنید لبطش الله استنظرت علی کل
عدو و درات فی کل بجرعات بالله ضربت باذن الله بینی وبین کل
مترف ذی سطوة وجبار ذی نخوة ومتسلط ذی قدرة وعات ذی
مهلة ووالی ذی امراة وحاسد ذی صنعة وماکر ذی مکیدة وکل معان
او معین علی بقالة ممنریة او حیلة موذیة او سعایة مشلیة او عیلة مزدة
وکل طاغ ذی کبریاء او معجب ذی خیلاء علی کل نفس فی کل مذهب
واعددت لنفسی وذریتی منهم حجابا بما انزلت فی کتابک واحکمته من

وحیک الذی لا تاتی بسورة من مثله وهو الکتاب العدل العزیز
الجلیل الذی لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم
حمید ختم الله علی قلوبهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة ولهم عذاب
عظیم وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما کثیرا در بعضی روایات
گویند که از برای تب نوشته شده که بسم الله الرحمن الرحیم نور
النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذی خلق النور من النور
وانزل النور علی الطور فی کتاب مسطور بقدر مقدور علی نبی محبور الحمد
لله هو بالعز مذکور وبالفخر مشهور وعلی السرای والضراء مشکور وصلی الله
علی محمد وآله الطیبین واین حرزیست که حضرة فاطمه علیها السلام سلمان
علیه الرحمه تعلیم فرموده و سلمان گفت که بسیاری از مردم مکه ومدینه
که ایشان را تب بود ببرکت این حرز شفا یافتند باذن الله تعالی

باب دوازدهم در نوادر کتاب و در و هفت فصلست فصل اول

در ذکر حقوق حضرة امام زین العابدین علیه السلام فرموده که حق
خدای بر تو آنست که او را بپرستی و هیچ چیز را در عبادت با او شریک
نکردانی هرگاه که چنین کنی باخلاص خدای تعالی امر دنیا و آخرة تو تیر
می آورد و آنرا کفایت میکند و حق نفس تو بر تو آنست که او را در طاعت

خدای تعالی کار فرمایی و حق زبان تو بر تو آنست که او را عادت
دهی بخیر گفتن و ترک زیاده گوییها کنی و فایده نباشد و نیکویی با مردم و سخن
خوب گفتن با ایشان و حق گوش بر تو آنست که آن را از غیبت شنیدن
نگاه داری و از آنچه شنیدن آن حلال نیست و حق چشم بر تو آنست
که آن را از آنچه دیدن آن بر تو حلال نیست بپوشانی و با آن نظر در
صنع خدا کنی و از چیزها عبرت گیری و حق دست تو بر تو آنست
که آن را بچیزی که بر تو حلال نیست دراز نکنی و حق پای تو بر تو آنست
که بدان بجایی که بر تو رفتن بدانجا حلال نیست و بان بایست بر
صراط و نظر کن که نلغزد تا در آتش نیفتی و حق شکم بر تو آنست
که آن را ظرف حرام نکنی و زیاده بر سیری نخوری و حق فرج بر تو آنست
که از زنا نگهداری و آن را از آن نگاه داری که نظر کنند و حق نماز
آنست که بدانی که ترا بجانب حضرت حق سبحانه و تعالی میکشد
و در نماز نزد حضرة حق ایستادهٔ پس هرگاه که دانستی این
را می ایستی در مقام ذلیل خوار حقیر راغب ترسیده امیدوار
متضرع تعظیم کننده کسی را که نزد او ایستادهٔ و باید که بدل متوجه
شوی و نماز را بحدود وی و حقوق وی که هست بجای آوری و حق حج بر

تو آنست که بدانی که ترا بجانب پروردگار تو میکشد و گریختن است
بسوی او از گناهان و درو است قبول توبهٔ تو و ادای فرضی که خدای
بر تو واجب کرده و حق روزه بر تو آنست که بدانی که حجابیست که
خدای تعالی بر زبان و چشم و گوش و شکم تو نهاده است تا بپوشاند
ترا با آن از آتش اگر روزه نگیری پردهٔ خدا را پاره کرده باشی
و حق صدقه بر تو آنست که بدانی که ذخیرهٔ آخرتست نزد حضرة حق
و امانتیست که حاجت بگواه ندارد و تو آنچه پنهانی دهی اعتماد بیشتر آن
که بظاهر دهی و بدانی که دفع بلاها و بیماریها میکند از تو در دنیا و دفع
آتش میکند از تو در آخرت و حق هدی بر تو آنست که بجهت رضای
حق کنی نه بجهت خلق و نخواهی از آن الا که رسیدن برحمت حق جل و
علا و حق سلطان بر تو آنست که بدانی که ترا فتنهٔ او گردانیده اند و اگر
او مبتلاست بسلطانی بر شما و باید که بدی او تعرض نکنی که بدست خود
خود را در مهلکه انداخته باشی و خود با او شریک باشی در آنچه بتو رسد
از بدیها و حق معلم بر تو آنست که تعظیم او و توقیر مجلس او کنی که گوش
بسخن او نیکو کنی و رو به وی کنی و آواز بر وی بلند نکنی و تو جواب کسی را
که از او سوال کند از چیزی الا آنکه خود جواب دهد و در مجلس او با

دیگری سخن نگویی و نزد او غیبت هیچکس نکنی و هر کس که بد او نزد
تو گوید دفع آن از او کنی و اگر عیب داشته باشد پوشانی و اظهار
نیکوییهای او کنی و با دشمنان او ننشینی و با دوستان او دشمنی
نکنی هرگاه که چنین کردی ملکه گواهی میدهند که تو علم از وجهت خدا
آموختی و حق پدر بر تو آنست که مطیع او باشی و از فرمان او در نگذری
الا در چیزی که رضای خدا در آن نباشد که اطاعت مخلوق در معصیت
خالق نتوان کرد و اما حق رعیت بر سلطان آنست که بداند که ایشان
بجهت ضعف خود و قوت او رعیت او شده اند پس واجب باشد
بر او که میانه ایشان عدالت کند و بر ایشان همچون پدر مشفق باشد
و نادانی ایشان ببخشد و زود بر ایشان عقوبت نکند و شکر
خدا کند که خداوند او را بر ایشان غالب گردانیده و حق معلم بر شاگرد
آنست که بدانی که خدای تعالی ترا بر ایشان حاکم ساخته بسبب
علمی که بتو داده است و در خزینهای علم خود بر تو گشوده است پس
اگر نیک تعلیم کردی ایشان را و از ایشان دریغ نداشتی خدای تعالی
زیاده میکند فضل و احسان خود را در باره تو و اگر با ایشان تعلیم
علم نکنی و در وقت طلب از ایشان علم را دریغ داری بر خدای تعالی

لازم میشود که آن علم از تو باز ستاند و ترا از دلها بیندازد و اما
حق زن بر شوهر آنست که شوهر بداند که خدای عز و جل زن را امین
و محل سکون او گردانیده و بداند که این نعمتیست که از جانب حق
سبحانه و تعالی بر او آمده پس باید که گرامی دارد او را و با او نیکو
و مدارا سلوک کند و اگر چه حق شوهر بر او واجب تر باشد اما بر شوهر
که بر او رحم کند بسبب آنکه زن اسیر اوست و نان و جامه شوهر بدو
میدهد و هرگاه که نادانی کند شوهر از او عفو کند و از گناه او درگذرد
و اما حق غلام بر تو آنست که بدانی که او آفریده پروردگار تست
و پسر پدر تو آدم و مادر تو حواست و از خون و گوشت تست ملک
تو نیست از برای آنکه تو او را نیافریده بلکه خدای تعالی آفریده است
و هیچ چیز از دست و پای او و رزق او تو نمیدهی بلکه خدای تعالی
آفریده است و هیچ چیز از رزق او نمیدهد و او را مسخر تو گردانیده و
بامانت بتو داده تا نگاه دارد برای تو آنچه بتو می آید از خیر پس احسان
کن با او همچنانکه خدای تعالی بر تو احسان کرده و عذاب مکن بنده‌ای خدای
تعالی را و اما حق مادر بر تو آنست که بدانی که او ترا برداشته در جایی
که هیچکس بر نداشته و از میوه دل خود بتو داده آنچه آنرا هیچکس

بهیچکس نه بد و تمامی دست و پا و چشم و زبان خود ترا نگهداشته و در
وقت گرسنگی ترا طعام داده و در وقت تشنگی ترا آب داده و
در وقت برهنگی ترا جامه پوشانیده و در وقت آفتاب ترا سایه
برده و بیخوابی کشیده برای تو و ترا از گرما نگهداشته که از برای او با
بدرستی که از عهده شکر آن بیرون نمی آیی مگر بیاری و توفیق خدای
تعالی حق پدر بر تو آنست که بدانی که او اصل تست و اگر نمی بود تو
نمی بودی پس هرگاه که در نفس خود چیزی بینی که سبب عجب و تکبر تو
شود بدانکه پدر تو اصل نعمت تست بر تو پس شکر و ثنای حق سبحانه
و تعالی بجای آور حق فرزند بر تو آنست که بدانی او از تست و بتو
منسوبست در دنیا و آخرت بخیر و شر و انکه از تو پرسش خواهد شد
از حسن ادب تو و رهنمایی او که بجانب حق او را کرده باشی بر
طاعت حضرت حق سبحانه عمل کن در امر او و مثل عمل آنکسی که میداند
که ثواب می یابد بر نیکویی با او و عقاب می یابد بر بدی با او و حق برادر
تو آنست که بدانی که او دست تست و سبب عزت و قوة تست
پس او را سلاح گناه خود مده و ظلم بر بندگان خدای تعالی مگردان
و ترک مکن یاری کردن او بر دشمنان او و نصیحت کن او را اگر اطاعت

فرمان برداری حق کرد خوب و الا خدای تعالی بر و کریم تر است از و
و هیچ قوتی نیست الا بسبب خدای تعالی و اما حق آقا که ترا آزاد
کرده آنست که بدانی که او مال خود را در راه خدا صرف کرده و ترا
خریده و از ذلت بندگی و وحشت بیرون آورده و بعزت آزادی
وانس آن پس ترا مطلق العنان گردانیده و بند بندگی ترا گشوده
و ترا از زندان بیرون آورده و نفس ترا ملک تو گردانیده و ترا از
برای عبادت پروردگار فارغ گردانیده و بدانی که نزدیکترین
مردم در حین حیوة و بعد از مردن اوست و انکه یاری دادن
او بر تو واجبست و هیچ قوتی نیست الا بجانب خدای و اما حق
غلام که آزاد کرده بر تو آنست که بدانی که خدای تعالی آزاد کردن تو
او را سبب نزدیکی بسوی خود گردانیده و حجاب تو گردانیده از
آتش دوزخ و درین دنیا میراث او را عوض آزادی و مالی که در
بهای او دادهٔ بتو داده اگر او را میراث خوارهٔ دیگر نباشد و در آخرت
بهشت بتو داده و حق آنکه با تو نیکویی کرده آنست که شکر او بگویی
و نیکویی که با تو کرده فراموش نکنی و میانهٔ تو و خدا باخلاص دعای
او کنی هرگاه که چنین کنی هم بسر و علانیه شکر او کردهٔ و اگر بروی قادر

باشی که عوض نیکویی او کنی باید که بجای آوری حق مؤذن آنست که
بدانی که خدای تعالی را بتو یاد میدهد و ترا بسوی نفع تو طلب میکند و یاری
میدهد ترا بر ادای آنچه خدای بر تو فرض کرده پس شکر او بکو همچنانکه
شکر میکویی کسی را که با تو احسان و نیکویی کرده باشد و حق پیش نماز
بر تو آنست که بدانی که میانجی و رسولست میانهٔ تو و خدای عز و جل
و از تو بخدای تعالی سخن میکوید و تو از جانب او سخن میکویی و او از
برای تو دعا میکند و تو از برای او دعا نمیکنی و کفایت کرده هول ایستادن
تو نزد خدای تعالی پس اکر نقصانی باشد از و باشد نه از تو و اکر تمام
باشد تو با او شریک باشی و نباشد او را بر تو زیادتی پس تو نکاه
داشته نفس ترا بنفس خود و نماز ترا بنماز خود پس شکر کن او را بر آن
و اما حق همنشین بر تو آنست که نرمی کنی بجانب او و در جواب لفظ او
و انصاف دهی او را و از مجلس بی اذن او بر نخیزی و آنکس که نشیند
نزد تو او را روا ست باشد که برخیزد بی اذن تو و باید که کناهان او فراموش
کنی و نیکویی و خیر او یاد کنی و از و بغیر خیر نشنوی و اما حق همسایه
بر تو آنست که اکر غایب باشد جانب او نکاه داری و اکر حاضر باشد
او را اکرامی داری و اکر مظلوم باشد او را یاری دهی و اکر بدی از و

بدانی بپوشانی و اکر بدانی که نصیحت تو قبول میکند او را نصیحت کنی
در آنچه میانهٔ تو و او ست و او را در سختی نکذاری و اکر لغزشی از و
واقع شود بپوشانی و کناه او را ببخشی و با او هم صحبتی خوب کنی و [illegible]
را قوت نیست الا بسوی خدای تعالی و اما حق مصاحب آنست که با او
صحبت داری بنیکویی و انصاف و کرامی داری او را همچنانکه او ترا کرامی
میدارد و نکذاری که او بر تو بنیکویی سابق آید باید که عوض آن
نیکویی کنی همچنانکه او کرده و اکر معصیتی از و ظاهر شود او را منع کنی و بر او
برحمة باشی و بر و بعذاب نباشی و هیچکس را قوتی نیست الا بسوی
خدای تعالی حق شریک بر تو آنست که اکر غایب شود کفایت مهمات او
را بر آوری و اکر حاضر باشد رعایت او کنی و بی حکم او حکم نکنی و بی مشورت
او نکنی برای خود و مال او را نکاه داری و خیانت در آن نکنی که بدرستی
که برکت خدای عز و جل با شریکانست مادام که خیانت نکنند و هیچ
قوتی نیست الا بسوی حق جل و علا حق مال بر تو آنست که بپستانی
او را از وجه حلال و صرف نکنی آنرا الا در محل حلال و عمل کن در آن
بطاعت پروردکار خود و در آن بخیلی مکن که موجب حسرت و ندامت
و هیچ قوتی نیست الا بسوی خدای تعالی حق فرض دار بر تو است

که اگر مال داری قرض او را ادا کن و اگر مال نداری بسخن خوش
او را راضی کن و بلطف او را از خود دور کن و حق کسی که بمال یا بنان
تو مخلوط باشد آنست که او را بزبان نه اندازی و چیزها بر وی پوشانی
و او را فریب ندهی و از خدای تعالی بترسی در امر او و حق خصم بر تو
آنست که اگر آنچه او بر تو دعوی میکند حقست تو گواه او باشی بر خود
یعنی اقرار بکنی بآن و ظلم بر آن نکنی و حق او را ادا کنی و اگر بر تو دعوی
میکند باطل باشد برفق و نرمی با او سخن کنی و بغضب نروی با حق
تعالی در امر او و هیچ قوتی نیست هیچ چیز الا بسوی حق و حق خصم که بر
و دعوی میکنی آنست که اگر تو در دعوی خود محقی و راست میگویی با او
به نیکویی عمل کنی و حقی که بر تو داشته باشد انکار نکنی و اگر دعوی تو
باطل باشد از خدا بپرهیزی و توبه کنی بسوی او و ترک آن دعوی
کنی و حق کسی که با تو مشورت کند آنست که اگر رای خوبی دانی او را
بدان اشارت کنی و خبر دهی و اگر ندانی بکسی که داند رهنمایی کنی
و حق کسی که او مشورت کنی آنست که اگر رای تو با رای او موافق نباشد
او را متهم نکردانی و بغرض حمل نکنی و اگر رای او با رای تو موافق
باشد شکر و ثنای خدای تعالی بجای آوری و حق کسی که از تو نصیحت

طلبد آنست که نصیحت کنی او را بطریق رفق و مدارا و شفقت و حق
نصیحت کننده بر تو آنست که مطیع او شوی و گوش بسخن او کنی اگر نصیحت
خوب کند و شکر و ستایش حق سبحانه و تعالی بجای آوری و اگر موافق
نگوید و دران متهم نباشد و دانی که خطا گفت او را بدان مواخذه مکن
مگر آنکه متهم باشد و محل اعتماد نباشد و اعتماد مکن هیچ چیز از امور او الا بسوی
حق جل و علا و حق پیر بر تو آنست که او را بجهت حرمت سال او تعظیم
کنی و او را بزرگ دانی بجهت آنکه پیش از تو با سلام درآمده و با او معامله
و مخاصمه نکنی و در راه در و تقدم نکنی و پیش او نشینی و او را نادان
نشمری و اگر نادانی با تو کند تحمل کنی و او را گرامی داری بجهت حق اسلام
و حرمت آن و حق کودک بر تو آنست که رحم کنی بر او و در تعلیم او
و اگر گناهی از و صادر شود عفو کنی و پردهٔ عفو بر وی پوشانی و با او بنیکی
سلوک کنی و یاری دهی او را و حق کسی که از تو چیزی طلبد آنست که
بقدر حاجت او با او چیزی دهی و حق کسی که از تو چیزی طلب نمایی
آنست که اگر چیزی بتو دهد شکر آن بگذاری و قدر آن بدانی و اگر
چیزی ندهد عذر او را بقبول کنی و حق کسی که خوشحال کند خدای
تعالی ترا بپاداو آنست که اول حمد و سپاس خدای تعالی بجای آوری

بعد از ان شکر او بکنی و حق آنکس که با تو بدی کرده باشد که سنت
از کناها سنت واکر دانی که اکر از کناه او بکذری ترا مضرت میدهد
یاری یابی **فصل دوم** در انها که پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی فرموده
ثابت شده بروایت امام جعفر صادق علیه السلام که پیغمبر صلی
الله علیه و آله نهی فرموده از طعام خوردن بر جنابت که موجب درویشی است
و از ناخن بدندان چیدن و مسواک در حمام کردن و در مسجد آب
دهان انداختن و خوردن طعامی که از خورش موش باز مانده باشد
و از گذشتن در مسجد الا آنکه دو رکعت نماز بگذارند و نهی فرموده از
پیشاب در زیر درخت میوه دار و در میان کوچه و از خوردن
طعام بدست چپ و تکیه کرده و از اندود کردن قبر بگچ و نماز کردن
در مقابر و آنکه شخص راه رود بیک کفش و از نوحه و فریاد کردن
در مصیبت و گوش بآن کردن و از سیاه کردن قرآن بآب دهان
و همچنین نوشتن بآن و از خواب دروغ گفتن بعد که بجزای آن در
قیامت عذابش کنند که بر دانه جو گره بزن و نهی فرموده از صورت
ساختن که در قیامت عذابش کنند که روح دران دمد و نتواند و
از آنکه جانور را باتش بسوزانند و از سخن بسیار گفتن در وقت

جماع و از سخن گفتن زن با غیر محرم بیشتر از پنج سخن که ضرورت باشد
و از حکایت کردن زن با زن دیگر بانچه میانه او و شوهر گذشته باشد
در خلوت و نهی فرموده از بازی کردن نرد و شطرنج و تمام آلات
مناهی و زدن تنبک و نواختن عود و طنبور و از غیبت کردن
و شنیدن و دعوت فاسقان قبول کردن و طعام ایشان
خوردن و سوگند بدروغ یاد کردن که موجب خرابی مملکت است و از
حاضر شدن بر خوان شراب و بر خوان طعام که در انجا شراب باشد
و از رفتن بحمام بازن خود و از رفتن بحمام بی فوطه و از گفتن سخن
که دران یاد خدا نباشد و نهی فرموده از خوردن میوه پیش از آنکه
پخته و رنگین شود و فرموده لعنت خدا بر شراب است و آنکس که درخت
انگور بقصد آن بنشاند و فشارنده شراب و ساقی آن و خورنده
آن و فروشنده و فرموده که هر کس که شراب بخورد نماز او قبول
نیست چهل روز و اگر بمیرد و در شکم او شراب باشد عذاب کنند
باشامیدن چرکها که از مردم دوزخ جدا باشد و از فرج زناکار
و نهی فرموده از نماز کردن در راهها و در خانها و جایها که شتر
می بندد و بر بام کعبه و از داغ کردن روی چهار پای و از سوگند

خوردن و یاد کردن غیر خدای تعالی هر که سوگند یاد کند بغیر خدا
اورا از خدا نصیبی نباشد و از سوگند یاد کردن بیک سورهٔ قرآن
واگر چنین کنند بهر یک آیه کفارت یمین لازم آید و نهی فرموده
از نشستن در مسجد بجنابت و برهنه بودن در روز و شب واز
حجامت کردن در روز چهارشنبه و جمعه و از سخن گفتن در وقتی که
خطبه خوانند در روز جمعه واگر سخن گویند همچنانست که نماز جمعه نکرده اند
ونهی فرموده از شعر خواندن در مسجد و شمشیر کشیدن بر کسی در مسجد
وازدن در روی چهارپای و از نگریستن در عورت مردم واز
نگریستن زن در عورت زن ونهی فرموده از نقش کردن جانوران
در نگین و از خوردن آب که چون چهارپایان دهان در آب کنند
بلکه بدست بیاشامد و از آب دهن در چاه انداختن و از آنکه کسی را
در کار دارد و مزد کار او بدهد و از دوری از دوستان مگر مرد حبس
باشد و تا سه روز دوری توان کرد اگر ضرورت باشد و از زر و
طلا بطلا که بیش باشد و فرموده که کسی که خانه بسازد زیاده از قدر
حاجت بریا و سمعة بر پا دارد روز قیامت بگردن او کنند تا هفت
طبقهٔ زمین و فرموده که کسی که ظلم کند مزد مردی که بجهت او کاری

کرده باشد نه بوی بهشت نه چند باآنکه بوی آن از پانصد سال
راه میرود و هر که قرآن خوانده باشد و بعد از آن فراموش کند
بهر آیه یکبار بگردن او کشند در دوزخ مگر حق تعالی اورا بیامرزد و
هر کس که قرآن خوانده باشد و حرامی بخورد و یا میل بدنیا کند بعقاب
خدا مبتلا شود مگر توبه کند و هر که زنا کند و بی توبه بمیرد حق سبحانه
و تعالی سیصد سوراخ در قبر او پیدا کند که مار و عقرب بیرون آیند
و اورا گزند و سوزند تا روز قیامت و چون از گور برخیزد مردم از
بوی بد او در عذاب باشند و فرموده حضرت رسول صلی الله
علیه و آله که کسی که راضی نباشد برزقی که خدای تعالی بدو داده باشد
و شکوه کند و صبر نکند عمل حسنهٔ او مقبول نشود و خدای عز و جل
ازو بخشم شود مگر که توبه کند و فرموده که کسی که ظلم کند در مهر
زن خود همچنانست که زنا کرده و در روز قیامت از ثواب و عملهای
آنکس بزن دهند بمقدار حق او و اگر ثواب نداشته باشد بدو
میفرستندش ونهی فرموده از پنهان داشتن گواهی که نزد
او باشد که بروز قیامت در میان خلایق عذابش دهند که گوشت
تن خود خورد و فرموده که هر کس که بدی بهمسایه رساند

بوی بهشت نشنود و بدوزخ رود و اگر حق همسایه بجای نیاورد
از ما نیست و فرموده پیغمبر صلی الله علیه و آله که دایم جبرئیل علیه السلام
وصیت بمن میکرد در رعایت همسایه بوجهی که گمان شد که همسایه
میراث میبرد و همچنین وصیت میکرد برعایت حق غلام و کنیز بنوعی
که گمان من شد که تعیین وقتی میکند که آن وقت میرسند آزاد
میشوند و وصیت می نمود به بیداری شب بنماز بوجهی که بهترین امت
من خواب نخواهند کرد و همچنین رسول صلی الله علیه و آله فرموده
که هر کسی که بفقیر مسلمان خواری کند چنان باشد که با حق
خواری کرده باشد و در روز قیامت حق تعالی برو خواری فرماید
مگر توبه کند و فرموده پیغمبر صلی الله علیه و آله که چون کسی را بمهمی
و مشغولی بخوانند و او اجتناب کند از پس خدا او حرام نکند الله
تعالی از آتش دوزخ و از سختی روز قیامت نگهداره و بستانهای
بهشت که باو وعده شده بوی دهد و هر کس که برو عرض کند
چیزی از دنیا و آخرة و اختیار دنیا کند او را نیکی نباشد در قیامت
که بآن از آتش دوزخ رستگار شود و اگر اختیار آخرة کند
و دنیا بگذارد خدا ازو راضی باشد و گناه او آمرزیده باشد و

هر کس که چشمان او از حرام پر باشد در روز قیامت پر شود از آتش
مگر که توبه کند و باز گردد و فرمود که کسی که دست بروی دست زنی بنهد
که برو محرم نباشد مستحق عذاب خدا باشد و کسی که در بر گیرد زنی بحرام
او را با شیطان بیک زنجیر در دوزخ اندازند و کسی که در خرید و فروخت
با مسلمانی غش و نا راستی کند از ما نیست و در روز قیامت با یهود و آن
حشر کنندش و نهی فرموده از آنکه کسی از همسایه چیزی چند باز گیرد
که در عادت همسایگان بیکدیگر مدد میکنند مانند نمک و آتش و هر کس
که باز گیرد حق تعالی ازو باز گیرد و حالش سخت میشود و او را بخود وا
می گذارد و هر کس که طبانچه بر روی مسلمانی زند در قیامت استخوانهای
اعضای او از هم جدا کرده و غل در گردن بدوزخ برد مگر آنکه توبه کند
و هر کس که خشم از گناه شخصی فرو برد با آنکه تواند سزای او بدهد حق
سبحانه و تعالی ثواب شهیدی باو کرامت فرماید و همچنین فرموده
پیغمبر صلی الله علیه و آله که کسی که خیانت کند در امانت و بصاحب نرساند
و بمیرد مرده باشد بغیر ملت من و حق سبحانه و تعالی ازو بخشم باشد
و هر کس که گواهی بدروغ بدهد بزبانش بیاویزند با منافقان در درک
اسفل دوزخ و کسی که بخرد آنچه خیانت کرده اند و داند که خیانت

کننده دارد و هر کس که باز گیرد از برادر مسلمان حق او را
حق تعالی برکت رزق بر وی حرام گرداند مگر که توبه کند و فرموده که
کسی که بشنود سخن فحش و شهرت دهد گناه او بعدد گناه آنکس باشد
که فحش گفته و فرموده که کسی که با وی محتاج شود مسلمانی در قرض و او قرض
تواند داد و ندهد بوی بهشت بر وی حرام شود و کسی که به بدخوی زن
صبر کند بجهة ثواب الله تعالی او را ثواب شاکران کرامت فرماید
و کسی که گرامی دارد برادر مسلمان را خدا گرامی دارد او را و همچنین
فرموده پیغمبر صلی الله علیه و آله از آنچه کسی را امامت کند در نمازی
برخصت ایشان و اگر امامت کند برخصت ایشان و قرائت و
رکوع و سجود نیکو نماید و ایشان راضی باشد او را مقدار ثواب
جماعت باشد بی آنکه چیزی از ثواب ایشان کم شود و فرموده که
کسی که حاجتی از حاجات دنیوی محتاجی بر آورد و یا در آن سعی کند
رحمة خدا باو رسد و از نفاق و آتش دوزخ رستگار شود و کسی
که رخنه شود بگشاید و روزه و شکوه نکند در روز قیامت با ابراهیم
خلیل علیه السلام باشد تا از صراط چون برق درخشان بگذرد و
که سعی کند در حاجت خسته از تمام گناهان پاک شود اگرچه آن خسته

از مردم خورش باشد و فرموده که کسی که بر دارد از مؤمنی
زحمتی از زحمتهای دنیوی الله تعالی از او بر دارد هفتاد و دو زحمت
از زحمتهای اخروی و کسی که باطل کند حق صاحب حق با آنکه ادا
تواند کرد و آن را در هر روزی مقدار گناه عشاری باشد و فرموده که حق
سبحانه و تعالی فرموده که من حرام کرده ام بهشت را به بخیلان
و سخن چین و منت نهنده و فرمود که کسی که صدقه کند به یک درهم
مقدار کوه احد از نعمت بهشت بوی دهند و کسی که سعی کند در رسانیدن
صدقه بمحتاجی ثواب او بقدر ثواب صاحب صدقه باشد و کسی که نماز
گزارد بر میت بر او نماز گذارند هفتاد ملک و از گناهان پاک شود و اگر
بایستد تا او را بخاک دفن کنند بهر یک گام قیراطی ثواب بوی
دهند و قیراطی مقدار کوه احد است و کسی که اشکش ریزد و چشمانش
از ترس خدا او را باشد بهر یک قطره قصر مرصع زیبا که هیچ چشمی
ندیده باشد و فرمود که کسی که بمسجد رود و بطلب جماعت نماز او را بهر
گام هفتاد هزار حسنه بدهند و هفتاد هزار درجه بلند کنند و اگر
در آن بمیرد حق سبحانه و تعالی هزار ملک تعیین کند که پس او
کنند در قبر او و انیس او باشند و طلب آمرزش او کنند و کسی

که بانگ نماز گوید بجهت خدای طمع او را ثواب چهل هزار شهید باشد
و در شفاعت با او داخل باشد و موذن چون بگوید اشهد ان لا
اله الا الله هفتاد هزار ملک طلب آمرزش برای او کنند و در روز قیامت
در سایه عرش باشد تا حق تعالی از حساب خلایق فارغ شود و چهل
چهل هزار ملک ثواب اشهد ان محمدا رسول الله مینویسند و کسی که
حضور در صف اول جهة در یافتن تکبیر اول از نماز جماعت رعایت
کند او را ثواب موذنان باشد در دنیا و آخرة و کسی که پیشوای حاجی
کند در تقسیم اخراجات و تعیین حالات ایشان در روز قیامت دستهای
او بغل او پیوسته باشد بر گردن پس اگر راستی و سویت میان ایشان
بحق نموده باشد حق تعالی او را خلاص کند و اگر در آن ظلم کرده باشد
با آتش دوزخ در رود و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که گناه حقیر مدانید
و اگر چه اندک باشد در نظر شما و بسیار مدانید خیر و نیکی را و اگر چه
بزرگ باشد در نظر شما پس بدرستی که گناه اگر بر آن مصر میشوند
کوچک نیست و اگر توبه میکنند بزرگ نیست منقولست از امام جعفر که
این حدیث منقولست از خط حضرة امیر المؤمنین و امام المتقین اسد الله
الغالب علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام باملای رسول

خدا صلی الله علیه وآله وسلم **فصل سیوم** در وصیت حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه وآله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند
که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله مرا گفت یا علی وصیتی
چند میکنم ترا یاد گیر و فراموش مکن یا علی آنکس که فرو خورد خشم
خود را و او قادر باشد بر آنکس که خشم بر و کند و نکند حق سبحانه و
تعالی در روز قیامت ایمنی و امانی او را کرامت کند که لذت آن
از همه لذتها نیکوتر باشد یا علی آنکس که وصیتی نکند در وقت مرگ
ناقص باشد در مروة و محروم باشد از شفاعت یا علی افضل جهاد آنست
که کسی که صباح کند و قصد نکرده باشد ظلم و جور و بدی هیچکس را یا علی
آنکس که از زبان و بد گفتن او ترسند از اهل آتشست یا علی بدترین
مردم آنکس است که مردم او را گرامی دارند و حرمت دارند تا بدیشان
شری و بدی نرسد یا علی بدترین مردم آنکس است که بفروشد آخرة
خود را بدنیای خود و بدترین ازین کسان آنکس که فروشد آخرة خود را
بدنیای مردم یا علی آنکس که قبول نکند عذر آنکس را که عذر گوید و طلبد
عجز کند خواه او صادق باشد در عذر گفتن یا کاذب محروم باشد از
شفاعت من یا علی بدرستی که حق تعالی دوست دارد دروغ را

که جهت صلاح مومنانست و دشمن دارد کسی را که فساد حال
مومنان کند یا علی آنکس که ترک کند خمر خوردن را از جهت غیر الله تعالی
آب دهد خدای تعالی او را از شراب خالص پاک مهر کرده حضرت امیر المومنین
علیه السلام فرمودند با وجود آنکه از برای غیر خدا ترک کرده باشد
فرمود نعم بحق خدا با آنکه نفس او را مضرت رسد و خدای تعالی
او را ازین جزا میدهد یا علی شارب خمر همچون بت پرست است یا علی قبول
نمی کند الله تعالی نماز شارب خمر تا چهل روز و اگر در چهل روز بمیرد
کافر مرده باشد یا علی هر مست کننده حرامست و آنچیزی که بسیار
مست نکند هم حرامست اگر چه یک مثقال باشد یا علی همه گناهان
در یک خانه است و کلید آن خانه شرابست یا علی بر شارب خمر می
آید ساعتی که نمیشناسد خدای خود را یا علی بدرستی که خراب کردن
کوههای بلند آسان تر است از خراب کردن پادشاهی شخصی که
هنوز خرابی سلطنت او نشده باشد یا علی آنکس که پیش گیرد بدین خود
و دنیای خود پس هیچ چیزی نیست از برای تو در نشستن با او و آنکس
که هر جا نگوید و امام نداند دوست مدار تو او را هر جا نگوید و دوست
مدار که او را اکرامت نیست یا علی سزاوار است آنکه باشد در مومن

هشت خصلت اول وقار و تمکین نزد اضطرار دوم صبر نزد بلا سوم
شکر نزد آسایشها و رسیدن بنعمتها چهارم قانع شدن بآنچه
خدای تعالی باو داده است پنجم ظلم نکند بر دشمنان ششم مشقت
خود بار نکند بر دوستان هفتم مردم از او در راحت باشند هشتم
غیبت نکند مردم را یا علی چهار طایفه اند که دعای ایشان رد نمیشود
اول امام عادل دوم پدر که از برای فرزند دعا کند سیوم مومنی
که دعا از برای مومنی در غایبانه او کند چهارم مظلومی که بر او ظلم شده
باشد یا علی هشت کسند که اگر اهانت کنند ایشانرا ملامت نکنند ایشان
مگر نفس خود را اول کسی که ناخوانده بر مائده و طعام کسی رود دوم
کسی که کد خدایی خانه کسی کند بی گفته او سیوم کسی که از دشمنان خیری
طلبد چهارم کسی که عطیه خواهد از لئیمان پنجم کسی که داخل شود میان
دو کس در سری و رازی که او را داخل نکرده اند در آن راز ششم
کسانی که سبکی کنند با پادشاهان و سخنان بی محل گویند و خبری
گویند که لایق حال ایشان نباشد هفتم کسی که بنشیند در جایی
که لایق او نباشد هشتم کسی که سخن کند با کسی که گوش نکند بسخن او یا
علی حرام شده است جنت بر هر بدکاری که زنی و شعار خود سازد

باشد فواحش را و باک نداشته باشد از آنچه میگوید و آنچه برای
او میگویند یا علی خوش حال کسی که دراز باشد عمر او و عمل او نیکو
باشد یا علی مزاح مکن که مزاح میبرد حشمت ترا و دروغ مگو که دروغ
میبرد نور روی ترا و بر تو باد که احتراز کنی از دو خصلت از تعجیل
و اضطراب و کاهلی بدرستی که اگر تعجیل کنی صبر نمیکنی بر ادای حق
کسی و اگر کاهلی کنی ادا نمیکنی حق کسان را یا علی جمله گناهان را توبه هست بجز
بدخلقی را بدرستی که هر کس که خلق بد دارد هر چند بیرون میشود
از گناهی که داخل میشود در گناهی دیگر یا علی چهار چیز است که عقوبت
او زود می آید یکی مردی که نیکی کرده باشی با او و بجای نیکی تو بدی
کند دوم کسی که بر و جور و ستمی نکرده باشی و او ستم کند با تو
سیوم کسی که با او عهد کرده باشی و با او وفا کرده باشی و او غدر
کند با تو چهارم کسی که قطع رحم کند یا علی آنکس که اضطراب بر و مستولی
شده میرود از و راحت یا علی دوازده خصلتست در طعام خوردن
که سزاوار است مرد مسلمان را دانستن آن چهار فرضست و چهار سنت
و چهار آداب اما فرض آنست که بداند که آن چیز حلالست یا حرام
و بسم الله گفتن و شکر کردن و راضی بودن با آن طعام اما سنت

نشستن بر پای چپ و خوردن به سه انگشت از پیش خود و پاک
کردن انگشتها از زبان اما آداب کوچک برداشتن لقمه و جاویدن
محکم و نگاه نکردن بروی مردمان و شستن دستها پیش از طعام و
بعد از طعام یا علی خلق کرده است خدای تعالی بهشت را از دو خشت
خشتی از طلا و خشتی نقره و ساخته دیوارها از یاقوت و سقف او
را از زبرجد و سنگ ریزه او را از لؤلؤ و خاک او را از زعفران و مشک
اذفر پس فرمود الله تعالی بر جنت گفت لا اله الا الله الحی القیوم
بدرستی که سعادت یافت آنکس که داخل شد در من پس الله
تعالی جل جلاله فرمود که بعزت و جلال من که داخل نمیشود در جنت
شراب خوار و سخن چین و دیوث و شرطی یعنی کاتبان دار القضا
که بناحق چیزها نویسند و مخنث و کورشکاف و تمغاجی و کسی که
قطع صله رحم کند و قدری که میگویند جمیع افعال نیک و بد همه تقدیر
خداست و بنده را در آن دخلی نیست یا علی سوگند بخدا که کافر شدند
از امت من ده کس کشنده مسلمانان بغیر حق و ساحر و دیوث
و جماع کننده زن در دبر یعنی زنی که جماعش بر او حرامست و جماع
کننده بهیمه و آنکس که نکاح کند محرم خود را و کسی که سعی کند در فتنه

وکسی که بعزو شد اسباب حرب را مثل تیر و شمشیر و نیزه و مانند
آن بکافران حربی وکسی که مانع زکوة باشد وکسی که حج بر و واجب
باشد و تقصیر کند و بمیرد و حج در گردن او بماند یا علی سور کردن سنت
مگر پنج چیز یکی در نکاح دوم در تولد سیوم در ختان چهارم در خانه
خریدن پنجم کسی که از سفر مکه آمده باشد یا علی سه چیزست که از مکارم
اخلاقست در دنیا و آخرت اول عفو کردن آنکسی که بر تو ظلم کرده باشد
دوم صله رحم جستن و پیوستن بکسی که از تو بریده باشد از خویشان
و دوستان سیوم حلم کردن باکسی که از جهل ترا آزرده باشد
یا علی غنیمت دان چهار چیز پیش از چهار چیز جوانی پیش از پیری و صحت
پیش از بیماری و توانگری پیش از درویشی و زندگی پیش از موت
یا علی مکروه میدارد الله تعالی امتان من بازی کردن در نماز و منت
نهادن در صدقه و جنب رفتن در مسجدها و خنده کردن میان گورستان
و مطلع شدن در خانها با عورات مردمان و نظر کردن بر فرج زنان
از برای آنکه موجب عمی است و مکروهست سخن کردن در محل جماع
از برای موروث گنگی و لال بودنست و مکروهست خواب کردن
میان شام و خفتن از برای آنکه حرام میکند رزق ترا و کم میگرداند و

مکروهست

مکروهست غسل کردن در جایی که سپاتر نباشد و نیز مکروهست
دخول در آب جویها بی فوطه زیرا که آنجا ملائکه سپا کنند و مکروهست
رفتن بحمام بی فوطه و سخن گفتن در میان بانگ و قامت در نماز صبح
و مکروهست بر کشتی نشستن در وقت اضطراب دریا و مکروهست
خواب کردن بر بالای بام که محجر نباشد و گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که آنکس که خواب کند بر بامی که سپتره نداشته باشد بدرستی که بری
شده است از ذمت و مکروهست خواب کردن در خانه تنها
و مکروهست جماع کردن با زن خود در حالت حیض زیرا که فرزندی
که حاصل میشود جذام داشته باشد و برص پس ملامت نکند
الا نفس خود زیرا که فعل اوست و مکروهست سخن کردن با کسی که
جذام داشته باشد مگر آنکه قدر ذراعی در میانه باشد و پیغمبر صلی
الله علیه و آله فرموده یا علی بگریز از کسی که جذام داشته باشد
آنچنان که میگریزی از شیر و مکروهست جماع کردن با زن خود
در حالی که محتلم باشد و غسل نکرده زیرا که فرزندی که حاصل میشود
مجنون باشد و ملامت نکند مگر نفس خود را زیرا که این کار خود
کرده است و مکروهست بول کردن در کنار آب روان و مکروه

حدث کردن در زیر درخت میوه دار و دیگر دست بخانه تاریک
رفتن بی چراغ یا علی آفت حسب افتخار و سرفرازی کردنست که من
چنین یا علی آنکس که بترسد از خدا بترسد از وی همه چیز و آنکس که از خدا
نترسد بترساند خدا او را از همه چیز یا علی هشت کس اند که نماز ایشان
مقبول نیست یکی غلامی که از خواجه بگریزد تا باز گردد بسوی خواجه
خود دوم زنی که با شوهر خود ناسازگاری کند و شوهر از افعال
او در غضب باشد سیوم کسی که زکوة ندهد چهارم ترک کننده وضو
پنجم کنیزکی که پیش مردمان نماز گزارد بی مقنعه ششم امامی که قوم
ایشان او را مکروه دارند هفتم کسی که مست باشد هشتم کسی که بول
و غایط برو غلبه کرده باشد یا علی چهار کس اند که بنا کرده است خدای
تعالی از برای ایشان خانه در بهشت اول کسی که جا دهد یتیمی را دوم
آنکس که رحم کند ضعیفی را سیوم آنکس که شفقت بر مادر و پدر کند
چهارم آنکس که مدارا کند با غلامان خود یا علی سه چیز است که هر کس
که آنرا بجا می آورد از افضل مردمان باشد اول آنکس که بجای آورد
فرضهای خدای تعالی را پس او عابدترین مردمان است دوم آنکس
دوم آنکس که پرهیز کند از حرامها پس او پرهیزکارترین مردمان

باشد سیوم آنکس که قانع باشد بآنچه خدا باو داده است پس
غنی ترین مردمان است یا علی سه چیز است که طاقت ندارند یکی مواسا
و مدارا و یاری کردن با برادر مؤمن در مال دوم انصاف دادن
مردم از نفس خود سیوم ذکر خدا در همه حال و ذکر خدا آن نیست
که گویی سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر گوید بلکه ذکر
خدا آنست که چون وارد شود بر تو حرامی از خدا بترسی و ترک آن
کنی یا علی سه کسند که اگر انصاف کنی با ایشان ظلم کنند بر تو یکی مردمان
دنی و اراذل دوم اهل تو سیوم خادم تو یا علی انصاف نمیگیرد
سه کس از سه چیز آزاد از بنده عالم از جاهل قوی از ضعیف یا علی
هفت چیز است که هر کس که درو باشد این هفت چیز تحقیق که تمام
کرده است حقیقت ایمان و درهای جنت گشوده است از برای او
اول تمام ساختن وضو دوم نیکو کردن نماز سیوم دادن زکوة
مال چهارم منع کردن غضب خود از مردمان پنجم زبان خود را از بد گفتن
باز داشتن ششم استغفار از برای گناه خود کردن هفتم نصیحت کردن
اهل بیت خود را یا علی لعنت کرده است خداوند عالم سه کس را اول
کسی که توشه خود تنها خورد دوم کسی که در بیابان تنها رود و دوا

رفیق نباشد سیوم کسی که در خانه تنها خواب کند یا علی سه کس اند
که میرسیم از دیوانگی ایشان اول کسی که نجاست کند میان گورستان
دوم آنکس که براه رود و در یک پای او کفش باشد و در دیگری
نباشد دیگر آنکس که تنها میخوابد یا علی سه چیز نیست که نیکوست دروغ
گفتن دران اول کید کردن در حرب با دشمنان دوم وعده دادن
با زنان از جهة صلاح ایشان سیوم از جهت اصلاح میان دو کس
که در میان ایشان عداوت باشد یا علی سه کس اند که مصاحبت
ایشان دل را تباه کرداند و سیاه کند اول نشستن با مردم ارذال
دوم نشستن با مردم غنی سیوم سخن گفتن با زنان یا علی سه چیز است
که از حقایق ایمانست اول انعام کردن بفقرا در مفلسیها دوم انصاف
دادن از نفس خود سیوم علم بمردم تعلیم کردن یا علی سه چیز است
که هر کس را که نباشد تمام نیست عمل او یکی پرهیزکاری که منع کند
این کس را از معاصی دوم خلق نیکو که مدارا کند بسبب آن با مردم
سیوم حلم که اجتناب کند با آن از جاهلان یا علی سه چیز است
که سبب راحت مؤمنست در دنیا یکی ملاقات کردن با برادر مؤمن
دوم روزه کشودن با صایمان سیوم نماز تهجد گذاردن در آخر

شب یا علی نهی میکنم ترا از سه خصلت حسد و حرص و کبر یا علی سه
چیز است که سبب درجات مؤمنست و سه چیز است که کفارات گناهان
این کس است و سه چیز است که سبب هلاک این کس است
و سه چیز است که سبب نجات این کس است اما آن سه چیز که سبب
درجاتست اول تمام کردن وضو در بامدادها دوم انتظار صلوة
بعد از صلوه و رفتن بشب و روز بجماعات اما آن سه چیز که کفارت
گناهان است یکی افشای سلامست دوم طعام دادن سیوم
نماز تهجد گزاردن وقتی که مردمان در خواب باشند اما آن سه چیز
که مهلکاتست یکی بخلی دوم هوای نفس سیوم عجب کردن مرد بنفس
خودش اما سه چیز که سبب نجاتست اول ترسیدن از خداست
در آشکار و نهان دوم میانه بودن در توانگری و درویشی در
جمع کارها سیوم سخن حق گفتن در رضا و غضب یا علی چهار خصلت
سبب شقاوتست خشکی چشم و تیرگی دل و درازی امید بدنیا و دوست
داشتن لغاف یا علی شیرخوارگی نیست کسی را که از شیر باز کردند
و خواب مکن بعد از احتلام یا علی برو دو سپاله راه جهت نیکوئی
کردن بمادر و پدر و برو یک سپاله راه جهت صلهٔ رحم و برو یک

راه جهت پرسش بیماران و برو دو میل راه جهت مشایعت جنازه
و برو سه میل راه جهت اجابت کسی که ترا میطلبد و برو چهار میل را
جهت زیارت برادر مؤمن و برو پنج میل راه جهت کارسازی متحیری
و درمانده و برو شش میل راه از برای یاری کردن مظلومان
و بر تو باد طلب آمرزش کردن از خداوند عالم یا علی مؤمن را
علامتست اول نماز دوم زکوة سیوم روزه و منافق را سه
علامتست گاهی که حاضر باشد تملق میکند و گاهی که غایب شد غیبت
میکند و شادی میکند وقتی که مصیبتی رسد بمؤمنان و ظالم را
سه علامتست اول انکه قهر میکند بر زیردستان خود دوم
انکه گناه میکند بآن کسانی که ازو بزرگترند سیوم انکه امداد ظالمانرا
در ظلم و اهل ریا را سه علامتست اول انکه نشاط میکند در طاعت
نزد مردمان دوم کاهلی میکند در وقتی که تنها باشد سیوم دوست
میدارد که او را مدح کنند در جمیع کارها یا علی منافق را سه خصلت
یکی انکه هرگاه که سخن کند دروغ گوید دوم انکه وعده دهد خلاف گوید
سیوم انکه امانت بدو سپارند خیانت کند یا علی نه چیزست که
فراموشی می آورد یکی خوردن سیب ترش دوم خوردن کشنیز

سوم خوردن پنیر چهارم نیم خوردهٔ موش پنجم کتابهای گور بر
سنگهای قبور نوشته اند ششم از میان دو زن گذشتن هفتم
شپش زنده انداختن هشتم حجامت بر قفای سر کردن نهم بول
کردن در آب ایستاده یا علی عیش مردمان سه چیزست اول
خانهٔ فراخ دوم کنیزک خوش شکل سیوم اسب خوش رفتار
یا علی بخدا سوگند که اگر مردمان رذل و دون مرتبه در بن چاهی باشند
هرآینه حق سبحانه و تعالی برانگیزد بادی که ایشانرا از ان قعر چاه
بیرون آورد و مسلط کند بر مردمان بزرگ و عالی مرتبه در وقتی
که دولت و سلطنت و پادشاهی بر مردمان شریر افتد یا علی
انکس که نسبت خود را بغیر مولای خود کند بر وست لعنت خدا
و انکسی که منع کند مزد مزدوران و اجیران را بر و لعنت خدا و انکس
که مسلمانی را کشد بناحق یا حمایت کند کشندهٔ مؤمنی را بر وست
لعنت خدا یا علی مؤمن انکس است که ایمن باشند مسلمانان ازو
و بر مال خود و خون خود و مسلمان انکس است که بسلامت باشند
مسلمانان از دست و زبان او و مهاجر آنست که دور شود از گناهان
خود یا علی محکمترین ایمان کسی دارد که هرچه دوست داشتنی است

دوست دارد از برای خدا و دشمن دارد هرچه دشمن داشتنی است
از برای خدا یا علی هرکس که مطیع زنش باشد حق سبحانه و تعالی
بروی بکشند او را بدوزخ گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که چه
چیزست اطاعت زن حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود اجازت دادن بحمامات و عروسیات و تعزیتها و پوشیدن
جامهای تنگ بحیثیتی که اندام او تمام نماید یا علی بدرستی که الله
سبحانه و تعالی برده است باسلام تکبری که در میان مردمان
بود در زمان جاهلیت و تفاخر ایشان بپدران خود بدان و آگاه
باش که مردمان از آدم‌اند و آدم از خاک و گرامی ترین ایشان پیش خدا
متقیانند یا علی حرامست بهای چیز مرده و بهای سگ و شراب و مهر
زن زانیه و رشوت گرفتن و اجره کاهن یا علی آنکس که بیاموزد
علم که تفاخر کند بر سفیهان یا جدل کند بر عالمان یا دعوت کند خلق را
بسوی خود که معتقد او باشند و تعظیم کنند پس او از اهل دوزخست
یا علی هرگاه که بمیرد بندهٔ مردم گویند که چه چیز گذاشته ملایکه گویند که چه
پیش فرستاده از عمل صالح یا علی مردن ناگاه راحتست از برای
مؤمن و حسرتست از برای کافر یا علی وحی کرده است الله تعالی

بسوی

بسوی دنیا که خدمت کن کسی را که خدمت من کند و بزحمت انداز
و خدمت مکن آنکس را که خدمت تو کند یا علی اگر چنانچه دنیا را
قدری می‌بود پیش خدا به پر پشه‌ای نمیخورد از دنیا کافر یکدم آب
یا علی هیچکس نیست از اولین و آخرین الا آنکه او تمنا کند در روز قیامت
که کاشکی غیر از قوت هیچ نمی‌بود مرا در دنیا زیادتی یا علی بدترین
مردم آنکس است که راضی نباشد بقضای خدا یا علی ناله مؤمن
تسبیح است و صیحهٔ او تهلیل و خواب او تهلیل و خواب عبادت
و گردیدن از پهلو به پهلو دیگر جهاد است در راه خدا یا علی اگر تحفه
آرند پیش من پای گوسفندی هر آینه قبول کنم و اگر بطلبند از برای بمن
باچه اجابت کنم یا علی بر زنان نماز جمعه نیست و جماعت نیست و نه
و اقامت و عیادت مریض و اتباع جنازه نیست و دویدن میان
صفا و مروه نیست و بوسیدن حجر الاسود و تراشیدن سر
نیست و نه تولیت قضا و نه مشورت کردن بدیشان و نه ذبح
کردن مگر نزد ضرورت و نه بلند گفتن لبیک نزد حج و نه اقامت
کردن نزد قبور و نه شنیدن خطبه و نه وکیل شدن از برای
نکاح و نه بیرون رفتن از خانه بی اذن شوهر پس اگر بیرون رود

بغیر اذن شوهر لعنت میکنند او را خدا و جبرئیل و میکائیل و باید که زن
از خانه شوهر چیزی را بکسی ندهد مگر باذن شوهر و می باید که شب نکند
که شوهرش بغضب باشد اگرچه شوهر او ظلم کرده باشد با او یا علی
اسلام برهنه است و لباس او حیاست و زینت او وفاست
و مروت او عمل صالح است و ستون او ورع است و هر چیزی
را اساسیست و بنیادی و بنیاد اسلام دوستی اهل بیت مصطفی
صلی الله علیه و آله و سلم یا علی بدخلقی شومست و اطاعت کردن
زنان پشیمانی و ندامت یا علی اگر شومی هست در چیزی پس در
زبان زنانست یا علی نجات یافته اند زنکاران از خدا یا علی
آنکس که دروغ بندد بر من بعمد پس مهیا کند جای خود در دوزخ
یا علی سه چیز است که زیاده میکند حفظ را و میبرد بلغم را خاییدن
کندر و مسواک و خواندن قرآن یا علی خواب بر چهار نوع است
اول خواب انبیا علیهم السلام که ایشان بر قفا خواب کنند
دوم خواب مؤمنان که ایشان بر پهلوی راست خواب کنند سوم
خواب کافران و منافقان که بر پهلوی چپ خواب کنند چهارم
خواب شیاطین که بر روی افتند و خواب کنند یا علی نفرستاد

خدای تعالی هیچ پیغمبری را الا آنکه گردانید فرزندان او را از
پشت او و گردانید فرزندان مرا در پشت تو و اگر تو نبودی مرا
هیچ فرزند نبودی یا علی چهار چیز است که شکننده پشت است
اول امام که عاصی شده باشد خدا را و مردم مطیع او باشند
دوم زنی که شوهر محافظت او کند و او با شوهر خود خیانت کند
سوم درویشی که کسی مداوای او نکند چهارم همسایه بد
یا علی بدرستی که عبد المطلب در حالت جاهلیت پنج چیز را سنت و
طریق خود ساخته بود که خداوند عالم آیه قرآن فرستاده
بر طبق آن و آن ثابت ماند اول آنکه جایز نمیداشت که زن پدر
و اجداد خود را بنکاح درآورد و این آیت بر طبق آن آمد و لا
تنکحوا ما نکح آباؤکم من النساء دوم آنکه گنجی یافت و بیرون کرد از
خمس را و بمستحقین رسانید و بر طبق آن این آیه آمد که واعلموا
انما غنمتم من شیء فان لله خمسه تا آخر آیه سوم چون چاه زمزم
کند نام او نهاد سقایة الحاج و بر طبق آن این آیه آمد اجعلتم سقایة
الحاج چهارم دیه انسان که کشند بناحق صد شتر نذر کرده بود
الله تعالی آنرا جاری داشت و تغییر نکرد در اسلام پنجم از برای

طواف عددی معتبر بود پیش قریش پس او معتبر نمود که هفت
بار طواف کنند خدای تعالی جاری داشت آنرا در اسلام و تغییر نکرد
یا علی بت پرستی که عبد المطلب قمار نباخت و بت نپرستید و گوشت
حیوانی نخورد که بنام بتان کشته میشد و میگفت که من بر دین
پدر خود ام ابرهیم علیه السلام گفت یا علی عجب ترین مردمان از روی ایمان
و عظیم ترین ایشان از روی یقین قومی اند در آخر الزمان که پیغمبر را
ندیده اند و حجتها از ایشان پوشیده پس ایمان آورده اند بآنچه
پیغمبر بآن آمده است یا علی سه چیز است که سخت میکند دل را یکی کلام
بی فایده شنیدن دوم صید کردن سیم بدر خانهٔ سلطان رفتن
یا علی نماز مگزار در پوست چیزی که شیر نیاشامند که گوشت او را
نمیخورند و مخور گوشت الحمر را و نماز مگزار در زمینی که دو لشکر در آنجا
جنگ کرده باشند و در زمینی که قوم ثمود و قوم عاد هلاک شده اند
یا علی مخور از تخم مرغ آنچه دو طرفش مختلف باشد و مخور ماهی که
او را پوستی باشد که پولک داشته باشد و مخور از مرغ آنچه در
پریدن بال خود را بسیار جنباند و مخور از مرغ آبی آنچه باشد او
را سنگدان و علف دان یا علی هر چیز که صاحب نیش باشد از درندها

و صاحب چنگ باشد از مرغها پس حرامست اکل او یا علی قتل
کرده نمیشود پدری که پسر خود کشته باشد یا علی مقبول نمیکند دعای
ولی که فراموش دارد یا علی خواب عالم فاضلترست از عبادت
عابد غیر عالم و دو رکعت نماز عالم بهترست از هزار رکعت عابد یا علی
درست نیست روزهٔ زن که برو واجب و فرض نباشد و از روی
تبرع و بخشش باشد مگر باذن شوهر و درست نیست روزهٔ کنیز و غلام
که بر ایشان واجب نباشد مگر باذن مالک ایشان و درست
نیست روزهٔ مهمان که برو واجب نباشد و سنت روزه نماید مگر
باذن آنکس که مهمانی میکند یا علی روزهٔ عید رمضان و روزهٔ
عید قربان و دو روز و یکشب روزه داشتن و روزه از برای
آنکه با کسی سخن نگوید حرامست و روزه داشتن از برای وقوع
معصیت و کاری که در و گناه باشد حرامست و تمامی روزهای سال
روزه داشتن حرامست یا علی در زنا کردن شش خصلت است
سه از ان خصلت در دنیا واقع میشود یکی آنست که حسن و عزت
زنا کننده را می برد دوم فنای او را زود می آورد سیوم قطع
رزق او میکند و آن سه که در آخرتست یکی آنست که صاحب

او را بد میکنند دوم آنکس مغضوب خدای تعالی است سیوم
او دایم در دوزخ است یا علی سود نا مشروع گرفتن هفتاد جزو دارد
کمترین و کوچکترین باین ماند که شخصی با مادر خود زنا کند در کعبه یا علی
کسی که اندکی از مالش بمستحق ندهد او بی ایمانست و مسلمان نیست
و او معزز و محترم نیست نزد خالق و خلایق یا علی آنکس که زکوة
مال خود ندهد و باشد در آخرة طلب میکند که مراجعت کند بدنیا و
ادای آن نماید و بر همین ناطقست قوله سبحانه و تعالی حتی اذا
جاء احدکم الموت قال رب ارجعون لعلی اعمل صالحا ترضیه واصلح
لی فی ذریتی انی تبت الیک و انا من المسلمین یا علی ترک کننده
حج که استطاعت داشته باشد کافرست همچنانکه الله تعالی فرموده است
ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا و من کفر
فان الله غنی عن العالمین یا علی هر که استطاعت حج کردن داشته
باشد و کاهلی نماید خدای تعالی برانگیزاند او را یهودی یا نصرانی
یا علی صدقه دادن رد میکند قضا را اگرچه آن قضای محکم باشد
یا علی بخشش کردن بخویشان خود و خاطرجویی ایشان سبب
درازی عمرست و زیادتی مال یا علی کسی که ابتدا نماید بخوردن نمک

و ختم کند بخوردن او از هفتاد و دو بیماری شفا یابد یا علی اگر من
در جنت بمقام اعلا برسم شفاعت کنم پدر و مادر و عم و برادر خود را
که با من بودند پیش از زمان نبوة یا علی من پسر دو کسم که قربان
شده اند یکی عبد الله و یکی اسمعیل و من دعا کرده پدر خودم
ابرهیم است که در مکه دعا کرده که از نسل من یکی نبی و پیغمبر
باشد یا علی عقل چیزیست که با او حاصل میشود جنت و طلب رضای
حق سبحانه و تعالی یا علی بتحقیق که اول چیزی که الله تعالی خلق
کرده عقلست و الله تعالی مر او را گفت پیش آ آمد و گفت برو رفت بعد
از آن گفت الله تعالی که بعزة و جلال من که خلق نکرده ام چیزی
را که عزیزتر بود پیش من از تو و من بسبب تو میگیرم و بسبب
تو عفو میکنم و بسبب تو عقاب میکنم یا علی صدقه دادن بغیر خویشان
درست نیست هرگاه که ایشان محتاج باشند یا علی یکدرم صرف
در خضاب فاضلترست از هزار دینار بذل و صدقه کردن در راه
خدا و در خضاب چهارده خصلتست یکی آنکه باد گوشها میبرد دوم
روشنایی چشم زیاده میکند سیوم دماغ را تر میدارد چهارم
بوی دهان خوش میکند پنجم دندانها سخت و محکم میکند ششم

بوی بغل زایل میکند هفتم آنکه وسوسهٔ شیاطین ازو کم میشود
هشتم آنکه ازو خشنود و فرخناک می باشند نهم آنکه مؤمنان
بسبب آن عمل طلب بشارت میکنند دهم آنکه کافران ازان شاکر
میشوند یازدهم آنکه او زینت مردست دوازدهم آنکه پاکیست
سیزدهم آنکه منکر و نکیر ازو بحیاست چهاردهم آنکه در قبر بسلامت
باشد یا علی چیزی نیست در گفتن مگر آنکه آنرا بفعل و عمل در آورند و چیزی
نیست در مجرد دیدن چیزی مگر آنکه ازو بخشش و عطیه نمایند و چیزی
نیست در عفت مگر آنکه او پرهیزکار باشد و چیزی نیست در صدقه
مگر آنکه نیت کند و چیزی نیست در زندگی مگر با تن درستی و چیزی
نیست در وطن مگر آنکه در راحت و خوشدلی باشد یا علی در
گوسفند هفت چیز حرامست یکی خون دوم محل ذکرش سوم
آب و انثیش چهارم مغزی که میان پشت است پنجم آن اماده که
در میان گوشت میباشد ششم سپرز هفتم زهره یا علی در خریدن
چهار چیز نزاع مکن و مبالغه در خریدن حیوان برای قربان دوم در
خریدن کفن سیوم در خریدن غلام و کنیز چهارم در کرایه راه مکه
یا علی خبر نکرده ام ترا از کسی که مشابه ترست بمن از مردم گفت بلی

یا

یا رسول الله بعد از آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود که آن کسیست
که خلق او بهتر باشد از خلق مردم و حلم او بهتر باشد از حلم مردم
و احسان و کرم او بخویشانش بیشتر باشد از مردم و انصاف
یا علی هرگاه که امت من در کشتی نشینند و خواهند که غرق نشوند
این بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم ما قدروا الله حق قدره و الارض
جمیعا قبضته یوم القیامة والسموات مطویات بیمینه سبحانه و تعالی
عما یشرکون بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم یا علی هرگاه
که امت من خواهند که از درد گوش بسلامت باشند این آیه بخوانند
قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا تا آخر سوره یا علی هرگاه که
امت من خواهند که بسلامت باشند از فرو آمدن خانه و دیوار
برایشان این آیه بخوانند ان الله یمسک السموات والارض تا آخر
آیه یا علی هر که از سباع ترسد این آیه بخواند قل ادعوا الله او ادعوا
الرحمن تا آخر سوره لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز تا آخر ترس
آنکس برطرف شود یا علی هر اسپ که چهارپای او رام نشود این
آیه کلام الله در گوش او بخوانند رام شود وله اسلم من فی السموات
والارض طوعا و کرها و الیه ترجعون یا علی کسی که از سحر و شیطان

رسید این آیه بخوانند ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض تا آخر آیه زنش او بر طرف شود یا علی حق پدر بر پسر آنست که او را نام نیک نهد و ادب کند و او را در موضع خوب بنشاند و حق پسر بر پدر آنست که باسمش نام نبرد و او را پهلوی خود ننشاند و پیش او ننشیند و با او در حمام نرود یا علی سه چیز است که وسوسه می آورد یکی خوردن گل و خاک دوم پاره کردن ناخنها بدندان سیوم خوردن ریش یا علی آنچه از عقوبت و بدی لازم فرزند میشود بسبب آنکه عاق شده اند بر مادر و پدر خود همان عقوبت لازم پدر و مادر میشود جهت عدم تعلیم آداب و ارکان باو یا علی بدرستی که حق سبحانه و تعالی فضل و رحمت کرده بهفت خصلت که تراست بدرستی که توئی اول کسی که از قبر بیرون آئی با من و اول کسی که بر صراط بایستد با من و اول کسی که خلعت کرامت پوشد با من و اول کسی که زنده شود با من و توئی اول کسی که با من بنشینی در منزلهای بلند بهشت و اول کسی که بیاشامی با من شراب طهور با ظرفهای سر مهر از مشک بعد از ان پیغمبر صلی الله علیه و آله بسلمان فارسی رضی الله عنه گفت که چون مریض شوی چهار

هست یکی آنکه خدا یاد تو میکند و دعای تو قبول میفرماید و مرض گناه تو میبرد و خدا عافیت بتو کرامت میفرماید تا وقت اجل بعد از ان فرمود بابی ذر رضی الله عنه که اجتناب کن از خواستن چیزی از مردمان که در دنیا سبب خواریست و در قیامت موجب حساب چشمان ای اباذر خواهی زیستن و خواهی مردن تنها و بهشت خواهی رفتن تنها و قومی از عراق بسبب تو سعادت خواهند یافت که ترا غسل کنند و کفن و دفن نمایند ای اباذر از کسی مخواه و اگر چیزی بتو دهند قبول کن بعد از ان پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خبر دهم که بدترین مردمان در میان شما کیانند حاضران گفتند بلی فرمود بدترین شما آنکسانند که سخن چینی کنند و میان دوستان جدائی افکنند و غیبت کنند کسانی را که عیب نداشته باشند

فصل چهارم

در مواعظ حضرت رسالت صلی الله علیه و آله با ابن مسعود روایت از عبدالله بن مسعود که گفت من با پنج کس دیگر روزی بخدمت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله رفتیم که گرسنگی بر ما غلبه کرده بود چنانچه چهار ماه غیر از آب و شیر و برگ درخت نخورده بودیم گفتیم یا رسول الله تا کی این گرسنگی خواهد

بود الحمزة فرمودند دایم درین گرسنگی خواهید بود پس بشکر
خدا مشغول شوید پس بدرستی که کتابهای خدا بر من آمده و بر
انبیای پیشین تمام خوانده ام نیافته ام که کسی بهشت رود الا صابران
پس سؤال کردیم که یا رسول الله صابران چه کسانند فرمودند
که آنکسانی که صبر کنند بطاعت خدا و از معصیت اجتناب کنند
و کسب و کار پاکیزه کنند و در معاش میانه حال باشند و صدقه
کنند پس ایشان رستگارانند ای پسر مسعود علامت صابران
آنست که خشوع دارند و وقار و آرام و تفکر در امور زمین و پرهیز
کاری و نیکویی با مردم و دوستی و خشم از جهة خدا و ادای امانت
و گواهی دادن و معاونت اهل حق نمودن و عفو کردن از کسی
که برایشان ظلم نموده باشد ای پسر مسعود صابران چون مبتلا
شوند صبر میکنند و چون نعمتی می یابند شکر میکنند و حکم براستی
میکنند و راست می گویند و وفا بعهد میکنند و چون جاهلان با ایشان
تعرض میکنند روان می گذرند و اعراض میکنند و شب دعا و نماز میکنند
و بمردمان نصیحت میکنند و سخن نیک میگویند سوگند بخدا که خدا بحق
فرستاده که این جماعت صابرانند ای پسر مسعود خدا فرموده المؤمن

شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه بدرستی که نور
چون در دل افتد منشرح و گشاده میشود و سوال نمودند که نور
دل نشان دارد فرمودند بلی گذشتن از دنیاست و بازگشت
باخرة و مهیا شدن جهة مرگ پیش از آنکه موت شود و فرصت
هر کس که ترک دنیا کرد کوتاه میشود امید او در دنیا و دنیا را با اهل
دنیا میگذارد ای پسر مسعود معنی آیه لیبلوکم ایکم احسن عملا اینست
که شمارا آزمایش میکنم که کدام ترک دنیا بیشتر میکنند که آن خانه غرور است
و خانه کسی که خانه ندارد و کسی که عقل ندارد جمع آن میکند و احمق
مردم آنکسی است که طلب دنیا میکند و حق تعالی فرموده در شان
عیسی که و اتیناه الحکم صبیا یعنی ما در کودکی دادیم باو زهد و ترک دنیا
را و موسی را خبر کرد و گفت یا موسی بهترین زینتها در نظر من زهد است
چون فقر روی بتو کند مرحبا کن و بگو مرحبا بشعار الصالحین و اگر
توانگری روی بتو کند بترس ای پسر مسعود هر کس که مشتاق
بهشت باید که شتاب کند بخیرات و هر کس که بترسد از آتش باید
که ترک شهوات کند و هر کس که مرگ چشم دارد باید که از لذت بگذرد
و هر کس که در دنیا زاهد شد مصیبتها بر او آسان شد ای پسر مسعود

الله تعالی برگزید موسی را بکلام خویش و مناجات کرد با او و در
وقتی که رنگ سبزی در شکم او پیدا شده بود و از لاغری ای پسر مسعود
اگر خواهی بیان کنم جهت تو حال نوح نبی را که هزار سال الا پنجاه
سال در دنیا زیست چون صباح میکرد بران بود که شب
خواهد بود و چون شب میکرد بران بود که صباح خواهد بود و لباس
او از موی و طعام او از جو بود و طعام و لباس داود همچنین بود
و سلیمان با آنکه ملک داشت جو میخورد و طعامهای خوب بمردم
میداد و لباس از موی می پوشید و چون شب میشد تا صباح نماز
می ایستاد و ابرهیم خلیل لباس او پشم بود و طعام از جو و اگر
خواهی بیان کنم حال یحیی علیه السلام را که لباس او لیف خرما بود
و طعام او از برگ درخت و اگر خواهی بیان کنم حال عیسی بن مریم
علیهما السلام و آن عجب حالیست که میگفت نان خورش من گرسنگی است
و شعار من ترس و لباس من پشم و مرکوب من پایهای منست
و چراغ من در شب ماهست و آتش من در زمستان روشنی
آفتابست و میوه و ریحان من سبزیهای زمینست که جانوران
میخورند شب میکنم و هیچ ندارم و صبح میکنم و هیچ ندارم و در روی

زمین کسی از من توانگری پیش ندارد ای پسر مسعود تمام این امت
بخشم اند از آنچه خدای تعالی بخشم است و صغیر میدانند آنچه نزد خدا عظیم است
و حق تعالی در کتاب خود مدح ایشان فرمود و از عذاب ترسانید
ای پسر مسعود خواهند آمد بعد از این جماعتی که طعامهای خوب خورند
و بر چهارپایان خوب سوار شوند و بزینتهای زنانه خود را آرایند
و بزینت زنان بیرون آیند و بطور ملکان و جباران این جماعت
منافقان این امت اند در آخر الزمان شراب خورند و قمار بازند
و بشهوت مشغول باشند و ترک نماز بجماعت کنند و عداوت
بسیار ورزند مثل این جماعت مثل گیاه دفلی است که شکوفه آن
نکوست و طعمش تلخ علمای ایشان دردهاست که دوا ندارد ای
پسر مسعود سخن در رای زنان ایشان است و شرف ایشان در دراهم
و دنیا است و همت ایشان شکم ایشان است این جماعت بد
ترین مردمند فتنه از ایشان برخیزد و با ایشان باز گردد ای پسر مسعود
بر ایشان باد لعنت من و تمام رسولان و ملائکه مقربان و بر ایشان
باد غضب خدا و سختی حساب در دنیا و آخرت ای پسر مسعود خواهی
دید زمانی که صبر کردن بر دین همچون برداشتن آتش باشد بکف

دست ای پسر مسعود علمای ایشان و فقهای ایشان خاین آند
و بدکردار و بدترین خلق خدااند میگویند که بر دین من اند و بر سنت
و شریعت و طریقت من لیکن من از ایشان بیزارم و ایشان از من
بری ای پسر مسعود با ایشان منشین و خرید و فروخت مکن و آب
با ایشان مده سوگند بخدا که مرا بحق فرستاده که خدای ایشانرا
بمیمون و خوک گرداند و در زمین فرو برد ای پسر مسعود کسی که
علم بیاموزد جهة دنیا و غالب شود بر وی دوستی دنیا و زینت آن
مستحق عذاب خدا شود و در درک اسفل با یهودان و نصرانیان
در رود ای پسر مسعود کسی که بیاموزد علمی و بآن عمل نکند در روز
قیامت کور باشد و کسی که علم بیاموزد بریا و جهت دنیا الله تعالی
برکت از وی بردارد و معاشش بر وی تنگ شود و خدا او را بخود وا
گذارد پس هلاک شود ای پسر مسعود زنا با مادر خود سهلترست
نزد حق تعالی از خوردن ربوا اگرچه مقدار دانه خردل باشد و خوردن
مست کننده خواه اندک و خواه بسیار سخت ترست از خوردن ربوا
زیرا که مست کننده کلید همه شرهاست ای پسر مسعود بپرهیز از مستی
گناه بدرستی که گناه را مستی هست مانند مستی شراب بلکه بیشتر

ازان ای پسر مسعود دنیا ملعونست و ملعونست انچه در دنیاست
و هر کس که آن میخواهد و دوست میدارد ملعونست ای پسر مسعود
کاری کنی از برای خدا کن نه جهت غرضی دیگر زیرا که حق سبحانه
و تعالی قبول نمیکند الا انچه خالصا لوجه الله باشد ای پسر مسعود
بگذار نعمت دنیا و شیرینی آن و لازم شمار بر نفس خود صبر زیرا
که حق سبحانه و تعالی در آخرة ازینها همه سوال خواهد کرد ای پسر
مسعود کاری نیک که کنی و قصد تو از آن چیزی باشد غیر خدا امید
مدار بدان کار ثواب آخرة ای پسر مسعود زمانی که مردان مدح تو
کنند و گویند تو روز روزه میداری و شب بیداری و نماز میگزاری
و تو چنان نباشی بدان خرم مشو ای پسر مسعود کار نیک بسیار کن
بدرستی که در روز قیامت نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان نیکوکار
گوید ای کاشکی بیشتر میکردم نیکوکاری و بدکار گوید ای کاشکی
نمیکردم آن بدی ای پسر مسعود یاد کن قرنهای پیشین و ملوک
و حکام جبار که پیشتر بوده اند و رفته اند چون عاد و ثمود و فرعون
و از حال ایشان اعتبار گیر ای پسر مسعود تقوی حق التزام کن در
ظاهر و پنهان و در سحر و در شب و روز زیرا که خدا با شماست هر جا

گر پسندی ای پسر مسعود خیانت مکن با هیچکس در مالی که نزد تو نهند
یا امانتی که ترا بدان امین دانند چه حق تعالی میفرماید یأمرکم ان
تؤدوا الامانات الی اهلها یعنی خدای تعالی میفرماید شمارا که برسانید
هر امانتی بصاحب آن ای پسر مسعود سوگند بالله مرا الحق بخلق فرستاده
که هر کس که از دنیا بگذرد و بگذارد و روی بتجارت آخرت کند حق
تعالی خیر بسیار باو دهد و نفع بیشمار کرامت فرماید پس ابن
مسعود گفت پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله چیست تجارت
آخرت فرمود زبان تو ربح و سود میکند که ذکر کند خدارا بالکه سبحان
الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر پس بدرستی که این تجارت
سودکننده است ای پسر مسعود هر چند که چشمان تو به بیند و
دل تو آنرا بپسندد آنرا از برای خدا صرف کن که تجارت آخرت اینست
چه حق سبحانه و تعالی میفرماید ما عندکم ینفد و ما عند الله باق یعنی
آنچه نزد شماست فانی و نیست میشود و آنچه نزد خدای تعالی است باقیست
ای پسر مسعود چون بگویی لا اله الا الله و ندانی حق آن باز گرداند
آنرا بسوی تو ای پسر مسعود دوست دار صالحانرا پس بدرستی
که هر کس با آنچه دوست دارد محشور میشود پس اگر توانایی نداشته

باشی بر اعمال نیکو دوست دار علمارا ای پسر مسعود پرهیزکاری
کن از شرک بخدا و اگرچه ترا پاره ببرند یا اعضای تو جدا کنند یا ترا
بحلق آویزند یا بآتش بسوزند ای پسر مسعود صبر کن در صحبت
کسانی که ذکر خدا و تسبیح و تهلیل و تحمید میکنند و عمل میکنند
بطاعت او در صبح و شام خدارا میخوانند ای پسر مسعود
هیچ چیز اختیار مکن و مگزین بذکر حق سبحانه و تعالی چه میفرماید
ولذکر الله اکبر یعنی ذکر خدا بزرگترست از همه اشیا ای پسر مسعود
بر شما باد که التزام کنید سکینه و آرام و وقار پس باش تو سهل
و نرم سخن و پرهیزکار و پشیمان و متقی و نیکوکار و طاهر و پاکیزه
و صادق و خالص و سلیم و صحیح و عاقل و صالح و صبار و شاکر
و مؤمن و متورع و زاهد و رحیم و دانا زیرا که هر کس که بدین
صفات موصوفست مستحق بهشت است و میراث اوست
چنانچه حق سبحانه و تعالی میفرماید والذین هم علی صلواتهم یحافظون
اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون
ای پسر مسعود شفقت کن بر اهل و فرزند خود بخششی که داخل شوی
در معصیتها و حرام و در قیامت شرمنده باشی و باید که یاد حق کنی

وبعمل صالح مشغول شوی که عمل نیکو پسندیدهٔ خداست ای پسر
مسعود مباش تو مثل کسانی که سخت نمایند چیزها بر مردمان
و آسان کنند بر خود ای پسر مسعود اگر عمل و کاری کنی آنرا از روی
عقل کن و علم ای پسر مسعود حذر کن از کار بی اندیشه و دانش
ای پسر مسعود راستگو باش و بیرون میاور مطلق از دهان
خود بدروغ زبانرا و انصاف ده مردمانرا از نفس خود نیکوی
کن با ایشان و دعوت کن مردمانرا بنیکی کردن و نیکویی کن
با خویشان و مکر و حیله مکن با مردم و وفا کن بعهد خود و پیمانی که
کرده باشی **فصل پنجم** در وصیت حضرت رسالت صلی الله علیه
و آله بابی ذر غفاری رحمة الله علیه مرویست که ابی ذر گفت که رفتم
در اول روز بخدمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
و ایشان در مسجد بودند و در مسجد کسی نبود غیر آنحضرة و حضرة امیر المؤمنین
علی علیه السلام که بر یکطرف آنحضرة نشسته بود پس غنیمت دانستم
خلوت مسجد را گفتم یا رسول الله پدر و مادر من فدای تو باد و
صیت کن مرا وصیتی که نفع دهد خدای تعالی مرا بآن پس حضرة
قبول فرمودند و گفتند ای اباذر بتحقیق که از مایی و اهل بیت مایی

وصیت

وصیت میکنم ترا وصیتی چند نگاه دار آنرا که ترا سود دارد در دنیا
و آخرة ای اباذر عبادت و بندگی کن خدای تعالی را آنچنان
که گویا تو او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی بتحقیق که او ترا می بیند
و بدان ای اباذر که اول بندگی کردن خدای تعالی دانستن اوست
و دانستن او آنست که خدای تعالی اولست پیش از هر چیزی
و پیش از و هیچ چیزی نبوده و الله تعالی یکیست که او را دوم نیست
و باقیست که او را نهایت نیست آفرینندهٔ زمین و آسمانست و آنچه
در ایشان و میان ایشانست و خدای تعالی لطف کنندهٔ
بر خلق و آگاهست بر جمیع چیزها و قدرة دارد بر هر چیزی که هست
بعد از ان ایمان آوردن بمن یعنی اعتقاد کردن بجمیع آنچه من
بدان آمده ام و اقرار کردن بآنکه خدای تعالی مرا فرستاده است
بر جمیع مردمان از جهة بشارت رسانیدن بایشان و ترس
دادن ایشانرا بعذابها و بدیها و طلب کردن ایشانرا بخدای
باذن او و من چراغی ام نور دهنده بعد از ان دوستی اهل بیت
من که خدای تعالی دور کرده از ایشان چرکین را و پاک کرده
ایشانرا آنچنان پاک کردنی که می باید و بدان ای اباذر بتحقیق

کرا الله تعالی کردانید و اهل بیت مرا در امت من مثل کشتی نوح
که هر کس که بران سوار شد نجات یافت از طوفان و غرق و هلاک
و هر کس که اعراض کرد ازان غرق گشت و هلاک شد و مثل
محب اهل بیت من مثل خانه حطه ست که در بنی اسرائیل بود هر کس
که داخل شد دران ایمن شد از بلاها و عذابها ای اباذر نگاه دار
انچه وصیت میکنم بتو تا سعادتمند شوی در دنیا و آخرة ای اباذر
دو نعمت که مغبون باشند اکثر مردمان دران یکی تن درستی و
دیگر فراغت ای اباذر غنیمت دان پنج چیز را پیش از پنج چیز جوانی
پیش از پیری و صحت را پیش از بیماری و مالداری را پیش
از بی چیزی و فراغت را پیش از زحمت و زندگی پیش از مردن
ای اباذر حذر کن از تقصیر در کارها کار امروز بفردا مفکن طاعت
واجبان که امروز می باید کردن بفردا موقوف مسازید زیرا
که فردا اگر باشی طاعت و عبادت واجبان که باید کردن بکنی
مثل روز گذشته و اگر نباشی ندامت نکشی در روز قیامت از خیری
که کرده در روز گذشته ای اباذر بسیار کسانند که روز حاضر
را غنیمت نمیدانند و استکمال نمیکنند و انتظار فردا میکشند و

بوذا نمیرسند ای اباذر اگر تو نظر کنی باجل و بپایان آن هر آینه
ترک کنی امید و غرور را ای اباذر باش تو در دنیا مثل غریبی
یا رهگذری و بشمار خود را از اهل گورستان ای اباذر اگر در صباح
باشی مگو با خود که در شب این کار کنم و آن و اگر در شب باشی مگو که
در صباح چنان و چنین کنم و فرا گیر در حالت صحت انچه مقتضی
صحت است از اعمال صالحه پیش از انکه بیمار شوی و اخذ کن در زمان
حیوة از افعال پسندیده پیش از موت زیرا که معلوم نیست
فردا که حال تو چیست و بچه نام میخوانند ترا سعید میخوانند یا شقی
ای اباذر اگر دریابد ترا کشتی گیری پیش از افتادن فال بد مگیر
و در دل خود میاور که من می افتم و مغلوب میشوم ای اباذر تو قدرت
نداری که مراجعت کنی بدنیا بعد از مردن پس باید که اعمال نیک پیش
از مردن بجای آوری و فایده نمیدهد ترا کسی که اموال و اسباب
خود جهت وی گذاشته باشی و عذر تو نمیخواهد کسی که جمع کرده بهر او
چیزی که مشغول گشته بآن ای اباذر بر عمر خود حریص تر باش که
از خود بر طلا و نقره بدرستی که بدترین نجب منزلة نزد الله تعالی
در روز قیامت عالمیست که منتفع نشود بعلم خود هر کس که طلب علم کند

بواسطهٔ انکه مردمان روی بدو کنند واو را بزرگ خود دانند
نمی یابد او بوی بهشت ای اباذر کسی که طلب علم کند که مردمانرا بفریبانند
بسبب آن علم نمی یابد او بوی بهشت ای اباذر بتحقیق که درکه سبق
شب و روز وعدهٔ عمر کم میشود و عملها را حفظ میکنند و مرگ ناگاه می
آید و هرکس که زراعت نیک میکند نزدیکست که درو کند خیر و نیکی را
و هرکس که زراعت بد میکند نزدیکست که درو کند پشیمانی و ندامت
را و از برای هر زراعت کنندهٔ حاصلست مثل آن چیز که زراعت
کرده و هرکس که بکسی چیزی رساند خدای تعالی بدو خیر رساند
و هرکس که نگاه دارد بندهٔ خدا را از بدی خدای تعالی او را نگاه
دارد از بدی ای اباذر پرهیزکاران متقی بزرگ کنند و فقیهان راه نمایند
مردمانرا بجنت و نشستن با ایشان موجب زیادتی در خیر است
در دنیا و آخرة بتحقیق مؤمن می بیند گناه خود را مثل سنگی که گویا
او در زیر شکست و میترسد که فردای روز قیامت در میان مردم
منکر باشد بسبب گناه در دنیا ای اباذر بتحقیق که مردم محروم میگردد
از رزق خود بسبب گناه در دنیا ای اباذر بتحقیق منع کن نفس خود را
از چیزی که درو فایده نباشد و سخن مگو در چیزی که بی منفعت نگاه

دار زبان خود را از بدی همچنانکه نگاه میداری نقد و جنس
خود را از تلف ای اباذر کسی را که حاصل شده باشد عملی که او را
گریان نسازد هر آینه سزاوارست که باشد از قبیل کسی که عمل صالح
ننموده باشد و اشفاع نگیرد و بدان بتحقیق که خدای تعالی وصف علما
کرده بدین نوع که والذین اوتوا العلم درجات اذا یتلی علیهم یخرون
للاذقان سجدا و یقولون سبحان ربنا ان کان وعد ربنا لمفعولا
و یخرون للاذقان یبکون و یزیدهم خشوعا ای اباذر کسی استطاعت
دارد که گریه کند باید که گریه کند و کسی که استطاعت ندارد که گریه کند
باید که دل خود را اگاه کند و اندوهگین دارد و خبر میدهم ترا که دلی که در او نمی
دارد دوست از خدای تعالی ای اباذر خدای تعالی میفرماید
که جمع نمیکنم بر بنده دو ترس ترس دنیا و آخرة و جمع نمیکنم برای او
دو امن پس اگر کسی امن باشد از من در دنیا می ترسانم او را
در آخرة ای اباذر اگر مردی را عمل باشد مثل عمل هفتاد پیغمبر می باید
که آن عمل را حقیر داند و بترسد که نجات یابد از عذاب روز قیامت
ای اباذر بتحقیق که عرض میکنند بر بنده گناهان او را روز قیامت
هر نوع گناهی که کرده باشد پس او بگوید که من در دنیا ترسان

بودم و بر بندگان خدا مشفق خدای تعالی او را بیامرزد و عفو کند
ای اباذر تحقیق که مردی که عمل نیک کند و تکیه و اعتماد بران نماید
و ارتکاب کند گناهان صغیره هرگاه که نزد خدای تعالی آید بر او خشمگین
و غضب ناک باشد ای اباذر بنده هست که گناه کند و بسبب آن
گناه بهشت رود پس گفتم چگونه می باشد ای پدر و مادر من فدای
تو باد یا رسول الله فرمود که بنده که گناهی کند و آن گناه همیشه برابر
چشم او باشد و فراموش نکند و تائب باشد از آن و گریزان
باشد از آن گناه بسوی الله تعالی تا محلی که بهشت رود ای اباذر زیرک
کیست که نفس خود را نیکی دارد و کاری کند که نتیجه آن بعد از موت
باو رسد و مرد عاجز کیست که نفس او تابع لذات و شهوات
باشد و طلب کند از خدای تعالی که او را بمقاصد و لذات دنیوی
رساند ای اباذر اول چیزی که برداشته میشود از این امت
تواضعست تا آنکه بمرتبه رسد که یافت نشود متواضعی ای اباذر
بتحقیق که الله تعالی وحی کرد به برادر من عیسی علیه السلام و فرمود
که ای عیسی دوست مدار دنیا را برای آنکه من دوست نمیدارم او را
آخرة را دوست دار زیرا که آخرة خانه ایست که رجوع و بازگشت

همه بدوست ای اباذر جبرئیل آمد بسوی من با خزاین دنیا بر استری
سفید و سیاه پس گفت مرا ای محمد اینها خزائن دنیاست و نقصانی
نیرسد بتو در مرتبه و درجه که داری نزد الله تعالی بواسطه آنکه
که از خزاین بگیری بعد از آن گفتم من که ای جبرئیل مرا حاجت نیست
باینها هرگاه که سیر میشوم شکر میکنم پروردگار خود را و هرگاه که گرسنه
میشوم از خدای تعالی طلب میکنم چیزی ای اباذر اگر الله تعالی خیر بنده
خواسته باشد دانا میگرداند او را و زاهد میگرداند او را و بینا میگرداند
او را بعیبهای خود ای اباذر زاهد نمیشود در دنیا هیچ بنده مگر که
ثابت گرداند الله تعالی حکمت را در دل او و گویا میگرداند بآن حکمت
زبان او را بعیبها و دردهای او و بیرون میبرد او را بسلامت
بهشت ای اباذر اگر ببینی تو برادر خود را که او زاهدست در دنیا پس
متوجه او شو و استماع سخنان او کن زیرا که او بتحقیق القای حکمت
میکند و افادهٔ حکمت مینماید پس گفتم من که یا رسول الله کیست زاهد
ترین در میان مردم فرمود کسیست که فراموش نکند قبرها را و بوسیده
جسدها و ترک کرده باشد زینت دنیا را و اختیار کرده باشد
چیزی که او باقیست خود را در سلک مردگان عد کند و نشمارد فردا

را از عمر خود ای اباذر بتحقیق که دنیا مشغول کننده است دلها
و بدنها بچیزها که موجب لذات دنیویست و بمحرمات میباید که هر که
مسلمانست خود را نگاه دارد از محرمات تا فردای قیامت از
عهدهٔ جواب بیرون تواند آمد ای اباذر خدای تعالی سوال خواهد
کرد از ما نعمتهای حلال پس چگونه سوال نمیکند ما را از نعمتهای
حرام ای اباذر بتحقیق که من طلب کرده ام از حضرت عزة که بدهد رزق
کسی که او مرا دوست دارد و بقدر کفاف او یعنی آنمقدار که او را بس
باشد و زیاده نباشد و طلب کرده ام من از خدا که بدهد بکسی که او
مرا دشمن دارد مال بسیار و فرزندان بسیار ای اباذر خوش
باد مر کسانی که دوری گزیده اند از دنیا و رغبت بدنیا ندارند و رغبت
دارند بآخرة یعنی از لذات دنیوی و شهوات متنفرند و راغب
باسباب آخرة اند و ایشان آنکسانند که زمین ذلیلی خود ساخته اند
و خاک را بستر خود ساخته و آب را پاک و حلال دانسته
و کلام حق را شعار خود ساخته و بدان عمل میکنند و دعای
الله تعالی دثار خود ساخته یعنی همیشه طالب خدا اند و منقطعند
از دنیا انقطاع تمام ای اباذر زرع آخرة نیکو نیست و زراعت دنیا

مال و پسر است ای اباذر بتحقیق که پروردگار من خبر داده است
مرا و گفته بحق عزت و بزرگی من که نرسیده اند عابدان بدرجه
گریه کنان بدان درجه رسیده اند و بتحقیق که من هر آینه بنا کرده ام
جهت گریه کنان در جنت درجهٔ علیا قصری که در ان قصر شریک نمی
شود هیچ یکی با ایشان بعد از ان گفت اباذر که گفتم یا رسول الله
کدام مؤمن دانا و زیرکتر است فرمود که آنان که ذکر مرگ بسیار
کنند و نیکوتر از برای تهیهٔ موت اند ای اباذر وقتی که داخل شود
نوری در دل مؤمن فراخ میشود دل مؤمن با علوم و حکمت در و
ظاهر شود و این چیزها میگنجاند بعد از ان گفتم یا رسول الله چیست
علامت این پدر و مادرم فدای تو باد گفت بازگشتن بدار ابدی
و دوری گزیدن از دنیا و خود را مستعد مرگ ساختن پیش از
آمدن مرگ ای اباذر بتحقیق که اگر یک زنی از زنان اهل جنت ظاهر
شود از آسمان دنیا در شبی که در غایت تاریکی باشد هر آینه روشن
میشود از نور او زمین زیاده تر از روشنی که حاصل میشود
بقمر که ماه بدر باشد و می یابند بوی خوش او را جمیع اهل زمین
و بتحقیق که اگر یکجامه از جامهای اهل بهشت را کشاده و پراکنده

کروه باشند یکروز در دنیا مراینه بیهوش شود هرکس که نظر باو کند
و نتواند نکریستن در روای اباذر بلند مکن آواز خود را از جنازه
در جنک و نزد قرآن خواندن ای اباذر وقتی که تابع شوی جنازه
باید که عقل خود را متوجه باد کردانی و تفکر بحال خود کنی و کریه بحال
خود بدان تو که بتحقیق لایق میشوی با او ای اباذر هر چیزی که آن
فاسد میشود نمک آنرا بصلاح می آورد و دوای آن نمکست دهر کاه
که نمک فاسد میشود دوا ندارد دین علما و بزرکان بمنزله نمک اند
در میان مردم هرکه که خوض مینمایند در منهیات و فساد علما و بزرکان
دین محمدی اصلاح ایشان میکنند و ایشانرا براه راست می
آورند و هر کاه که علما و بزرکان از اهل صلاح نباشند ایشانرا کس
بصلاح نمی آورد و دوا ندارد و بدانکه در شما دو عادت هست یکی
خنده بی تعجب دیکی کاهلی در طاعت بی سهو ای اباذر آیا دوست
میداری که داخل شوی در جنت کفتم بلی یا رسول الله بفدای
تو باد پدر و مادر من کفت حضرة رسول صلی الله علیه و آله که منقطع
شو و کوتاه کن امید خود را و مرک را همیشه برابر چشم خود بدار و حیا کن
از خدا بانچه حق حیاست کفت اباذر که کفتم یا رسول الله ما از خدا

همه حیا میکنیم حضرت فرمود که حیا اینچنین نیست بلکه حیا از خدا آنست
که فراموش نکنی مقبرها و پوسیدن در مقبره و دیکر فراموش
مکن تو شکم خود را و چیزهائیکه در وست و فراموش مکن سر خود با
و چیزها که در وست و کسی که خواهد کرامت آخرة را باید که ترک کند
زینت دنیا را و اکر تو همچنین باشی میرسی به الله تعالی ای اباذر
کافیست از دعا که مقارن باشد با نیکی آنمقدار که کافیست طعام
را از نمک ای اباذر بتحقیق که پروردکار تو مباهات میکند با ملیکه
خود بسه نفر اول مردی که در محل تنها واقع شود و هیچکس انجا
نباشد که اذان بکوید و قامت کند و نماز بکذارد و میکوید پروردکار
تو از برای تو بملایکه که نظر کنید ای ملایکه بر بنده من که نماز می
کذارد و نمی بیند کسی او را بغیر از من و بعد از آن نازل میشوند
از آسمان هفتاد هزار ملک و نماز میکنند در پس او و طلب آمرزش
میکنند از برای او از خدا از امروز تا فردا دوم مردی که در شب
نماز کردن قایم شود و سجده کند و در سجده خواب برد او را
بعد از آن میفرماید الله تعالی ملیکه خود را که نظر کنید بر بنده من
که روح او نزد منست و بدن او بسجده است سیوم مردی

که در غزا باشد و فرار نماید مصاحبان او و او بایستد جنگ کند تا
آنکه کشته شود ای اباذر نیست از فردی که بنهد پیشانی خود را
بقعهٔ از بقعهای زمین مگر آنکه شهادت کند از برای او در قیامت
بآنکه او سجده کرده و نماز گذارده و نیست از منزلی که نازل شود
آید در آن منزل قومی مگر آن منزل دعا میکند از برای آن قوم
یا لعنت میکند آن قوم را ای اباذر هیچ صباح و شامی نیست که
بقعهای زمین منادی میکنند بعضی بعضی را که ای همسایهٔ من آیا
گذار کرده است بر تو کسی که ذکر الله تعالی کند پس بعضی از آن
بقعها گویند نه و بعضی گویند بلی شادان شود و نشاطی در او
پیدا شود و منشرح گردد و داند که برای اوست زیادتی بر همسایه
ای اباذر تحقیق که الله تعالی چون که آفرید زمین را و آفرید چیزی که
در آن زمینست از درخت و نیست در زمین درختی که بنی آدم آید
نزد آن درخت مگر برسند ایشان بآن درخت بمنفعتی و همیشه
ارض و درخت همچنین میباشد تا آنکه گویند فجرهٔ و بدان بنی
آدم باین کلمهٔ عظیم که اتخذ الله ولدا یعنی الله تعالی را پسر هست
چون که بنی آدم تکلم نماید باین کلمه لرزه بر زمین پیدا شود و بلرزد

بود

و بر و منفعت درختان ای اباذر تحقیق که زمین گریه میکند بر مردی
مومن که بمیرد چهل صباح ای اباذر اگر بندهٔ در جایی تنها باشد
و هیچکس نزد او نباشد وضو سازد یا تیمم کند بعد از آن بگوید
بانگ و قامت کند و نماز بگذارد امر کند الله تعالی ملکه خود را تا صف
بندند در پس او بحیثیتی که دیده نشود دو طرف آن صف را ملکه در رکوع
برکوع آن رکوع کنند و سجده کنند بسجدهٔ آن مرد و آمین گویند بر دعا
که او میکند ای اباذر کسی که قامت بکند و بانگ نماز ندهد
نماز نمیگذارد با او مگر دو ملک که با او میباشند ای اباذر نیست از
کسی که جوان باشد و ترک کرده باشد از برای رضای خدا دنیا را
و لذات دنیا را و پیر گردانیده باشد جوانی خود را در طاعت و عبادت
الله تعالی مگر که بدهد الله تعالی باو ثواب هفتاد و دو صدیق و دو
ای اباذر تحقیق که الله تعالی حاضر است نزد هر گوینده پس باید که
بترسد از خدای تعالی و حذر کند از بد گفتن و داند که چه میگوید خیر
بگوید و بد نگوید زیرا که میداند حضرت عزت هر چیزی که او میگوید
ای اباذر ترک کن زیادتی کلام را و سخن زیاده گفتن را بس است
ترا از گفتن آن مقدار که حاجت تو باشد ای اباذر کافیست مرد را در

دروغ گویی گفتن هر آنچیزی که نشنوده باشد ای اباذر هیچ چیز
نیست لایق تر با نکه بسیار در زندان باشد از زبان ای اباذر
بتحقیق که بعضی از تعظیم و بزرگ داشتن خدای تعالی گرامی داشتن
سفید ریش مسلم است و گرامی داشتن حافظ قرآن که عمل کند
بآن و گرامی داشتن پادشاه عادل ای اباذر نیت عمل نیک را
فایده مجو از کسی که نگاه ندارد زبان خود را از بد گفتن ای اباذر مباش
تو عیب کننده مردم و بدخوی و مدح گوینده و پرخوار و نزاع کننده
ای اباذر همیشه بنده را زیاده میشود دوری از الله تعالی و
دوری آنست که مردم در پس او روند و او نخواهد که مردم در پی
او روند ای اباذر یک کلمهٔ خوب صدقه است و هر خطوهٔ قدم جهت
شهادت و حضور نماز صدقه است ای اباذر کسی که قبول کند اذان
را یعنی که چون آواز بانگ نماز بشنود بنماز برود و نیکو سپارند
عمارت مساجد باشد ثواب او از الله تعالی جنت گفتم من که پدر
و مادر من فدای تو باد چگونه عمارت کرده شود مساجد خدای را
فرمود که آواز خود را در مساجد بلند مکن و حرص مکن در مساجد
بچیزهای باطل و خرید و فروخت در مساجد مکن و ترک کن سخن

بی معنی و بی فایده و دنیوی در مساجد مادام که در انجایی پس
اگر چنین نکنی ملامت نمیکنی در قیامت مگر خود را ای اباذر بتحقیق
که الله تعالی عطا میکند ترا مادام که تو در مسجد نشسته بهر نفسی که میزنی
در مسجد درجه در بهشت و دعا و استغفار میکنند ملئکه و کتابت میکنند
بهر نفسی که در مسجد میزنی ده نیکی از برای تو و نیست میشود از تو ده
بدی ای اباذر آیا تو میدانی که در حق که این آیت آمده است که
اصبروا و رابطوا واتقوا الله لعلکم تفلحون گفتم نه پدر و مادر من فدای
تو باد گفت در حق آن کسیست که انتظار نماز کشد در پس هر نماز
دیگر ای اباذر اتمام وضو در مکروهات و در محلهای مضیق از کفارات
و بسیار در مسجدهای مختلف رفتن بجهة طاعت رباطست یعنی
حفظ مردم از ترک طاعت ای اباذر میگوید حضرت عزت که بتحقیق
که دوسترین مردمان بمن آنکسانند که بایکدیگر محبت و مودت
ورزند خاص از برای عظمت و جلال من دیگر آنکه متعلق باشد
دلهای ایشان بمساجد و استغفار کنند در سحرها اینها آنچنان
کسانند که وقتی که خواهم من عقوبت و عذاب فرستم باهل جایی
یاد کنم ایشان را و بگردانم عقوبت و عذاب از اهل آن محل بواسطه

ایشان ای اباذر نشستن در مسجد لغو و بی فایده است مگر
جهة چند چیز اول قرآن خواندن و نماز گزاردن دوم ذکر کردن
از برای خدای تعالی سیوم سوال کردن از علم ای اباذر با
تو در عمل کردن بتقوی باهتمام تر از دیگران زیرا که کم نیست عمل
بتقوی و چگونه کم باشد عمل مقارن بتقوی با آنکه مقبول کرده اند
بقوله انما یتقبل الله من المتقین ای اباذر نباشد مردی از متقیان
با آنکه حساب کند خود را سخت تر از محاسبه شریک خود او بداند
که از کجاست طعام او و از کجاست آب او و از کجاست پوشش او
یا از حلالست یا از حرام ای اباذر بتحقیق که مردی که سخن گوید
در مجلسی از برای آنکه بخنده آورد ترا بآن سخن پس انداخته میشود
او در جهنم از میان آسمان و زمین ای اباذر ویل بر کسی است
که سخن دروغ گوید از برای آنکه مردم بآن سخن خنده کنند بعد از آ
نحضرة صلی الله علیه و آله سه نوبت فرمود ویل له ویل له
ای اباذر بتحقیق که اگر ذکر کنی او را بچیزی که در او نیست بتحقیق که
بهتت کرده تو بر او و اگر هست در او غیبت کرده ای اباذر کسی
که منع کند و دفع نماید از برادر مسلمان غیبت را واجب میشود بر

الله تعالی که آزاد کند او را از آتش دوزخ ای اباذر عرض کرده
میشود عملهای اهل دنیا را بر الله تعالی از جمعه تا جمعه در دو روز
دوشنبه و پنجشنبه بعد از آن می آمرزد هر بنده مؤمن را مگر
بنده که باشد میانه او و میانه برادر مسلم او عداوت پس گفته میشود
که بگذارید ای ملائکه عمل دو بنده را تا آن زمان که با یکدیگر صلح کنند
ای اباذر کسی که بالا گرداند دامن خود را و بدوزد کفش و نعلین
خود را و خاک آلوده سازد روی خود را بتحقیق که او بریست از
کبر ای اباذر کسی را دو پیرهن باشد باید که یکی را خود پوشد و یکی در
برادر برهنه خود پوشاند پس گفتم یا رسول الله زیاده کن
از برای من وصیت فرمود که لازم کن بر خود تلاوت قرآن را
و یاد خدا را زیرا که این تلاوة تو و ذکر مذکور میشود برای تو در آسمان
و نور میشود از برای تو در زمین گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود
که لازم کن بر خود عزلت را زیرا که عبادت امت منست گفتم یا رسول الله
زیاده کن برای من فرمود لازم کن بر خود سخن ناگفتن مگر چیزی
که نیک باشد زیرا که گفتن سخن نیک دور میکند شیطان را از تو
و معین تست بر امرهای دین تو گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود

که حذر کن از بسیاری خنده کردن زیرا که خنده بسیار می میراند
دل را و میبرد نور روی را گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود که
نظر کن بکسی که کمتر از تست زیرا که این الیق است بحال تو باید که
عیب نکنی نعمت را که الله تعالی بتو داده است و بهر نعمت قلیل
و کثیر شکر باید کردن گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود که
صله رحم کن یعنی با خویشان نیکویی کن اگرچه ایشان از تو منقطع
شوند و دوست دار مسکینان را و بسیار با ایشان مجالست و هم
نشینی کن گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود که بگو حق اگرچه تلخست
گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود که مترس تو در راه خدا از
ملامت کردن ملامت کننده از اعمال که تو از برای خدا کنی گفت
اباذر که بعد از آن دست بر سینه من نهاد و گفت یا اباذر نیست
عقل مثل تدبیر و نیست ورع و زهدی مثل منع کردن خود را از چیزهای
بد و نیست حسنی مثل خلق نیک فصل ششم در اختیارات روزها
منقولست از امام جعفر صادق علیه السلام که اول روز از ماه
مبارکست و صلاحیت دارد برای ملاقات کردن با امرا و طلب
کردن حاجتهای خود و خرید و فروخت کردن و زراعت و سفر

کردن

کردن روز دوم صلاحیت دارد از برای سفر و طلب کردن حاجتها
روز سیوم بدست صلاحیت ندارد از برای سفر و طلب کردن
از برای هیچ چیز روز چهارم صلاحیت دارد از برای زن خواستن
و مکروهست از برای سفر روز پنجم بدست و نحس است روز
ششم مبارکست و صلاحیت دارد از برای هر چیزی که خواهد
و نکاح و طلب کردن حاجات روز هفتم مبارکست و مختار صلاحیت
دارد از برای هر چیز که خواند و سعی کند در آن روز هشتم صلاحیت
دارد از برای هر حاجت بغیر از سفر بتحقیق که سفر در وی مکروهست روز
نهم مبارکست صلاحیت دارد از برای هر چیزی که خواهد و کسی که
سفر کند درین روز خدای تعالی بدهد و مال و به بیند در آن سفر
خیر بسیار روز دهم صلاحیت دارد برای هر حاجت غیر ملاقات
با سلطان و کسی که درین روز از سلطان گریزد گرفته شود
و کسی را که درین روز چیزی گم شود بیابد و این روز نیکست از برای
خرید و فروخت و کسی که درین روز خسته شود خوش شود
روز یازدهم نیکست از برای خرید و فروخت و جمیع حاجتها
و از برای سفر بغیر از ملاقات با سلطان اگر درین روز از خانه

پرون نیاید نیکست روز دوازدهم مبارکست پس طلب کنید
درین روز حاجتهای خود و سعی کنید در حوائج تحقیق که حاصل میشود
روز سیزدهم نحسست حذر کنید درین روز از جمیع عملها روز چهار
دهم خوبست از برای حاجت خواستن و از برای هر کار روز
پانزدهم صلاحیت دارد از برای هر حاجت که خواهید طلب کنید
درین روز حاجتهای خود را زیرا که حاصل میشود روز شانزدهم
بد و مذمومست از برای هر چیز روز هفدهم صاف و مختارست
طلب کنید درین روز هر چیز که خواهید و نکاح کنید و خرید
و فروخت و زراعت دنیا و ملاقات با سلطان از جهة حاجتها
شما زیرا که حاصل میشود روز هجدهم مختارست و صلاحیت دارد
از برای سفر و طلب کردن حاجتها و هر کس که مخاصمت کند درین روز
با دشمن خود غالب شود و مظفر میشود برو بقدرة خدای روز نوزدهم
اختیار کرده شده راست و صلاحیت دارد از برای هر عمل
و هر فرزند که درین روز متولد شود مبارک میباشد روز بیستم
نیک و مختارست از برای حاجتها و سفر کردن و بنا و درخت نشاندن
و ملاقات با سلطان روز مبارکست بمشیة الله تعالی روز

بیست و یکم روز نحس مستمرست روز بیست و دوم اختیار کرده
شده است و صلاحیت دارد از برای خرید و فروخت و ملاقات
با سلطان و سفر و صدقه دادن روز بیست و سیوم مختارست
و نیکوست خاصه از برای نکاح و تجارت هر تجارت که خواهد کند
و ملاقات با سلطان روز بیست و چهارم روز نحس مستمرست
روز بیست و پنجم بد و مذمومست حذر باید کرد درین روز از هیچ
چیزی روز بیست و ششم صلاحیت دارد از برای هر حاجت غیر نکاح
و سفر بر شما لازمست درین روز صدقه دادن تحقیق که منتفع میشود
بسبب صدقه روز بیست و هفتم نیکو و مختارست از برای حاجتها
و از برای هر چیز که خواهد و ملاقات با سلطان روز بیست و هشتم
میانه است روز بیست و نهم اختیار کرده شده و نیکست از
برای هر حاجت که خواهد غیر کتابت تحقیق که مکروهست از برای
کتابت و می بیم من که سعی کند کاتب در هر حاجت انکه قادر شود
بران درین روز و کسی که خسته شود درین روز زود خوش
شود و صحت یابد و کسی که سفر کند درین روز میرسد باو مال بسیار
و بنده که بگریزد از صاحب خود باز گردد او روز سی ام اختیار کرد

شده و نیکست از برای هر حاجت از خرید و فروخت و زراعت
و نکاح و کسی که درین روز بیمار شود زود صحت یابد و فرزند که
درین روز متولد شود حلیم و مبارک و رفیع الشان باشد و راست
گو و وفادار باشد **فصل هفتم** در خاتمهٔ این کتاب و چون
ابتدا و افتتاح کردم این کتاب را بخطبهٔ امیر المؤمنین علی علیه السلام
از جهت تبرک باین خطبه و از برای آنکه این خطبه احاطه کرده است جمیع
آداب و اخلاق را خواستم من که ختم کنم من بخطبهٔ امیر المؤمنین که
نام نهاده شده است بسمات المؤمنین و رقم کرده شده بصفات
المتقین زیرا که حضرة امیر علیه السلام بهترین امامست از برای
مامون این خطبه و بلیغ ترین موعظه ایست از برای کسانی که قبول
کنندهٔ وعظند پس ختم کردم باین خطبه کتاب را پس گردید
مختوم ختامه مسک و شرح خطبه اینست روایه کرده شده که یکی از
اصحاب وصی رسول یعنی امیر المؤمنین علی علیه السلام که او
همام میگفتند مردی عابد بود و پس گفت همام یا امیر المؤمنین
صفت کن برای من متقیان را همچنانکه گویا من می بینم ایشانرا پس
گرانی کرد از جواب دادن او و بعد ازان گفت ای همام حذر کن

از خدا و نیکویی کن زیرا که الله تعالی با متقیانست و با نیکوکارانست
قناعت نکرد همام باین گفتن تا آنکه عزم کرد بر وی و حمد کرد خدای
تعالی را و ثنا کرد او را و صلوات فرستاد بر نبی و آل او و بعد
ازان گفت اما بتحقیق که الله سبحانه و تعالی آفرید خلق را در حینی
که آفرید ایشانرا مستغنی بود از طاعت ایشان ایمن بود از معصیت
ایشان زیرا که مضرت نمیرساند او را معصیت کسی که عاصیست
با و نفع نمیدهد او را طاعت کسی که اطاعت او کرده و قسمت کرد در میان
ایشان معیشتهای ایشانرا و وضع کرد و معین ساخت از دنیا برای
ایشان موضعهای ایشانرا پس کسانی که متقیانند در دنیا اهل فضایلند
گفتن ایشان نیکست و پوشیدن ایشان متوسط است یعنی نه کوتاه
و نه درازست و رفتن ایشان بتواضع و فروتنی است پوشانیده اند چشمهای
خود را از چیزهای حرام و وقف و حبس کرده اند شنوایی خود را بر علم
نافع نفع دهنده و نزول کرده نفسهای ایشان در بلا همچنانکه نزول
کرده در آسانی یعنی نزد ایشان تفاوت نمیکند سختی و آسانی
که اگر نمی بود اجل که تقدیر کرده الله تعالی از برای ایشان قرار
نمیگرفت روحهای ایشان در جسدهای ایشان یک چشم بر هم زدنی

از جهت شوق و میل بثواب و ترس و بیم از عقوبت و عذاب عظیم و بزرگست
خالق در نفسهای ایشان و کوچک و صغیرست غیر خالق در چشمهای
ایشان و نسبت ایشان با جنت همچنانست که تحقیق می بینند ایشان
جنت را و ایشان در دوزخ همچنانست که تحقیق می بینند آتش دوزخ
را و ایشان دران معذب اند و دلهای محزون و غمناکست و شرهای
ایشان مامونست یعنی که شر از ایشان نمی آید و جسدهای ایشان
ضعیف و نحیف و حاجتها اندک و نفسهای ایشان عفیف اند یعنی باز
داشته از حرام و اعانه و نصرت ایشان در اسلام بزرگست صبر میکنند
روزهای قلیل و اندک و در آخرة میباشد ایشانرا راحت طویل تجارت
ربح و سود دار آخرت میسر کرده الله تعالی بر ایشان دنیا میخواهد
ایشانرا و ایشان دنیا را نمیخواهند و طلب میکند دنیا ایشانرا و ایشان
عاجز ساخته اند دنیا را نمیخواهند و طلب میکند دنیا اقبال میکند دنیا با
ایشان و ایشان خصومت میکنند با دنیا و فارغند از دنیا اما در شب
پس قایم می باشند و قرائت جزءها از قرآن میکنند و میخوانند قرآنرا
بترتیل یعنی یکان یکان میخوانند و اندوهناک میسازند باین نفسهای
خود را و سرور میکنند باین دوای درد خود را پس وقتی که پرسند بآیتی از قرآن

که در وی شوق باشد بلقای خدا میل کنند بآن آیه از جهت طمع
بلقای حق و چشم میدارد نفسهای ایشان بآن آیه از جهت شوق
بجمال خدا و گمان برده اند که آن نصیب عین ایشانست و در دمی
که پرسند بآیتی که در وی تخویف باشد گوش میدارند بآن آیه گوش
دلها و گمان میبرند شداید جهنم را و از اهل جهنم که در اصل گوشهای
ایشانست پس ایشان هلاک کنند در میان ایشان تحمید و تعظیم میکنند
جبار بزرگ می اندازند روی خود را و دست خود را و زانوهای
خود را و طرفها و قدمها بر زمین طلب میکنند از الله تعالی آزاد کردن
ایشانرا از عذاب دوزخ بتحقیق که لاغر میسازد ایشانرا مثل بری
القداح یعنی چوب تیر که در نهایت باریکیست نظر میکند بسوی ایشان
ناظر پندارد که خسته اند ایشان و حال آنکه خسته نیستند و میگوید
که بتحقیق با ایشان رسیده است ملالت عظیم که ایشان چنین
لاغر شده اند وقتی که تزکیه کرده شود یکی را از ایشان که نیکی او گوینده
او را نسبت بصلاح ترسنده میشود از آن گفتن پس میگوید که من داناترم
بنفس خود از دیگری و رب من عالمترست از من بنفس خود پس از علامت
و نشانه یکی از ایشان آنست که بتحقیق تو می بینی از برای او قوتی در دین

یعنی در دین قوی باشد و جازم باشد در نرمی یعنی در درشتی
و درشتی با خلق خدا نکنند و از برای او با ایمان باشد در یقین و
از برای او حریص باشد در علم و از برای او علم باشد در حلم یعنی
حلیم باشند و دانا بحلم باشند و از برای او قصد باشد در غنی از
غیر خدا یعنی غنی باشد از ما سوی الله و از برای او خشوع باشد در
عبادت و از برای او تحمل باشد در تجزی و صبر باشد در سختی
و طلب باشد در چیزی حلال و نشاط باشد در راه راست و ایمان
و بیرون باشد از طمع عمل کند بصلاح و عمل بد نکند و او ترسان
باشد و شب که آید قصد او شکر باشد و صبح که آید قصد او ذکر باشد
شب خواب کند حذر کند از غفلت و صباح که برخیزد شادی
کند بچیزی که رسیده است باو از فضل و رحمت حق و از غفلت
خلاص شده اگر دشواری کند با و نفس او در مکروهی می بینی
تو که نزدیک باشد امید او و اندک باشد مذلت او و ترسان و
خاشع باشد دل او و قناعت کننده باشد نفس او و اندک باشد خوردن
او و آسان باشد کار او و محکم باشد در دین و مرده باشد شهوة او و فرو
برده باشد خشم او یعنی خشم نداشته باشد اندک باشد بدی او بسیار باشد

ذکر او راست باشد گفت او نیکی از و امید داشته شده باشد و اگر
در میان ذاکران باشد مکتوب نمیشود از غافلان عفو میکند کسی
را که بر و ظلم میکند و میدهد بکسی را چیزی که او را محروم کرده و وصلت
میکند بکسی که قطع کرده باشد از و و نیکی میکند با او و درست فحش
و بدی او نرم و آهسته میباشد گفتن او و درشت نیباشد و غایب
میباشد منکر او یعنی بدی او و درست از و و حاضر نیست حاضر میباشد
نیکی او و اقبال میکند با او نیکی او یعنی پیش می آید نیکی او و پس
میرود بدی او و در زلزله او حلیم و صاحب وقار است در مکروهات
صابر است و در خوشی در فراخیت شاکر است انتقام نمیکند با
کسی که با او عداوت کند و منع نمیکند کسی که دوست دارد او را از طلب
نمیکند چیزی را که نیست از آن او و انکار حق نمیکند که آن حق بر
او باشد و معترف میباشد بحق پیش از آنکه گواهی دهند بر و و فراموش
نمیکند چیزی را که یاد گرفته و گفته شده و لقب نمینهد کسی را بلقب
بد و مضرت مند نمیشود از همسایه و شادی نمیکند بمصیبتهای
مردم رفو میرود بنمازها و غمگین نمیسازد او را خاموشی او و هر گاه
که سخن گوید خطا نکند و هرگاه که او خنده کند بجا و زنکند آواز او

بگوش کسی قانع باشد بچیزی که آنچه از برای اوست و شرکتی نکند
با او خشم و رام او باشد و غالب نشود بر و هوس و آرزوی نفس
و معتور میشا زد او زاجل مخالطه می کند با مردم بواسطه آنکه عالم
شود و سخن نیکو بگوید بواسطه آنکه بسلامت باشد و سؤال میکند
تا فهم کند و تجارت میکند تا غنیمت گیرد یعنی اعمال صالحه میکند تا
ثمره آن در قیامت گیرد و کار خیر و نیک نمیکند بجهة آنکه فخر کند بدین
و سخن نمی کند بواسطه آنکه تعظیم کنند بر غیرتش و هرگاه که میخندد بلند
نمیکند آواز خود را و هرگاه که کسی ظلم و ستم کند بر و صبر میکند تا آنکه
که الله تعالی انتقام از و کشد و نفس او از و در شدت و طاعت
و مردم از و در راحت و فرحند بتعب و زحمت میدارد نفس خود
را از برای آخرة خود و براحت میرساند مردم را از نفس خود
و دوری او از کسیست که دور است از آنکس زهد و پاکی و نزدیکی
او بکسیست که نزدیکست با آنکس نرمی و رحمة و دوری او از مردم جهة تکبر
عظمة نیست و نزدیکی او از برای مکر و حیله و فریب نیست بعد از آن تمام
شد و بعد پس گفت امیر المؤمنین بخدا سوگند که میترسیدم من از این بیان
فرمود که چنین تاثیر میکند وعظی که با اهل آن گفته می شود پس گفت حضرت

امیر را شخصی که خواهد بود حال تو یا امیر المؤمنین پس فرمود حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلام ویل باد بر تو که از برای هر اجلی وقتی
هست که در نمیگذرد از آن و سببی هست خاموش باش و دیگر
مثل این سخنان مگو بدرستیکه این دمیده شیطانست بر زبان تو
هذا ما اردنا ان نجمع من سیر النبویه والاداب المرویة وقد وفینا بما شرطنا
و نسئل الله سبحانه و تعالی ان یوفقنا للعمل بذلک خالصا لوجهه وموجبا [?]
لرضوانه موصلا الی جنانه وکرامته بمنه وجوده وما توفیقی الا بالله علیه توکلت
والیه انیب وصلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین والحمد لله رب
العالمین تمت الرسالة الموسومة
بمکارم الاخلاق

مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲

رباعی

هر تار رخت را چون نماید
زلبت خنده پردن نماید

برنگ لاله رخم ماه که گل صد چاک شد
خدا چون من لاله رخم چراغ نماید

عنبرلب یک گلستانیم از نازم
الکه رخسار تو در آن یار رخسار

العبد الاحقر اسمعیل

تاریخ ولادت نور چشم ...
...

مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲
کتابخانه

١٣٩